

# بهايم حجابي



سال چهارم، شماره چهارم  
شماره مسلسل ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
مدیر مسئول: محسن جوادی  
سر دبیر: ابراهیم حاجیانی

اعضای هیئت تحریریه:

- شهاب اسفندیاری؛ دانشیار گروه سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران
- ناصر باهنر؛ استاد معارف اسلامی و فرهنگ ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
- ابراهیم حاجیانی؛ دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- مهدی حسین زاده یزدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران
- کریم خانمحمدی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- حسین حسینی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- علی ربانی خوراسگانی؛ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
- حسین سوزنجی؛ استاد استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- وحید شالچی؛ دانشیار دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
- محمود شهابی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
- افشار کبیری؛ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه
- منصوره فصیح رامنندی؛ هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
- علی یوسفی؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
- سیده راضیه یاسینی؛ دانشیار پژوهش هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

اعضای هیئت تحریریه بین المللی:

- محمد رضایی؛ پژوهشگر مرکز اسلام جهانی دانشگاه گوته
- عقیل دغاقله؛ پژوهشگر علوم اجتماعی دانشگاه رانگرز



شایا: ۳۵۷۷ - ۲۷۸۳

مدیر داخلی: رقیه مهري

ویراستار فارسی: شهناز شفیعی خانی

صفحه آرایی: حامد خلیلی

بهای تک شماره: ۱۱۰ هزار تومان

آدرس صفحه اینترنتی: <http://scsj.ricac.ac.ir>

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولیعصر، خیابان دمشق،

شماره ۹

صندوق پستی: ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۶ - ۰۲۱

نمبر: ۸۸۸۹۳۰۷۶ - ۰۲۱

فصلنامه «مطالعات راهبردی فرهنگ» به صاحب امتیازی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات پس از اخذ پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۰۸۰ از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات به منظور تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور به طور مستمر و در قالب فصلنامه در حال انتشار است.

فصلنامه مذکور، در دو نسخه چاپی و الکترونیکی منتشر می‌شود و فصلنامه براساس اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و پایگاه استنادی جهان علوم اسلام (ISC) از بهار ۱۴۰۱ موفق به کسب «رتبه علمی» شد.







## اهداف فصلنامه

این فصلنامه به گسترش، ارتقاء و انتشار دستاوردها و یافته های تحقیقاتی در زمینه برنامه ریزی، سیاست گذاری، مدیریت فرهنگی در کشور و ابعاد مختلف آن مانند آینده پژوهی، تحلیل های سیاستی، ارزیابی خط مشی ها، ارائه پیشنهاد های سیاستی، تجزیه و تحلیل ساختارهای مدیریتی، مالی، تصمیم گیری فرهنگی و موضوعاتی از این قبیل می پردازد تا به واسطه آن دانش مطالعات راهبردی در حوزه فرهنگ تقویت و زمینه تحقق اهداف و سیاست های فرهنگی کشور فراهم آید.

## محورهای فصلنامه:

### ۱) سیاست گذاری فرهنگی یا حکمرانی فرهنگی در ایران

۱-۱. ارائه ایده ها، طرح ها، برنامه ها و سیاست های مسئله محور در حوزه فرهنگی با هدف حل یا مدیریت یک مسئله، معضل، بحران و مشکل فرهنگی؛  
۱-۲. تحلیل فرایندهای تصمیم گیری، برنامه ریزی در دستگاه های مختلف فرهنگی کشور؛

۱-۳. تحلیل نظام های آموزشی، پژوهشی و خدمات فرهنگی در ایران؛

۱-۴. تحلیل و ارزیابی گفتمان ها و سیاست های بالادستی کشور در حوزه فرهنگ.

### ۲) مدیریت تغییرات و تحولات فرهنگی

۲-۱. تحلیل تغییرات فرهنگی و مدیریت تحولات فرهنگی در ایران و سایر کشور؛

۲-۲. مباحث توسعه فرهنگی، دین و توسعه، فرهنگ و فناوری و...؛

۲-۳. دیده بانی یا رصد تحولات فرهنگی.

### ۳) مسائل فرهنگی بین المللی

۳-۱. دیپلماسی فرهنگی؛

۳-۲. روابط فرهنگی بین المللی؛

۳-۳. قدرت نرم، تهدیدات نرم و...؛

۴) آینده پژوهی در حوزه های مختلف فرهنگی.

مقالاتی در حوزه فرهنگ عامه پسند، سبک زندگی، جوانان، زنان، هویت، قومیت، فرهنگ نخبه پسند، دموکراسی فرهنگی، انسجام ملی، تعلیم و تربیت، زبان، معماری، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق، امنیت فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مصرف کالاهای



فرهنگی و از این قبیل قابل پذیرش خواهد بود.

### چارچوب تنظیم و تدوین مقالات علمی

با توجه به ماهیت و خط‌مشی فصلنامه نحوه تنظیم، تدوین و تبویت مقالات در این مجله دارای تفاوت‌هایی با سایر مجلات است. البته با توجه تنوع مسائل و موضوعات سیاسی چارچوب پیشنهادی زیر عمدتاً می‌تواند برای مقالاتی که قصد ارائه ایده‌های جدیدی برای حل مسئله معین را دارند بکار روند. لذا در سایر موضوعات که نویسندگان به مسائلی همچون آینده‌پژوهی، فرایندهای سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری، ارائه ایده‌های جدید و خلاقانه، تحلیل محتوای اسناد بالادستی و از این قبیل موضوعات می‌پردازند. کمتر قابل پیاده‌سازی است. چارچوب این‌گونه مقاله‌ها می‌تواند به چارچوب‌های رایج مقالات عملی-پژوهشی نزدیک باشد اما و در هر حال انتظار آن است که این‌گونه تحلیل‌ها نیز معطوف به ارائه راهبردهای اجرایی و عملی به نظام اجرائی و دستگاه‌های فرهنگی کشور باشند. انتظار است که فرمت یا چارچوب ارائه مقالات به نحو زیر انجام پذیرد:

۱) عنوان و چکیده و کلیدواژه‌ها: در چکیده الزاماً باید مسئله (مشکل سیاسی)، نحوه دستیابی به راه‌حل‌ها و به‌ویژه راه‌حل‌ها بنحو شفاف بیان شود.

۲) طرح مسئله: از آنجا که مطالعات سیاست‌پژوهی با رویکرد حل یا مدیریت مسئله (مسئله محوری) انجام می‌شوند لذا در بیان مسئله نویسندگان باید به اثبات مسئله پرداخته، شواهد و قرائن وجود مسئله، سوابق و پیامدهای مخرب آن برای نظام فرهنگی کشور را بیان کنند. شایسته است در این جا خوانندگان با ابعاد و سطوح مشکل، مسئله، بحران یا چالش خاص فرهنگی آشنا شوند.

۳) مرور پیشینه: ارزیابی انتقادی تحقیقات پیشین که با رویکرد سیاست‌پژوهی به تحلیل مسئله و ارائه راهبرد پرداخته‌اند.

۴) مرور سوابق سیاسی: معرفی و تحلیل انتقادی مجموعه تدابیر، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های اجراء شده یا در حال اجراء برای حل یا مدیریت مسئله در طول چند دهه گذشته در ایران یا کشورهای دیگر و بطور کلی در واحدهای تحلیل مختلف (سازمان‌ها، بنگاه‌ها، دولت‌ها، مقاطع زمانی مختلف و...) با رویکرد تطبیقی و با هدف استفاده از تجربیات سیاسی به‌دست آمده، شکست‌ها، موفقیت‌ها و یادگیری‌های سیاسی

۵) روش‌شناسی: بیان شفاف روش تولید شواهد و داده‌ها. در اینجا باید تأکید کرد که



روش‌شناسی مقالات سیاستی باید داده‌محور (شواهد محور) بوده و مبتنی بر اطلاعات و تجربیات عینی و ملموس باشد. این روش‌ها باید ریشه در ادبیات مطالعات راهبردی، سیاست‌پژوهی و برنامه‌ریزی استراتژیک داشته و مقاله باید علی‌القاعده از داده‌های ترکیبی و روش‌شناسی آمیخته بهره گرفته باشد. اشاره به روایی و اعتبار یافته‌ها نیز مهم است.

۶) ارائه راهبردها: انتظار دارد نویسندگان در این بخش یافته‌های حاصل را در چارچوب روش‌شناختی (آمیخته) بیان نموده (به‌خصوص با نقد و ارزیابی تجارب جهانی و ایرانی برای حل مسئله و نیز تبیین ارزش‌های ورودی) به تناسب گرایش تخصصی خود اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مورد نظر خود را بصورت منقح و دسته‌بندی شده و تفصیلی بیان نمایند.

۷) باتوجه به ماهیت مقالات سیاست‌پژوهی پیشنهاد می‌شود نویسندگان محترم به مباحث تکمیلی از جمله نحوه ارزیابی سیاست‌ها و تدابیر پیشنهادی، نگاهت‌نهادی و تقسیم کار ملی و بین‌بخشی (برای اجراء سیاست‌ها)، الزامات و موانع پیاده‌سازی و اجراء، نحوه تخصیص و تأمین منابع و ... توجه نمایند.

#### ۸) فهرست منابع

نویسندگان محترم باید توجه داشته باشند که مخاطبان یا مشتریان این مقالات جامعه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور هستند. ضمن آنکه معیارهای قضاوت داوران فصلنامه نیز براساس ملاحظات بالا و به‌طور ویژه «دستاوردها و یافته‌های سیاستی مقاله» خواهد بود و لذا ارائه یافته‌ها و راهبردهای کلی، اجمالی، تکراری و فاقد ارزش افزوده Added Values برای مراجع سیاست‌گذاری کشور، باعث عدم پذیرش مقالات خواهد شد.






## فهرست مطالب


- تدوین مدل سیاست‌گذاری شهری رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران  
محمد مهدی ایزدخواه، محمد اسدی، میثم میرزاخانلری ..... ۹
- آینده پژوهی تحولات معماری استان گیلان مبتنی بر مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی  
رضا نقدبیشی، سعید عظمتی، کیمیا جمشیدزاده ..... ۵۹
- راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت نشاط در خانواده  
حامد اهتمام، فائزه تقی‌پور، سیامک کورنگ بهشتی ..... ۸۷
- تحلیل پدیدارشناختی فرهنگ خوابگاهی: تجربیات و ادراکات دانشجویان دختر از زندگی خوابگاهی  
افشار کبیری، جعفر احمدی ..... ۱۲۵
- ارزیابی چالش‌های حقوقی اداره‌مساجد در ایران  
جواد محمودی ..... ۱۶۷
- رویکردهای حکومت پیرامون خط‌مشی‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران  
میثم فرخی ..... ۱۹۹
- وظایف حکومت دینی در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی  
منصوره فصیح رامندی ..... ۲۳۹
- مطالعه رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران  
علی اکبری، سمیه تاجیک اسماعیلی، سروناز تربتی ..... ۲۷۵






## The Urban Policy Model for the Prosperity of Cultural Economy in Tehran

**Mohammad Mahdi Izadkhah** , Adjunct Professor, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, Email: [izadkhah.m@semnan.ac.ir](mailto:izadkhah.m@semnan.ac.ir)

**Mohammad Asadi** , Ph.D. graduate, Faculty of Economics and Management, Semnan University, Semnan, Iran, Email: [mhmd.asadi@gmail.com](mailto:mhmd.asadi@gmail.com)

**Meisam Mirzakhani** , M.S. graduate, Civil Engineering Department, Imam Khomeini International University Qazvin, Iran, Email: [meisam.khanlari@gmail.com](mailto:meisam.khanlari@gmail.com)

### Abstract

**Subject:** The economy of culture is one of the areas that has shaped the direction of economic development in today's world under the concept of "cultural industries" and focuses on the role of people's (citizens') creativity in production. According to the United Nations classification, the various sectors of cultural industries include art, books, films, paintings, festivals, handicrafts, music, design, animation, and video games. These sectors have a positive impact on the economic growth of their areas of activity through the creation of intellectual property and employment. From this perspective, the potential role of local governments, especially municipalities, in supporting the growth of these industries is more prominent than other industries. The present study aims to develop a well-documented and effective policy-making model to support the municipality in the prosperity of the cultural economy in Tehran.

**Methodology:** The data, which includes primary data (direct observations and questions) and secondary data (study of documents, written experiences, and lessons learned), were analyzed using the grounded theory strategy. This strategy extracts the latent pattern in the data in three stages of open, axial, and selective coding. The pattern extracted from these stages includes the axial category, causes, background and intervening conditions, strategies, and finally consequences. It is presented as a paradigmatic model. The research orientation is primarily fundamental, but considering the requirements of the upstream documents of the project, especially the Third Development Plan of Tehran, it is considered an applied research. Considering the purpose of the research, which is to develop a model, the strategy used is the grounded theory strategy. In terms of time horizon, the research was designed and implemented as a single-section, and the main method of collecting research data was interviews. In addition to extracting the pattern, using the SWOT model, strengths and weaknesses (internal factors affecting policies) and opportunities and threats (external factors affecting policies) were analyzed from the interviews and strategic suggestions were presented based on them. The proposed strategies were developed around four main axes: infrastructure, facilitation, education, and income generation.

**Findings:** The most important achievements of the present study are:



- Developing a policy-making model for the prosperity of the cultural economy in Tehran from the perspective of urban governance
- Prioritizing definable support policies based on urgency and effectiveness
- Explaining the axes of education, infrastructure, facilitation, and income generation in the model
- Explaining the revenue sources of Tehran Municipality from the point of support policies
- Developing a revenue model for the municipality in the field of the prosperity of the cultural economy

**Conclusion:** Given the various approaches developed towards the category of cultural economy, the dominant approach for the prosperity of this field and achieving the desired situation is the economic approach. The main features of this approach are the emphasis on the economic functions of cultural industries such as wealth creation or its economic dimensions such as economic growth. The most important proposition considered by policymakers, especially in municipalities and local governments, is “cultural industries as drivers of economic development,” which shows that the stakeholders of these industries emphasize the economic capacities of cultural industries more than any other category. Peter Hall, an urban planning theorist, stated in the final years of the 20th century that cultural industries will form the core of urban development activities in the future.

**Keywords:** Culture Economy, Tehran Municipality, Paradigm Model, Cultural Industries, Revenue Sources.

## تدوین مدل سیاست‌گذاری شهری رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران<sup>۱</sup>

محمد مهدی ایزدخواه<sup>۲</sup>، محمد اسدی<sup>۳</sup>، میثم میرزاخانلری<sup>۴</sup>

### چکیده

اقتصاد فرهنگ یکی از حوزه‌هایی است که ذیل مفهوم «صنایع فرهنگی»، شکل دهنده جهت توسعه اقتصادی در دنیای امروز شده است و تمرکز آن بر نقش خلاقیت مردم (شهروندان) در تولید است. بر اساس دسته‌بندی سازمان ملل، بخش‌های مختلف صنایع فرهنگی عبارت از هنر، کتاب، فیلم، نقاشی، فستیوال‌ها، صنایع دستی، موسیقی، طراحی، پویانمایی و بازی‌های ویدیویی است. این بخش‌ها از طریق خلق دارایی‌های فکری و نیز ایجاد اشتغال تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی منطقه فعالیت خود می‌گذارند. از این منظر، نقش بالقوه حکومت‌های محلی، خصوصاً شهرداری‌ها، در حمایت از رشد این صنایع، نسبت به سایر صنایع پررنگ‌تر است. پژوهش حاضر باهدف توسعه یک مدل سیاست‌گذاری مدون و اثربخش برای حمایت شهرداری از رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران انجام شده است. جهت‌گیری پژوهش در وهله اول بنیادی است اما با توجه به الزامات اسناد بالادستی پروژه، خصوصاً برنامه توسعه سوم شهر تهران، یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. داده‌ها که مشتمل بر داده‌های اولیه (مشاهدات و پرسش‌های مستقیم) و داده‌های ثانویه (مطالعه اسناد، تجارب مکتوب و درس‌آموخته‌ها) است، با استفاده از استراتژی نشریه‌مبنایی تحلیل شده‌اند. این استراتژی در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به استخراج الگوی نهفته در داده‌ها می‌پردازد. الگوی استخراج‌شده از این مراحل، مشتمل بر مقوله محوری، علت‌ها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و درنهایت پیامدها می‌شود که به صورت مدل پارادایمی ارائه شده است. علاوه بر استخراج الگو، با استفاده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

۱. این مقاله برگرفته پژوهشی از طرح با عنوان «تدوین سند جامع اقتصاد فرهنگ» با شماره قرارداد ۲۸۸۷۴۶/۱۳۷ با حمایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است.

۲. استاد مدعو، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول).  
izadkxah.mehdi@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سمنان.  
mhmd.asadi@gmail.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه عمران، دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.  
meisam.khanlari@gmail.com

از مدل SWOT، نقاط قوت و ضعف (عوامل داخلی اثرگذار بر سیاست‌ها) و فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل بیرونی اثرگذار بر سیاست‌ها) از بطن مصاحبه‌ها و آکاوای و پیشنهاد‌های راهبردی بر مبنای آن‌ها نیز ارائه شده است. راهبردهای پیشنهادی حول چهار محور اصلی بسترسازی، تسهیل‌گری، آموزش و درآمدزایی تدوین شده است. با توجه به رویکردهای مختلف توسعه‌یافته نسبت به مقوله اقتصاد فرهنگ، رویکرد غالب برای رونق این حوزه و نیل به وضع مطلوب، رویکرد اقتصادی است. ویژگی‌های اصلی این رویکرد، تأکید بر کارکردهای اقتصادی صنایع فرهنگی مانند خلق ثروت و یا ابعاد اقتصادی آن مانند رشد اقتصادی است.

### واژگان کلیدی

اقتصاد فرهنگ، شهرداری تهران، مدل پارادایمی، صنایع فرهنگی، منابع درآمدی.

## مقاله

فرهنگ و اقتصاد به‌عنوان دو بخش اصلی جامعه تأثیرات متقابلی بر یکدیگر و بر پیکره جامعه دارند. در این بین اقتصاد فرهنگ با اقتصادی‌نمودن فرهنگ از طریق تحلیل‌های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع به فعالیت‌های فرهنگی متناسب با اهداف فرهنگی جامعه؛ به غنای فرهنگ و رشد اقتصادی جامعه کمک نموده و سهم عظیمی در حل مشکلات اساسی و پیشبرد اهداف گوناگون یک نظام اجتماعی بازی می‌کند. اقتصاد فرهنگ به واسطه قدرت نرم نهفته در محصولات خود نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در مسیر پیشرفت استقلال و اقتدار یا انحطاط و سلطه‌پذیری جوامع دارد و از سویی در برگیرنده اقتصاد با تمامی ویژگی‌ها و از سوی دیگر در برگیرنده فرهنگ و موضوع‌های آن است (مسعودی‌نیا، رشیدپور و ابراهیم‌زاده، ۱۴۰۰).

از طرفی، اقتصاد فرهنگ، شاخه‌ای علمی برخاسته از علوم اقتصاد و فرهنگ است که در آن به کارگیری تئوری‌های اقتصادی استاندارد با در نظر گرفتن شرایط ویژه آن در فرهنگ محقق می‌شود. اقتصاد فرهنگ توصیف و تحلیل ویژگی‌های مشهود عرضه و تقاضا و نیز ویژگی‌های رابطه متقابل عرضه و تقاضا در صنایع گوناگون تشکیل‌دهنده بخش فرهنگ است (برتون، ۱۳۸۸). همچنین اقتصاد فرهنگ به کاربرد نظریه‌های اقتصادی در تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی و تخصیص بهینه منابع اشاره دارد (ناظمی اردکانی و صیادی، ۱۳۹۳).

این پژوهش باهدف توسعه یک مدل سیاست‌گذاری مدون و اثربخش برای حمایت شهرداری از رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران انجام شده است. جهت‌گیری پژوهش در وهله اول بنیادی است اما با توجه به الزامات اسناد بالادستی پروژه، به‌خصوص برنامه توسعه سوم شهر تهران، یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. با توجه به هدف پژوهش که توسعه مدل است، استراتژی مورد استفاده استراتژی نظریه‌مبنایی است. از نظر افق زمانی، پژوهش به صورت تک‌مقطعی طراحی و اجرا شده و شیوه اصلی گردآوری داده‌های پژوهش نیز مصاحبه بوده است.

مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- تدوین مدل سیاست‌گذاری رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران از منظر حکمرانی شهری؛
- اولویت‌بندی سیاست‌های حمایتی قابل تعریف بر مبنای فوریت و اثربخشی؛
- تبیین محورهای آموزش، بسترسازی، تسهیل‌گری و درآمدزایی در مدل؛

- تبیین منابع درآمدی شهرداری تهران از محل سیاست‌های حمایتی؛
- تدوین مدل درآمدی شهرداری در حوزه رونق اقتصاد فرهنگ.

### پیشینه پژوهش

حوزه مطالعاتی اقتصاد فرهنگ به سال ۱۹۵۹ میلادی برمی‌گردد و کشورهای پیشرفته توانسته‌اند تا حدودی مبانی نظری مربوط به این حوزه را پرورش داده و تجارب عملی به دست آورند. در مقابل حوزه تحقیقاتی اقتصاد فرهنگ در ایران پدیده نوظهوری است که سابقه آن به بیش از دو دهه نمی‌رسد، بنابراین مطالعات اندکی به‌ویژه از دیدگاه جامعه‌شناختی در حوزه سیاست‌پژوهی که به بررسی موانع و راهکارهای سیاستی بپردازد انجام شده است. در ادامه به برخی مطالعات داخلی و خارجی موجود اشاره می‌گردد (پرجمی و درخشان، ۱۴۰۱: ۲۹-۷۶).

داود پرجمی و فائزه خدایاریان (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تفاوت نسلی و اقتصاد فرهنگ (مطالعه شهر تهران)» با استفاده از روش پیمایش از میان ۳۷۷ نفر از شهروندان ۱۵ تا ۶۵ ساله شهر تهران به بررسی تفاوت نسلی در اقتصاد فرهنگ پرداخته است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد در حوزه مصرف کالاها و خدمات فرهنگی میان گروه‌های نسلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و بیشترین میزان مصرف مربوط به نسل جوان و کمترین میزان مصرف مربوط به نسل بزرگسال است. این تفاوت به‌طور کلی در هر پنج حوزه کتاب، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و بازی‌های دیجیتال معنی‌دار است.

پورزکریا و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش صنایع فرهنگی و خلاق در ایجاد بستر سیاست‌گذاری فرهنگی شهری در شهر رشت» با تکیه بر تحقیقات تجربی، تلاش می‌کند تا نقش مهم صنایع خلاق فرهنگی محلی را در کنار ارزش‌های اجتماعی در ایجاد بستر شهری خلاق، با توجه به ضرورت وجود بستر فرهنگی شهری در ایران، استدلال کند. همچنین بر اهمیت مشارکت جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری و افزایش آگاهی در میان گروه‌های مختلف ذی‌نفعان تأکید می‌کند.

مسعودی نیا و رشیدپور (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای مؤثر بر تقویت ساختار اقتصاد فرهنگ ایران» از طریق اجرای مصاحبه کیفی با ۲۰ نفر از صاحب‌نظران و عوامل باتجربه علمی یا عملی در حوزه‌های گوناگون اقتصاد فرهنگ، با توجه به نقاط قوت و ضعف اقتصاد فرهنگ به بررسی راهبردهایی که موجب تقویت اقتصاد فرهنگ

می‌گردد پرداختند. نتایج تحقیق طی استخراج ۱۵ مضمون اصلی شامل موارد: «تدوین سیاست‌های کارآمد»، «گفتمان‌سازی»، «بهبود فضای کسب‌وکار فرهنگی»، «اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی»، «مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی»، «قاعده‌مندشدن حمایت‌های کارشناسی‌شده»، «ایجاد پایگاه‌های داده‌های دقیق» و غیره می‌باشد. بسیاری از مضامین با ویژگی‌های دولت تسهیلگر همخوانی دارد. جهانیان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصادمقاومتی» با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش و جایگاه و ویژگی‌های دولت در توسعه‌ی یکی از مهم‌ترین صنایع فرهنگی می‌پردازد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که حضور دولت در امر گردشگری و فراهم‌سازی زمینه‌ها و حمایت از آن ضروری است. با این حال تمرکز دولت بایستی در کنار حمایت، شرایط برای حضور بخش خصوصی و مشارکت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در این حوزه را فراهم کند.

لی (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل عوامل رقابتی صنعت فرهنگی در استان شانس چین» با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به بررسی عوامل، زمینه‌ها و موانع موجود بر سر راه پیشرفت صنایع فرهنگی و رقابت‌پذیری آن در این استان می‌پردازد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که منابع فرهنگی، مصرف فرهنگی، پتانسیل فرهنگی از عوامل تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری فرهنگی یک منطقه است؛ بنابراین به منظور ارتقای رقابت‌پذیری صنایع فرهنگی در منطقه لازم است که غنی‌سازی منابع فرهنگی و افزایش مصرف محصولات فرهنگی و پس از آن حمایت از منابع انسانی و مادی در اولویت قرار گیرد.

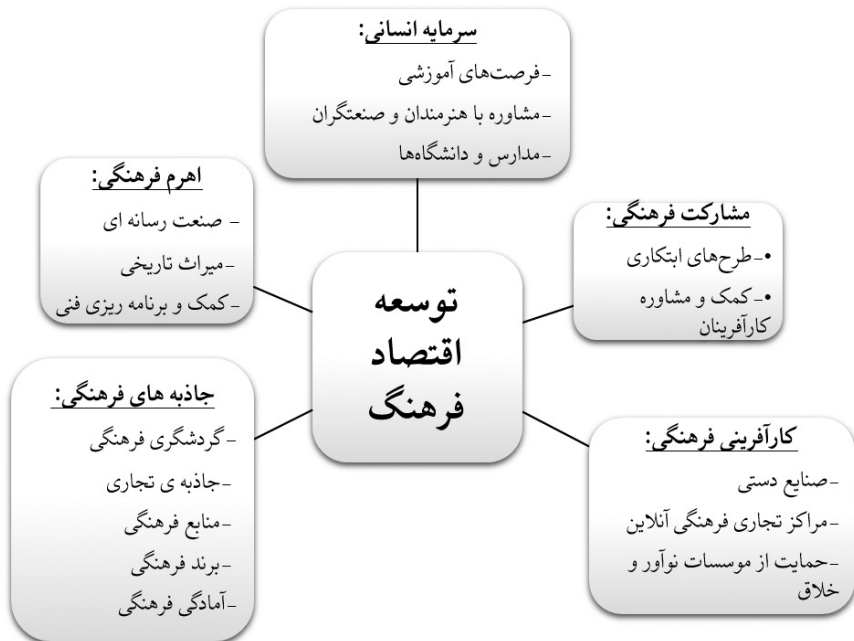
سریزولا<sup>۱</sup> و پانزرا<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «شهرهای فرهنگی و خلاق و کارایی اقتصاد منطقه‌ای: شرایط زمینه‌ای به عنوان کاتالیزور نشاط فرهنگی و اقتصاد خلاق» بیان نمودند که فرهنگ و خلاقیت به عنوان محرک و تقویت‌کننده عملکرد اقتصادی شهرها، موجب توسعه اقتصادی شهرها شده است. در واقع ویژگی‌های فرهنگی و خلاقانه شهرها به عنوان یک نقطه قوت و فرصت استراتژیک تلقی شده که می‌تواند به نفع نظام اقتصادی کل مناطقی که شهرها در آن قرار دارند، تسری یابد و از این طریق توسعه را فراهم آورد.

لیو<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر توسعه صنعت فرهنگی و خلاق بر رشد اقتصادی: مناطق شانگهای و جیانگ سو» بیان نمود که صنایع فرهنگی با ویژگی‌های

ذاتی دانش محور، ارزش افزوده بالا و عملکرد ترکیبی خود به تدریج به یکی از بالقوه‌ترین صنایع در چین تبدیل شده است و نقشی نیرومند و پیشرو در توسعه صنعت سوم (فرهنگ، اقتصاد، خلاقیت) دارد. این مقاله با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره ثابت نمود که رونق این صنعت نوظهور تا حد زیادی به توسعه اقتصادی کمک کرده و اقدامات متقابل و پیشنهادهای مربوط را ارائه می‌کند که تأثیر حیاتی بر توسعه اقتصادی منطقه دارد و ارتقای ساختار صنعتی را به درستی محقق می‌سازد.

برای مدت طولانی، صنایع فرهنگی به‌عنوان یک پدیده اقتصادی موضوع مورد توجه پژوهشی خاصی نبود. تا پایان دهه ۱۹۹۰، نتایج تحقیقات انجام‌شده در کشورهای توسعه‌یافته نشان داد که صنایع فرهنگی و خلاق نرخ رشد بالایی از تولید ناخالص داخلی (GDP) یا ارزش افزوده ناخالص (GVA) و اشتغال ایجاد می‌کنند. آن‌ها به‌طور بالقوه دارای ویژگی‌های یک بخش پیشرو هستند که می‌تواند باعث رشد کل اقتصاد شود. برخی از بخش‌های آن‌ها (مثلاً طراحی) می‌توانند اثراتی را برای اقتصاد ایجاد کنند و آن‌ها می‌توانند نیروی کار، کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری باکیفیت بالا را جذب کنند و خلاقیت و نوآوری را در تمام بخش‌های اقتصاد تحریک کنند. همه این‌ها بحث بسیار شدید اقتصادی، سیاسی و دانشگاهی را در مورد سهم صنایع فرهنگی در توسعه اقتصادی به راه انداخته و به بررسی مجدد نقش آن‌ها در توسعه ساختاری و تغییرات اقتصاد منجر شد. علاقه روزافزون به صنایع فرهنگی و پذیرش سریع آن‌ها به‌عنوان یک مدل نسبتاً کلی برای رسیدگی به مشکلات توسعه در سطح اقتصادی و سیاسی، باعث شد که صنایع فرهنگی به یک مؤلفه کلیدی در تدوین سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه تبدیل شوند. در این راستا، در چندین کشور تمایل روبه‌رشدی برای گنجانیدن جنبه‌های مختلف (ظرفیت تولید، طبقه خلاق، امکانات فرهنگی و غیره) صنایع فرهنگی در سنجش عملکرد توسعه ملی به وجود آمد. صنایع فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای به اجزای مهم اقتصاد مدرن تبدیل می‌شوند. UNESCO

(Handbook - 2012 Framework for Cultural Statistics)



شکل ۱. مؤلفه‌های توسعه اقتصاد فرهنگ از نظر دپارتمان HAL میشیگان

استراتژی توسعه اقتصاد فرهنگ برای نخستین بار توسط آندرسون در سال ۲۰۰۶ برای ایالت میشیگان مطرح شد که بر آن دسته از فعالیت‌هایی که در حوزه مستقیم دپارتمان‌های تاریخ، هنر و کتابخانه‌ها و بخش‌های مشابه آن در دولت و بخش فرهنگی میشیگان قرار می‌گیرند، متمرکز بود. هدف نهایی آن، دستیابی به پتانسیل اقتصادی بخش فرهنگی میشیگان بود. استراتژی تدوین‌شده در دپارتمان HAL شامل پنج بُعد بر اساس شکل بالا طبقه‌بندی شده است (Anderson, 2005).

افزایش روزافزون تعداد بازیگران در صنایع فرهنگی، آن را به حوزه مهمی برای تمرکز تحقیقاتی تبدیل نموده است. صندوق SDG سازمان ملل<sup>۱</sup> برنامه‌های متعددی را برای آوردن رهبران صنایع فرهنگی به خط مقدم توسعه پایدار اجرا می‌کند (Howkins, 2001). امروزه مفهوم اقتصاد فرهنگ برای کشورهای زیادی، بسیار گسترده‌تر از مفهوم استنباط‌شده آن در مکتب فرانکفورتی‌ها، قابل درک و بررسی است. به طوری که صنعت فرهنگ به عنوان یک پیشران فرهنگی و اقتصادی مهم برای این جوامع ضرورت پیدا کرده است. «کالا‌های فرهنگی» و «خدمات فرهنگی» حوزه‌هایی هستند که اقتصاد

فرهنگ با آن‌ها شناخته می‌شود. محصول فرهنگی عبارت است از شیء یا خدمتی قابل استفاده و مفید که توسط افرادی از جامعه برای ارضای نیازهای فرهنگی سایرین تولید و در فرایند مبادله با کالاها و خدمات دیگران اعم از فرهنگی یا غیرفرهنگی معاوضه گردد (مظاهری، رشیدپور، ۱۳۹۱).

همچنین، بسیاری از شهرهای در کلاس جهانی، به نقاط کانونی برای صنایع خلاق و فرهنگی و بالتبع، برای سرمایه‌ها، استعدادها و نیز منابع لازم برای ایجاد یک خوشه صنعتی تبدیل شده‌اند. شهرهایی مثل بوینس آیرس، برلین، ونکوور، سئول و شانگهای از طرف یونسکو به عنوان «پایتخت‌های طراحی» نامگذاری شده‌اند. شهرهایی که همگی متعهد به توسعه صنایع فرهنگی و خلاق و نیز حمایت از مشخصه‌های منحصربه‌فرد فرهنگ خود هستند (Liu & Chiu, 2017).

در پژوهش پیش رو از نتایج برخی تحقیقات مطرح شده در مؤلفه‌ها، موانع و عوامل مؤثر بر توسعه اقتصاد فرهنگ استفاده شده است. همچنین با مرور برخی مطالعات انجام شده در این حوزه به‌ویژه مطالعات داخلی مشاهده می‌گردد که در بستر سیاست‌گذاری و در مقام اجرایی کردن سیاست‌ها در رونق اقتصاد فرهنگ از بالا به پایین و در پایین‌ترین زنجیره عملی یعنی پایگاه‌های محلی و شهرداری‌ها مطالعه دقیقی صورت نگرفته که منجر به راهکارهای عملکردی گردد و با توجه به اهمیت موضوع ضرورت می‌یابد که این رویکرد نیز مورد بررسی قرار گیرد.

## مبانی نظری پژوهش

مفهوم صنعت فرهنگی برای نخستین بار توسط دو نظریه‌پرداز مکتب فرانکفورت به نام‌های «تئودور آدورنو» و «ماکس هورکهایمر»<sup>۲</sup> بیان شده که از دهه ۱۹۳۰ به بعد، این دو اندیشمند به نقد جامعه نوین سرمایه‌داری پرداخته و این پدیده را در ابتدا دشمن بشریت و جامعه تلقی کرده‌اند. از دیدگاه صاحب‌نظران این مکتب، نظام سرمایه‌داری و محصولات تولیدشده در این نظام موجب استقرار سلطه فناوری بر فرهنگ بشریت شده است و این سلطه، هر نوع امکان‌رهایی، دگرگونی، آگاهی و آزادی را از میان برده است. بر این اساس، هورکهایمر و آدورنو در سال ۱۹۴۷ اصطلاح صنعت فرهنگ را به‌منظور توصیف فرآورده و فرایندهای فرهنگ توده‌ای ساختند.

پیتر هال<sup>۱</sup> نظریه‌پرداز برنامه‌ریزی شهری، در سال‌های پایانی قرن بیستم عنوان کرده بود که صنایع خلاق و فرهنگی، هسته اصلی فعالیت‌های توسعه شهری را در آینده تشکیل خواهند داد. در انگلستان، به‌عنوان یکی از کشورهای شاخص در حوزه توسعه صنایع فرهنگی، سهم این صنایع از سهم صنعت خدمات مالی بیشتر است (Howkins, 2001).

برتون در مقاله‌ای پیرامون اقتصاد فرهنگ تعریفی این‌گونه ارائه کرد: آنچه می‌توان اقتصاد فرهنگ نامید، توصیف و تحلیل ویژگی‌های مشهود عرضه و تقاضا و نیز ویژگی‌های رابطه متقابل عرضه و تقاضا در «صنایع» گوناگون تشکیل‌دهنده بخش فرهنگ است (برتون، ۱۳۸۸).

بر اساس دیدگاه تراپسی<sup>۲</sup>، فرهنگ از سه طریق عمده می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جامعه اثرگذار باشد:

۱. فرهنگ می‌تواند بر کارایی اقتصادی تأثیر بگذارد؛ از طریق ترویج ارزش‌های مشترک درون‌گروه که راه‌های انجام فراگردهای اقتصادی تولید توسط اعضای گروه را تعیین می‌کنند. برای مثال، اگر این ارزش‌های فرهنگی به تصمیم‌های مؤثرتر، نوآوری سریع‌تر و متنوع‌تر و سازگاری با تغییر منجر شوند که در نتیجه به بهره‌وری اقتصادی و پویایی گروه و نیز به احتمال زیاد سرانجام درآمدهای مالی بهتر (در مورد یک بنگاه نوعی) یا در میزان رشد بالاتر (در مورد اقتصاد) منعکس خواهد شد.

۲. فرهنگ می‌تواند بر انصاف تأثیر گذارد، برای مثال، با القای اصول اخلاقی مشترکی که سبب می‌شوند دغدغه دیگران را داشته باشیم و بنابراین ایجاد سازوکارهایی را تشویق می‌کنند که این دغدغه به‌وسیله آن‌ها بیان می‌شود. در مورد جامعه به‌عنوان یک کل، چنانچه تعهد اخلاقی برای توجه به نسل‌های بعدی یک ارزش فرهنگی مقبول باشد، آنگاه یک جنبه مهم از این امر را می‌توان در انصاف بین نسلی مشاهده کرد. به‌طور کلی، تأثیر فرهنگ بر انصاف، در تصمیم‌های گروه در زمینه تخصیص منابع، یعنی تصمیم‌هایی که معطوف به حصول پیامدهای منصفانه برای اعضای گروه، مشاهده خواهد شد.

۳. می‌توان فرهنگ را تأثیرگذار بر اهداف اقتصادی و اجتماعی یا حتی تعیین‌کننده اهداف اقتصادی و اجتماعی دانست که گروه تصمیم می‌گیرد آن‌ها را تعقیب

کند. در سطح يك گروه كوچك، به فرض يك شركت تجاری، ممکن است در فرهنگ شركتی دغدغه و توجه به کارمندان و شرایط کاری آنان وجود داشته باشد و ممکن است این ارزش‌ها از اهمیت سودجویی یا دیگر مقاصد اقتصادی در اهداف شركت تجاری بکاهند. در سطح اجتماعی، ممکن است ارزش‌های فرهنگی با فرضاً، تعقیب پیشرفت مادی به‌طور کامل هماهنگ باشند و امکان استفاده از ضابطه‌های موفقیت اقتصاد کلان برای تمایز گذاشتن میان جوامع «موفق» و «ناموفق» را فراهم آورند. از طرف دیگر، فرهنگ دیگر جوامع ممکن است به‌گونه‌ای باشد که تعقیب پاداش مادی را به نفع اهداف غیرمادی مربوط به کیفیت‌های گوناگون زندگی تعدیل کند و بنابراین بر آهنگ و مسیر رشد اقتصادی تأثیر گذارد؛ در چنین مواردی ضابطه‌های تعریف‌کننده «موفق» و «ناموفق» با مورد قبلی تفاوت خواهند داشت؛ از سه طریق فوق تأثیر فرهنگ بر رفتار فردی در پیامدهای جمعی منعکس خواهد شد.

بنابراین، برای مثال، در يك سطح کلان، تأثیر فرهنگ بر پیامدهای اقتصاد کلان را می‌توان برحسب این اصطلاحات مشاهده کرد: نماگرهای کارایی مانند میزان رشد محصول ناخالص داخلی سرانه، میزان تغییر فناوریانه، سطوح اشتغال، میزان‌ها و مسیرهای تغییر ساختاری و نظایر آن‌ها؛ و نماگرهای انصاف مانند طرح‌های توزیع درآمد، برنامه‌های رفاه اجتماعی (به‌ویژه مراقبت از سالخوردگان و بیماران)، عرضه خدمات اجتماعی و (هر آنچه منعکس‌کننده دغدغه انصاف بین نسلی است) تمایل به انجام سرمایه‌گذاری عمومی بلندمدت که ممکن است منفعت چندان مستقیمی برای نسل کنونی نداشته باشد.

می‌توان نقش بنیادی‌تر و فراگیرتری برای فرهنگ قائل شد که مطابق آن، پاره‌ای از اصول فرهنگی معین، به ایجاد شرایط مربوط به موفقیت اقتصادی کمک کرده‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: دغدغه رفاه و احترام متقابل گروه، اخلاق کاری معطوف به موفقیت، توجه به اهمیت خانواده، اعتقاد در خصوص نیاز به آموزش، احترام به سلسله‌مراتب و مرجعیت و نظایر آن‌ها.

چنانکه به‌طور خاص به ژاپن نظر کنیم، می‌توان دریافت که عواملی مانند مذهب، نگرش‌های خانوادگی، طرح‌های همکاری در جامعه‌ای به لحاظ فرهنگی همگون و

نظایر آن‌ها، جامعه و نهادهای شرکتی ژاپن و نحوه عمل آن‌ها را شکل داده است. بنابراین می‌توان گفت که بنیان‌های فرهنگی جامعه ژاپن در همه جنبه‌های حیات اقتصادی این کشور نفوذ کرده است (ترابسی، ۱۳۸۲).

بر اساس تجارب رونق اقتصاد فرهنگ بررسی شده در شهرهای جهان، هنر قادر به اثرگذاری بر توسعه مادی و انسانی است. این توسعه شامل سلامت روانی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی شده و در خلال مشارکت مستقیم افراد و مخاطبان و حضور هنر و سازمان‌ها و مؤسسات هنری در یک اجتماع محقق می‌شود (Guetzkow, 2002). رواج فستیوال‌ها، کارناوال‌ها و یا رویدادهای ورزشی می‌توانند به‌طور چشمگیری منطقه را برجسته کرده و درآمد ایجاد کنند. همان‌طور که مثلاً فستیوال بایرویت و آگنرا<sup>۱</sup> در آلمان و یا ماردی‌گرس<sup>۲</sup> در نیواورلئان آمریکا عمل کرده‌اند. اغلب، پروژه‌های هنری به‌عنوان کانون‌های مناطق و محلات و امکاناتی برای رشد گردشگری و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند (Carr & Servon, 2008) (Markusen & Schrock, 2006).

اهداف بنیادین این استراتژی‌ها، ساخت مناطق شهری در فضایی است که رشد خلاقیت، دانش و نوآوری برای تحریک رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد؛ بنابراین شهرهایی که آرزو دارند به شهرهای خلاق تبدیل شوند باید روی امکانات فرهنگی، عرصه‌های هنری و موسیقی و امکانات رفاهی که جذب‌کننده استعدادهای خلاق باشند سرمایه‌گذاری کنند. سیاست‌های شهر خلاق نه‌فقط در اروپای شرقی و امریکای شمالی بلکه در شهرهای آسیایی نیز با درجات مختلف موفقیت به اجرا درآمده‌است (Wang & Qiu, 2016). باین‌حال، استراتژی‌های شهر خلاق در طول دو دهه گذشته در میان حلقه‌های دانشگاهیان، سیاست‌گذاران و فعالیتهای انسان‌دوستانه به چالش کشیده شده است. برخی البته مفاهیم «خلاقیت» و «صنایع خلاق» را به چالش می‌کشند و عقیده دارند که توقعات از صنایع خلاق نابجا بوده و فشار بیش‌ازحدی روی آن‌ها برای ایجاد تحولات اقتصادی برابری‌های اجتماعی ایجاد شده است (Kong, 2014, 593-607). بعضی هم عقیده دارند که بیش از حد روی استراتژی‌های شهرهای خلاق تأکید شده و در قدرت این صنایع در تحریک رشد اقتصادی تشکیک می‌کنند. در خصوص پروژه‌های شاخص، محققان در این خصوص بحث می‌کنند که بیشتر هنرمندان در این گونه پروژه‌ها سهمی ندارند و حتی بازیگران و یا کل کار از خارج از منطقه آورده می‌شود و یا آثار نمایش داده شده در یک موزه محلی به‌ندرت بومی هستند (Grodach, Foster & Murdoch, 2018).

1. Bayreuth Wagner

2. Mardi Gras

## بررسی نمونه‌های موردی

### ● تایوان

شهر تایپه نیز نمونه بارزی از شهرهایی است که مزیت‌های تولیدی قابل توجه در آن، یکی از عوامل کلیدی رشد سریع صنایع خلاق در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم بوده است. اقتصاد خلاق بخش مهمی از کل اقتصاد تایوان را شکل می‌دهد و شهر تایپه تقریباً تمام شرکت‌های فعال در این حوزه را به سمت خود جلب کرده است. تولید خلاق شهر تایپه همچنین رشد قابل توجه فرصت‌های شغلی را نیز باعث شده که این موضوع سبب ظهور خوشه‌های صنایع خلاق در این شهر شده است.

سیاست‌های اصلی تایوان در حوزه صنایع فرهنگی در قالب قانون توسعه صنایع فرهنگی و خلاق مصوب سال ۲۰۱۰، تعریف شده که حوزه‌های کارآفرینی فرهنگی، همکاری‌های بین‌بخشی، استعدادیابی و آموزش، توسعه آژانس‌های واسطه‌ای صنایع خلاق و فرهنگی و یارانه‌هایی برای استقرار در خوشه‌های فرهنگی ملی و نیز یارانه‌هایی برای حضور شرکت‌ها در نمایشگاه‌های تجاری بین‌المللی می‌شود.

این مشارکت‌ها در مقام عمل با تعاریف دقیق‌تر و متناسب با طبیعت صنایع خلاق در محیط‌های شهری هدف، صورت‌بندی شده و پیاده‌سازی می‌شوند. سیاست‌های توسعه صنایع خلاق در تایپه را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود. (Liu & Chiu, 2017):

- تنوع بخشی به نظام‌های مالیاتی و سرمایه‌ای؛
- پلتفرم‌های صنعتی و نظارت رگولاتوری؛
- آموزش استعدادها و مشاوره صنعتی؛
- گسترش شبکه‌ها و کانال‌های صنعتی و بازاریابی؛
- تحقیق و توسعه صنعتی و خوشه‌بندی.

### ● چین

صنایع فرهنگی چین دوره‌هایی از تحول را از دوران اقتصاد دستوری که فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای رفاه عمومی محسوب می‌شد تا گرایش به کارکردهای صنعتی آن در دوره اقتصاد بازار تجربه کرده است (Kong, Gibson & Semple, 2006). در دوره اقتصاد دستوری پیش از اصلاحات دهه ۱۹۸۰، بخش فرهنگی در چین اساساً یک نهاد عمومی بود و فرهنگ، امری در حوزه رفاه عمومی تلقی می‌شد (Beijing Academy of Social Science, 2007). پیدایش اقتصاد بازار باعث شد دولت چین به تدریج دریابد که

فرهنگ، علاوه بر صفات ایدئولوژیکی، حائز ویژگی‌های کالایی و کارکردهای صنعتی نیز هست. در سال ۲۰۰۲، در شانزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، عنوان شد که توسعه صنایع فرهنگی باید مسیری مهم در اقتصاد بازار و مؤلفه‌ای بنیادین برای اقتصاد ملی در نظر گرفته شود. در این بیانیه، خبرگزاری‌ها، انتشارات و تولید و فروش کالاهای فرهنگی و تجهیزات مربوط به عنوان صنایع فرهنگی محسوب شده بودند (Gao, 2010).

مفهوم «صنعت خلاق» در چین برای اولین بار در قرن ۲۱ و در گزارش «چشم‌انداز برنامه توسعه ملی فرهنگی در برنامه پنج‌ساله یازدهم»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۶ مطرح شده است. این سند به تفاوت‌های میان خلاقیت فرهنگی با سایر محصولات فرهنگی اشاره داشته و مشخصه‌های «خوشه‌های صنعتی» فرهنگی را به‌طور شفاف توضیح داده است (Chen, 2008). با این حال در عمل، شهرهای مختلف در تعریف صنایع خلاق، متفاوت عمل می‌کنند. مثلاً در پکن تمام فرایند تولید و تجارت هنر جزء صنایع خلاق است، در گوانگژو انیمیشن و بازی‌های آنلاین جزء صنایع خلاق و فرهنگی محسوب می‌شوند و حال آن‌که صنایع فرهنگی هانگژو صرفاً بر خدمات اطلاعاتی، نمایشگاه‌های فرهنگی و مواردی مانند این تمرکز دارند (Zhong & Liu, 2012). شهرداری شانگهای، صنایع خلاق و فرهنگی را به دو دسته کلی تقسیم کرده است: «صنایع فرهنگی» تحت مدیریت متمرکز دپارتمان اخبار، نشر، فیلم و تلویزیون؛<sup>۲</sup> و «صنایع خلاق» تحت مدیریت متمرکز دپارتمان اطلاعات اقتصادی<sup>۳</sup> (Gao, 2010).

تغییرات و اختلافات متعدد در این تعاریف و اصطلاحات نشان‌دهنده اهمیت روزافزون مقوله خلاقیت، در استراتژی‌های توسعه شهری چین است که باهدف حمایت از حیات اقتصادی نواحی شهری این کشور طراحی می‌شوند. این استراتژی‌ها سپس توسط حکومت‌های شهری و شهرداری‌ها به‌منظور رقابت برای دستیابی به منابع ملی و بین‌المللی (در چارچوب فرایند جهانی شدن) مورد استفاده قرار گرفته و رقابت‌های بین‌شهری را شدت بخشیدند (Kong et al. 2006). در بسیاری از شهرها، صنایع فرهنگی به یکی از محورهای حیاتی اقتصاد تبدیل شده‌اند. طبق استانداردهای بین‌المللی، تنها صنایعی که ارزش افزوده آن‌ها بیشتر از ۶ درصد GDP باشد به‌عنوان صنایع محوری به‌حساب می‌آیند (Liang & Wang, 2020). از سال ۲۰۰۷، کل ارزش

صنایع فرهنگی و خلاق پکن و هانگژو به‌طور مستمر بالاتر از ۱۰ درصد GDP بوده و از سال ۲۰۱۰، ارزش این صنایع در شهرهای گوانگژو<sup>۱</sup>، شِنزِن<sup>۲</sup> و شانگهای هم از ۶ درصد بالاتر رفته است (Statistical Bureau of Shenzhen, 2017). در دهه گذشته، رشد سالانه صنایع فرهنگی در شهرهای قدرتمند اقتصادی چین نزدیک به یا بالاتر از ۱۰ بوده که نشان‌دهنده پتانسیل قوی این شهرها است.

یک نکته قابل توجه این است که، هوربان و همکاران (Horban, Yurii and others, 2021). در مطالعاتی با عنوان «سرمایه انسانی به‌عنوان عاملی در توسعه صنایع فرهنگی و خلاق» با روش سیستم‌سازی، یعنی تحلیل تطبیقی شاخص‌های فردی کشورهای پیشرفته جهان در نظام آموزشی به بررسی نقش سرمایه انسانی بر توسعه صنایع فرهنگی می‌پردازد. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصر به فرد سرمایه انسانی، دانش، خلاقیت، تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای از عوامل محرک برای توسعه خلاقیت اقتصاد ملی بوده و زمینه توسعه صنایع خلاق و فرهنگی را فراهم می‌کند. آموزش و خلاقیت هر دو اساس سرمایه فکری و خلاق هستند. در بین کشورها، هلند از نظر شاخص‌های خلاقیت در صنایع فرهنگی پیش‌تاز است.

علاوه بر شاخص‌های فردی، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که مکان خوشه‌های صنایع فرهنگی و خلاق، همبستگی بالایی با شهرهایی داشته که عملکرد اقتصادی قدرتمندی داشته‌اند. از سال ۲۰۱۱، تعداد ۳۵۰ پارک ملی صنایع خلاق و فرهنگی به ارزش بیش از ۱/۰۷۵ میلیارد یوان (معادل ۱۶۰ میلیارد دلار) در چین ایجاد شده است (National Bureau of Statistics in China, 2018). این پارک‌ها عموماً در مناطق ساحل شرقی چین مانند بوهای ریم<sup>۳</sup> و دلتای رودخانه‌های یانگ‌تسه<sup>۴</sup> و پرل<sup>۵</sup> و به ترتیب به نمایندگی از شهرهای پکن، شانگهای و گوانگژو مستقر هستند. این خوشه‌های محوری با رشد متوسط سالانه ۱۸ درصدی در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲، مورد توجه قرار گرفته‌اند (Ye, 2012). عموماً، شهرهای با رقابت‌پذیری همه‌جانبه و پایدار، شهرهایی هستند که صنایع فرهنگی و خلاق درخشان‌تری هم دارند. گزارش سالانه رقابت‌پذیری شهری<sup>۶</sup> در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹،

1. Guangzhou

2. Shenzhen

3. Bouai Rim

4. Yangtze River Delta

5. Pearl River Delta

6. The Blue Book of Urban Competitiveness

شهرهای پکن، شانگهای، شنزن و گوانگژو را به عنوان چهار شهر برتر هر سال برگزیده است و در نتیجه، ارزش افزوده صنایع فرهنگی در این چهار شهر، بالاترین رقم را در کشور بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ ثبت کرده‌اند (Zhang, 2013). توسعه سریع صنایع فرهنگی و خلاق چین نه تنها تحریک توسعه اقتصادی را به دنبال دارد، بلکه به منبع اصلی رقابت‌پذیری یک شهر هم تبدیل می‌شود (Dai, Wang & Gao, 2011) به‌طور خلاصه، نقش‌آفرینی مدیریت شهری در توسعه اقتصاد فرهنگ در چین در قالب چهار سیاست کلی زیر پیگیری شده است:

- تشویق به احیای مرکز شهر؛
- استفاده مجدد از زیرساخت‌های صنعتی رهاشده؛
- ارتقای توسعه روستایی؛
- افزایش رقابت‌پذیری شهری از طریق مداخلات فرهنگی.

## ● ایران

در این میان لازم به ذکر است، با وجود منابع و ذخایر غنی فرهنگی در کشور و رتبه دهم میراث فرهنگی ثبت‌شده در یونسکو<sup>۱</sup> سهم ایران در این بخش از اقتصاد بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است<sup>۲</sup> که نشان از نفوذ کم ما در دنیا در عرصه فرهنگی دارد این وضعیت نشان می‌دهد که اقتصاد فرهنگی ایران توسعه نیافته است و در این زمینه با مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مواجه هستیم. به‌ویژه در دوره‌ای که تأکید بر درون‌زا و برون‌نگری و حمایت از تولید داخلی می‌شود. برای مثال، در شرایط کنونی کشور، رفع موانع توسعه اقتصاد فرهنگ می‌تواند مشکلات اجتماعی مانند بیکاری تحصیل‌کرده‌ها و مهاجرت متخصصان را با ایجاد اشتغال و کارآفرینی فرهنگی و حمایت از تولیدات فرهنگی داخلی در این حوزه را حل نماید که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل این معضل وجود اختلال و عدم نظم کارکردی بین اجزای نظام مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است. تغییر این شرایط مستلزم نوعی سیاست نظم‌محور است که هدف آن هماهنگی و همسویی عملکرد نهادهای مرتبط و بخش‌های مختلف اقتصاد اعم از تولید، توزیع و مصرف در سطوح مختلف است (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۸: ۱-۴۰).

روش بازه احتمال وقوع نشان داده است که ایران در صورتی که نرخ رشد خود را در سرمایه اقتصادی، ۱/۳۲ در سرمایه فرهنگی، ۰/۵۰ در سرمایه اجتماعی ۰/۲۰ و در سرمایه

سیاسی به ۱/۱۳ برساند در سال ۲۰۳۰ میلادی و ۱۴۱۰ شمسی در اقتصاد فرهنگ به توسعه‌ای همانند کشورهای پیشرفته می‌رسد (پرچی و درخشان، ۱۴۰۱: ۲۹-۷۶). به‌طور خلاصه، سیاست‌های شهرداری‌ها در زمینه رونق اقتصاد فرهنگ را می‌توان در هشت دسته طبقه‌بندی نمود:

- سیاست‌های مرتبط با نظام مالیاتی؛
- تأسیس بخش‌ها یا سازمان‌های ویژه و مختص؛
- سرمایه‌گذاری‌های متنوع؛
- مشاوره و تحقیق و توسعه صنعتی؛
- بسط کانال‌ها و شبکه‌های بازاریابی؛
- استعدادیابی و پرورش استعدادها؛
- خوشه‌بندی صنایع خلاق؛
- قوانین مرتبط با دارایی‌های فکری.

هریک از این انواع سیاست‌ها در تجارب مختلفی از شهرها در کشورهای مختلف دنیا مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱. انواع سیاست‌های حمایتی مورد استفاده در کشورهای مختلف

آلمان	انگلستان	چین	کانادا	تایپه	انواع سیاست‌ها
*	*	*			سیاست‌های مرتبط با نظام مالیاتی
*	*				تأسیس بخش‌ها یا سازمان‌های ویژه و مختص
*	*		*	*	سرمایه‌گذاری‌های متنوع
	*	*	*	*	مشاوره و تحقیق و توسعه صنعتی
*	*	*	*	*	بسط کانال‌ها و شبکه‌های بازاریابی
	*	*		*	استعدادیابی و پرورش استعدادها
	*	*	*	*	خوشه‌بندی صنایع خلاق
*	*	*	*		قوانین مرتبط با دارایی‌های فکری

بر اساس جدول فوق، این کشورها عمدتاً از مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های صنایع فرهنگی استفاده نموده و یا از تأمین مالی مستقیم یا سرمایه‌های شرکتی برای آن‌ها استفاده می‌کنند. ارائه تسهیلات و تخفیف مالیاتی برای کسب‌وکارهای فرهنگی و تدوین سیاست‌های حق مالکیت معنوی برای تولیدکنندگان از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در جهت افزایش تولید فرهنگی است. (Kim, Milim, 2011)

بر اساس رویکرد نهادگرایی، شبکه‌های نهادی یکی از مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های تعامل نهادی در قالب نهادهای سیاست‌گذار در یک حوزه سازمانی هستند که نهادهای مرتبط با استفاده از شبکه‌های متمرکز، غالب و واحد به همسویی و سپس به همکاری می‌پردازند. ارتباط ارگانیک و هماهنگی سیستم‌های قانون‌گذاری یکی از پدیده‌های مهم نظم و توسعه است (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۸: ۱-۴۰). همسویی نهادی به معنای پیوند میدان نظر و عمل است، به این معنا که در حوزه نظری، ایده‌ها و اهداف بیان می‌شود و در حوزه عمل، برنامه‌هایی اجرا می‌شود که با اهداف، آرمان‌ها و سیاست‌های تدوین‌شده رابطه منطقی و قابل‌اندازه‌گیری دارد؛ و هر سیاستی که توسط نهاد متمرکزی که نماینده گروه‌ها و افکار مسلط در جامعه باشد اتخاذ شود، فرآیند تطبیق عقیده و عمل، سیاست‌گذاری و اجرا به‌خوبی انجام می‌شود و جامعه به پیشرفت می‌رسد (Mintzberg, Henry, 2011).

به عقیده متخصصان تنها راه تقویت نهادهای عمومی هنر تغییر مدل‌های نظارتی دخالتی به مدل‌های حمایتی تسهیلگر است. در این مدل دولت لزوماً تولیدکننده نیست و یا پول تزریق نمی‌کند؛ اما زمینه‌های توزیع و عرضه را فراهم می‌کند. در مدل دستگامی متخصصان معتقدند که مطابق با رویکرد کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی، اقتصاد فرهنگ به‌مانند سیستم در نظر گرفته می‌شود که همه بخش‌ها در عین اینکه کارکرد خود را برای خروجی هر چه بهتر اقتصاد فرهنگ و رشد آن به‌درستی انجام می‌دهند، با یکدیگر در ارتباط هستند و در این میان دولت فرماندهی این سیستم را از طریق هدایت بر عهده دارد و بر امور حاکم است.

بخش فرهنگ به‌طور کلی و صنایع فرهنگی و هنر نیازمند سیاست‌گذاری بلندمدت و اثبات است؛ بدین معنا که سیاست‌ها با تغییر دولت‌ها و مدیران تغییر نکند و همه همان سیاست و قوانین را اجرا کنند و به آن ملزم باشند. در سیاست‌گذاری مربوط به اقتصاد فرهنگ، باید هم‌زمان نگاه اقتصادی و فرهنگی در قالب حفظ سنت و هویت فرهنگی وجود داشته باشد. رویکرد مسئولین در سیاست‌گذاری باید فرهنگی باشد و به بازدهی اقتصادی هم توجه کنند (پرچمی و درخشان، ۱۴۰۱). دیگر جنبه مهم موضوع، موانع و مشکلات توسعه اقتصاد فرهنگ در حوزه سیاست‌گذاری و اجراست که به سه بخش مهم تولید، توزیع و مصرف طبقه‌بندی شده است. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم همسویی نهادی، عدم رویکرد واقع‌بینانه در سیاست‌گذاری، حضور دولت در تولید فرهنگی، مسائل مربوط به آموزش و

پژوهش، نیروی انسانی، انجمن‌ها و اصناف، مشاغل فرهنگی، بخش خصوصی، حقوق مالکیت معنوی، بازار و بازاریابی داخلی و خارجی، رفاه، تقاضا و جامعه‌پذیری فرهنگی (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۸: ۱-۴۰). چون رویکرد این تحقیق بحث سیاست‌گذاری شهرداری‌هاست، لذا موانع این حوزه به‌اختصار در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. مقولات و زیر مقولات موانع حوزه سیاست‌گذاری

مضمون اصلی	مقوله	زیر مقوله
موانع سیاست‌گذاری در اقتصاد فرهنگ	عدم وجود همسویی نهادی	عدم تمرکز در نهاد سیاست‌گذار و مجری
		عدم هماهنگی سیاست‌گذاری‌ها و اجرای قانون
		تعارض میان نهادها
	عدم وجود رویکرد واقع‌گرایانه	عدم هماهنگی و انسجام درونی سیاست‌ها
		عدم تناسب سیاست‌گذاری‌ها با شرایط جامعه
		عدم ارتباط و استفاده از اطلاعات درباره میدان
		عدم شناخت حوزه اقتصاد فرهنگ و اتخاذ رویکرد نامناسب

(پرچمی و درخشان، ۱۴۰۱)

در مجموع، با توجه به نظریه‌های مختلف مطرح‌شده و بررسی نمونه‌های موردی و اجرایی در دنیا و نظر به تفاوت فرهنگ و مقولات فرهنگی و اقتصاد وابسته به آن حتی در مقیاس شهر به شهر و موانع ذکرشده برای سیاست‌گذاری در این حوزه برای شتاب‌گیری جهت رسیدن به حد ایدئال توسعه اقتصاد فرهنگی با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی کشور این اشتراکات حاصل می‌شود که در سازمان‌های دولتی و غیردولتی باید علاوه بر بسترسازی و ایجاد پروژه‌ها، در برقرار ساختن سازوکارهایی برای سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و تضمین اعتبار مشارکت کنند. به‌علاوه، دفاتر تعیین‌شده برای تعامل با صنایع فرهنگی باید در قالب پلتفرم‌هایی برای دولت به عرضه خدمات پردازند. (ایجاد ارتباط و هماهنگی میان ذی‌نفعان کسب‌وکارها، ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی برای صنایع و تقویت شرایط بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری). همچنین باید به‌منظور ارتقای دانش مرتبط با صنایع فرهنگی، در آموزش‌های مدرسه‌ای برنامه‌های پرورش استعدادها و خلاق اجرا شوند تا استعدادهای جدید رشد کنند و سواد فرهنگی عموم مردم تقویت شود. علاوه بر توسعه شایستگی‌ها، دولت‌ها باید با ایجاد اطمینان نسبت به اثربخشی شبکه‌های مبادلات محلی در بازارهای بومی

و نیز اقدامات حفاظتی برای صادرات در بازارهای بین‌المللی، تقاضای بازار را فعلاً گسترش دهند (Zhang, 2013).

## روش پژوهش

پژوهش حاضر که به دنبال ارائه مدلی برای رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران با نقش‌آفرینی شهرداری تهران است، از منظر روش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و شامل دو مرحله کلی است: در مرحله نخست عمده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های اولیه با کارشناسان کارفرما و بهره‌بردار و تحلیل محتوایی آن‌ها به درکی ابتدایی از مسئله و ابعاد آن دست یافته می‌شود. در مرحله دوم، با استفاده از روش نظریه مبنایی، به شناسایی دقیق ابعاد و بخش‌های مدل پرداخته و زوایای پنهان و زیربدهای آن‌ها شناسایی می‌شود.

جهت‌گیری پژوهش در وهله اول بنیادی است اما با توجه به ضرورت تدوین سند جامع و الزامات سند بالادستی اصلی پروژه یعنی برنامه توسعه سوم شهر تهران، یک پژوهش کاربردی است. با توجه به هدف پژوهش که توسعه مدل بوده، استراتژی مورد استفاده استراتژی نظریه مبنایی است. از نظر افق زمانی، پژوهش به صورت تک‌مقطعی طراحی و اجرا شده و شیوه اصلی گردآوری داده‌های پژوهش نیز پس از بررسی مدارک کتابخانه‌ای و اسناد بالادستی، مصاحبه بوده است.

جامعه آماری این پژوهش، فعالان و خبرگان صنایع فرهنگی و مدیریت شهری شامل کارآفرینان، مدیران دولتی، مدیران شهری، محققان حوزه اقتصاد فرهنگ و فعالان فرهنگی است که به نحوی از انحاء اعم از تولید، تأمین، توزیع، تحقیق یا سیاست‌گذاری، فضای صنایع فرهنگی را تجربه کرده باشند. با توجه به هدف پژوهش، مصاحبه‌ها بایستی با خبرگان گوناگونی در حوزه‌های مرتبط صورت گیرد. لذا، مبنای اصلی انتخاب مصاحبه‌شوندگان، دارا بودن تجربه عملی یا آکادمیک در حوزه‌های صنایع فرهنگی و مدیریت شهری است.

برای نمونه آماری و روش نمونه‌گیری در روش نظریه مبنایی، گروهی از افراد و موقعیت‌ها (معمولاً ۸ تا ۲۰ نفر) که جنبه‌های گوناگونی از پرسش را نشان می‌دهند انتخاب می‌شوند. کمتر از ۸ نفر آگاهی‌دهنده، منجر به رویکردی می‌شود که اساساً متکی بر مطالعه موردی است. بیش از ۲۰ نفر آگاهی‌دهنده احتمالاً داده‌های زیادی تولید می‌کنند که به تحلیل کامل نیاز دارند و به گردآوری داده‌های زائد، اضافی و

غیر لازم منجر می‌گردد. به هر صورت معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری، کفایت نظری (اشباع نظری) تئوری است (هومن، ۱۳۸۵). تمرکز نمونه‌گیری کیفی بر این است که نمونه انتخاب شده بیشترین میزان اطلاعات را در مورد سؤال پژوهش فراهم کند لذا روش مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری متوالی بوده و در میان انواع نمونه‌گیری متوالی از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در روش نظریه مبنایی امکان تعیین حجم نمونه در ابتدای پژوهش وجود ندارد. به تعبیر اشتراوس<sup>۱</sup> و کوربین<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) تا زمانی که محقق مشغول گردآوری داده و تحلیل هم‌زمان آن‌ها نشده قادر نیست در مورد حجم نمونه مورد نیاز قضاوت کند. به هر روی، معیار توقف در نمونه‌گیری، اشباع یا کفایت نظری است: موقعیتی که در آن، هیچ داده اضافی نمی‌توان یافت که پژوهشگر به وسیله آن بتواند مقوله جدیدی تعریف کند و یا مقولات قبلی را غنا بخشد (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

برای کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده و مفاهیم اصلی استخراج و به صورت کد ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات محوری خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شد. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با هم مقایسه و آنهایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند. در نهایت در کدگذاری انتخابی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شد و مقوله‌ای به‌عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد و بر محور مقوله مرکزی مدل مورد نظر طراحی شد (Corbin & Strauss, 1990)

همان‌گونه که عنوان شد، روش اصلی مورد استفاده برای جمع‌آوری یافته‌های این پژوهش، مصاحبه بوده است و برای این منظور، مجموعاً با ۲۲ نفر از خبرگان، کارشناسان و فعالان فرهنگی، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته انجام شده است که شامل ۷ نفر از مدیران شهرداری و ۵ نفر از مدیران سابق شهرداری و ۴ نفر از مدیران فرهنگی، ۲ نفر از مشاورین شهرداری و ۲ نفر کارشناس فرهنگی و ۱ نفر هیئت علمی دانشگاه می‌باشند.

در مرحله کدگذاری باز مجموعاً بالغ بر ۷۹۰ مفهوم از ادبیات پژوهش و نیز ۲۰ مصاحبه عمیق با متخصصان و خبرگان حوزه اقتصاد فرهنگ استخراج شده که نمونه‌ای از آن‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است.

1. Strauss  
2. Corbin

جدول ۳. نمونه مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها و ادبیات پژوهش

متن	مفاهیم
صنایع خلاق و فرهنگی، هسته اصلی فعالیت‌های توسعه شهری را در آینده تشکیل خواهند داد (هال، ۱۹۹۹؛ ۲۰۰۰).	نقش فرهنگ در توسعه شهری
رویگرد آلمان به صنایع خلاق و فرهنگی، یک رویکرد بخشی بوده و تمرکز آن بر شرکت‌هایی است که فعالیت اصلی آن‌ها در زمره فعالیت‌های صنایع فرهنگی و خلاق قرار می‌گیرد.	رویکرد بخشی به اقتصاد فرهنگ
عمدتاً حوزه فرهنگ بودجه را مصرف می‌کند و پاسخگو هم نیست	مصرف‌کننده بودجه بودن فرهنگ
	پاسخگو نبودن فرهنگ
از آنجایی که این حوزه متر و شاخصی هم ندارد؛ ارزیابی کار را سخت‌تر کرده است.	دشواری ارزیابی فرهنگ
علاقه‌مند هستیم که درآمد حوزه فرهنگ را در خود حوزه فرهنگ مصرف کنیم.	گرایش به درون‌زا شدن اقتصاد فرهنگ
بیشتر به فکر خودکفایی بخش فرهنگ هستیم تا درآمدزایی از آن و همین باعث شده تا به سمت اقتصاد فرهنگ برویم.	درآمدزایی از فرهنگ
در لندن گالری‌های شبانه و کافه‌های هنری زده می‌شود و شهرداری از آن‌ها پول می‌گیرد.	الگو برداری از اروپا
اما شهرداری ما حوزه فرهنگ را علیل فرض می‌کند و آن را توانمند نمی‌بیند. مثلاً وقتی ما یک کتاب رایگان به مردم می‌دهیم آن محصول اثرش را از دست می‌دهد.	ضعیف پنداشتن فرهنگ
	مدل رایگان
	بی‌تأثیر شدن محصول

**کدگذاری محوری** دومین مرحله از کدگذاری در تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش نظریه‌مبنایی است که پس از استخراج مفاهیم انجام می‌شود. کدگذاری محوری عبارت است از مجموعه رویه‌هایی که برای مقایسه طبقات و ایجاد طبقات جدید بر اساس داده‌ها و از طریق کشف روابط بین آن‌ها به کار بسته می‌شوند. در این مرحله، بر اساس مفاهیم مستخرج در کدگذاری باز، پس از هر مصاحبه، مصاحبه‌های پیشین مرور شده و دسته‌بندی مفاهیم بازنگری شده‌اند. در نهایت تمامی مفاهیم در ۳۱ طبقه دسته‌بندی شده‌اند. نمونه‌ای این مقوله‌ها به همراه مفاهیم مربوط به آن‌ها در جدول ۴ نشان داده شده‌اند. مصاحبه‌ای که مفاهیم از آن‌ها استخراج شده‌اند با ترکیب P و شماره مصاحبه‌شونده مورد ارجاع قرار گرفته است.

جدول ۴. نمونه مقولات برآمده از مفاهیم

مقولات	مفاهیم
ابزارهای تأمین مالی	تأسیس صندوق حمایتی (L)، کمبود سرمایه (L)، سرمایه‌گذاری مشترک (L)، ضرورت تزریق غیرمستقیم منابع (P2)، روش تأمین مالی مناسب (P2)، حمایت مالی مبتنی بر نتیجه (P9)، تخفیف عوارض (P9)، اجتناب از یارانه به تولیدکننده (P9)، دریافت هبه از سازمان‌ها (P10)، رواج دینیشن مذهبی (P12)، سازوکارهای مالی اسلامی (P12)، مدل تأمین مالی وقف (P12)، نذر و دینیشن (P12)، مدل تأمین مالی خمس (P12)، استفاده از ظرفیت فناوری برای تأمین مالی (P12)، تأمین مالی از طریق جمع‌سپاری (P12)، جلب مشارکت عموم مردم (P12)، جلب حمایت مخاطبان دغدغه‌مند (P12)، جمع‌آوری کمک‌های خیریه برای دانشگاه (P12)، گرایش‌های مختلف خیرین (P12)، ضرورت تقویت دینیشن در حوزه‌های غیرمذهبی (P12)، ضرورت سرمایه‌گذاری هوشمندانه شهرداری (P12)، تأمین مالی جزئی (P12)، مدل صندوق‌های حمایتی (P15)، راه‌اندازی صندوق‌های پروژه (P21)، تأمین مالی جمعی (P21)، صندوق (P21 VC)
انضباط مالی شهرداری	شناسایی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری (L)، نابسامانی صرف بودجه (P1)، عدم امکان پیگیری ردیف‌های بودجه (P1)، ضرورت بودجه‌ریزی عملیاتی (P1)، ضرورت تغییر سیستم بودجه‌ریزی (P2)، تجربه ناموفق بام‌لند (P2)، تعیین سرفصل‌های درآمدی روشن (P3)، ضعف نظارت بر فضاها درآمدی (P4)، پایبندی شهرداری به ساختارهای حرفه‌ای مالی (P11)، ضعف در محاسبه بهای تمام شده کار فرهنگی (P14)، دشواری محاسبات اقتصادی در فرهنگ (P14)، فقدان حساب درآمدی برای زیرمجموعه‌ها (P14)، ورود بودجه‌محور شهرداری به فرهنگ (P15)، بهای تمام شده غیررقابتی شهرداری (P15)، انحراف قراردادهای فرهنگی از اهداف اولیه (P16)، معیوب بودن ساختارهای قراردادی (P16)، عدم نظارت بر واگذاری‌های فرهنگی (P16)

مقولات	مفاهیم
<p>بازنگری مبانی قانونی</p>	<p>ضرورت تغییر ساختار موجود (L)، ضرورت توسعه ساختارهای مالی (L)، محدودیت‌های قانونی برای درآمدزایی (P14)، ضعف آیین‌نامه معاملات (P14)، محدودیت قانونی هزینه‌کرد برای کمپین‌ها (P14)، ضعف ساختاری و قانونی (P14)، ضعف قوانین و ساختارها (P14)، هدررفت منابع مالی (P14)، ضعف ساختاری شهرداری (P15)، ضعف ساختاری شهرداری (P15)، ضرورت تغییر ساختار مالی شهرداری (P16)، ضرورت اصلاح قوانین محدودکننده شهرداری (P16)، فقدان قدرت تصمیم‌گیری در شهرداری (P16)، متأثر شدن برنامه‌ها از تغییرات مدیریتی (P17)، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در فرهنگ به دلیل ممیزی (P18)، نگرانی از دخالت و محدودیت‌های شهرداری (P18)، دور شدن سازمان فرهنگی هنری از رسالت اولیه (P19)، غیرقانونی بودن ساختار معاونت اجتماعی شهرداری (P19)، وجه‌المصالحه شدن فرهنگ در رابطه دولت و شورای شهر (P19)، ضرورت اصلاح قوانین (P19)، ضرورت تناسب بودجه فرهنگی با وظایف فرهنگی (P19)، ضرورت محلی شدن سیاست‌گذاری فرهنگی (P19)، واگذاری اختیار تصمیم‌گیری فرهنگی به شهرداری (P19)، شکل‌گیری دولت محلی به جای شهرداری (P19)، فقدان اختیار تصمیم‌گیری در شهرداری (P19)، ضرورت اصلاح ساختار تصمیم‌گیری کلان (P19)، تقویت زیرساخت قانونی (P21)، توسعه مقوله کپی‌رایت (P21)</p>
<p>تسهیل‌گری</p>	<p>تسهیل فرایندهای کسب مجوز (P2)، دیپلماسی شهری (P3)، ارتباط با شهرداری‌های دنیا (P3)، تبادل توریست (P3)، بسترسازی رایگان برای بخش خصوصی (P5)، خصوصی‌سازی منجر به چابک‌سازی (P5)، نقش بسترساز شهرداری به جای پول دادن (P5)، بسترسازی درمان مسائل فرهنگی (P8)، بسترسازی درآمدی برای کسب‌وکار (P9)، بسترسازی مسیر شکوفایی (P11)، نقش تأمین زیرساخت دولت (P11)، ضرورت تسهیل‌گری (P13)، طولانی شدن فرایند مجوزگیری (P13)، طراحی زمین بازی توسط شهرداری انجام شود (بسترسازی) (P14)، ضرورت نقش تسهیل‌گری شهرداری (P15)</p>

مقولات	مفاهیم
تولی‌گری به جای تصدی‌گری	<p>ضرورت برون‌سپاری وظایف بخش فرهنگ (P1)، پتانسیل فرهنگی محلات (P1)، ضرورت بسترسازی (P2)، اجتناب از حمایت مستقیم (P2)، ضرورت ورود شهرداری به عرصه فرهنگ (P3)، وظیفه‌داشتن شهرداری در قبال فرهنگ (P3)، ضرورت کار فرهنگی توسط شهرداری (P3)، ضرورت ورود به کالبد زیرپوستی شهر (P3)، نقش شهروندان در اقتصاد فرهنگ (P3)، نقش بخش خصوصی در اقتصاد فرهنگ (P3)، نقش دولت در اقتصاد فرهنگ (P3)، ضرورت مشارکت بخش خصوصی (P3)، قدرت دادن به بخش خصوصی (P3)، نقش نظارتی شهرداری در قبال بخش خصوصی (P3)، واگذاری همراه با نظارت (P5)، پروژه‌محور بودن حوزه فرهنگ (P5)، ضرورت واگذاری تصدی‌گری شهرداری (P5)، ضرورت حفظ تولی‌گری شهرداری (P5)، خودکفایی مالی بخش خصوصی (P8)، ضرورت موقت بودن حمایت دولت (P8)، ضرورت سازوکارهای تخصصی نظارت (P8)، برون‌سپاری تولید فرهنگی به مؤسسات خصوصی (P8)، ضرورت خودکفایی تدریجی بخش خصوصی (P8)، نقش رگولاتوری شهرداری (P9)، نقش کارفرمایی و نظارتی شهرداری (P10)، واگذاری اجرا به بخش خصوصی (P10)، قرارداد پیمانکاری (P10)، ضرورت نقش‌آفرینی حداقلی دولت (P11)، ماهیت کوتاه‌مدت بودن اثرگذاری دولت (P11)، ارائه خدمات مشاوره به گروه مدیریت (P11)، تأمین فضای کار اشتراکی (P11)، ضرورت برون‌سپاری به بخش خصوصی (P13)، مدل همکاری کنسرسیوم فرهنگی (P14)، تمایل شهرداری به ورود همه‌جانبه ستاد تا صف (P15)، ضرورت نقش توسعه‌گری شهرداری (P15)، ضعف کیفی شهرداری در عملیات (P15)، ضرورت اجتناب شهرداری از عملیات (P15)، واگذاری صف به بخش خصوصی (P15)، کوچک‌سازی ساختار شهرداری (P15)، ضرورت اجتناب از ساختار موجود (P15)، نیازمندی به ساختار چابک‌تر و کوچک‌تر (P15)، واگذاری تولید به بخش خصوصی (P15)، ضعف کیفی شهرداری در عملیات (P15)، ناگزیر بودن سازمان فرهنگی هنری از کار عملیاتی (P16)، ضرورت واگذاری عملیات به بخش خصوصی (P16)، تصدی‌گری شهرداری در ایجاد مراکز فرهنگی (P16)، ارتقای کیفی خدمات در بخش خصوصی (P17)، ارتقای رضایت مخاطبان در بخش خصوصی (P17)، توانایی صرف در کار میدانی (P17)</p>
درآمدزایی برای شهرداری	<p>کسب درآمد از محل ارتقای زیست‌پذیری (P2)، اقتصاد فرهنگ، منبع درآمد پایدار شهری (P3)، درآمدزایی از امان‌های فرهنگی شهر (P3)، ضرورت توسعه منابع درآمدی (P3)، وابستگی به بودجه نفتی (P4)، وابستگی به عوارض ساخت‌وساز (P4)، وابستگی به دولت (P4)، درآمدزا نبودن خدمات شهری (P4)، منبع درآمدی بازیافت زباله (P4)، ضرورت بسترسازی توسعه درآمد (P4)، خلق ثروت از هنر (P5)، درآمدزایی از پسماند (P5)، درآمدزایی از سینما (P5)، ضرورت درآمدزا شدن مراکز فرهنگی شهرداری (P5)، تکیه به بازار (P6)، تأثیر اقتصاد فرهنگ بر افزایش درآمد و کاهش هزینه (P17)</p>

**کدگذاری انتخابی** مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که در آن بر اساس نتایج دو مرحله پیشین کدگذاری، از مقوله‌ها و روابط مقدماتی به‌منظور سازه‌ها و اصول اصلی نظریه بهره‌برده و به تولید نظریه می‌پردازند. این مرحله از کدگذاری، تفاسیر و تحلیل‌های حوزه مورد مطالعه را انسجام می‌بخشد. در این بخش، با مطالعه رفت و برگشتی میان ادبیات پژوهش، اسناد و مبانی حقوقی و در مسیر اجرای مصاحبه‌ها، گزاره‌های پژوهش به‌صورت جدول مدونی طبقه‌بندی می‌شوند. نتایج کدگذاری انتخابی و گزاره‌های استخراج شده، در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. گزاره‌های استخراج شده از مقولات برآمده از مفاهیم

مقولات	گزاره‌ها
بازنگری مبانی قانونی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های شهرداری، تقویت رقابت‌پذیری بازار، توسعه روابط بین‌المللی، تولی‌گری به جای تصدی‌گری، راهبردهای حمایتی	راهبردهای بسترسازی رونق اقتصاد فرهنگ
توسعه ابزارهای تأمین مالی، توسعه توریسم شهری، توسعه مدل‌های درآمدی	راهبردهای افزایش درآمد / کاهش هزینه
تسهیل‌گری، تعامل با بخش خصوصی، ظرفیت شبکه‌های اجتماعی	راهبردهای تسهیل‌گری
ترویج کارآفرینی سازمانی، توسعه ظرفیت آموزشی، خلاقیت و نوآوری	راهبردهای آموزش و توسعه منابع انسانی
زمانبر بودن تأثیر فرهنگ، هماهنگی بین بخشی، انتزاعی بودن فرهنگ، سازوکار فشل دولتی، گرایش به مهندسی فرهنگی	شرایط زمینه‌ای
سطح بلوغ مدیران، شناخت نیاز مخاطب، گرایش به مهندسی فرهنگی، انضباط مالی شهرداری، زنجیره ارزش محصولات فرهنگی، شناخت محیط کسب‌وکار	شرایط مداخله‌گر
درآمدزایی برای شهرداری، کاهش هزینه‌های اداره شهر، نوسانات بودجه‌ای	علت‌ها
انتقال پیام فرهنگی، بهره‌مندی شهرداری از بخش فرهنگ، خودکفایی مالی فرهنگ، فرهنگ‌سازی	پیامدها

## بحث و نتیجه گیری

مقوله اصلی این پژوهش، «رونق اقتصاد فرهنگ» است که همه شئون پژوهش از مطالعه ادبیات گرفته تا انتخاب مصاحبه‌شوندگان و تعیین موضوع سؤالات مصاحبه‌ها حول این پدیده بوده است. بر این اساس، مدل پارادایمی و ابعاد مشتمل بر پدیده اصلی، علت‌ها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، حاصل از کدگذاری محوری داده‌ها، در نمودار شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل پارادایمی رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران

## مقاله محوری: رونق اقتصاد فرهنگ

### ● پیامدها

با توجه به ماهیت شهرداری به منزله یک سازمان غیرانتفاعی غیردولتی و اهمیت کاهش اتکای آن به بودجه عمومی، توسعه منابع مالی پایدار مقوله‌ای هوشمندانه و ضروری برای ارتقای کیفیت مدیریت شهری محسوب می‌شود. لذا، در طراحی هرگونه ابزار حمایتی برای رونق اقتصاد فرهنگ، اعم از ابزارهای مالی و غیرمالی، الزاماً یکی از اجزای این ابزارها مدل درآمدی آن‌ها برای شهرداری به‌عنوان یک «شریک مالی» است. پیامد دیگر رونق اقتصاد فرهنگ، رونق فعالیت‌های فرهنگی خواهد بود؛ چراکه یکی از عوامل بی‌ثباتی در فعالیت‌های فرهنگی، عدم وضوح مدل درآمدی، مدل تجاری‌سازی و درنهایت، اقتصاد فرهنگ است. در ادامه، راهبردهای تحقق پیامدهای مدل معرفی شده‌اند.

### ● راهبردها

#### الف) راهبردهای بسترسازی رونق اقتصاد فرهنگ

##### ۱. توسعه ابزارهای حمایتی در حوزه «صنایع خلاق و فرهنگی»

دسترسی به سرمایه از عوامل مهم در تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در صنایع فرهنگی است. تصمیماتی که علاوه بر تأثیر بر رشد تولید ناخالص داخلی و اشتغال، پتانسیل درآمدزایی برای صاحبان سرمایه را نیز خواهد داشت. به عبارت دیگر، الگوی پایدار تأمین مالی و دسترسی آسان به سرمایه از الزامات اساسی در رونق اقتصاد فرهنگ محسوب می‌شود. ایجاد تنوع در سبد ابزارهای حمایتی و منابع سرمایه در قالبی که نیازهای ویژه شرکت‌ها و کسب‌وکارها را مدنظر قرار دهد، برای افزایش تأثیرگذاری اقدامات سیاست اقتصادی در تقویت صنایع خلاق ضروری است؛ بنابراین، یک سبد جذاب از ابزارها باید از نظر افقی و عمودی متمایز باشد. تمایز عمودی یعنی ابزارهای مختلف را برای بخش‌های اقتصادی مختلف درون صنایع خلاق فراهم نماید و تمایز افقی به معنای هماهنگ ساختن ابزارهای حمایتی، با وضعیت شرکت‌های خلاق درون چرخه عمر است.

در راستای تعریف ابزارهای حمایتی شهرداری از اقتصاد فرهنگ، به‌منظور جلوگیری از وقوع آفات حمایت دولتی، از جمله ایجاد وابستگی و از بین رفتن نوآوری، لازم است تا این ابزارهای در قالبی مدرن جمع شوند. یکی از این قالب‌ها که در اکوسیستم‌های نوآوری امروز دنیا رواج یافته، راه‌اندازی مرکز نوآوری صنایع خلاق و فرهنگی برای حل مسائل

شهری است. این مرکز می‌تواند ایده‌ها را در حوزه اقتصاد فرهنگ شهری بررسی و از آن‌ها در چارچوب ساختار حرفه‌ای حمایت کند. در این زمینه می‌توان چند اقدام مهم انجام داد:

۱/۱. راه‌اندازی فضاهای کار اشتراکی؛

۲/۱. راه‌اندازی شتاب‌دهنده‌ها به منظور حمایت از ایده‌های اولیه؛

۳/۱. راه‌اندازی سازوکار سرمایه‌گذاری خطرپذیر به منظور حمایت از ایده‌های در حال رشد؛

## ۲. اصلاحات ساختاری و قانونی

۲/۱. اصلاح ساختار بودجه‌ریزی: برخی خبرگان، بودجه‌ریزی عملیاتی را به جای بودجه‌ریزی سنتی پیشنهاد کرده‌اند. در بودجه‌ریزی عملیاتی حدود فعالیت و عملیات، بررسی و پیش‌بینی می‌شود. هر برنامه شامل تعداد زیادی عملیات و اقدام است. شرط اساسی برای تهیه بودجه عملیاتی این است که حجم و مقدار فعالیت سازمان‌های دولتی تعیین و هزینه هر واحد از فعالیت‌ها محاسبه شود. بودجه عملیاتی علاوه بر راهنمایی، عملکرد کلیه واحدهای سازمانی و کارکنان مؤسسات و ادارات دولتی را نیز کنترل می‌کند. در بودجه عملیاتی حجم عملیات طبق موازین فنی دقیقاً اندازه‌گیری و هزینه عملیات طبق فنون و روش‌های مختلف مانند حسابداری قیمت تمام‌شده یا اندازه‌گیری کار محاسبه می‌شود. در بودجه عملیاتی حدود فعالیت بودجه محدودتر می‌شود ولی در عوض حجم عملیات به روشی علمی محاسبه می‌گردد. در حقیقت در بودجه عملیاتی اجرای هدف از نظر تقسیم مخارج برحسب قیمت تمام‌شده واحد صورت می‌گیرد و برای هر هدف، واحد کاری بخصوصی به منظور معیار برآورد انتخاب می‌شود. بدین معنی که برای محاسبه هزینه بر اساس هدف، از روش حسابداری قیمت تمام‌شده یا از روش اندازه‌گیری حجم کار استفاده می‌شود.

۲/۲. اصلاح برخی قوانین، رویه‌ها و آئین‌نامه‌ها: به نظر می‌رسد یکی از قوانینی که شدیداً نیاز به اصلاح دارد، اختصاص ۵/۰ درصد از درآمدهای نقد شهرداری تهران به نهاد کتابخانه‌های عمومی است که بررسی‌های تحقیق نشان می‌دهد، در مسیر اصلاح قرار دارد ولی باید گام‌های اصلاح این قانون، تسریع شود.

یکی دیگر از موارد، در اصلاح قوانین، پیگیری و احیای طرح مدیریت جامع شهری است که به نظر می‌رسد، به حل بسیاری از مسائل، از جمله در حوزه اقتصاد فرهنگ مرتبط با شهرداری کمک می‌کند. همچنین، یکی دیگر از مواردی که در خلال پژوهش،

توسط برخی مدیران شهرداری تأکید می‌شود، عدم تناسب آئین‌نامه معاملات شهرداری با تصمیم‌گیری در خصوص بستن قراردادهای فرهنگی بوده است.

مورد دیگر، بهبود فضای کسب‌وکارهای فرهنگی است. یکی از ابعاد بهبود فضای کسب‌وکارها، تسهیل ارائه مجوزهاست. برخی فعالیت‌های فرهنگی نیاز به کسب مجوز از شهرداری تهران دارند که در خلال پژوهش توسط برخی فعالان فرهنگی اشاره می‌شد که بعضاً صعوبت کسب مجوز از شهرداری، آن‌ها را از برگزاری برنامه فرهنگی‌شان منصرف کرده است.

#### ب) راهبردهای تحقق «حمایت درآمدزا»

در ادبیات سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی، هر سیاست را می‌توان به‌مثابه یک فعالیت یا کسب‌وکار در نظر گرفت. همان‌طور که در خصوص کسب‌وکارها، مدل کسب‌وکار باید از دو جنبه روایت منطقی نیاز مشتریان به خدمات و محصولات کسب‌وکار و نیز توجیه‌پذیری اقتصادی این مراودات، کسب‌وکار را تحلیل کند، برای یک سیاست اقتصادی نیز مسیر مشابهی باید طی شود. دو منبع درآمدی پایدار اصلی برای شهرداری‌ها عبارت از درآمدهای ناشی از منابع داخلی و درآمدهای ناشی از منابع خارجی است.

با عنایت به کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و نیز تجارب مطالعه شده خارجی، پیشنهادهای زیر برای مدل درآمدی سیاست‌های حمایتی شهرداری از صنایع خلاق ارائه می‌شود:

۱. بازارچه‌های کارآفرینی فرهنگی؛
۲. تجاری‌سازی پارک‌ها و اماکن تفریحی؛
۳. توسعه گردشگری شهری؛
۴. برگزاری «تولید خیابانی آثار هنری»؛
۵. نشان «شهروند درجه یک» برای مراکزی که استانداردها را رعایت کرده‌اند؛
۶. سامانه آموزش؛
۷. بهره‌برداری حرفه‌ای از خانه مشاهیر؛
۸. طرح مکان - رویداد.

این ایده نیز مانند ایده قبل که در دنیا رواج دارد می‌تواند منجر به احیای یک مکان با هویت شود و درآمدزایی از آن مکان را هم دربرداشته باشد. برای مثال برگزاری مکان رویداد در محل کنفرانس تهران یا اماکنی دیگر که در آن، اتفاقات خاصی در تاریخ افتاده است. در این امکان نیز می‌توان رویدادهای خاص یا گالری برگزار کرد و بهره‌برداری‌های دیگر انجام داد.

### ج) راهبردهای تسهیلگری (تسهیل و ترویج کارآفرینی فرهنگی در میان شهروندان)

همان‌گونه که در بخش ادبیات بحث شد، شهرداری‌ها به‌عنوان نهادهای مدنی و برخاسته از مردم در کنار فعالیت‌های سنتی و مرسوم خود تعداد زیادی از وظایف مرتبط با توسعه اقتصاد شهر را در دستور کار خود قرار داده‌اند که ترویج کارآفرینی در میان آن‌ها برجسته است. در کشورهای پیشرفته از دهه‌های قبل و در برخی کشورهای درحال توسعه در دهه اخیر، استعدادهای بالقوه و نقش مؤثر و مثبت کارآفرینان اقتصادی در توسعه جامعه و مواجهه با معضلاتی نظیر رکود، تورم و بیکاری و البته توسعه منابع درآمدی پایدار شهرداری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این توجه معطوف به تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملی جهت گسترش روحیه کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضای مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، رفع موانع، ایجاد ارتباط و همکاری بین کارآفرینان و تسهیل دستیابی به بازارهای جهانی بوده است.

همان‌طور که اشاره شد، در کشورهای مختلف به موضوع کارآفرینی به درجات مختلف، در سطوح مختلف و نزد نهادهای مختلفی پرداخته می‌شود. درجه توجه و تخصیص منابع به کارآفرینی تابع متغیرهای متنوعی همچون درجه توسعه یافتگی یک کشور و کیفیت و ساختار نیروی کار آن است. گذشته از این، امور مربوط به کارآفرینی در کشورهای مختلف بر اساس قابلیت‌های سازمانی و نهادی آن‌ها به اشکال مختلفی در میان نهادهای اجرایی دولتی یا خصوصی تقسیم می‌شوند. بر اساس مطالعات پشتیبان این پژوهش، در یک تقسیم‌بندی کلی، ترویج و تسهیل کارآفرینی، خصوصاً کارآفرینی فرهنگی را می‌توان در سه شکل زیر طبقه‌بندی کرد:

**- ارتقای ظرفیت‌های تولیدی:** تمهیداتی که برای بهبود عملکرد کسب و کارهای فرهنگی اندیشیده می‌شوند می‌توانند به ارتقای ظرفیت تولیدی آن‌ها و در نتیجه افزایش تقاضای آن‌ها برای نیروی کار منجر شوند. در سطح کلان، حجم فعالیت‌های اقتصادی هر کشور به متغیرهای متعدد و گاه خارج از کنترل بستگی دارد و این بدین معناست که نمی‌توان از اقدامات ترویج کارآفرینی در سطوح خرد انتظار پیامدهای کلان و ساختاری مانند کاهش نرخ بیکاری داشت؛ اما تمهیدات در سطوح خرد در صورت می‌توانند ظرفیت‌های موجود اما بلااستفاده را شکوفا نمایند و از این راه به رونق اقتصادی کمک کنند. وجود ظرفیت‌های بلااستفاده در حوزه اقتصاد فرهنگ موضوعی است که از سوی خبرگان نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

در شرایط رقابتی، بنگاه‌های بزرگ معمولاً از عهده غلبه بر این مشکلات برمی‌آیند و شاید به همین دلیل توانسته‌اند به بنگاه‌های بزرگ تبدیل شوند. آن‌ها معمولاً توان مالی و انگیزه لازم را برای بهبود عملکرد خود دارا هستند، درحالی‌که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که سهم بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی را هم به عهده دارند، ممکن است از امکان کمتری برای بهبود عملکردشان بهره‌مند باشند. ترویج کارآفرینی می‌تواند به رشد چنین بنگاه‌هایی کمک کند.

**- توسعه فردی نیروی کار:** بخش عمده‌ای از خدمات ترویج کارآفرینی باید معطوف به پرورش قابلیت‌های نیروی کار یا شکوفاکردن استعدادهای بالقوه افراد خلاق باشد که احتمالاً می‌توانند به‌عنوان کارآفرین یا هم‌بنیانگذار و همکار، اقدام به ایجاد کسب‌وکارهای فرهنگی کنند. فارغ از افراد خلاقی که به‌واسطه دریافت خدمات ترویج و کارآفرینی و تسهیل‌گری می‌توانند خود اقدام به ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه نمایند، بخش عمده‌ای از نیروی کار مستعد دریافت خدمات توسعه کارآفرینی، افرادی هستند که لزوماً کارآفرین نیستند اما استعدادی دارند که تقویت آن می‌تواند به تخصص و مهارتی تبدیل شود که به کار یک کسب‌وکار نوپای فرهنگی بیاید. این افراد یا به دلیل فقدان اطلاعات نتوانسته‌اند به شغل مورد نظر خود دست یابند و یا مهارت‌های موردتقاضا در استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای فرهنگی را ندارند. در هر یک از این دو مورد می‌توان خدمات متناسب به آنان عرضه کرد. بخشی از این خدمات نیز متوجه شاغلان فعلی در کسب‌وکارهاست. تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها که مثلاً می‌تواند ناشی از ورود فناوری‌های جدید یا افزایش رقابت جهانی باشد، تقاضا را برای مشاغل خاصی (که عمدتاً به تخصص بیشتر نیاز دارند) افزایش می‌دهد و درعین‌حال نیروی کار کم مهارت‌تر را پس می‌زند. بدین ترتیب بخشی از شاغلان امروز ممکن است در معرض خارج‌شدن از مدار اشتغال در آینده قرار داشته باشند؛ بنابراین این افراد نیز به شکلی به خدمات ترویج کارآفرینی و تسهیل‌گری در قالب آموزش‌های حین کار نیاز دارند. این خدمات از دو منظر حائز ارزش هستند: از یک‌سو موجب بهبود کیفیت کسب‌وکارهای موجود و رونق آن‌ها می‌شوند و از سوی دیگر، مستقیماً به‌طرف عرضه در بازار کار یاری می‌رسانند.

**- ارتقای زیرساخت‌های اطلاعات:** سومین حوزه‌ای که خدمات ترویج کارآفرینی و تسهیل‌گری می‌تواند از طریق آن به رونق اقتصاد فرهنگ کمک کند ارتقای زیرساخت‌های اطلاعات است. گاه نبود اطلاعات مانع از دسترسی متقاضی

به عرضه‌کننده می‌شود؛ تقاضای محصول یا خدمت باشد، خواه تقاضای نیروی کار و خواه تقاضای سرمایه. گاه فقدان یا ناکافی بودن اطلاعات موجب انتخاب‌ها و تصمیمات نادرست می‌شود. این‌ها مواردی هستند که از طریق نظام‌های اطلاعاتی قابلیت اصلاح دارند. بهبود عملکرد بازار در گام اول در گرو شناخت آن است. شناخت روندها و گرایش‌ها و کاستی‌های بازار و تحلیل آن‌ها می‌تواند در حوزه‌های دیگر کارآفرینی هم مفید واقع شود. چنانچه متولیان ترویج کارآفرینی، تحلیل درستی از وضعیت بازار داشته باشند می‌توانند خدمات خود را به سمت پاسخگویی به نیازها و گرایش‌های آن سوق دهند. اهم عناوین اقدامات کلیدی در راستای ترویج کارآفرینی و تسهیل‌گری عبارت‌اند از:

- حمایت از راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید؛
- اصلاح ساختارها و فرایندهای اداری؛
- حمایت از به‌کارگیری فناوری‌های نو؛
- توسعه زیرساخت‌های دیجیتال؛
- ارائه خدمات مشاوره‌ای؛
- ارائه خدمات آموزشی؛
- حمایت از حقوق معنوی فعالان بازار؛
- تسهیل جذب سرمایه برای کسب‌وکارها از طریق ایجاد بازار شفاف سرمایه‌گذاری؛
- تدوین سازوکارهای اعطای معافیت‌های قانونی؛
- برگزاری رویدادهای نمایشگاهی باهدف توسعه ارتباطات میان فعالان؛
- ایجاد کارگروه‌های مشورتی؛
- ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از برنامه‌های حمایتی و کسب‌وکارها و هسته‌های فعال؛
- انتشار گزارش‌ها و کتابچه‌های تحلیل صنعت و تحلیل بازار؛

پیش از پرداختن به پیشنهادهای عملی در حوزه ترویج کارآفرینی و تسهیل‌گری برای رونق اقتصاد فرهنگ، توجه به چند نکته ضروری است. مجموعه شهرداری تهران و نهادهای زیرمجموعه آن الزاماً باید مسئولیت‌هایی را تقبل کنند که در انجام آن‌ها نسبت به دیگر سازمان‌هایی که به ترویج کارآفرینی می‌پردازند، مزیت نسبی داشته باشند. همچنین، شهرداری باید دست کم در درازمدت، از سرمایه‌گذاری خود در حوزه صنایع

فرهنگی انتظار کسب درآمدهایی برای اداره شهر و بهبود خدمات نیز داشته باشد.

#### ۱. افزایش مشارکت با بخش خصوصی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای فرهنگی - اجتماعی

نمونه‌های موفق از مشارکت شهرداری تهران با بخش خصوصی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی وجود دارد. نمونه‌هایی از جمله «بیدود»، «کتاب‌مترو»، و واگذاری مراکز ورزشی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و نمونه‌هایی دیگر نشان می‌دهد، بخش خصوصی برای انجام بسیاری از کارها اولویت دارد. اولویت بخش خصوصی به شهرداری به چند دلیل است: کیفیت بالاتر، بهای تمام‌شده پایین‌تر و از همه مهم‌تر، شکل‌گیری بخش خصوصی به ثبات آن کار فرهنگی کمک می‌کند. چراکه مدیران دولتی و شهرداری عمر مدیریت‌شان کوتاه است ولی مدیران بخش خصوصی، ثبات بسیار بیشتری دارند.

#### ۲. تسهیل ورود اکوسیستم استارت‌آپی برای رونق اقتصاد فرهنگ

تاکنون اکوسیستم استارت‌آپی موفق به ایجاد تحول در بسیاری از زمینه‌ها از جمله حمل‌ونقل، خرید اینترنتی، پرداخت اینترنتی، تبلیغات و ... شده است و این حاصل ورود یک استارت‌آپ نبوده است. بلکه باید اکوسیستم استارت‌آپی وارد آن زمینه شود. یک استارت‌آپ به تنهایی و بدون سایر اجزای مرتبط با آن، نمی‌تواند زنده بماند. برای بقاء یک استارت‌آپ نیاز به بخش‌های مختلفی در سطح جامعه وجود دارد تا به پیشرفت آن کمک کنند. آنچه برای استارت‌آپ مهم است، رشد بسیار سریع است، اما این رشد به وجود نمی‌آید مگر اینکه سایر بخش‌های جامعه به آن کمک کنند. به این اجزا، اکوسیستم استارت‌آپی می‌گوییم. اجزایی از جمله: ایده‌ها، ابتکارات و تحقیق‌ها، آموزش‌های کارآفرینی، استارت‌آپ‌ها در مراحل مختلف، کارآفرینان، اعضای تیم‌های استارت‌آپی، منتورهای استارت‌آپی، مشاوران استارت‌آپی و رویدادهای استارت‌آپی. به نظر می‌رسد شهرداری از ظرفیت‌های لازم برخوردار است و همان‌طور که معاونت علمی ریاست جمهوری توانست نقش پررنگی در شکل‌گیری این اکوسیستم در کشور ایفا کند، شهرداری تهران نیز می‌تواند با ایجاد یک ساختار قدرتمند - مستقیماً ذیل شهردار یا شورای شهر - این نقش را ایفا کند.

#### ۳. تخصیص یارانه، حتی المقدور، فقط به مصرف‌کننده نهایی

اگرچه دولت‌ها به‌منظور جذابیت برخی صنایع، امتیازاتی را برای صنعتگران فعال در آن صنایع قائل می‌شوند اما آنچه رانت ایجاد نمی‌کند و فساد به بار نمی‌آورد تخصیص یارانه به مصرف‌کننده نهایی است. تجربه سال‌ها تخصیص کاغذ به ناشران و تخصیص

ارز به واردکنندگان و تولیدکنندگان نشان می‌دهد آن‌چنان‌که باید، این سوبسیدها به جیب مصرف‌کننده نمی‌رسد. شهرداری تهران نیز اگر می‌خواهد که برخی حوزه‌ها برای مصرف‌کننده جذاب باشد، از جمله کتاب‌خوانی، دوچرخه‌سواری، تفکیک زباله و ... بهتر است یارانه را به مصرف‌کننده نهایی تخصیص دهد. برای مثال، به جای پرداخت مبلغی به ازای هر سفر به «بیدود»، عوارض شهرداری را برای مصرف‌کننده دوچرخه سوار کاهش دهد یا مسیرهای دوچرخه‌سواری را بهبود دهد؛ و یا برای ترویج کتاب‌خوانی به جای تخصیص کاغذ به ناشر، بستری مانند «نمایشگاه مجازی کتاب تهران» ایجاد کند تا تخفیف کتاب و ارسال رایگان، مصرف‌کننده را به خرید کتاب ترغیب کند.

#### ۴. ایجاد رقابت میان بخش خصوصی

جلوگیری از مونوپولی و ایجاد رقابت یکی از راه‌های اصلی برای بهبود کیفیت خدمات است. شهرداری هم باید برای بهبود خدمات در حوزه‌هایی که به بخش خصوصی واگذار شده از ابزار رقابت استفاده کند. برای مثال رقبایی برای «بیدود» دست‌وپا کند.

#### ۵. نظارت بیشتر بر روی بخش خصوصی

با واگذاری کارها به بخش خصوصی، شهرداری باید نظارت خود را افزایش دهد. به عبارت دیگر، شهرداری باید اجرای فعالیت‌های فرهنگی را به بخش خصوصی واگذار کرده ولی شأن نظارت خود را حفظ و قوت بخشد. برای مثال برخی از فعالیت‌های فرهنگی که به بخش خصوصی واگذار شده است از جمله فعالیت‌هایی که در سرای محلات انجام می‌شود، پیمانکاری‌هایی که در سازمان فرهنگی هنری انجام شده است، یا فعالیت‌هایی همچون «بیدود» از نظر کیفیت ارائه خدمات نیاز به بهبود دارند. در حال حاضر، اجرای فعالیت‌های فرهنگی تمرکز مدیران فرهنگی را آن‌چنان‌که به خود جلب کرده است که شأن نظارت آنان، آن‌چنان‌که باید اجرا نمی‌شود.

#### ۶. افزایش مشارکت با سایر سازمان‌های فرهنگی

مشارکت با سازمان‌های دیگر از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، دانشگاه‌ها و مدارس، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، مرکز رسیدگی به امور مساجد، نهاد کتابخانه‌های عمومی و ... باعث افزایش هم‌افزایی،

افزایش اثربخشی فعالیت فرهنگی و کاهش هزینه‌ها می‌شود. یکی از دلایل آن، این است که در این هم‌افزایی می‌توان از امکانات سایر سازمان‌ها بهره جست. در بخش تجربیات موفق، در فصل ۳ پژوهش، چند تجربه موفق در این خصوص آمده است.

د) راهبردهای آموزش و توسعه منابع انسانی

#### ۱. گفتمان‌سازی در خصوص اقتصاد فرهنگ

آنچه در پژوهش‌ها مشخص بود و به‌طور مدام توسط خبرگان مورد تأکید قرار می‌گرفت، عدم وجود دانش کافی، ذهنیت همسو و فرهنگ‌سازمانی حمایت‌کننده از اقتصاد فرهنگ بوده است. به نظر می‌رسد باید از ابزارهای گفتمان‌سازی و افزایش دانش در این خصوص استفاده کرد.

۱/۱. تولید کتاب

۲/۱. برگزاری نشست و همایش

۳/۱. تولید محتوا

موضوعات موردبررسی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- مدیریت فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای فرهنگی
- مدیریت بازاریابی در کسب‌وکارهای فرهنگی
- مدیریت مالی در کسب‌وکارهای فرهنگی
- مدیریت منابع انسانی در کسب‌وکارهای فرهنگی
- داستان‌های موفقیت در کسب‌وکارهای فرهنگی؛ که در آن مسیر موفقیت فعالیت‌های فرهنگی که به سودآوری رسیده‌اند موردبررسی قرار خواهد گرفت. تولید محتوا در این خصوص از آن‌جهت اهمیت دارد که برخی مدیران این ذهنیت را دارند که فعالیت‌های فرهنگی نمی‌تواند سودآور باشد. در این زمینه نمونه‌های فراوانی از کسب‌وکارهای فرهنگی وجود دارد که چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور به موفقیت رسیده‌اند. تدوین داستان موفقیت آن‌ها می‌تواند این ذهنیت را از بین ببرد.

از آن مهم‌تر، تدوین و تجربه‌نگاری فعالیت‌های فرهنگی سودآوری است که در درون شهرداری تهران انجام شده است. باید تجربه‌نگاری آن‌ها در اولویت باشد.

نمونه‌هایی همچون «کتاب مترو»، «گذر گردشگری سی تیر»، «کنسرت آنلاین در کرونا»، «نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر» و ...

۲. توسعه مدیریت منابع انسانی در راستای اقتصاد فرهنگ

در خصوص توسعه منابع انسانی به منظور بهبود اقتصاد فرهنگ اقدامات مختلفی می‌توان انجام داد:

۱/۲. آموزش منابع انسانی شهرداری در خصوص موضوعات مرتبط با اقتصاد فرهنگ

۲/۲. استخدام و جذب مدیران معتقد و متخصص در حوزه اقتصاد فرهنگ

۳/۲. اختصاص پاداش و جایزه به مدیرانی که از فعالیت‌های فرهنگی، درآمدزایی کنند

## علتها

الف) ظرفیت صنایع فرهنگی و خلاق برای افزایش درآمدهای شهرداری

همان‌طور که در بخش راهبردها آمد، صنایع فرهنگی و خلاق ظرفیت‌ها و توان زیادی برای درآمدزایی شهرداری دارد. البته آنچه این درآمدها را به درآمدهای پایدار تبدیل می‌کند، شکل‌گیری کسب‌وکارهای فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی شهر است؛ و این موضوع تحقق نمی‌یابد مگر با تحقق زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری و جلب مشارکت در این بخش. سازوکارهایی همچون شتاب‌دهنده، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند باعث شکل‌گیری این استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارها شود و در نهایت، سود حاصل از فعالیت آن کسب‌وکارها به یکی از منابع درآمدی پایدار شهرداری تبدیل خواهد شد.

خلاصه کلام اینکه افزایش درآمدهای شهرداری یکی از دلایل توجه به رونق اقتصاد فرهنگ است.

ب) ظرفیت صنایع فرهنگی و خلاق برای کاهش هزینه‌های اداره شهر

سودآوری حاصل دو عملیات است: افزایش درآمد یا کاهش هزینه و یا هر دو. برخی از کسب‌وکارها و فعالیت‌های فرهنگی اگرچه باعث افزایش درآمد نشود ولی می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های فرهنگی شهرداری شود که نمونه‌هایی از آن در بخش راهبردها آمده است. اقتصاد فرهنگ بر اساس رویکرد فرایندی به اقتصاد، به نمادهای ملموس فرهنگی توجه نموده و به دنبال افزایش بهره‌وری سرمایه ملموس فرهنگی با دانش اقتصاد است.

اقتصاد فرهنگ؛ نظیر اقتصاد سینما و اقتصاد رسانه، با توسل به روش‌های کمی موجود اقتصاد، به دنبال بهره‌وری و رشد خرده‌بخش‌ها و صنایع ملموس فرهنگی جامعه است. رشد و بهره‌وری این بخش‌ها موجب کاهش هزینه‌های زائد مالی و افزایش درآمد مالی این بخش‌ها در جهت پیشرفت اقتصادی جامعه خواهد شد.

تقویت بخش فرهنگ و سرمایه‌گذاری بر روی رفتار شهروندی از دو طریق باعث کاهش هزینه‌های مدیریت شهر می‌شود:

- تقویت احساس تعلق به شهر و افزایش مشارکت مردم منجر به گسترش فرهنگ مراقبت از شهر توسط شهروندان می‌شود. برای مثال شهروندی که به موزه‌ای در اطراف محل زندگی‌اش می‌رود یا کودکش را هر روز به پارکی در اطراف خانه‌اش می‌برد احساس تعلق بیشتری به شهر می‌کند و در نتیجه بیشتر از آن مراقبت می‌کند. مثلاً زباله‌اش را بر روی زمین نمی‌اندازد. آنچه در این تحقیق چه در مصاحبه‌ها و چه در بررسی‌های دیگر بارها مورد اشاره قرار گرفت، این بود که در حال حاضر شهر با هزینه بالایی اداره می‌شود. برای مثال هزینه‌های تمیزکردن شهر تهران بسیار بیشتر از این هزینه‌ها در شهرهای پیشرو در دنیاست. هر تغییر کوچک در فرهنگ شهروندی مانند رعایت تفکیک زباله – و جمع‌آوری زباله به صورت یک‌روز در میان – می‌تواند در کاهش هزینه‌های اداره شهر تأثیر بسیاری داشته باشد.

یکی از روش‌های افزایش بهره‌وری مدیریت شهری برون‌سپاری وظایف شهرداری به بخش خصوصی است. کاهش هزینه‌های انجام وظایف شهرداری از طریق محول کردن برخی از این فعالیت‌ها به بخش خصوصی (مانند بیدود و جاروب) امری است که همواره باید در اولویت مدیریت شهرداری باشد. بارها ثابت شده است که بخش خصوصی این فعالیت‌ها را به صورت بهره‌ورتر انجام می‌دهد؛ یعنی با کیفیت بیشتر و هزینه کمتر. از این رو، جذب سرمایه‌گذاران و تسهیل ورود اکوسیستم استارت‌آپی برای حل مسائل مدیریت شهری باید مورد توجه ویژه باشد.

ج) ظرفیت‌های شهرداری متناسب با رونق اقتصاد فرهنگ

کسب و کار خلاق برای تولد و رشد نیاز به چه چیزی دارد. مگر نه این است که عمده نیازهای آن شامل دسترسی به مخاطب، مکان جهت استقرار، منابع مالی و دانش مربوط به آن کسب و کار است. جالب است که شهرداری، حداقل دسترسی خوبی به

سه مورد اول دارد. شهرداری یکی از نهادهایی است که دسترسی بلاواسطه و زیادی با مخاطب دارد و حتی از نعمت سازه‌های تبلیغاتی متعدد بهره‌مند است. همچنین مکان‌های زیادی (مانند سرای محلات) دارد که می‌تواند آن‌ها را به فضایی برای استقرار کسب و کارها تبدیل کند. علاوه بر آن، منابع مالی قابل توجهی در اختیار دارد که می‌تواند در چارچوب صحیح در اختیار کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها قرار گیرد. این در حالی است که شکل‌گیری کسب و کار در بسیاری از صنایع دیگر (مثلاً صنایع سنگین)، به ملزومات دیگری نیاز دارد که شهرداری در آن‌ها مزیت خاصی ندارد. خلاصه کلام اینکه ظرفیت‌ها و امکانات شهرداری با توسعه کسب و کارهای فرهنگی و اجتماعی تناسب بالایی دارد و این یکی از دلایل توجه به رونق اقتصاد فرهنگ است.

#### د) نوسانات بودجه‌ای در شهرداری تهران

بدیهی است، نوسانات بودجه‌ای یکی از تهدیداتی است که همواره مدیریت شهرداری‌ها را سخت می‌کند. شهرداری‌ها به‌منظور کاهش اثر این تهدید، به سمت ایجاد منابع درآمدی پایدار می‌روند که یکی از روش‌های آن، شکل‌گیری کسب و کارهای درآمدزا همچون «میادین میوه و تره‌بار» است که در حال حاضر، نمونه‌ای موفق محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد، شهرداری تهران مزیت‌های زیادی در توسعه این کسب و کارها دارد و این، یکی از علل توجه به رونق اقتصاد فرهنگ است.

#### شرایط مداخله‌گر

یکی از بخش‌ها در مدل پارادایمی، شرایط مداخله‌گر است که ابعاد شرایط مداخله‌گر در مدل رونق اقتصاد فرهنگ در شهر تهران در ذیل آمده است.

بدیهی است همکاری با شهرداری تهران می‌تواند باعث رشد هر فعالیت فرهنگی شود. چراکه امکانات فراوان شهرداری تهران از جمله منابع مالی، دسترسی به مخاطب، تبلیغات محیطی، دارا بودن مکان‌های فیزیکی فراوان و... همکاری با شهرداری را برای هر کسب و کاری جذاب می‌کند.

الف / صنایع فرهنگی و خلاق به عنوان یک صنعت رشد ساز و اشتغالزا

ب / وجود تجربیات موفق در شکل گیری صنایع فرهنگی و خلاق سودآور

ج / علاقه بخش خصوصی و استارت‌آپ‌ها به همکاری با شهرداری تهران

د / پرداخت هزینه توسط مخاطب، عامل افزایش اثربخشی محصول فرهنگی

بارها تجربه نشان داده است که ارائه محصول رایگان فرهنگی به مخاطب، ارزش آن را در ذهن مخاطب کم کرده است و آن را به یک محصول بی ارزش تبدیل کرده است. یکی از عواملی که در بسیاری از مصاحبه‌ها مورد اشاره قرار گرفته است، این است که نباید به مخاطب محصول فرهنگی را به صورت رایگان ارائه داد.

ه / کرونا شرایط را سخت کرده ولی فرصت استفاده از فضای مجازی را فراهم کرده

یکی دیگر از عواملی که در بسیاری از مصاحبه‌ها مورد اشاره بوده است، همه گیری کرونا است که در وهله اول به عنوان یک تهدید تصور می شود. ولیکن در بسیاری از مصاحبه‌ها نیز به عنوان یک فرصت بوده است.

### شرایط زمینه‌ای

الف) زیرساخت‌های مناسب شهرداری تهران برای رونق اقتصاد فرهنگ؛

ب) عدم وجود ذهنیت صحیح و دانش کافی در خصوص اقتصاد فرهنگ در میان مدیران شهرداری؛

ج) عدم تناسب قوانین، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها با رونق اقتصاد فرهنگ؛

د) کمک‌های شهرداری به فرهنگ؛ یک مسیر یک‌طرفه.

شهرداری کمک‌های گوناگونی به بخش فرهنگ اعم از فیلم و سینما، کتاب، رویدادهای فرهنگی و ... انجام می‌دهد که بسیاری از آن‌ها به عنوان یک تکلیف قانونی نیامده است؛ اما به نظر می‌رسد شهرداری متقابلاً در ازای این کمک‌ها می‌تواند خدماتی از بخش فرهنگ و هنرمندان دریافت کند که در دریافت کمک‌های متقابل سازوکاری نداشته و در نتیجه، موفق نبوده است.

شهرداری می‌تواند در ازای کمک‌هایی که به یک فیلم می‌کند، مطالبه کند که در آن فیلم یکی از خدمات شهرداری یا یکی از پیام‌های مهم در آن فیلم به شهروندان گوشزد شود (مثلاً این پیام که زباله بر روی زمین نیاندازیم). این پیام می‌تواند به صورت غیرمستقیم باشد و در بازاریابی به آن تبلیغات Product Placement می‌گویند.

## راهبرد سازی بر اساس مدل SWOT

راهبرد یعنی تعیین جهت حرکت برای رسیدن به اهداف موردنظر برنامه‌ریزی راهبردی. بنابراین راهبردها باید با تحلیل محیط داخلی سازمان (نقاط قوت و ضعف) و تحلیل محیط خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) (در ذیل مأموریت و اهداف بلندمدت و در چارچوب سیاست‌های کلی تدوین گردد. در مدل SWOT فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی و نقاط قوت و ضعف درونی در قالب جدولی ماتریسی تهیه می‌گردد و سپس براساس ترکیب و تلفیق هر یک از عناصر فوق راهبرد مناسب انتخاب می‌شود.

### تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات (SWOT)

تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات مبتنی بر مصاحبه با خبرگان، تحلیل محیط و ادبیات بدین ترتیب است.

#### الف) قوت‌ها

- برند «شهرداری تهران» به عنوان یک برند قابل اعتماد؛
- بودجه و منابع مالی؛
- نقاط تماس متعدد با مردم
- امکانات تبلیغاتی از جمله سازه‌های تبلیغات شهری؛
- امکانات لجستیک و عملیاتی؛
- مکان‌های فیزیکی متعدد از جمله سرای محلات، فرهنگسراها و ...؛
- الگوبرداری سایر شهرداری‌ها از شهرداری تهران؛
- وجود تجربیات موفق تجاری‌سازی فعالیت‌های فرهنگی در شهرداری.

#### ب) ضعف‌ها

- عمر کوتاه مدیریت مدیران فرهنگی در مقابل زمان موردنیاز برای اثربخشی فعالیت‌ها؛
- استفاده ضعیف از فضای مجازی برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی؛
- ورود شهرداری به عملیات اجرایی فعالیت‌های فرهنگی‌ای که بخش خصوصی در آن حضور دارد؛
- موازی‌کاری فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛
- عدم استفاده مطلوب شهرداری از کارشناسان خود؛

- نگاه علمی ضعیف و تصمیمات غیرکارشناسی؛
- ضعف در فرایند ارزیابی عملکرد (قبل، حین و بعد از اجرای برنامه‌ها)؛
- تخصص ناکافی مدیران فرهنگی در خصوص اقتصاد فرهنگ؛
- پاداش و جبران خدمات ضعیف از مدیران و کارکنان موفق؛
- اثربخشی پایین فعالیت‌های فرهنگی در مقایسه با بیگانگان.

#### ج) فرصت‌ها

- رشد بالای صنایع فرهنگی و خلاق در میان صنایع دنیا؛
- اشتغال‌زایی بالای صنایع فرهنگی و خلاق در میان صنایع دنیا؛
- امکان ورود بخش خصوصی و استارت‌آپ‌ها به حل مسائل فرهنگی شهرداری تهران؛
- اقبال شدید مردم به فضای مجازی؛
- امکان همکاری و مشارکت در برنامه‌ها با سایر سازمان‌های فرهنگی در کشور
- ازجمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، دانشگاه‌ها و مدارس، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، مرکز رسیدگی به امور مساجد، نهاد کتابخانه‌های عمومی و ...؛
- نیروی کار جوان، تحصیل کرده و متخصص در کشور.

#### د) تهدیدات

- زمان‌بر بودن فرهنگ‌سازی و اثربخشی اقدامات فرهنگ‌ساز؛
- نوسانات بودجه‌ای شهرداری تهران؛
- گسترش بیماری کرونا و آینده مبهم همه‌گیری‌ها؛
- افزایش آسیب‌های اجتماعی؛
- فاصله گرفتن جوانان از فرهنگ ایرانی اسلامی و تغییر سبک زندگی و سلیقه آن‌ها؛
- نفوذ افراد، شبکه‌ها و محتوای ناسالم با گسترش فضای مجازی.

بر اساس عناصر ذکر شده در بالا، مدل SWOT به همراه راهبردهای رونق اقتصاد فرهنگ را می‌توان در قالب نمودار شماتیک شکل ۳ تصویر نمود. این مدل، حاصل جمع‌بندی قوت‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدات و همچنین راهبردهای بسترسازی رونق اقتصاد فرهنگ، راهبردهای افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها، راهبردهای تسهیل‌گری و راهبردهای آموزش و توسعه منابع انسانی است.



## منابع و مأخذ

- الوانی، مهدی (۱۳۷۴). پژوهش کیفی. نشریه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۵(۲۰)، ۱-۱۶.
- ایزدخواه، محمدمهدی و خانی، سجاد و اسدی، محمد (۱۳۹۸). کودک و اسباب بازی ایرانی، تهران: مؤسسه پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- برتون، البرات (۱۳۸۸). درآمدی بر اقتصاد فرهنگ از دیدگاهی آزادمنشانه مجموعه مقالات صنایع فرهنگی.
- پرجمی، داوود و درخشان، فاطمه (۱۴۰۱). سیاست پژوهی توسعه اقتصاد فرهنگ در ایران (بررسی موانع و ارائه راهکارهای سیاستی)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ، ۲(۴)، ۲۹-۷۶.
- <https://doi.org/10.22083/scsj.2023.393354.1103>
- پرجمی، داوود و درخشان، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی رابطه توسعه اقتصاد فرهنگ و نظم در جامعه. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۶(۸۶)، ۱-۴۰.
- <https://doi.org/10.22054/qjss.2020.44814.2132>
- پرجمی، داود و خدایاریان طهرانی، فائزه (۱۴۰۰). تفاوت نسلی و اقتصاد فرهنگ (مطالعه موردی شهر تهران)، ششمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی سبک زندگی. <https://civilica.com/doc/1251110>
- ترابسی، دیوید (۱۳۸۲). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- جهانیان، منوچهر (۱۳۹۵). نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی، فصلنامه گردشگری و توسعه، ۵(۳)، ۱۵۶-۱۷۷.
- داگلاس نورث، جان والیسی، باری وینگاست. (۱۳۸۵). چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری. اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه ۳-۹۲.
- ناظمی اردکانی، مهدی و صیادی، محمد (۱۳۹۳). بررسی وضعیت مؤلفه های اقتصاد فرهنگ در ایران: مقایسه تطبیقی با کشورهای منتخب دنیا و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت اقتصاد فرهنگ در کشور. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۳)، ۱۹۱-۲۲۶.
- مسعودی نیا، زهرا و رشیدیپور، علی و ابراهیمزاده، رضا (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر رونق اقتصاد فرهنگ در ایران. راهبرد فرهنگ، ۱۴(۵۳)، ۷-۴۲.
- مسعودی نیا، زهرا و رشیدیپور، علی و ابراهیمزاده، رضا (۱۳۹۷). «راهبردهای مؤثر بر تقویت ساختار اقتصاد فرهنگ ایران»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۷(۲۷)، ۱۰۳-۱۳۸.
- مظاهری، محمدمهدی، رشیدیپور، علی (۱۳۹۱). اقتصاد فرهنگ (ارزش گذاری کالاها و خدمات فرهنگی و هنری). تهران: نشر ریسمان
- قاضی نوری، سیدسپهر و ملکی فر، سیاوش و قانع راد، محمدمامین و موسوی، آرش (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل رویکردهای موجود و مطلوب در صنایع فرهنگی کشور مبتنی بر دیدگاه ذینفعان، مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۲۶(۱۷)، ۳۹-۱۷.
- عربشاهی کریزی، احمد و تقدیسی، مهرنوش (۱۳۹۷). گردشگری شهری و توسعه پایدار شهری: تحلیل و بررسی جایگاه، نقش و پیامدهای توسعه گردشگری شهری، جغرافیا و روابط انسانی ۱(۲)، ۳۹۷-۴۱۶.

هومن، حیدرعلی (۱۳۹۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

Alvani, M. Journal of Management Studies, 1998; 20. **[In Persian]**

Arabshahi, A & Taghdisi, M (2018). Urban tourism and sustainable urban development: analysis and investigation of the position, role and consequences of urban tourism, development, Journal of Geography and human resources. 1(2), 397-416, **[In Persian]**

Beijing Academy of Social Science. (2007). The Developmental Orientation of Beijing Cultural Creative Industry. Social Science of Beijing, 7(4), 19-22.

Breton, A. (1982). Introduction to an economics of culture: a liberal approach. In UNESCO, Cultural industries: a challenge for the future of culture.

Carr, J., & Servon, L. (2008). Vernacular Culture and Urban Economic Development: Thinking Outside the (Big) Box. Journal of the American Planning Association, 75(1), 28-40.

Cerisola S. Panzera E. Cultural and Creative Cities and Regional Economic Efficiency: Context Conditions as Catalysts of Cultural Vibrancy and Creative Economy. Sustainable 2022; 13(13): 1-23. <https://doi.org/10.3390/su13137150>

Chen, H. (2008). The Present Situation of Chinese Cultural Creative Industry Development and the Prospects. Economic Geography, 28(5), 728-33.

Dai, J., Wang, J., & Gao, Z. (2011). Comparative Study of Cultural Industry Policy between Beijing and other Important Cities in China. Social Science of Beijing, 5, 4-10.

Gao, H. (2010). Research on the Connotation of Policy Innovation in Chinese Cultural and Creative Industries. China Soft Science, 6, 80-86.

Ghazi Nouri, S; Maleki Far, S; Ghaneie Rad, M; Mousavi, A. Identifying and Analyzing the Existing and Desirable Approaches in the Cultural Industries of the Country Based on the Views of the Stakeholders, Journal of Strategic Studies of Public Policy, 2018; 26: 17-39. **[In Persian]**

Guetzkow, J. (2002). How the Arts Impact Communities. Working Paper Series 20. Princeton University Centre for Arts and Cultural Policy Studies. Retrieved June 20, 2020, from <https://www.issuelab.org/resources/9753/9753.pdf>

Hall, P. (1999). The future of cities. *Comput. Environ. Urban Syst.*, 23, 173-185.

Hall, P. (2000). Creative cities and economic development. *Urban Stud.*, 37, 639-649.

Hooman, H. A Practical Guide to Qualitative Research, Samt Publication, Tehran, 2015, **[In Persian]**

Horban, Yurii and others (2021). Human Capital as a Development Factor for Cultural and Creative Industries. International Journal of Computer Science and Network Security, VOL.21 No.12:604- 610.

Howkins, J. (2001). The Creative Economy, How People Make Money from Ideas. London: Penguin Group.

- Izadkhan, M; Khani, S; Asadi, M. Iranian Child and Toy, Tehran, Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults, 2019. **[In Persian]**
- Jahanian, M. (2016). The role of government in the development of Iran's tourism economy with a focus on the resistance economy. *Quarterly Journal of Tourism and Development*, 5 (9), 156-177. **[In Persian]**
- Kim, Milim (2011). The Role of the Government in Cultural Industry: Some Observations, From Korea's Experience, *Keio Communication Review*, No. 33: 1-23.
- Kong, L. (2014). From Cultural Industries to Creative Industries and Back? Towards Clarifying Theory and Rethinking Policy. *Inter-Asia Cultural Studies*, 15(4), 593-607.
- Kong, L., Gibson, L., & Semple, A. (2006). Knowledges of the Creative Economy: Towards a Relational Geography of Diffusion and Adaptation in Asia. *Asia Pacific Viewpoint*, 47(2), 173-94.
- Li, Liqin (2017). Analysis on the Competitive Factors of Cultural Industry in Shaanxi Province, *Advances in Social Science. Education and Humanities Research*. No. 119: 885- 891.
- Liang, S., & Wang, Q. (2020). Cultural and Creative Industries and Urban (Re)Development in China. *Journal of Planning Literature*, 35(1), 54-70. <https://doi.org/10.1177/0885412219898290>
- Lister, D. (1991). The Transformation of a City: Birmingham. In M. Fisher, U. Owen, & Eds, *Whose Cities?* Harmondsworth, UK: Penguin.
- Liu, Y.-Y., & Chiu, Y.-H. (2017). Evaluation of the Policy of the Creative Industry for Urban Development. *Sustainability*, 9(6), 1009. <https://doi.org/10.3390/su9061009>
- Markusen, A., & Schrock, G. (2006). The Artistic Dividend: Urban Artistic Specialisation and Economic Development Implications. *Urban Studies*, 43(10), 1661-86
- Masoudinia, Z., Rashid pur, A & Ebrahimzadeh, R (2018). Effective strategies on strengthening the structure of Iran's cultural economy. *Social and cultural strategy magazine* No27:103-138 <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517081.1397.7.2.4.5> **[In Persian]**.
- Masoudnia, Z., Rashidpoor, A & Ebrahimzadeh, R (2021). Factors affecting the prosperity of culture economy in Iran. 53,7-42, <https://doi.org/10.22034/jsfc.2021.130379> **[In Persian]**
- Mazaheri, M; Rashid Pour, A; *Economy of Culture: Valuation of Cultural Goods and Services*, Tehran, Risman Publication, 2014, **[In Persian]**
- Mintzberg, Henry (2011). *Managing*, Financial Times. Prentice Hall
- Nakagawa, S. (2010). Socially Inclusive Cultural Policy and Artsbased Urban Community Regeneration. *Cities*, 27(S), 16-24.
- National Bureau of Statistics in China. (2018). Classification of Cultural Industry and Cultural-Related Industries. Retrieved May 18, 2020, from [http://www.stats.gov.cn/tjsj/tjbz/201805/t20180509\\_1598314.html](http://www.stats.gov.cn/tjsj/tjbz/201805/t20180509_1598314.html)

- Nazemi ardakani, M & Sayyadi, M (2014). Investigating the status of cultural economy components in Iran; Comparative comparison with selected countries of the world and providing solutions to improve the state of culture economy in the country, Journal of "Rahbord -E- Ejtemaei Farhangi". 13-191, [In Persian]
- North, Douglass C., John Joseph Wallis, and Barry R. Weingast. "A conceptual framework for understanding recorded human History." NBER Working Paper 12795 (2006).
- Parchami, D. & Derakhshan, F (2019). A comparative study of the relationship between the development of economy, culture and order in society, Quarterly Journal of Social Sciences Allameh Tabataba'i University. 86(26), 1-40. <https://doi.org/10.22054/qjss.2020.44814.2132> [In Persian]
- Parchami, D. & Derakhshan, F. (2023). Policy research on the development of culture economy in Iran (Examining obstacles and providing policy solutions), Quarterly of - Strategic Studies of Culture, 4(2), 29-75. <https://doi.org/10.22083/scsj.2023.393354.1103> [In Persian]
- Parchami, D. & Kodayarian Tehrani, F (2021). Generational difference and economy of culture (case study of Tehran city), 6th International Conference on Humanities, Social and Lifestyle Sciences. <https://civilica.com/doc/1251110> [In Persian].
- Pourzakarya M. Fadaei Nezhad Bahramjerdi S (2023). Reviewing the role of cultural and creative industries in developing an urban cultural policy platform in Rasht city, Iran. Journal of Place Management and Development; 16(2): 145-162. <https://doi.org/10.1108/>
- Statistical Bureau of Beijing. (2015). Annual Statistical Book in Beijing. Beijing, China: China Statistical Press.
- Statistical Bureau of Guangzhou. (2017). 2012 Annual Statistical Book in Shanghai. Beijing, China: China Statistical Press.
- Statistical Bureau of Shanghai. (2012). 2012 Annual Statistical Book in Shanghai. Beijing, China: China Statistical Press.
- Statistical Bureau of Shenzhen. (2017). 2012 Annual Statistical Book in Shanghai. Beijing, China: China Statistical Press.
- The Cultural Economy - UNESCO's Framework for Cultural Statistics. 2009. p 24
- The Danish Government;. (2013). Denmark at Work, Plan for Growth in the Creative Industries Design. LIWEF, The Global Competitiveness Report 2013-2014. Klaus Schwab, World Economic Forum.
- Throsby, D. (2000). Economics and Culture. Cambridge University Press.
- UNESCO World Heritage Centre (2020): <https://whc.unesco.org/en/list/stat/>
- UNESCO. (2012). *Measuring the economic contribution of cultural industries*.
- Wang, L., Wu, Z., & Qiu, S. (2016). Creative Community Planning in the context of Urban Regeneration: Based on a Study on Spatial Demand of Creative Class and Residents. Urban Planning Forum, 230(04), 54-61.

Whitt, J. (1987). Mozart in the metropolis: The arts coalition and the urban growth machine. *Urban Affairs Review*, 23, 15-36.

Ye, L. (2012). The Annual Development Report of Chinese Cultural and Creative Industry

Zhang, Q. (2013). City's Cultural and Creative Industry in China: Status, Distribution, and Development Strategy. *Progress in Geography*, 32(08), 1227-36.


Zhong, Y., & Liu, D. (2012). The Qualitative Analysis of the Benefits from the Cultural and Creative Industry Agglomeration: A Case Study of Guangzhou. *Urban Problems*, 9, 97-100.





This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



## Future Research Of Architectural Developments In Gilan Province Based On Culturally Effective Components

**Reza Naghdbishi** , Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Roudhen, Iran. [reza.naghdbishi@riau.ac.ir](mailto:reza.naghdbishi@riau.ac.ir)

**Saeed Azemati** , Assistant Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Tehran East Branch, Tehran, Iran, (corresponding author), [Saeed.azemati@iaiu.ac.ir](mailto:Saeed.azemati@iaiu.ac.ir)

**Kimia Jamshidzadeh** , Master of Architectural Engineering, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. [kimia.jamshidzadeh@srbiau.ac.ir](mailto:kimia.jamshidzadeh@srbiau.ac.ir)

**Background:** Population growth, the knowledge and information revolution, changing cultural and social realities, economic globalization, the rise of new technologies and materials, increased environmental awareness and warnings, urbanization and migration pressures, etc., pose unprecedented challenges to our lives and professions. In the 19th century, industrial progress, science, technology, and the growth of urbanization in the West caused fundamental changes in the social organization and culture of the people of the world. Alongside this progress and technology, the story of today's Iranian architecture is the story of the diminution of cultural and civilization-building values and concepts hidden in a deep-rooted and dynamic architecture. For a long time, in the traditional architecture and urban planning of Iranian cities, the factor of culture has been considered as a special category in design. In any case, the cultural life of the country is in serious proportion to cultural events. However, it cannot be claimed that the capacity of cultural events is optimally utilized and the productivity of these measures is at the desired level. This weakness and lack of productivity stems from various causes, one of which is undoubtedly the lack of systematic design and implementation processes for cultural activities. A set of cultural, political, natural and historical factors have worked together to make the behavior and morale of people in different parts of Iran different. People who communicate with each other with equal value and respect and without aggression or humiliation and form a peaceful society called Iran. The cultural characteristics of each era can be recognized in its architecture, because when architecture is created under the influence of different conditions of an era, such as political, social, economic and cultural, etc., as soon as it is created, it can be recognized as independent and alive and take on special characteristics. When the effects that created a work (architecture) disappear, that architecture may continue to live. If the factors that create it are in accordance with cultural demands, that architecture will take deep root, and if those factors are unstable, that architecture will lack life and new factors will destroy it. The geographical location of Gilan, dense vegetation, humidity, access to the sea, and countless climatic factors have made the people of this province lively, cheerful, and with a different spirit from other parts of Iran. Therefore, it is essential that the architecture of the future be formed in accordance with the customs and culture of this province. The present study aims to study the future of the architectural developments of Gilan province based on the influential cultural components.



**Aim:** Accordingly, the main question of the research is stated as follows: To what extent will cultural criteria be effective on the future architecture of Gilan province? Based on the explanations presented, the focus of the present study is not “culture” in the general sense, nor simply solving a cultural problem and providing solutions for it, but rather a study of future architecture based on culture and its formulation. Thinking about the future is essential for the current actions and actions of man. Humans have been eager to know about the future since ancient times. Prophets and soothsayers are examples of those who in the past tried to somehow respond to this eagerness in the eyes of the public and the private. The first serious signs of human interest in the future can be seen in the Age of Enlightenment, a time when humanity believed that science would find a solution to everything. Newton’s laws of motion made it possible to understand and analyze many phenomena. As a result of the rapid growth of science during this period, thinkers of the Age of Enlightenment had truly concluded that it only takes time for all the laws and regulations of society and the environment surrounding humanity to be known and revealed. The foundations of this research are valid research and experienced models in the field related to the problem. Research conducted in the field of the future of architecture has all cultural, social and economic dimensions, either separately or together. Therefore, the present research has attempted to carefully examine the impact of culture on the future of architecture in Gilan province. Due to the multidimensional nature of the concept of development, it is necessary to pay attention to a range of main variables of different economic, social, cultural and environmental sectors.

**Methodology:** This research is applied in terms of purpose and method, mixed with an exploratory approach to the future. The statistical population of this research at all stages are experts who have worked in scientific environments and in the fields of architecture, urban planning and sociology. This research was conducted in three stages; in the first stage, in order to identify the drivers, in-depth interviews were conducted with 28 experts, which were the basis for designing the interview protocol, using literature review, Postel technique and WIH5 questioning technique, and sampling continued until theoretical saturation was reached. Max QDA software was used to analyze the interviews. Interview documentation, returning the coded interviews to the interviewees for confirmation, and using a secondary coder to check the degree of code compliance (code similarity) were carried out. In this research, with the participation of experts, the best capabilities for developing the province and building a desirable future were selected.

**Results:** Among the three scenarios given by the Scenario Wizard software, scenarios number one and two were the desirable scenarios, and scenario number three was the undesirable scenario. Among the two desirable scenarios given, scenario number two, due to its higher score (186), is the desirable scenario in which special attention should be paid to cultural changes, climate change should be given more attention, users’ needs and awareness should be given more attention, and special attention should be paid to immigrants. However, in the undesirable scenario, if cultural changes, climate change, user needs, disregard for immigrants, increased globalization, and construction barriers are not removed, we will witness undesirable architecture in the future.

**Key words:** Gilan architecture, future architecture, cultural developments, Gilan culture, native housing

## آینده پژوهی تحولات معماری استان گیلان مبتنی بر مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی

رضا نقدبیشی<sup>۱</sup>، سعید عظمتی<sup>۲</sup>، کیمیا جمشیدزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

استان گیلان به عنوان منطقه‌ای با تنوع فرهنگی و جغرافیایی خاص خود بستری مناسب برای تحلیل تأثیرات فرهنگ‌های محلی، سنت‌ها و نوآوری‌های معاصر بر معماری است. پژوهش حاضر باهدف آینده‌پژوهی تحولات معماری استان گیلان مبتنی بر مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی شکل گرفته است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی پیمایشی است. پس از بررسی شاخص‌های معماری بومی گیلان و مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی بر شکل‌گیری آن و مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط، مصاحبه با گروه متخصصین معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی انجام شد. در میان یافته‌های به دست آمده ۱۸ عامل به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحولات آینده معماری در استان گیلان شناسایی شد. با به‌کارگیری نرم‌افزار میک عوامل یادشده تحلیل ساختاری شد. عوامل اثرگذار و تأثیرپذیر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم شناسایی و رتبه‌بندی شد و مهم‌ترین آن‌ها به عنوان مؤلفه‌های اصلی ارائه شدند. در یافته‌های پژوهش، از میان مؤلفه‌های اصلی، ۸ متغیر به عنوان متغیرهای کلیدی که کمترین اثرپذیری و بیشترین اثرگذاری را در تحولات معماری داشتند، شناسایی شدند. سپس، متغیرهای دوجبهی، وارد نرم‌افزار سناریو ویزارد شد و دو سناریوی مطلوب و یک سناریوی نامطلوب به دست آمد. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی سناریوهای بیان شده نشان می‌دهد، آینده معماری در توجه به تغییرات فرهنگی، تغییرات اقلیمی، نیاز کاربران، توجه به مهاجران و دیگر عوامل خواهد بود.

### واژگان کلیدی

معماری گیلان، معماری آینده، تحولات فرهنگی، فرهنگ گیلان، مسکن بومی.



## مقدمه

رشد جمعیت، انقلاب دانش و اطلاعات، تغییر واقعیات فرهنگی و اجتماعی، جهانی‌سازی اقتصاد، طغیان فناوری‌ها و مصالح نو، افزایش آگاهی‌ها و هشدارهای محیطی، فشار شهرنشینی و مهاجرت و...، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای زندگی و حرفه ما مطرح می‌کند. در قرن نوزدهم میلادی، پیشرفت صنعتی، علم، فناوری و رشد شهرنشینی در غرب موجب تغییرات اساسی در سازمان اجتماعی و فرهنگ مردم جهان شد. در کنار این پیشرفت و فناوری، حدیث معماری امروز ایران، حدیث کمرنگی ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و تمدن‌ساز مستور در یک معماری ریشه‌دار و پویا است (Khayamnekoie, 2023, 39). از دیرباز در معماری و شهرسازی سنتی شهرهای ایران، عامل فرهنگ به‌عنوان یک مقوله ویژه در طراحی، مورد توجه بوده است. به‌هرتقدیر، حیات فرهنگی کشور در نسبت جدی با رویدادهای فرهنگی است. لیکن نمی‌توان ادعا کرد که از ظرفیت رویدادهای فرهنگی به‌طور بهینه بهره‌برداری می‌شود و بهره‌وری این اقدامات در سطح مطلوب قرار دارد. این ضعف و نقصان بهره‌وری، از علل مختلفی نشئت می‌گیرد که بی‌شک یکی از آن‌ها، نقص در نظام‌مندی فرایندهای طراحی و اجرای اقدامات فرهنگی است (Baghaei, Ghayomi, Salehiamiri, 2024, 31). در نگاه اول، رابطه انسان و معماری در حد طراحی و تحول یک سرپناه پنداشته می‌شود؛ و در نگاه دوم معماری آفرینشی است که تفسیرکننده هستی اوست و به زندگی معنا می‌بخشد و در رابطه تعاملی، اندیشه و کالبد در معماری به تعریفی از فرهنگ زمانه خالصه می‌شود (Azizpourshobi, Hashempour, Nazhadebrahimi, 2022, 43). معماری با بناها کار دارد و بناها بخشی از فرهنگ‌اند. بنا، کتاب گردوغبار گرفته‌ای است که باید به سراغش رفت و آن را مطالعه کرد. در این صورت است که ما را از فرهنگ سازندگان آگاه می‌کند و از هویت جامعه‌ای که در آن بنا شده، خبر می‌دهد. از این پس بنا داریم به ارتباط معماری و فرهنگ پردازیم و برای این کار، به سراغ معماری می‌رویم؛ چون بازتاب‌دهنده فرهنگ است (Asaadi, 2016). هر جامعه‌ای با هر دستگاہی که اداره می‌شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمان‌های خاص خود است. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش ایده‌های ذهنی است و وظیفه معماری، نمایش ایده‌های ذهنی به‌وسیله نمود اشکال عینی. معماری نظامی معنوی است که در ساختمان‌ها تجسم یافته است. معماری که تنها به خاطر معماری باشد اصلاً وجود ندارد، هر ساختمانی یک شاهد فرهنگی است. تا قبل از پیدایش معماری مدرن، هر

تمدن یا ملتی، معماری خاصی را ارائه داده است اما تحولات و دگرگونی‌هایی که امروزه در معنا و مفهوم معماری رخ داده، تابعی از سیر تحولات فکری تمدن معاصر است که با علم تجربه‌گرا و تفکر راسیونالیست مدرن رایج، جنبه معنوی و روحانی حیات انسان و اصولاً وجه معنوی عالم وجود را انکار می‌کند؛ معماری به عنوان بستر اتفاق زندگی بشر یکی از تأثیرگذارترین هنرها در جهت نمایاندن فرهنگ عامه و الگوهای ساختاری آن در هر دوره است و این امر باعث انعکاس کلیتی قابل بررسی و قضاوت از فرهنگ، تفکر و ناخودآگاه ملی، در معماری می‌شود. این قضاوت از طرف استفاده‌کنندگان محیط و نیز سایر ادوار تاریخی و فرهنگی نیز واقع می‌شود. از طرفی، هنگامی که جامعه همواره فضایی آشنا را تجربه کند، زمینه‌ساز خودباوری ملی و شکوفایی بیشتر افراد خواهد شد (Kohifard, Javidnezhad, 2016). معماری نتیجه و حاصل فرهنگ جامعه است. نگاهی اجمالی به تاریخ معماری ایران و سایر تمدن‌های جهان نشان می‌دهد که هیچ اثر بزرگ معماری وجود ندارد که بر اساس اندیشه و جهان‌بینی پدید نیامده باشد. به این ترتیب، می‌توان گفت که هر تمدن یا قومی در دوران مختلف، معماری خاصی را منطبق با فرهنگ خود ارائه می‌دهد. آنچه واضح است این است که معماران گذشته که هم‌اکنون بناهای آن‌ها را ساختمان‌هایی با هویت میدانیم، هرگز ابتدا هویت جامعه‌ی خود را جست‌وجو نکرده‌اند تا بر اساس آن و برای آن معماری کنند. آن‌ها با هویت اجتماعی و دینی خویش زندگی می‌کردند و ناگزیر این هویت در اثر آن‌ها نیز جاری و جاودانه است؛ بنابراین گم‌شده‌ی ما جای دیگری است تا به یک معماری ملی و با هویت فرهنگی دست یابیم.

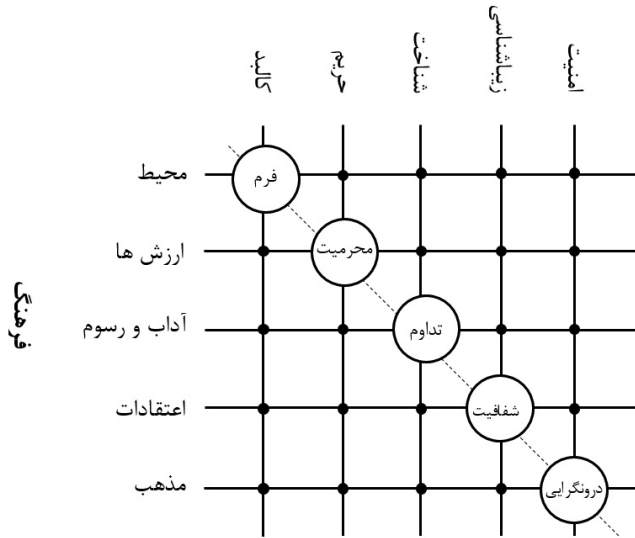
شناخت ویژگی‌های یک اثر معماری ماندگار نیازمند شناخت مشخصه‌های یک اندیشه است. در این صورت در ورای کالبد مادی اندیشه‌هایی پنهان شده است که در بسیاری موارد، معماری بهانه‌ای برای بیان آن راز و رمزهاست. آفرینش اثر معماری مبتنی بر حمل اندیشه و مفهوم خاص است. معماری، همواره نمود بیرونی مادی شده اندیشه‌های مختلف به شکل فضا و مکان انسان‌ساخت از راه کنش و آفرینش معمارانه بوده است. بقای هر جامعه در طول زمان مشروط به انتقال قاعده‌مند و بدون انقطاع ارزش‌ها از یک نسل به نسل دیگر است. در واقع تداوم هر جامعه‌ای پیرو انتقال فرهنگی است. البته تداوم به معنی تغییرناپذیری نیست فرهنگ‌ها مظاهر گوناگونی دارند و علیرغم این تفاوت‌های ظاهری دارای شباهت‌هایی انکارناپذیرند (Azizpour -shobi, Hashempour, Nazhadebrahimi, 2022, 44). در سایر مظاهر فرهنگ کشور

ایران معانی عمیقی نهفته است و معماری در این فرهنگ حاوی معانی باطنی است. به خصوص اینکه در ایران خرده فرهنگ‌های بسیاری وجود دارد و مردم از موارث تاریخی متکثر و متنوعی برخوردارند؛ اما این تنوع و تفاوت‌های آن دارای محتوای درونی مشترکی است که همه آن‌ها را تحت کی مجموعه کلی ساماندهی می‌کند. از این دیدگاه انسان به مثابه وجودی دیده می‌شود که برای بیان محتواهای درونی خویش به اشکال و کالبدهایی بیرونی روی می‌آورد و از آن‌ها برای به تصویر کشیدن آنچه در باطن دارد، مدد می‌جوید (Alimohammadi, Abdollahi, 2017, 37). استان گیلان واقع در اقلیم معتدل و مرطوب کشور، از نمونه استان‌های دنیاست که بافت تاریخی آن، علیرغم آسیب‌های کالبدی ناشی از تفکر مدرنیسم، به دلیل غنای شهرسازی و معماری متناسب با فرهنگ منطقه، کارآمدی و سرزندگی خود را حفظ نموده است. از این رو برای شناسایی متغیرهای کلیدی می‌توان ابتدا متغیرهای توسعه استان را با توجه به نظریه دستگاه‌ها شناسایی و دسته‌بندی کرد. «ادوارد هال» مردم‌شناس آمریکایی معتقد است که طرح روستاها اتفاقی نبوده بلکه تابعی است از زمان و تغییرات فرهنگی روستا، مجموعه‌ای پویا و مبنی برکنش‌های متقابل انسان و محیط پیرامون است. این چنین معماری روستایی بومی و در طی دوران دچار کنش و واکنش یعنی تغییرات جزئی و کلی بوده است (Khakpour, Sheykh Mahdi, 2011, 233). مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، سیاسی، طبیعی و تاریخی دست در دست یکدیگر داده‌اند تا رفتار و روحیات مردم در جای‌جای ایران با یکدیگر متفاوت باشد. مردمانی که با برخورداری از ارزش و احترام یکسان و بدون تعرض یا تحقیر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و جامعه‌ای مسالمت‌آمیز به نام ایران را تشکیل می‌دهند. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می‌توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تأثیر شرایط متفاوت یک دوره به وجود آید مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... به محض به وجود آمدن می‌تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات به وجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. اگر عوامل به وجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان برمی‌دارند (Daneshpazhoh, 2002). وضعیت جغرافیایی گیلان، پوشش انبوه گیاهی، رطوبت، دسترسی به دریا و عوامل بی‌شمار اقلیمی، مردم این استان را انسان‌هایی سرزنده، شاداب و با روحیه‌ای متفاوت از دیگر نقاط ایران بار

آورده است، از این رو ضروری است تا معماری آینده مطابق با آداب و رسوم و فرهنگ این استان شکل گیرد. پژوهش حاضر با هدف آینده پژوهی تحولات معماری استان گیلان مبتنی بر مؤلفه های اثرگذار فرهنگی شکل گرفته است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این گونه بیان می شود: معیارهای فرهنگی تا چه میزان بر معماری آینده استان گیلان مؤثر خواهد بود؟

بر اساس توضیحات مطرح شده، تمرکز پژوهش حاضر، نه «فرهنگ» در معنای عام و نه صرفاً حل یک مسئله فرهنگی و ارائه راهکارهایی برای آن، بلکه پژوهشی در معماری آینده بر اساس فرهنگ و صورت بندی آن است.

### معماری



شکل ۱. ماتریس اشتراکات معماری و فرهنگ، منبع: نگارندگان

### پیشینه پژوهش

اندیشیدن درباره آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان امری ضروری است. اشتیاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته است. پیشگویان و کاهن ها نمونه هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند. نخستین نشانه های جدی تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می شود، دورانی که بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه حلی خواهند یافت. قوانین

نیوتن در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری از پدیده‌ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، اندیشمندان عصر روشنگری واقعاً به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می‌خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود. پایه‌های انجام این پژوهش، تحقیقات معتبر و مدل‌های تجربه‌شده در زمینه مرتبط با مسئله است. تحقیقاتی که در زمینه آینده معماری صورت گرفته، همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را یا جدا از هم یا با یکدیگر دارد. از این رو پژوهش حاضر کوشیده است تا به بررسی دقیقی از تأثیر فرهنگ بر آینده معماری در استان گیلان بپردازد. به علت ماهیت چندبعدی مفهوم توسعه، توجه به طیفی از متغیرهای اصلی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی ضروری است (Khairulloev, 2015). درهم تنیدگی این ابعاد بر ضرورت وجود رویکردی یکپارچه به موضوع تأکید می‌کند. به اعتقاد برخی محققان، آینده‌نگاری، رویکردی مناسب برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است (Koschatzky, 2005). این رویکرد رابطه نزدیکی با مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دارد؛ و عدم قطعیت‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی در نظر می‌گیرد. شناسایی متغیرهای کلیدی گام نخست و مهم‌ترین گام آینده‌نگاری راهبردی است (Godet & Durance, 2011). برای اولویت‌بندی قابلیت‌های توسعه استان با توجه به رویکرد آینده‌نگارانه تحقیق از روش فناوری‌های کلیدی استفاده شده است. زمانی که انتخاب اولویت‌ها در پروژه آینده‌نگاری مدنظر است (Zali, 2013)، روش فناوری‌های حیاتی یا کلیدی یک رویکرد ارزشمند و مفید جهت ارزیابی حوزه‌های تحقیقاتی و فناوری‌های مختلف به شمار می‌رود.

پژوهش زالی و همکاران (۱۴۰۰) با به‌کارگیری آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به شناسایی عوامل کلیدی توسعه استان گیلان، به تطبیق آن با نظریه پایه توسعه استان می‌پردازد و قابلیت‌های توسعه استان را با روش فناوری‌های کلیدی اولویت‌بندی می‌کند.

گوده و دویناس (۲۰۱۱) تجربه آینده‌نگاری سازمان ملی فرانسه در ارتباط با بهبود وضعیت مسکن فرانسه برای سال ۲۰۱۰ را منتشر کرده‌اند. در این پروژه از میان ۴۰ عامل مؤثر بر وضعیت مسکن فرانسه با تحلیل آثار متقاطع عوامل، ۱۰ عامل به‌عنوان عوامل کلیدی مؤثر شناسایی شده‌اند. این عوامل مبنایی برای تحلیل سناریو و تدوین راهبردهای بخش مسکن فرانسه قرار گرفته‌اند (Godet & Durance, 2011).

در دیگر پژوهشی امامی و دربان آستانه (۱۴۰۰) با رویکرد آینده‌پژوهی به شناسایی

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت کالبدی روستایی استان گیلان و بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر می‌پردازند. مطابق نتایج خروجی میک مک، بر اساس نتایج کمی خبرگان وضعیت کالبدی روستایی در استان گیلان و وضعیت کالبدی جامعه‌محور در استان گیلان تا حدودی پایدار است و شرایط کنونی حاکم بر سیستم کالبدی جامعه‌محور در آینده نزدیک شاید تغییری صورت نگیرد. در نهایت با توجه به امتیاز بالای تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم ده عامل اصلی کلیدی در آینده توسعه کالبدی روستایی استان گیلان می‌توان گفت که مواردی چون وجود عوامل رفاهی امکانات، درآمد آب‌وهوا قدمت و بافت بیشترین اثرگذاری مستقیم و وجود آب‌وهوای مناسب، بازارچه‌ها، ناهمواری توریستی کاربری مناسب بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم را داشته‌اند.

امامی و یاسوری (۱۴۰۱) این بار به شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت گردشگری روستایی استان گیلان و بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن‌که است عوامل انتخاب‌شده در بیش از ۹۲ درصد موارد بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. بر اساس نتایج کمی خبرگان وضعیت گردشگری روستایی در استان گیلان تا حدودی ناپایدار است و شرایط کنونی حاکم بر سیستم گردشگری روستایی در آینده نزدیک به شدت تغییر خواهد کرد. در جدول زیر به صورت کلی مقالاتی که در زمینه فرهنگ و معماری گیلان انجام شده، به تفکیک بررسی شده است و در ادامه به مرور ادبیات پژوهش پرداخته خواهد شد.

جدول ۰۱. بررسی پیشینه پژوهش فرهنگی استان گیلان

پژوهشگران	سال	بررسی‌ها
۱ خاکپور و همکاران	۱۳۹۰	لزوم تغییر در جوامع سنتی، تغییرات فرهنگی در ارتباط با فضاهای خصوصی و عمومی، راهکارهای معماری در رابطه با زندگی امروزی، الگوی مناسب و جدید مسکن روستایی
۲ مظفر و همکاران	۱۳۹۱	شناخت کلیتی از راهکارها، مقوله‌های فرهنگی و معماری، سیاست‌های متداول، محدود نمودن فرهنگ به تعریفی خاص، مقوله‌بندی
۳ امیرکیایی و همکاران	۱۳۹۷	روش‌های مناسب طراحی تا تخریب بنا، استفاده از روش‌های بومی به عنوان روش‌های سازگار با طبیعت، بررسی دقیق روش‌های بومی به عنوان نمونه‌های ساخته‌شده و تلفیق آن بادانش و فناوری نوین جهت بهره‌گیری در ساختمان‌های جدید، استفاده از روش‌های اجرایی ساده، مصالح بومی و اتصالات ساده و در دسترس، فرم هندسی بنا و استفاده از اجزای مدولار

پژوهشگران	سال	بررسی‌ها
دلشاد و همکاران	۱۳۹۷	مسائل اقلیمی، محدودیت‌های زمین، مسائل اقتصادی، فرهنگی و سبک زندگی، وحدت با معماری ایرانی لمس، استفاده انسان سنتی از مواد و مصالح در دسترس و پاسخگویی و ایجاد آسایش در شرایط آب و هوایی اقلیم‌های متفاوت
رجبی و همکاران	۱۳۹۸	توجه بیشتر به خرده‌فرهنگ‌ها در جهت توسعه گردشگری، افزایش امکانات و خدمات رفاهی و اقامتی در ناحیه مورد مطالعه، توجه به نقاط روستایی دورافتاده که از هرگونه امکانات و خدمات به دور هستند، بها دادن به ارزش‌های فرهنگی منطقه، جلوگیری از بناها و سازه‌هایی که موجب انحراف توجه از ویژگی‌های منحصر به فرد معماری می‌شود.
شکری یزدان‌آباد و همکاران	۱۳۹۸	طبیعت‌محوری، خدامحوری، جامعه‌محوری (اجتماع‌پذیری) و همچنین اقتصاد، در سیر دگردیسی، جامعه‌محوری (ارتباطات جهانی)، ارتقا ارزش‌های انسانی و حفظ هویت ایرانی اسلامی، در شهرهای آتی
غفاری حدیقه و همکاران	۱۳۹۸	توجه به فرهنگ، روابط اجتماعی، عاطفی و اعتقادات مردم منطقه، چگونگی ایجاد فرم‌ها و فضاهای گوناگون معماری و نحوه جانمایی
مهرداد، جواد	۱۳۹۹	معماری گیلان و ویژگی‌های عناصر معماری آن در سه حوزه اقلیم، فرهنگ و طبیعت، فاکتورهای اقلیمی
امیر کافی، مهدی، سجادی، حامد	۱۴۰۱	امید ساکنان محلات محروم، آشکاری کمتر از میانگین کشوری، قابلیت شخصی ساکنان، امید به آینده، برنامه‌ریزی در زندگی، بررسی تفاوت‌ها در سه محله سطح فردی با تحصیلات، درآمد، امنیت، بی‌نظمی اجتماعی و اعتماد
پاداشی املشی و همکاران	۱۴۰۲	زیست‌پذیری در حل چالش‌های پیش رو شهروندان به معنای آینده‌پروتنق، زنده و پاسخگو و تأمین‌کننده کیفیت مناسب زندگی است، این امر مستلزم تحقق سه هدف، اجتماعات سرزنده، اقتصاد پویا و محیط‌زیست پایدار است.
بقایی و همکاران	۱۴۰۲	عملیات فرهنگی، مجری، مخاطب، استفاده از استعاره نسج و بافت، بهره‌سازی، ساختار هستی‌شناسی، نتایج: رشته رانه، رشته عامل، رشته کارمایه، رشته عمل، رشته پایانه

منبع: نگارندگان

## مبانی نظری پژوهش

### معماری بومی گیلان و تأثیرپذیری فرهنگی

معماری بومی (Vernacular architecture) شاخه‌ای از معماری بر پایه نیازهای منطقه‌ای و مصالح ساختمانی است که بازتاب سنت‌های منطقه‌ای است. معماری بومی در طول زمان بر اساس پیشینه محیطی، فرهنگی، فناوری و تاریخی که در آن وجود داشته تکامل

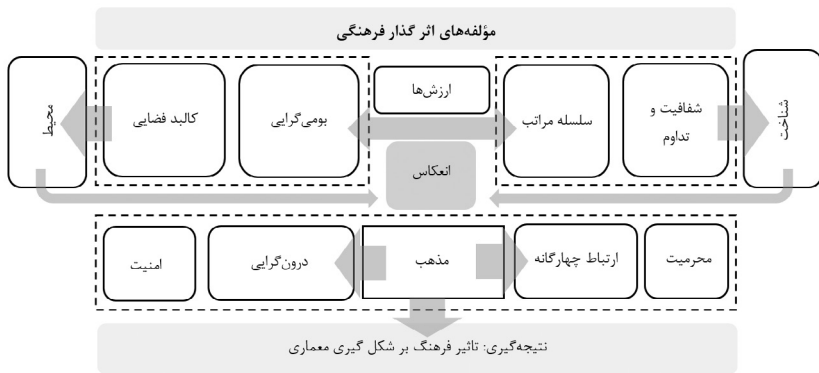
یافته است. معماری بومی را می‌توان متقابل معماری رسمی (که با عناصر سبکی طراحی که به‌صورت غیر اتفاقی برای اهداف زیبایی شناسانه کنار هم قرار گرفته که فراتر از نیازهای ضروری ساختمان هستند) دانست. اصطلاح معماری بومی نباید با آنچه معماری سنتی گفته می‌شود اشتباه شود، هرچند پیوندهایی میان این دو وجود دارد. معماری سنتی می‌تواند شامل ساختمان‌هایی با عناصر طراحی رسمی: معابد و قصرها شود. در پهنه جغرافیایی گیلان که رطوبت هوا و بارش باران زیاد است، مسکن نه‌تنها باید جوابگوی نیاز انسان به سرپناه باشد، بلکه باید آسایش اقلیمی را به‌طور نسبی به همراه داشته باشد. بدین لحاظ، بنای مسکونی باید به‌گونه‌ای ساخته شود که حتی تا جایی که امکان دارد رطوبت بیش‌ازحد تحمل انسان را در محیط‌زیست کاهش دهد تا شرایط دما و رطوبت، در حد آسایش قرار گیرد. آسایش در تابستان‌ها، به علت رطوبت نسبی زیاد هوا در تمام اوقات شبانه‌روز است؛ بنابراین، امکان حرکت راحت باد به‌منظور دفع رطوبت اطراف بدن و محیط انسان مطرح می‌گردد. این نیاز موجب شده تا بناهای مسکونی گیلان دارای لایه‌های شفاف مسقف و با بازشوهای بسیار زیاد در جداره‌های خارجی باشند. به‌گونه‌ای که گاه دورتادور بنا را یک‌لایه فضای زیستی نیمه محصور و بدون جداره، یعنی ایوان‌های چهارطرفه، احاطه کرده است (Delshad, Hoseinpour, 2018, 35). معماری گیلان به عنوان یکی از معماری‌های سنتی ایران با تاریخچه‌ای فراگیر و طولانی روبروست. این معماری نتیجه‌ای است از تأثیر فرهنگ‌ها، اقوام و اعتقادات مختلف در طول زمان. گیلان به عنوان منطقه‌ای مهم و ترکیبی از جمعیت‌ها و فرهنگ‌ها، همواره برخوردار از تبادلات فرهنگی و تأثیرات معماری بوده است. ساختمان‌های سنتی گیلان نمونه‌هایی از زیبایی و هنر معماری این منطقه را نشان می‌دهند. «مردم گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند. مهم‌ترین مراحل کاشت برنج بردوش زنان گیلانی است. کار زیاد زنان در شالیزار و نیز کار کردن آن‌ها در خارج خانه، منجر به تظاهرات فرهنگی متمایزی شده است. این ملاحظات محصوریت کامل مسکن را بدان‌گونه که در ایران مرکزی مشاهده می‌شود، متفی نموده و محرمیت بنا را به حداقل می‌رساند» (Khakpour, 2007)؛ بنابراین فرهنگ گیلانیان در عدم تفاوت میان مرد و زن در معماری نیز نمود پیدا کرده و خانه‌های سنتی در گیلان به شکل برون‌گرا ساخته می‌شوند. حتی حوزه تفکیک خانه‌ها از یکدیگر نیز محصور نبوده و «ورودی خانه‌ها و تشخیص حوزه‌های مختلف در محوطه خانه‌ها و گسترش حریم خانه‌ها با اضافه کردن فضای

سبز به کنار جاده است» (Livani, Ramezani, 2014). در مناطق کوهستانی اما بیشتر با استفاده از پرچین برای جلوگیری از ورود چهارپایان است؛ اما عدم محصوریت بلند در حریم خانه‌ها در این ناحیه را تنها نمی‌توان به نقش فرهنگ در معماری گیلان معطوف کرد بلکه می‌توان گفت که «دلیل این امر همان استفاده از جریان هواست تا از میان ساختمان‌ها عبور کرده و هوای مرطوب و راکد را با خود به بیرون محوطه و فضاهای زیستی ببرد. بهره بردن از طبیعت زیبا و سرسبز منطقه نیز از دلایل دیگر جهت تلفیق محیط مسکونی با طبیعت است» (Mehrddad, 2021).

## آینده معماری گیلان

معماری در هر منطقه جغرافیایی ریشه خود را از اقلیم همان منطقه می‌گیرد و ارتباط تنگاتنگی با عوامل اقلیمی، محیطی، اجتماعی، هویتی، انسانی و طبیعت خود دارد. معماری سنتی و غنی گیلان زایش عمل و عکس‌العمل متقابل میان انسان و طبیعت اقلیم خاص این منطقه است. هرچقدر که به عمر سال‌ها افزوده شد و دهه‌ها یکی پشت دیگری طی شدند و با شرایط‌های مختلف هر عصر تغییراتی در اشکال مختلف و سبک زیست انسان‌ها به وجود آمد. ناگزیر معماری نیز همچون سایر ادوات با تغییرات گسترده‌ای همراه شد. استان گیلان در بین استان‌های کشور با وجود موقعیت‌های ویژه و استراتژیک و پل ارتباطی شمال با مرکز کشور، به‌عنوان محور کریدور شمال-جنوب، منابع غنی طبیعی، تنوع آب و هوایی، آب فراوان، دشت‌های وسیع و حاصلخیز، معادن متنوع، سرمایه انسانی ارزشمند، قابلیت‌های بازرگانی و تجاری، موقعیت‌های ارتباطی، نیروی کار جوان و فراوان و سرشار از قابلیت‌های گردشگری و ...، از موقعیت قابل انتظاری برخوردار نیست. با توجه به اینکه منابع محدود ولی نیازها نامحدود است، توسعه هم‌زمان همه بخش‌ها و توسعه همه‌جانبه یک هدف دست‌نیافتنی است. هر چند که توسعه همه‌جانبه به عنوان آرمان اصلی استان مدنظر است اما از آنجایی که توسعه همه‌جانبه نمی‌تواند به سرعت و در زمان کوتاه اتفاق بیفتد، لازم است تا عوامل کلیدی و پیشران‌های توسعه استان که دارای مزیت نسبی برای استان هستند، شناسایی شوند (Zali, Haghghat, Panahi, 2022, 96). معماری بومی گیلان تا پیش از صفویه تحت تأثیر اقلیم بود. پس از پیوستن گیلان به دولت مرکزی در زمان صفویه، عناصر معماری تلفیقی از معماری بومی و سبک اصفهانی شد. در اواخر قاجار و اوایل پهلوی شاهد تأثیر معماری نئوکلاسیک روسیه بر معماری گیلان هستیم. عناصر معماری، در

هر محدوده جغرافیایی با عوامل فرهنگی همان منطقه رابطه مستقیم دارد. تا پیش از صفویه، گیلان توسط اُمرای محلی اداره می‌شد و معماری این منطقه، بستگی زیادی به شرایط آب و هوایی داشت. مطالعه سفرنامه مستشرقین به گیلان، تغییرات معماری بومی خانه‌های شهری پس از ضمیمه شدن گیلان به دولت مرکزی را نشان می‌دهد. امروزه مهم‌ترین جنبش در معماری؛ احیای سنت‌های بومی و کلاسیک و الحاق آن‌ها به روند کلی معماری مدرن از جنبه بنیادی آن، یعنی ساختار جوامع و ساختمان شهرهاست. شهرسازی و معماری در استان گیلان از دهه‌ها افول برمی‌گردد که امروزه نتایج منفی خود را در سطوح لایه‌های شهری بازتاب داده است. در شرایط کنونی که متولیان امر همچون میراث فرهنگی، مدیریت شهری و... در راستای وظایف خود در طی ادوار مختلف با کاستی‌ها و نقص‌های جبران‌ناپذیری حافظان خوبی برای هویت معماری استان نبوده‌اند.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش، منبع: نگارندگان

## روش پژوهش

این مقاله از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، آمیخته با رویکرد اکتشافی نسبت به آینده است. جامعه آماری این تحقیق در همه مراحل، متخصصین هستند که در محیط‌های علمی و در حیطه معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی فعالیت داشته‌اند. این تحقیق در سه مرحله انجام شده است؛ در مرحله اول، به منظور شناسایی پیشران‌ها، مصاحبه‌هایی عمیق با ۲۸ نفر از متخصصین صورت گرفته که مبنای طراحی پروتکل

مصاحبه‌ها، استفاده از مرور ادبیات، تکنیک پستل<sup>۱</sup> و فن پرسشی W1H5 است و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. به‌منظور تحلیل مصاحبه‌ها از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای<sup>۲</sup> استفاده شده است. مستندسازی مصاحبه‌ها، بازگشت مصاحبه‌های کدگذاری شده به افراد مصاحبه‌شونده به‌منظور تأیید آن‌ها، استفاده از کدگذار ثانویه، به‌منظور بررسی میزان انطباق کدها (مشابهت کدها)، انجام شده است. تأثیرگذاری هریک از پیشران‌ها بر یکدیگر پرداختند. در این مرحله متخصصین، از نمره صفر تا پنج که بیانگر شدت تأثیر بسیار ضعیف تا بسیار قوی است، روابط فی‌مابین متغیرها را تعیین کردند، در این مرحله، شدت تأثیر ارزیابی شد، اما جهت تأثیر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. خروجی نرم‌افزار میک مک<sup>۳</sup>، بیانگر متغیرهای مستقل، وابسته، خودمختار و دوجهی است، متغیرهای دوجهی، متغیرهایی هستند که دارای بیشترین میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هستند و به عنوان متغیرهایی که خروجی این مرحله هستند، شناسایی می‌شوند. در مرحله سوم، متغیرهای دوجهی، به عنوان ورودی‌های نرم‌افزار سناریو ویزارد مطرح می‌شوند، در این مرحله، مجدداً پنل متخصصین تشکیل شده است، برای هریک از متغیرها، حالات ممکن آن شناسایی و پس‌از آن، تأثیر حالات هر متغیر بر حالات سایر متغیرها توسط متخصصین ارزیابی شده است. در این مرحله متخصصین از نمره منفی پنج تا مثبت پنج بر اساس شدت و جهت تأثیرگذاری حالات متغیرها بر یکدیگر، نمره تخصیص داده‌اند. خروجی این مرحله، شناسایی سناریوهای سازگاری است که بر اساس آن می‌توان آینده را توصیف کرد.

## آینده‌پژوهی

امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب‌تر رخ می‌دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاب می‌کند. آینده‌نگاری فرایندی روشمند، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان مدت تا

1. PESTEL

2. MAXQDA

3. MICMAC

بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. سه رویکرد به مطالعه آینده وجود دارد: ۱- آینده‌پژوهی واکاوانه یا تحلیلی که گاه آینده‌پژوهی اکتشافی نیز نامیده می‌شود. ۲- آینده‌پژوهی تصویرپرداز ۳- آینده‌پژوهی هنجاری که گاه آینده‌پژوهی مشارکتی نیز نامیده می‌شود. در پژوهش حاضر از رویکرد آینده‌پژوهی تصویرپرداز استفاده خواهد شد و با طرح سناریوی‌هایی به بررسی دقیق مؤلفه‌های مؤثر فرهنگی بر آینده معماری استان گیلان پرداخته می‌شود.

### یافته‌های پژوهش

در گام اول، برای یافتن نظرات و پاسخ‌ها مصاحبه‌ای با ۲۸ نفر از متخصصین معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی که در زمینه تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری معماری صاحب‌نظر بودند و در محیط‌های علمی و در حیطه معماری کار می‌کردند، صورت گرفته است. همچنین از مطالعات کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شد و از روش اشباع نظری به‌عنوان استاندارد برای پایان نمونه‌گیری استفاده شده است. در گام‌های دوم و سوم هم پنی از متخصصین تشکیل شد.

جدول ۲. کدگذاری اطلاعات تطبیقی، منبع: نگارندگان

نظر کدگذار (پژوهشگر)				
		بله	خیر	مجموع
نظر باز کدگذار (ارزیاب)	خیر	5A	11B	۱۶
	بله	8C	4D	۱۲
	مجموع	۱۳	۱۵	۲۸

### گام اول

پس از انجام مصاحبه عمیق با متخصصین، مصاحبه‌ها بر اساس روش تحلیل تم بررسی شدند از آنجا که تم‌های برگزیده با بهره‌گیری از نظرات متخصصین به‌دست آمده، روایی مصاحبه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. مبنای طراحی سؤالات به شکلی بود که آینده معماری گیلان از نظر متخصصین سؤال شده بود. سپس کدگذاری باز، محوری و در انتها کدگذاری گزینشی صورت گرفته (جدول ۲)، تم‌های اصلی و فرعی از متن مصاحبه‌ها شناسایی شد، نتایج در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از مصاحبه متخصصین، منبع: نگارندگان

مفهوم	مقوله
طراحی پلان باز و گسترده با فرم کالبدی هندسی و طولیل و باریک	۱ تأثیر اقلیم منطقه بر طراحی
طراحی شکل کلی ساختمان به صورت برون‌گرا	۲ تأثیرپذیری فرهنگی
تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، جهان‌بینی و آداب و رسوم	۳ اعتقادات مذهبی
عوامل زیست‌محیطی، ارتباط با طبیعت، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، کاربری‌ها و فعالیت‌ها، شیوه زیست و گونه‌های فعالیتی	۴ سبک زندگی
منظر شهری (الگوی خط آسمان زمینه، منظر تاریخی زمینه، منظر هویتی زمینه)، ادراک، تناسبات ریتم‌ها، الگوی اجزای واحد ارزش	۵ منظر شهری و محلی
حقوقی و مالکیتی، مدیریت شهری، اجتماعی و فرهنگی، کاربری و فعالیت‌های اقتصادی	۶ مشاغل و کاربری‌ها
کف طبقه هم کف بالاتر از سطح زمین و ساخته شدن بناها بر روی ارتفاع مانند پایه‌های چوبی	۷ حفاظت اقلیمی بنا
بهره‌گیری از مصالح با حداقل ظرفیت حرارتی و در صورت استفاده از مصالح ساختمانی سنگین، تعیین ضخامت آن‌ها در حداقل میزان ممکن	۸ مصالح مورد استفاده
عوامل اجتماعی و فرهنگی، روابط همسایگی قرارگاه‌های رفتاری و کالبدی	۹ تعاملات همسایگی
قرارگیری ساختمان با توجه به جهت وزش نسیم‌های دریا به منظور حداکثر استفاده از وزش باد در ایجاد تهویه طبیعی در داخل اتاق‌ها	۱۰ جهت‌گیری بنا
موسیقی، پوشاک و البسه، بازی‌های محلی، صنایع دستی	۱۱ انگاره‌های فرهنگی
تغییر فرهنگ در سال‌های آینده می‌تواند عاملی مهم در تغییرات بناهای معماری در استان گیلان باشد	۱۲ تغییرات فرهنگی
آنچه از شرایط اقلیمی در جهان مشخص است به مرور با گرم‌تر شدن کره زمین و کاهش بارندگی‌های سالانه ممکن است تغییراتی در طراحی آینده بنا ایجاد شود	۱۳ تغییرات اقلیمی
معماری مدرن در پی جهانی شدن دیر یا زود موجب تغییرات در طراحی بومی منطقه خواهد شد مشابه ساختمان‌های جدید موجود در استان	۱۴ مدرنیسم
تغییرات نیاز کاربر در طی سال‌ها و نیاز به طراحی متناسب با آن	۱۵ نیاز کاربران
مشاغل و حرفه‌های خاص در استان موجب جذب جوانان و به‌مرور زمان موجب نیازهای جدید در منطقه خواهد شد	۱۶ مهاجرپذیری
با توجه به آگاهی بیشتر کاربران نسبت به گذشته نیازهای جدیدی به وجود خواهد آمد که نیازمند پاسخگویی است	۱۷ آگاهی کاربران
جهان‌کنونی در حال تغییر است و تغییرات جهانی به مرور زندگی مردم را درگیر خود خواهد کرد	۱۸ تأثیرپذیری جهانی

## گام دوم

در این مرحله، متخصصین به بررسی تأثیر هریک از پیشران‌ها بر یکدیگر بر اساس نمره صفر تا پنج پرداخته‌اند. سپس به منظور شناسایی عوامل اثرگذار و اثرپذیر سیستم و نیز تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر یکدیگر پیشران‌ها در قالب یک ماتریس  $18 \times 18$  با به کارگیری نرم‌افزار میک مک تحلیل شد. در ادامه متغیرهای دوجوهی که به صورت هم‌زمان، بسیار تأثیرپذیر و بسیار تأثیرگذار، عمل می‌کنند، شناسایی شده که نمودار قرار دارند.

جدول ۴. ماتریس اثرات مستقیم، منبع: نگارندگان

ابعاد ماتریس	تکرار	بدون تأثیر	تأثیرگذار	تقویت‌کننده	توانمند ساز	درجه پرشدگی	جمع
۱۸*۱۸	۲	۲۴۱	۲۶۵	۱۳۴	۵۳	۶۸/۲۱	۷۶۳

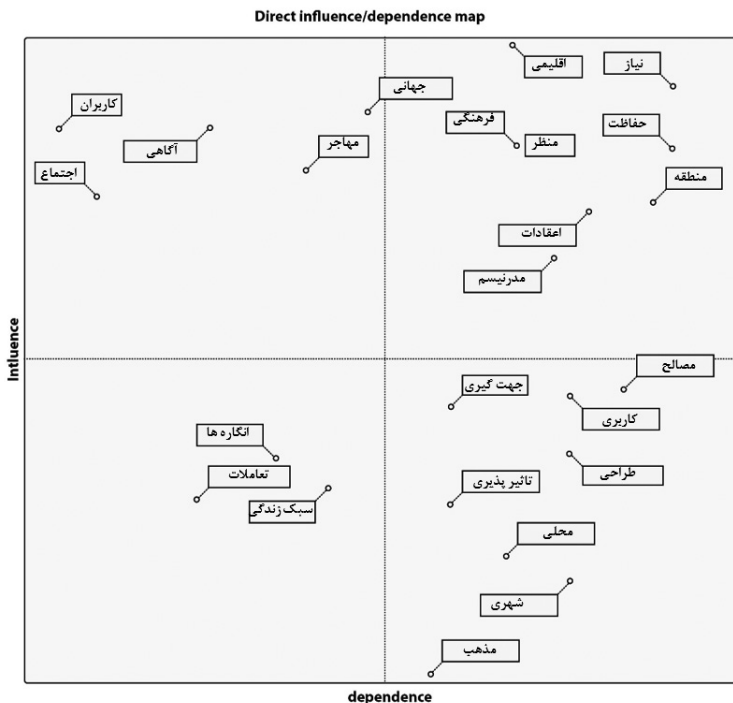
در تصاویر شماره ۴ و ۵، تعداد ده متغیر دوجوهی نشان داده شده است و سپس گراف‌های تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای دوجوهی، در تصاویر شماره ۶ و ۷ ترسیم شد.

جدول ۵. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم پیشران‌ها، منبع: نگارندگان

پیشران‌ها	تأثیرگذاری (مستقیم)	تأثیرپذیری (مستقیم)	خالص مستقیم	تأثیرگذاری (غیرمستقیم)	تأثیرپذیری (غیرمستقیم)	خالص غیرمستقیم
۱. تأثیر اقلیم منطقه بر طراحی	۴۳	۱۲	۲۳	۲۳۸۶۱	۲۰۸۲۸	۱۴۰۸۲
۲. تأثیرپذیری فرهنگی	۴۸	۱۴	۲۱	۳۸۷۵۰	۳۲۳۵۱	۲۳۰۲۳
۳. اعتقادات مذهبی	۱۲	۲۳	۱۱	۱۲۹۶۴	۱۴۹۶۲	۲۹۶۳۰
۴. سبک زندگی	۱۵	۴۱	۳۴	۱۹۱۲۳	۱۲۱۹۰	۲۰۱۹۲
۵. منظر شهری و محلی	۱۱	۲۱	۳۸	۱۴۷۵۲	۱۹۴۲۷	۲۰۷۴۲
۶. مشاغل و کاربری‌ها	۱۰	۲۶	۳۲	۱۹۶۲۰	۱۰۶۹۲	۲۹۶۲۰
۷. حفاظت اقلیمی بنا	۲۳	۳۱	۴۴	۲۸۶۵۲	۲۷۲۶۵	۱۲۵۲۶
۸. مصالح مورد استفاده	۲۵	۳۶	۴۰	۲۰۷۶۹	۲۴۷۰۲	۳۷۴۰۳
۹. تعاملات همسایگی	۱۷	۳۸	۲۶	۱۸۵۴۰	۱۳۵۷۱	۲۷۵۱۳
۱۰. جهت‌گیری بنا	۲۶	۴۹	۳۸	۲۶۵۷۸	۲۰۷۲۸	۳۱۷۸۲
۱۱. انگاره‌های فرهنگی	۱۴	۲۷	۲۸	۱۰۹۷۳	۱۲۹۵۰	۲۲۹۰۳
۱۲. تغییرات فرهنگی	۵۱	۱۷	۱۲	۳۰۴۳۷	۳۰۴۱۹	۲۰۶۱۱

پیشران‌ها	تأثیرگذاری (مستقیم)	تأثیرپذیری (مستقیم)	خالص مستقیم	تأثیرگذاری (غیر مستقیم)	تأثیرپذیری (غیر مستقیم)	خالص غیر مستقیم
۱۳ تغییرات اقلیمی	۴۹	۲۲	۲۵	۳۷۴۱۳	۳۲۱۱۷	۲۰۱۷۳
۱۴ مدرنیسم	۴۱	۲۷	۳۶	۳۱۲۶۹	۳۵۲۳۸	۲۲۵۳۰
۱۵ نیاز کاربران	۴۴	۱۵	۳۴	۳۳۸۲۱	۳۱۰۴۲	۲۴۱۰۶
۱۶ مهاجرپذیری	۳۹	۲۰	۳۲	۲۹۹۸۷	۲۰۶۵۱	۳۶۰۵۴
۱۷ آگاهی کاربران	۴۰	۲۴		۳۴۷۱۰	۳۱۷۰۱	۲۷۱۳۱
۱۸ تأثیرپذیری جهانی	۲۳	۳۳		۱۰۱۲۰	۱۱۰۹۱	۲۵۹۰۱

به منظور شناسایی پیشران‌های مهم، پیشران‌ها در حالت تأثیرگذار به صورت مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی و رتبه‌بندی شدند که نتیجه آن در تصویر شماره ۳ نشان داده شده است. بر این اساس، تأثیر تغییرات فرهنگی، تغییرات اقلیمی و نیاز کاربران به عنوان اثرگذارترین عوامل مستقیم و عوامل مهاجرپذیری، آگاهی کاربران و مدرنیسم به عنوان اثرگذارترین عوامل غیرمستقیم شناسایی شده‌اند.

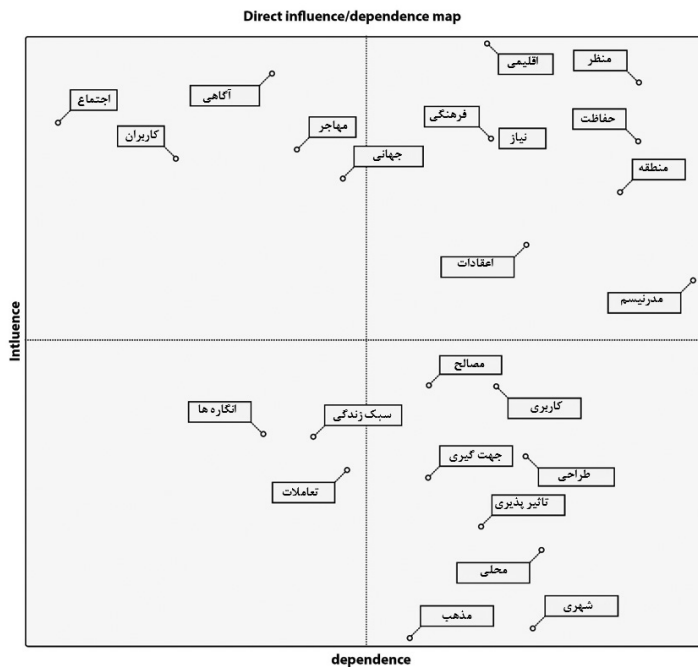


شکل ۳. وضعیت پیشران‌ها در نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، منبع: نگارندگان

بر این اساس، تأثیر تغییرات فرهنگی، تغییرات اقلیمی و نیاز کاربران به عنوان اثرگذارترین عوامل مستقیم و عوامل تولید بیشتر، داشتن رابطه با دنیا و تأثیر تغییرات اقلیمی به عنوان اثرگذارترین عوامل غیرمستقیم شناسایی شده‌اند.

## گام سوم

در این مرحله، بعد از شناسایی متغیرهای دوجهی در تحلیل نرم‌افزار میک مک، از متخصصین خواسته شد تا حالات هر یک از متغیرها را مشخص کنند، بعد از شناسایی حالات متغیرهای دوجهی، تأثیر آن‌ها از منفی پنج تا مثبت پنج توسط همان متخصصین ارزیابی و وارد نرم‌افزار سناریو ویزارد شد (جدول شماره ۶). از میان سناریوهایی که نرم‌افزار سناریو ویزارد داده است، سه سناریوی ممکن برای آینده پیش‌بینی شده است (جدول شماره ۷).



شکل ۴. وضعیت پیش‌ران‌ها در نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، منبع: نگارندگان

از میان سه سناریوی داده شده توسط نرم‌افزار سناریو ویزارد، سناریوهای شماره یک و دو، سناریوهای مطلوب بودند و سناریوی شماره سه، سناریوی نامطلوب بود. از میان دو سناریوی مطلوب داده شده، سناریوی شماره دو به علت نمره بیشتر (۱۸۶)،

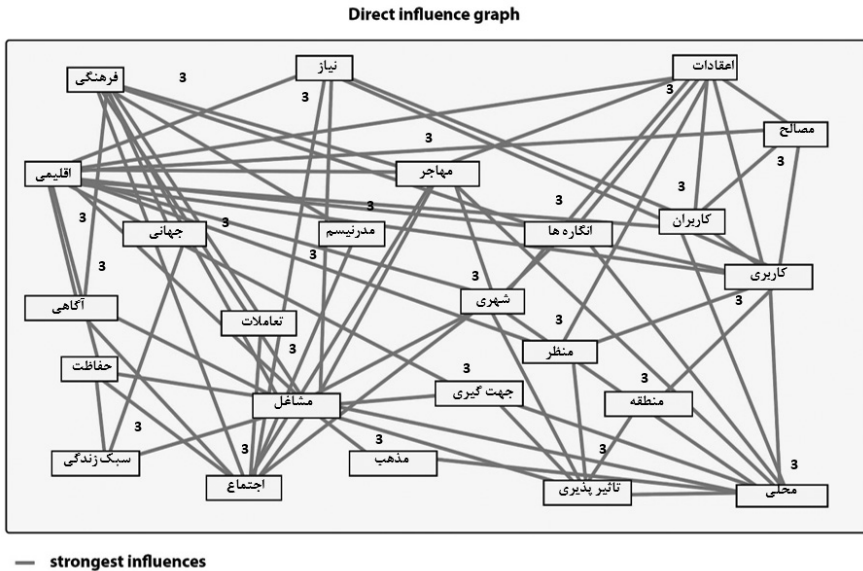
سناریوی مطلوب است که در آن باید به تغییرات فرهنگی توجه خاصی شود، تغییرات اقلیمی مورد توجه بیشتری قرار گیرد، نیاز کاربران و آگاهی آن‌ها بیشتر مورد توجه باشد و به مهاجران توجه خاصی شود.

جدول ۶. تعیین وضعیت متغیرهای دوجهی، منبع: نگارندگان

وضعیت حالات	متغیرهای دوجهی	حالت
A1 A2 توجه خاص بی‌توجهی	اقلیم	A
B1 B2 توجه خاص بی‌توجهی	تعاملات اجتماعی	B
C1 C2 توجه خاص بی‌توجهی	جهانی‌سازی	C
D1 D2 افزایش کاهش	بومی‌گرایی	D
E1 E2 افزایش کاهش	عوامل فرهنگی	E
F1 F2 افزایش کاهش	فناوری	F
G1 G2 افزایش کاهش	توانمندی منطقه	G
H1 H2 افزایش کاهش	عوامل اقتصادی	H

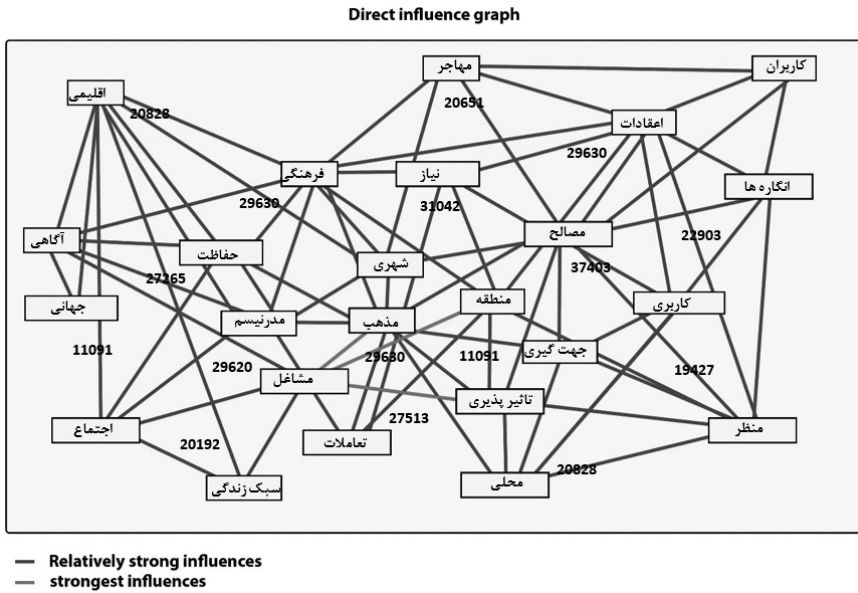
جدول ۷. تعیین وضعیت متغیرهای دوجهی به تفکیک هر سناریو، منبع: نگارندگان

سناریوی شماره ۳	سناریوی شماره ۲	سناریوی شماره ۱	متغیرهای دوجهی	
A2	A1	A1	اقلیم	۱
B1	B1	B2	تعاملات اجتماعی	۲
C1	C2	C1	جهانی‌سازی	۳
D2	D2	D2	بومی‌گرایی	۴
E2	E1	E2	عوامل فرهنگی	۵
F2	F1	F1	فناوری	۶
G1	G1	G2	توانمندی منطقه	۷
H1	H2	H2	عوامل اقتصادی	۸



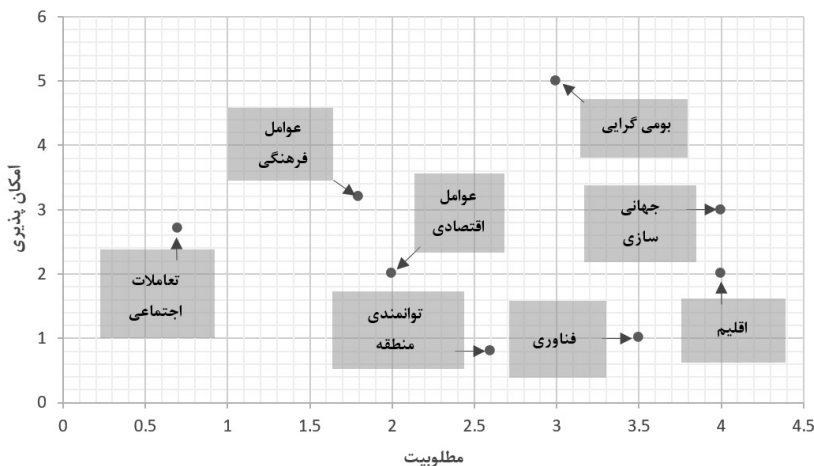
شکل ۵. گراف‌های تأثیر مستقیم متغیرهای دوجهی، منبع: نگارندگان

از تحلیل سناریو ویزارد، سه سناریوی سازگار به دست آمد که دو تای آن آینده مطلوب و یکی هم آینده نامطلوب ترسیم شد. از دو سناریوی مطلوب، سناریوی شماره دو، به علت نمره بیشتر (۱۸۶) که در متغیر دوجهی (تغییرات فرهنگی)، به عنوان سناریوی مطلوب و برتر شناخته شد، سناریوی مطلوبی که در آن باید به تغییر شرایط اقلیمی توجه خاصی شود، افزایش مهاجر نیز از طرفی وجود داشته باشد، به نیاز کاربران توجه خاصی شود، آگاهی کاربران را افزایش داد، تأثیرپذیری جهانی کاهش یافته و در برطرف شدن موانع ساخت و ساز بناهای جدید جهش داشته باشیم. اما در سناریوی نامطلوب به دلیل اینکه به تغییرات فرهنگی توجه خاصی نشده، به تغییرات اقلیمی توجهی نمی‌شد، افزایش نیاز کاربران وجود نداشته، به مهاجران بی‌توجهی شده، جهانی پذیری افزایش یافته و در برطرف شدن موانع ساخت و ساز بنا بی‌توجهی شود، ما معماری نامطلوبی در آینده خواهیم داشت.



شکل ۶. گراف‌های تأثیر غیرمستقیم متغیرهای دوجهبی، منبع: نگارندگان

در آخر برای نمایش جایگاه هر یک از قابلیت‌های اثرگذار استان بر اساس دو معیار کلان مطلوبیت و امکان‌پذیری از ماتریس مطلوبیت\_ امکان‌پذیری استفاده شده است. (شکل ۷) همان‌طور که قابل مشاهده است، بومی‌گرایی و عوامل فرهنگی از بیشترین مطلوبیت و امکان‌پذیری در بین قابلیت‌های اثرگذار توسعه استان برخوردار بوده است.



شکل ۷. ماتریس مطلوبیت امکان‌پذیری قابلیت‌های توسعه استان گیلان، منبع: نگارندگان

## نتیجه‌گیری

معماری گیلان به‌عنوان یکی از معماری‌های سنتی ایران با تاریخچه‌ای فراگیر و طولانی روبروست. این معماری نتیجه‌ای است از تأثیر فرهنگ‌ها، اقوام و اعتقادات مختلف در طول زمان. سلامت انسان و بهزیستی روانی هم با استفاده از فناوری و داده‌ها قابل‌بهبود است. گیلان به‌عنوان منطقه‌ای مهم و ترکیبی از جمعیت‌ها و فرهنگ‌ها، همواره برخوردار از تبادلات فرهنگی و تأثیرات معماری بوده است. هدف پژوهش حاضر آینده‌پژوهی تحولات معماری استان گیلان مبتنی بر مؤلفه‌های اثرگذار فرهنگی بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی سناریوهای بیان‌شده نشان می‌دهد، آینده معماری در استان متشکل از تغییرات فرهنگی، تغییرات اقلیمی، نیاز کاربران، توجه به مهاجران و دیگر عوامل خواهد بود. در این پژوهش، با مشارکت متخصصین، بهترین قابلیت برای توسعه استان و ساخت آینده مطلوب انتخاب شده است. از میان سه سناریوی داده شده توسط نرم‌افزار سناریو ویزارد، سناریوهای شماره یک و دو، سناریوهای مطلوب بودند و سناریوی شماره سه، سناریوی نامطلوب بود. از میان دو سناریوی مطلوب داده شده، سناریوی شماره دو به علت نمره بیشتر (۱۸۶)، سناریوی مطلوب است که در آن باید به تغییرات فرهنگی توجه خاصی شود، تغییرات اقلیمی موردتوجه بیشتری قرار گیرد، نیاز کاربران و آگاهی آن‌ها بیشتر موردتوجه باشد و به مهاجران توجه خاصی شود. اما در سناریوی نامطلوب در صورت عدم توجه به تغییرات فرهنگی، تغییرات اقلیمی، نیاز کاربران بی‌توجهی به مهاجران، افزایش جهانی‌پذیری و عدم برطرف شدن موانع ساخت‌وساز شاهد معماری نامطلوبی در آینده خواهیم بود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سه دسته‌کنشگر به تحقق معماری گیلان جامه عمل بپوشانند، یعنی به نیاز کاربران به‌عنوان کنشگران اصلی توجه شود. استفاده از معماری مشارکتی و به‌کارگیری تفکر افقی در توسعه به‌عنوان اصلی‌ترین عامل توجه به نیاز کاربران و مبتنی بر روش‌های علمی از جمله اساسی‌ترین این اقدامات است. برطرف شدن موانع فرهنگی پیش‌بینی‌های لازم برای نحوه اثرگذاری از جمله ارتقاء سواد عمومی کاربران و متولیان امر ساخت‌وساز در زمینه هنری و معماری و توجه به شاخص‌های بومی منطقه از طریق آموزش، فرهنگ‌سازی لازم را مهیا می‌سازد، و همچنین پیش‌بینی‌های لازم برای نحوه اثرگذاری تغییرات اقلیمی موردتوجه قرار گیرد. از طرف دیگر، کنشگران دولتی و مسئولین اجرایی به‌عنوان نقش‌حیاتی در برطرف نمودن موانع فرهنگی، مطرح می‌شوند که نیازمند ورود به عرصه‌های قانون‌گذاری و

اصلاح روش‌های اجرایی در دستگاه‌های دولتی است. یکی دیگر از اقدامات ضروری در رابطه با تحقق فرهنگی، تشکیل کمیته راهبردی فرهنگ در استان گیلان است تا با رصد کردن تغییرات و پژوهش‌های آینده‌پژوهانه معماری این استان را به‌روز کرده و با هماهنگی نمودن تمام دستگاه‌های ذی‌ربط و ارزیابی دائمی بر اجرای مصوبات به تحقق شاخص‌های فرهنگی این استان بپردازد.


این مطالعه آینده‌پژوهانه نشان داد که جهانی‌شدن، توجه به مهاجران، رسانه‌ها، توانمندسازی منطقه و دیگر موارد مطرح‌شده، بیشترین تأثیر را بر آینده معماری گیلان خواهند داشت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود وضعیت هریک از این پیشران‌ها در نظام فرهنگی در حال اجرا مشخص‌شده و برای مؤثر واقع‌شدن هر پیشران الگویی اجرایی طراحی شود.


## تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

### ORCID

Reza Naghdbishi  <https://orcid.org/0000-0002-0662-5955>

Saeed Azemati  <https://orcid.org/0000-0002-6410-6491>

Kimia Jamshidzadeh  <https://orcid.org/0009-0004-8298-023X>

## منابع و مآخذ

اسعدی، رضا (۱۳۹۵). تأثیر فرهنگ و بازپروری هویت فرهنگی در معماری بومی و ضرورت انعکاس آن‌ها، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی سقز، سقز.

امیرکیایی، سیدمهدی، مفیدی شمیرانی، سیدمجید، مهدوی‌نژاد، محمدجواد و رئیس سمیعی، محمدمهدی (۱۳۹۸). بررسی میزان تطابق اصول و اسازاری با معماری بومی روستایی گیلان. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۱۴ (۲)، ۳۷۷-۳۹۳.

بقایی، علی‌اکبر، قیومی، عباسعلی، صالحی امیری، سیدرضا (۱۴۰۲). «هستی‌شناسی عملیات فرهنگی»، صورت‌بندی بافتواره. *مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۳ (۴)، ۹-۴۲. doi: 10.22083/scsj.2024.436455.1139

بلوهری ساقی، باربرالوچو ولریو، اعتصام ایرج (۱۳۹۹). آموزه‌هایی از معماری سنتی برای آینده معماری انرژی‌کارا در کشور؛ مطالعه موردی: شهر یزد. *نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۱۰ (۲)، ۸۵-۹۳.

پاداشی املشی، علیرضا، ایرانی بهبهانی، هما، خاکپور، مژگان، بندرآباد، علیرضا (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های مسکن بومی از نظرگاه زیست‌پذیری (نمونه مورد مطالعه: شهر املش). *دانش شهرسازی*، ۷ (۴)، ۹۶-۱۱۲.

Doi: 10.22124/UPK.2024.19759.1648

حیدری، امیر هوشنگ (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی و روش دلفی، *ترویج علم*، ۷ (۱)، ۷۵-۹۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519033.1395.7.1.5.6>

خاک‌پور، مژگان و شیخ مهدی، علی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان. *مدیریت شهری*، ۹ (۲۷)، ۲۲۹-۲۴۵.

خیام نکویی، پریسا، شاهدی، بهرام، یزدی، کاظم (۱۴۰۲). تحولات فرهنگی متأثر از مدرنیته بر محتوای معماری مدارس ایران و ژاپن. *باغ نظر*، ۲۰ (۱۲۴)، ۳۳-۴۸. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.359874.5255>

دلشاد، مهسا، حسین‌پور، مریم (۱۳۹۷). واکاوی مفاهیم معماری بومی گیلان در انطباق با شاخصه‌های پایدار معماری ایرانی. *مهندسی ساختمان و علوم مسکن*، ۱۲ (۱)، ۳۱-۳۷.

رجبی، پرویز، مولائی هاشجین، نصرالله، معتمدی مهر، اکبر (۱۴۰۱). تبیین نقش گردشگری در توسعه روستایی (مطالعه موردی روستاهای جنوب غربی گیلان). *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶ (۱)، ۲۱۳-۲۳۱.

زالی نادر، حقیقت فاطمه، پناهی احمد (۱۴۰۰). کاربست نظریه سیستم‌ها و آینده‌نگاری فناوری‌های کلیدی در معماری آینده با ابزار سنجش مطلوبیت و امکان‌پذیری (نمونه موردی: استان گیلان). *فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده*، ۲ (۲)، ۹۱-۱۰۴.

شکری یزدان‌آباد، شادی، حمزه نژاد، مهدی، حسینی مقدم، فاطمه (۱۳۹۸). سنجش ارزش‌های ایرانی اسلامی و انسانی در ادوار دگردیسی شهر از بافت سنتی به مدرن و شیوه حفظ آن در شهرهای آینده. *دانش شهرسازی*، ۳ (۴)، ۱۱۱-۱۲۸. <https://doi.org/10.22124/upk.2020.14463.1291>

عزیزپور شویی عارف، هاشم‌پور پریسا، نژاد ابراهیمی احد (۱۴۰۰). جستاری برای شناخت زمینه فرهنگی معماری از نغار تا سقانفار. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۹ (۲)، ۳۹-۶۰. <http://dx.doi.org/10.52547/jria.9.2.39.60>

علی محمدی، غلامرضا و عبدالهی، رکسانا (۱۳۹۷). تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان. *مدیریت شهری*، ۱۷ (۵۰)، ۳۳-۴۶.

غفاری حدیقه، شراره و یاقوتی، سمین (۱۳۹۸). واکاوی چگونگی تأثیر فرهنگ و هنجارهای ایرانی- اسلامی بر شکل‌گیری فضاهای معماری، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر، تهران.

کوهی فرد، الناز و جاویدنژاد (۱۳۹۵). واکاوی رابطه متقابل محیط شهری و معماری با فرهنگ و هویت. *همایش ملی فناوری در مهندسی کاربردی باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان*.

گرچی مهلبانی، یوسف (۱۳۸۹). آموزش معماری امروز و چالش‌های آینده. *فناوری آموزش*، ۴ (۲)، ۱۲۵-۱۳۶. <https://doi.org/10.22061/tej.2010.1349>

مظفر فرهنگ، حسینی سید باقر، عبدمجیری امین (۱۳۹۱). فرهنگ در پژوهش‌های معماری. *مسکن و محیط روستا*، ۳۱ (۱۳۸)، ۲۹-۳۸.

مهرداد، جواد (۱۳۹۹). نقش اقلیم، فرهنگ و طبیعت در معماری خانه‌های سنتی استان گیلان. *معماری شناسی*، ۳ (۱۵)، ۰-۰.

نیازی، محسن، مزروعی نصرآبادی، اسماعیل، نقی پور ایوکی، سحر (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی سبک زندگی اقتصادی خانواده‌ها با نرم‌افزار میک‌مک و سناریو ویزارد. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۱۱ (۴۰)، ۲۷۸-۳۰۱.

ورمقانی، حسنا (۱۳۹۷). تحلیل شکلی و محتوایی و خاستگاه هنری آرایه‌ها در خانه‌های شهری و روستایی گیلان. *دوفصلنامه علمی پژوهش هنر*، ۸ (۱۶)، ۷۳-۸۶. <http://dor1.net/dor/20.1001.1.23453834.1397.8.16.5.2>

ویشکائی، محمدعلی، آمار، تیمور، پوررمضان، عیسی، قریشی میناباد، محمد باسط (۱۴۰۲). تحولات کالبدی فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر گردشگری (مطالعه موردی: روستاهای ساحلی شهرستان رشت).

*مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی*، ۴ (۴)، ۹۹-۱۱۷. <https://doi.org/10.22124/gscj.2023.24130.1224>

Khairullof, D. (2015). "Challenges of sustainable development of regional economy in the conditions of russia's accession to the world trade organization", *Procedia Economics and Finance*, Volume 23, p.p. 303-308.

Koschatzky, K(2005). "Foresight as a Governance Concept at the Interface between Global Challenges and Regional Innovation Potentials", *European Planning Studies*, Volume13, Issue4, p.p.639 -619.

Miles, I (2003). "Ten years of Foresight in the UK", *The Second International Conference on Technology Foresight.Tokyo*, p. p. 1-23.

Zali, N(2013). Strategic forecasting in regional planning and development. *Strategic StudiesInstitute*.

Zali, N. Ahmadi, H. & Faroughi, S. M(2013). "An analysis of regional disparities situation in the East Azarbaijan Province". *Journal of Urban and Environmental Engineering*, 7(1), 183-194.


- Asaadi, R. (2015), the influence of culture and the rehabilitation of cultural identity in native architecture and the need to reflect them, *the second national conference of Saqqez architecture and urban planning*, Saqqez. [In Persian]
- Amirkiai, M, Mofidi Shemirani, m, Mahdovinejad, M, and Rais Samii, M. (2018). Examining the degree of conformity of the principles of reconstruction with the vernacular architecture of rural Gilan. *Human Settlements Planning Studies (Geographic Perspective)*, 14(2 (47)), 377-393. [In Persian]
- Beqaei, A, Qayyomi, A, Salehi Amiri, r. (1402). "Ontology of cultural operations", contextual formulation. *Strategic studies of culture*, 3(4), 9-42. doi: 10.22083/scsj.2024.436455.1139 [In Persian]
- Balohari Saghi, B, Lucho Volerio, Etisam I. (2019) Lessons from traditional architecture for the future of energy efficient architecture in the country; Case study: Yazd city. *Naqsh Jahan - theoretical studies and new technologies of architecture and urban planning*. 10 (2): 85-93 [In Persian]
- Pargi Amalshi, A, Irani Behbahani, H, Khakpour, M, Bandarabad, A. (1402). Recognizing the components of native housing from the point of view of livability (case study: Amlsh city). *Knowledge of Urbanism*, 7(4), 96-112. Doi: 10.22124/UPK.2024.19759.1648 [In Persian]
- Heydari, A. (2015). Future research and Delphi method. *Science Promotion*, 7(1), 75-93. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519033.1395.7.1.5.6> [In Persian]
- Khakpour, M, and Sheikh Mahdi, A. (1390). Investigating the impact of culture and social changes on rural housing in Gilan. *Urban Management*, 9(27), 229-245. [In Persian]
- Khayal Nekui, P, Shahidi, B, Yazdi,. (1402). Cultural changes affected by modernity on the architectural content of Iranian and Japanese schools. *Bagh Nazar*, 20(124), 33-48. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.359874.5255> [In Persian]
- Delshad, M, Hosseinpour, M. (2017). Analyzing the concepts of native architecture of Gilan in accordance with the stable characteristics of Iranian architecture. *Construction Engineering and Housing Sciences*, 12(1), 31-37. [In Persian]
- Rajabi, P, Moulai Hashjin, N, Motamedi Mehr, A. (1401). Explaining the role of tourism in rural development (case study of southwestern villages of Gilan). *Land Geographical Engineering*, 6(1), 213-231. [In Persian]
- Zali N, Haqit F, Panahi A (1400). The application of systems theory and foresight of key technologies in future architecture with a tool to measure desirability and feasibility (case example: Gilan province). *Future Cities Vision Quarterly*. 2 (2): 91-104 [In Persian]
- Shokri Yazdanabad, Sh, Hamzenejad, M, Hosseini Moghadam, F. (2018). Measuring Iranian Islamic and human values during the transformation of the city from traditional to modern context and how to preserve it in future cities. *Danesh Shahrzazi*, 3(4), 111-128. <https://doi.org/10.22124/upk.2020.14463.1291> [In Persian]
- Azizpour Shobi A, Hashempour P, Nejad Ebrahimi A (1400). A research to understand the cultural background of architecture from Nafar to Saqanfar. *Islamic architectural researches*. 9 (2): 60-39. <http://dx.doi.org/10.52547/jria.9.2.39> [In Persian]
- Ali Mohammadi, G, and Abdulahi, R. (2017). Explaining the basics of cultural expression in the native


- architecture of Iran and its relationship with creating a sense of belonging to a place. *Urban Management*, 17(50), 33-46. **[In Persian]**
- Ghafari Hadiqeh, Sh and Yaqouti, S, (2018), the study of the influence of Iranian-Islamic culture and norms on the formation of architectural spaces, the third international congress on contemporary construction, *architecture and urban planning, Tehran*. **[In Persian]**
- Kohi Fard, E, and Javidenjad, (2015). Analyzing the mutual relationship between urban environment and architecture with culture and identity. *National conference of technology in applied engineering of young and elite researchers club*. **[In Persian]**
- Gurji Mahlbani, Y. (1389). Architecture education today and future challenges. *Education Technology*, 4(2), 125-136. <https://doi.org/10.22061/tej.2010.1349> **[In Persian]**
- Muzaffar F, Hosseini B, Abdajiri A (1391). Culture in architectural research. *Housing and village environment*,; 31 (138): 29-38**[In Persian]**
- Mehrdad, J. (2019). The role of climate, culture and nature in the architecture of traditional houses in Gilan province. *Architecture*, 3(15), 0-0. **[In Persian]**
- Niazi, M, Mazrouei Nasrabadi, Ismail, Naqipour Ayuki, Sahar. (1400). Futuristic study of the economic lifestyle of families with Micmac and Scenario Wizard software. *Strategic Studies of Public Policy*, 11(40), 278-301. **[In Persian]**
- Vermaghani, H. (1397). Shape and content analysis and artistic origin of arrays in urban and rural houses of Gilan. *biannual scientific journal of art research*. 8 (16): 73-86. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2345.3834.1397.8.16.5.2> **[In Persian]**
- Vishkai, M, Amar, T, Pourramzan, I, Qureshi Minabad, M. (1402). Physical-spatial developments of rural settlements with emphasis on tourism (case study: coastal villages of Rasht city). *Geographical studies of coastal areas*, 4(4), 117-99. <https://doi.org/10.22124/gscj.2023.24130.1224> **[In Persian]**




This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## Strategies for Using Social Networks to Enhance Vitality in Families

**Hamed Ehtemam** , PhD student in the Communication Department, Faculty of Humanities, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: [hamedehtemam61@gmail.com](mailto:hamedehtemam61@gmail.com)

**Faezeh Taghipour** , Associate Professor in the Communication and Business Department, Faculty of Humanities, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author). Email: [f.taghipour@khuisf.ac.ir](mailto:f.taghipour@khuisf.ac.ir)

**Siamak Koorang Beheshti** , Assistant Professor, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: [sk.beheshti@gmail.com](mailto:sk.beheshti@gmail.com)

### Detailed Abstract

Family, as the smallest social unit, plays a fundamental role in establishing and maintaining social stability, balance, and development. Any improvement in the status of family members can impact society, and in this context, strengthening joy and happiness among family members is considered a key element for the sustainability of both the family and society. Happiness, as a factor for enhancing the quality of individual and family life, can effectively contribute to the reduction of psychological and social problems. A lack of happiness, on the other hand, can lead to the emergence of psychological and social issues, which may have a broader impact on society.

With the increasing prevalence of social networks as a key tool for communication and entertainment, this study investigates the role of these platforms in enhancing familial well-being. Smart usage of social media can strengthen family relationships, improve communication quality, and create joyful moments within family life. This research aims to clarify the concepts of users, audiences, and happiness within the family and examines related theories to provide a solid theoretical foundation for a better understanding of the relationship between social media and familial joy.

This study utilizes a grounded theory approach, with data collected through semi-structured interviews with 18 experts, scholars, and specialists in the fields of communication, media, psychology, and sociology. The participants include specialists in social media, sociologists, and media experts.

The findings indicate that intelligent use of social media can help strengthen family relationships and increase joy within families. Based on consultations with experts, researchers have proposed strategies for enhancing family happiness through social media, which include improving family communication, promoting positive values, establishing healthy lifestyle patterns, and sharing positive experiences. Additionally, strengthening family communications within the social media context, institutionalizing positive and joyful values, improving the quality of family communication and dialogue, engaging in shared businesses and activities in the digital space, learning from successful family models, providing educational content to develop digital skills, promoting healthy and active lifestyles,



exchanging positive and joyful experiences, transmitting hopeful and motivational messages, enhancing emotional connections, fostering empathy, deepening the understanding of happiness, seeking joy through spiritual activities, adhering to ethical principles in the use of social media, and recognizing potential risks in the digital space are all considered key strategies for increasing familial joy in virtual environments. These strategies represent the design of programs aimed at achieving familial happiness.

This research also presents a comprehensive framework for enhancing family joy through social media. In this framework, strengthening family communications, creating support networks, institutionalizing positive and joyful values, improving the quality of dialogue, learning from successful family models, and offering educational content to promote skills and healthy living are key components. The framework emphasizes the social and cultural aspects, showing that social happiness is dependent on both individual interactions and collective factors.

Finally, focusing on emotional relationships and enhancing empathy among family members, seeking joy through spiritual activities, adhering to ethical principles, and recognizing the risks of the digital space for effective use of social media are essential outcomes of this research. The study provides both theoretical and practical recommendations for families, counselors, and policymakers in the field of information and communication technology, aiming for the optimal utilization of social media. This research demonstrates that strengthening family joy through social media requires a multidimensional approach that addresses social, cultural, and individual aspects. This approach can lead to the creation of a supportive and joyful environment within families, ultimately improving the quality of life and mental health of family members.

**Keywords:** family, family user, social networks, social vitality, strategy.

## راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تقویت نشاط در خانواده

حامد اهتمام<sup>۱</sup>، فائزه تقی‌پور<sup>۲</sup>، سیامک کورنگ بهشتی<sup>۳</sup>

### چکیده

خانواده، به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، نقش اساسی در ثبات جامعه ایفا می‌کند. گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و فضای مجازی، اعضای خانواده را به کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی تبدیل کرده است. نشاط یکی از عوامل کلیدی در کارآمدی و ثبات خانواده محسوب می‌شود و در صورت کمبود یا فقدان آن، مشکلات روانی و اجتماعی مختلفی گریبان گیر خانواده و در نتیجه، کل جامعه خواهد شد. نشاط، همچون سایر پدیده‌های اجتماعی، از نهاد خانواده به‌عنوان نخستین اجتماع بشری نشئت می‌گیرد. در این راستا، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین وسایل ارتباطی و تفریحی، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شادی و نشاط اعضای خانواده بگذارند. هدف پژوهش حاضر، ارائه الگویی برای کاربری خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تقویت نشاط است. پژوهشگر با بهره‌گیری از روش گرند تئوری و رویکرد کلاسیک، با انجام مصاحبه‌هایی با نخبگان، راهبردهایی را برای افزایش نشاط در شبکه‌های اجتماعی شناسایی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که راهبردهای تقویت نشاط در کاربری شبکه‌های اجتماعی شامل تقویت ارتباطات خانوادگی و ایجاد شبکه‌های حمایتی، نهادینه کردن ارزش‌های مثبت و نشاط‌آور، ارتقای کیفیت ارتباطات و گفت‌وگوها، اشتغال و کسب‌وکارهای مشترک، استفاده از الگوهای موفق در خانواده‌های دیگر، ارائه محتوای آموزشی برای توسعه مهارت‌ها، ترویج الگوهای زندگی سالم، تبادل تجربیات مثبت، انتقال پیام‌های نشاط‌آور، ارتقاء توجه به روابط، تقویت همدلی، درک عمیق‌تر از مفهوم نشاط، جستجوی شادی از طریق فعالیت‌های معنوی، توجه به اصول اخلاقی و شناسایی خطرات مرتبط با فضای مجازی هستند. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای خانواده‌ها در استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تقویت نشاط و ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

خانواده، کاربر خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی، نشاط اجتماعی، راهبرد.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

۲. دانشجوی دکتری گروه ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.  
hamedhtemam61@gmail.com

۳. دانشیار گروه ارتباطات و کسب و کار، دانشکده علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
f.taghipour@khuisf.ac.ir (نویسنده مسئول).

استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.  
sk.beheshti@khuisf.ac.ir

## مقدمه

امروزه، در عصر دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند و نقش کلیدی در شکل‌دهی به ارتباطات فردی و گروهی ایفا می‌کنند. این پلتفرم‌ها نه تنها ارتباطات و تبادل اطلاعات را تسهیل می‌کنند، بلکه می‌توانند ابزارهای مؤثری برای تقویت پیوندهای خانوادگی و افزایش نشاط درون خانواده‌ها باشند. با توجه به اهمیت سلامت روانی و عاطفی اعضای خانواده، استفاده هوشمندانه از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تقویت روحیه و بهبود کیفیت زندگی خانوادگی کمک کند. با این حال، ورود شبکه‌های اجتماعی به زندگی انسان‌ها دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها به همراه داشته است. یکی از این چالش‌ها، کاهش نشاط و شادی در زندگی به واسطه همگامی با فناوری و نهادینه شدن جایگاه شبکه‌های اجتماعی در خانواده است که می‌تواند منجر به اضطراب و افسردگی و در نتیجه سستی در روابط خانوادگی شود. خانواده، به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، ثبات جامعه را به خود وابسته دارد؛ بنابراین هرگونه سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بر این عنصر اجتماعی می‌تواند به ثبات، تعادل و توسعه اجتماعی منجر گردد. نظریه پردازان برجسته مفاهیم خانواده بر این باورند که هرگونه پیشرفت و بهبود در اعضای خانواده در جامعه‌ای متشکل از این نوع خانواده‌ها مؤثر خواهد بود (Setir, 1983: 98).

در میان همه جوامع، یادگیری از خانواده آغاز می‌شود و اگر پایه آن بر شادی استوار باشد، مهد پرورش افراد سالم و شاد خواهد بود که به نوبه خود، جامعه‌ای سالم و شاد را به وجود می‌آورد. با توجه به تأثیرات همه‌جانبه شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و در صورت کمبود آن، بروز مشکلات روانی اجتماعی، ضروری است که در مورد شادی و نهادینه کردن آن از طریق خانواده، مطالعات دقیق و علمی انجام شود. داینرو بیسواس داینر بر این باورند که خانواده و روابط خانوادگی برای شاد بودن اهمیت زیادی دارد. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که افراد شاد، در مقایسه با کسانی که از زندگی رضایت کمتری دارند، بیشتر از موهبت خانواده خوب و روابط حمایتی برخوردارند. در واقع، رابطه شادی و پیوندهای اجتماعی، به‌ویژه پیوند با خانواده، آن‌چنان نیرومند است که بسیاری از روانشناسان اعتقاد دارند نیاز انسان‌ها به یکدیگر ریشه‌ای ژنتیکی دارد؛ حتی در بزرگسالی، این تعلق خاطر، حمایت و لذت را فراهم می‌آورد و کارکردهای خانواده را به‌طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد (داینرو بیسواس داینر، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

افزایش شادی و بهبود روابط خانوادگی به‌طور مستقیم با کیفیت ارتباطات درون خانواده مرتبط است. وقتی اعضای خانواده احساس رضایت و خوشحالی می‌کنند، تعاملات آن‌ها بهبود می‌یابد و زمینه برای ایجاد روابط مثبت و صمیمی‌تر فراهم می‌شود. شادی در خانواده می‌تواند از طریق فعالیت‌های مشترک، گفتگوهای مثبت و حمایت عاطفی متقابل تقویت شود. این روابط مستحکم، باعث کاهش استرس و افزایش احساس امنیت و تعلق در اعضای خانواده می‌شود که در نتیجه به افزایش سطح عمومی شادی و رفاه فردی و خانوادگی منجر می‌شود؛ بنابراین، توجه به شادی و تندرستی خانوادگی نه‌تنها به بهبود روابط کمک می‌کند، بلکه به ساختن محیطی مثبت و حمایتگر برای تمام اعضای خانواده می‌انجامد.

برای بررسی موضوع «استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تقویت نشاط در خانواده»، رویکردهای متعددی وجود دارد که هر یک از جنبه‌های متفاوتی به این موضوع می‌پردازند. رویکرد روان‌شناختی به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر احساسات و عواطف اعضای خانواده و چگونگی تعاملات آنلاین در تقویت شادی و احساس رضایت می‌پردازد. این رویکرد همچنین به بررسی حمایت‌های اجتماعی ارائه‌شده از طریق این شبکه‌ها و تأثیر آن بر سلامت روانی و رفاه خانواده‌ها می‌پردازد. در مقابل، رویکرد اجتماعی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت روابط خانوادگی، مانند برنامه‌ریزی فعالیت‌های مشترک و اشتراک‌گذاری لحظات شاد و تأثیر این تعاملات بر نشاط خانوادگی می‌پردازد.

علاوه بر این، رویکرد فناوری و ارتباطات به بررسی ویژگی‌های خاص شبکه‌های اجتماعی، مانند قابلیت‌های تصویری و صوتی و تأثیر این ابزارها بر تعاملات خانوادگی و افزایش نشاط می‌پردازد. رویکرد فرهنگی و اجتماعی به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ خانوادگی و نحوه تعاملات فرهنگی در خانواده‌ها توجه دارد و بررسی می‌کند که چگونه این تعاملات می‌توانند نشاط را تقویت کنند. رویکرد مدیریتی و استراتژیک بر شناسایی و تحلیل استراتژی‌های مؤثر برای استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد. نهایتاً، رویکرد آموزشی و تربیتی بر آموزش اعضای خانواده برای استفاده مؤثر و مثبت از این شبکه‌ها و پیشگیری از تأثیرات منفی احتمالی تمرکز دارد. این رویکردها به پژوهشگران کمک می‌کنند تا ابعاد مختلف استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت نشاط در خانواده را تحلیل و نظریه‌های مرتبط را توسعه دهند. با توجه به اینکه در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین

وسایل ارتباطی و تفریحی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش محقق به دنبال ارائه الگوی‌های بود که کاربر خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند نشاط و شادی خود را افزایش و تقویت نماید. در عصر خانواده دیجیتال، استفاده از فناوری و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به خانواده کمک کند تا بهتر و شادتر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی راهبردهای مختلفی خواهیم پرداخت که می‌توانند از این ابزارها برای بهبود روابط خانوادگی، ایجاد لحظات شاد و به‌طور کلی تقویت نشاط در خانواده استفاده کنند. هدف از این مقاله ارائه پیشنهادهایی عملی و مؤثر است که به خانواده‌ها کمک می‌کند تا از امکانات شبکه‌های اجتماعی بهره‌برداری بهینه داشته باشند و ارتباطات مثبت و سازنده‌ای را در داخل خانواده برقرار کنند. در واقع پژوهشگر در این تحقیق در نظر دارد راهبردهای مناسب جهت استفاده از اعضای خانواده به‌منظور استفاده از شبکه‌های اجتماعی که بتواند نشاط پایدار در خانواده ایجاد کند، ارائه دهد. در این پژوهش منظور از کاربر خانوادگی استفاده گروهی و جمعی توسط اعضا خانواده شامل زن، شوهر و فرزندان است. از این رو با روش گرنند تئوری<sup>۱</sup> با رویکرد کلاسیک بر اساس مصاحبه با نخبگان راهبردهای افزایش نشاط را در شبکه‌های اجتماعی استخراج نموده است.

## ادبیات نظری

پژوهش حاضر به بررسی ابعاد مختلف نقش شبکه‌های اجتماعی در تقویت نشاط خانوادگی می‌پردازد. در این بخش، ابتدا پیشینه تحقیق و تعاریف مربوط به مفاهیم کاربر و مخاطب شبکه‌های اجتماعی، همچنین شادی و نشاط در خانواده ارائه می‌شود. سپس به تبیین نظریه‌های مورد استفاده در پژوهش و تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی در زندگی خانوادگی و تأثیرات آن بر ارتباطات میان اعضای خانواده پرداخته می‌شود. علاوه بر این، راهکارهای عملی و استراتژی‌های مؤثر برای استفاده مثبت از این پلتفرم‌ها، همراه با چالش‌های احتمالی مرتبط با آن‌ها، تحلیل خواهد شد تا مبنای نظری محکمی برای درک بهتر رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و نشاط خانوادگی فراهم شود.

## پیشینه پژوهش

در ادامه برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در حوزه شبکه‌های اجتماعی و خانواده و همچنین نشاط معرفی می‌شوند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) با پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها به تبیین جامعه‌شناختی جاری در خانواده‌ها شهر تهران با تأکید بر گرایش زوجین به شبکه‌های اجتماعی بر اساس نظریه‌های گیدنز، هابرماس، برگر و لاکمن، کاستلز، والد‌هال، کلاپر، تامپسون، نای و نظریه کاشت‌گرینبر پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین زوجین کاربر و غیر کاربران شبکه‌های اجتماعی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش‌های انزوا جویانه، عدم پایبندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد.

شکریگی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی و مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه یک شهر تهران با روش پیمایشی انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی متغیر مستقل و ظهور طلاق عاطفی، ناسازگاری هویتی، اباحه‌گری عملی، نارضایتی از زندگی و ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند رابطه معناداری وجود دارد. شوازی و عباسی (۱۳۹۷) با پژوهشی با عنوان اینترنت، خانواده شبکه‌ای و زمان خانواده: چگونه فناوری‌های نوین ارتباطی روابط خانوادگی را متأثر می‌کنند؟ انجام داده‌اند. این تحقیق پیمایشی باهدف مطالعه رابطه استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی بر روابط خانوادگی انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه، دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز از تمام مناطق ده‌گانه بوده‌اند که با فن نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تعداد ۴۰۰ نفر از آنان به‌عنوان افراد نمونه انتخاب و به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از این است که هیچ‌گونه ارتباط مستقیم و معناداری بین نوع و میزان استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی با روابط خانوادگی وجود ندارد، بلکه این ارتباط از مسیر متغیرهای میانجی یعنی زمان خانواده و خانواده شبکه‌ای محقق می‌شود.

ابریشم عارف و کاشانی مجید (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان تأثیر شبکه‌های اجتماعی (فضای مجازی) بر نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران در سال (۱۳۹۹) از نوع کمی و روش آن پیمایشی انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد بین فضای مجازی و میزان نشاط اجتماعی در بین معلمان همبستگی معناداری وجود دارد شدت این همبستگی در حد متوسط و جهت آن معکوس است؛ یعنی با بالا رفتن میزان استفاده از فضای مجازی نشاط اجتماعی کاهش می‌یابد و ارتباط و همبستگی با اعضای خانواده افزایش می‌یابد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان بررسی کیفی مشکلات روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی اعتیاد به شبکه‌های مجازی و اینترنت بر روی روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان، به بررسی این مشکلات پرداخته‌اند. هدف پژوهش بررسی تأثیرات اعتیاد به شبکه‌های مجازی و اینترنت بر روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان بود. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده شده است. نتایج نشان داد وابستگی به شبکه‌های مجازی و اینترنت موجب مشکلات رفتاری شامل پرخاشگری، اهمال‌کاری و تکانش‌گری، مشکلات عاطفی - شناختی شامل افسردگی، اضطراب، وسواس فکری و عملی، فقدان همدلی و حساسیت بین فردی، مقوله تغییر در سبک زندگی شامل اعتیاد به اینترنت، انزوای اجتماعی، مدپرستی، مشکلات شغلی و مالی، انحطاط فرهنگی شامل گسست از هنجارها و فردیت باختگی فرهنگی و مقوله تغییر ارزش‌های مذهبی شامل تزلزل در ارزش‌های اخلاقی و مذهبی و انحراف از ارزش‌ها می‌گردد.

نیازی و همکاران (۱۴۰۲) تحقیقی با عنوان تدوین الگوی یکپارچه سبک زندگی نشاط محور با اتکا به نظریه داده بنیاد انجام شده است. این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحقیق داده بنیاد انجام گرفته است. به همین منظور مطالعات صورت گرفته در زمینه نشاط و شادکامی در بازه زمانی سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد مؤلفه‌های عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیر مستقیم بر سبک زندگی نشاط محور دارند. دین‌داری و عوامل فرهنگی از عوامل مداخله‌گر بر سبک زندگی نشاط محور است. شرایط جمعیت شناختی و ویژگی‌های روانی از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر سبک زندگی نشاط محور هستند؛ همچنین افزایش سرمایه‌های اجتماعی، بهبود وضعیت روان‌شناختی و توسعه انسانی از پیامدهای سبک زندگی نشاط محور است.

ایرانا شارایواسکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان خانواده و رضایت زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیان داشته است که محبوبیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان تمام گروه‌های سنی رو به افزایش است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد یکی از عوامل کلیدی که در ثبات و کیفیت ازدواج و خانواده و رضایت زناشویی نقش دارد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. از این رو، فعل‌وانفعال بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط اعضای خانواده و رضایت زناشویی

و خانواده باید مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به افزایش درگیری‌ها و تنش‌ها در روابط خانوادگی شده است. جایدون تی. مزامبانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پایان‌نامه دکتری خود تحت عنوان روانشناسی شبکه‌های اجتماعی: ایجاد، گسترش و انحطاط الگوهای رفتاری در جوامع مجازی بیان می‌کند که گروه‌ها به تعریف خود کمک می‌کنند و درک فرهنگ، فهمی درست از چگونگی تعامل افراد با جهان است. از دیدگاه روانشناسی فرهنگی، فرهنگ یک سیستم پویا و سازگار است که از منظر داروینیسیم، از قوانین تکامل بیولوژیکی در سطح انتزاعی پیروی می‌کند. الگوهای رفتاری به‌عنوان واحدهای تکرار برای فرهنگ ارائه می‌شوند. این مطالعه الگوهای رفتاری کاربران در شبکه‌های مجازی را بررسی می‌کند و با تحلیل متن‌هایی که شامل ۶ میلیون تعامل بین بیش از ۱۲۰ هزار کاربر است، نشان می‌دهد که الگوهای رفتاری آغاز شده در افراد سطح پایین، سریع‌تر از الگوهای رفتاری آغاز شده در افراد سطح بالا یا متوسط منتشر می‌شوند. علاوه بر این، الگوهای رفتاری که با محتوا و هنجارهای گروه سازگارند، سریع‌تر از الگوهای رفتاری ناهنجار گسترش یافته‌اند. خوزه آنتونیو مونیز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) مطالعه اکتشافی رابطه بین شادی و افزایش استفاده رسانه در دوران محدودیت‌های COVID-19 انجام داده‌اند. این تحقیق که روی افراد ۱۸ تا ۷۵ سال انجام شده، حاکی از آن است که افزایش میزان تماشای تلویزیون برای سرگرمی و استفاده از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی (SNS) در دوران محدودیت‌های کرونا بوده است. علاوه بر این، مشخص شد که استفاده بالاتر با سطح شادی همبستگی منفی دارد، به‌طوری‌که افرادی که بهزیستی بیشتر، چه ذهنی و چه روان‌شناختی را گزارش کردند، زمان کمتری را صرف تماشای تلویزیون و استفاده از SNS کردند. در مقابل، هیچ ارتباطی بین میزان شادی و مصرف خبر (صرف‌نظر از رسانه) و رادیو یافت نشد. باوجود تحولات سریع فضای مجازی و گستردگی آن، پژوهش‌های انجام‌شده در مورد آثار و پیامدهای گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در حوزه خانواده بسیار اندک است. بیشتر پژوهش‌ها از منظر آسیب‌شناختی به مطالعه آثار زیان‌بار فردی و اجتماعی استفاده از فضای مجازی پرداخته‌اند.

کریستینا تامیسالوا<sup>۱</sup>، میرکا دانیلزبکا<sup>۲</sup>، آنتی او. تانسکانن<sup>۳</sup>، برونو آرپینو<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان ارتباط رسانه‌های اجتماعی با اعضای خانواده و شادی بزرگسالان جوان و مسن نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی ممکن است رفاه سالمندان را افزایش دهند زیرا آن‌ها از رسانه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط با روابط اجتماعی نزدیک، مانند اعضای خانواده استفاده می‌کنند.

الکس رومانی ریورا<sup>۵</sup>، آنا گالوز-موزو<sup>۶</sup>، فرانسیسکو تیرادو-سرانو<sup>۷</sup> (۲۰۲۴) پژوهش با عنوان ضرورت شادکامی در روانشناسی مثبت: به سوی یک سیاست روانی بهزیستی انجام داده‌اند. در این تحقیق با اشاره به اینکه روانشناسی مثبت‌گرا چگونگی درک ما از شادی را بازسازی کرده است، شیوه‌ها و گفتمان‌هایی که برای اجرای آن مفهوم‌سازی مجدد ارائه می‌کند. روانشناسی مثبت نوعی روابط قدرت دوستانه را ترویج می‌کند که به جای تنبیه، خلاقیت فرد را تحریک و توانمند می‌کند.

از این رو، پژوهشی که به ارائه راهبردهای استفاده کاربر خانواده‌گی و نقش آن در تقویت نشاط پردازد، توسط پژوهشگر یافت نشده است. با این حال، نتایج پژوهش‌های اندکی که در حوزه تحولات خانواده و تأثیرات فناوری‌های نوین بر آن صورت گرفته، قابل توجه و حائز اهمیت است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درک عمیق‌تری از ارتباطات خانوادگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود کیفیت روابط خانوادگی و افزایش نشاط در خانواده‌ها کمک کند؛ بنابراین، این پژوهش به عنوان یک تلاش جدید در این زمینه، به بررسی راهبردهایی می‌پردازد که می‌توانند به تقویت نشاط و بهبود کاربری شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها منجر شوند.

چارچوب نظری این پژوهش به تبیین مفاهیم کلیدی و نظریه‌های مرتبط با نقش شبکه‌های اجتماعی در تقویت نشاط خانوادگی می‌پردازد و هدف آن ارائه مبنای علمی برای تحلیل تأثیرات این فناوری‌ها بر روابط درون خانواده است.

1. Kristiina Tammissalo
2. Mirkka Danielsbacka
3. Antti O. Tanskanen
4. Bruno Arpino
5. Alex Romani Rivera  
. Ana Gálvez-Mozo  
. Francisco Tirado-Serrano
6. Ana Galvez-Mozo
7. Francisco Tirado-Serrano

## تعریف مفاهیم

در این بخش، به تعریف مفاهیم کلیدی مرتبط با مقاله می‌پردازیم تا پایه‌گذار فهم دقیق‌تری از موضوعات مطرح‌شده باشد.

### شبکه‌های اجتماعی مجازی

شبکه‌های اجتماعی مجازی<sup>۱</sup> به منزله نوعی اجتماع مجازی به کاربران اجازه می‌دهند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی درگیر شوند و اطلاعات موردنیاز یا دلخواه خود را کسب کنند (Wang, Jackson, Wang & et, 2015:120). شبکه‌های اجتماعی مجازی نوعی از فناوری‌های رایانه‌ای هستند که بر مبنای فناوری وب ۲ ساخته شده‌اند. در واقع نسل جدیدی از وب‌سایت‌های اینترنتی به شمار می‌رود. در این وب‌سایت‌ها کاربران اینترنتی حول محوری مشترک به صورت مجازی جمع می‌شوند و جوامع آنلاین را تشکیل می‌دهند (ذوالقدر و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۹). هزاران شبکه اجتماعی در اینترنت فعالیت دارند که هرکدام بر مبنای موضوع خاصی راه‌اندازی شده‌اند. هدف خدمات شبکه‌های اجتماعی ساختن جوامع عمومی آنلاین از طریق افرادی است که مایل‌اند علایق و فعالیت‌های خود را به اشتراک بگذارند و یا با علاقه و فعالیت سایرین آشنا شوند معمولاً شبکه‌های اجتماعی به منظور تعامل و ارتباط با یکدیگر چندین راه را برای کاربران فراهم می‌کند؛ از جمله نوشتن مشخصات، پیام‌های فوری، اتاق‌های چت، ایمیل، وب‌کم، اشتراک‌گذاری فایل، وبلاگ نویسی و گفتگوی گروهی.

به تعبیر دیگر؛ شبکه اجتماعی مجازی یک برنامه کاربردی آنلاین و محصول وب ۲ (وب تعاملی) است که علاوه بر سه ویژگی ساختاری، تولید، مبادله و عرضه وب ۱ دارای ویژگی تعاملی و کنشگری فعالانه کاربر بر اساس وب ۲ است. به نوعی شبکه اجتماعی مجازی، فضای آنلاین مبتنی بر وب‌سایت یا وب‌سایت‌هایی از نسل وب ۲ هستند که با استفاده از یک موتور جست‌وجوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، ایمیل، انتقال متن، صدا، تصویر، ویدئو به کاربران خود امکان ساخت پروفایل، فهرستی از مخاطبان، حلقه دوست‌یابی برای برقراری ارتباط در قالب شبکه از روابط فردی و گروهی یا اشتراک‌گذاری علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را می‌دهد. در واقع آن‌ها ساختارهای اجتماعی جهت ایجاد، گسترش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی هستند (خانیکو و خجیر، ۱۳۹۸: ۳۹).

1. Virtual Social Media

2. Web 2

### کاربر شبکه‌های اجتماعی

رشد روزافزون کاربران رسانه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> گذر از مخاطب شناسی و توجه به کاربر شناسی را حائز اهمیت ویژه‌ای نموده است. رسانه‌های اجتماعی تاروپود جامعه شبکه هستند رشد روزافزون این رسانه‌ها نه تنها تغییرات فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی در جوامع ایجاد کرده، بلکه مفاهیم و نظریات رسانه‌ها را نیز دچار تحول اساسی نموده و چالش نظریه جدیدی را پیش روی پژوهشگران نهاده است. در نظریه‌های اولیه رسانه‌های جمعی به عنوان مجراهای ارتباطی یک‌طرفه و مستقلى تولید می‌شدند که اطلاعات را به عامه مردم منتقل می‌کنند و از این طریق عقاید آن‌ها را شکل می‌دهند. این نگاه در نظریه‌های بعدی به تدریج تغییر یافته و تداوم آن به مثابه یک چرخش جدید رسانه‌ای بروز پیدا کرده است؛ این چرخش رسانه‌ای دگرگونی اساسی در مفهوم رسانه و مخاطب است (ذکایی و حسنی، ۱۳۹۴: ۳۸). رسانه‌های اجتماعی و تعاملی با تغییر محیط زندگی روزمره فرصت‌های بی‌بدیلی را برای تولید و مصرف محتوای فراهم ساخته‌اند؛ مخاطبان انبوه و منفعل ای که جدا از رسانه‌ها و دریافت‌کننده و مصرف‌کننده‌های پیام‌های رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شدند؛ جای خود را به کاربران بی‌شماری دادند که نه تنها فعال و تولیدکننده پیام هستند، بلکه شاکله هویت رسانه‌ها محسوب می‌شوند. الگوی ارتباطات عمودی جای خود را به ارتباطات افقی، شبکه‌ای و چندلایه‌های داده است. رسانه‌های اجتماعی نیز در ارتباطی هم‌افزار با یکدیگر قرار گرفته و پاسخگویی طیف وسیعی از ذائقه‌های کاربران شده‌اند.

### مخاطب در شبکه‌های اجتماعی

در پژوهش‌های ارتباطی دو نوع نگاه به مخاطب<sup>۲</sup> وجود دارد: منفعل<sup>۳</sup> پنداری مخاطب و فعال<sup>۴</sup> پنداری آن. در نگاه اول مخاطب به مثابه انبوهی از گیرندگان بی‌ارتباط با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر پیام ارسالی از رسانه قرار می‌گیرند. برای نمونه در

نظریه سوزن تزریقی<sup>۱</sup> یا نظریه گلوله<sup>۲</sup>، استدلال بر این بود که پیام‌های ارتباط جمعی بر همه مخاطبانی که در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند اثرهای قوی و مشابه‌ای دارد. این نظریه متروک، مخاطب را در برابر رسانه منفعل و فاقد قدرت تحلیل پیام‌های ارتباطی در نظر می‌گرفت. با پیشرفت پژوهش‌های ارتباطی، جهت‌گیری نظریه‌ها به سمت مخاطب فعال تغییر یافت. در این نظریه‌ها مخاطب به‌مثابه گیرنده‌ای فعال در نظر گرفته می‌شود که نقش نسبتاً خلاق و معنا سازی دارد و بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و فردی خود، الزاماً تحت تأثیر پیام ارسالی قرار نمی‌گیرد (ویندال و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

#### خانواده

خانواده گروه کوچکی است که حفاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی برای خانواده ارائه کرده‌اند از این‌رو شاید مناسب‌تر باشد که خانواده را با توجه به ویژگی‌های اساسی آن تعریف شود. خانواده عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و دست‌کم یک زن شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی و اسناد یافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد که معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است که معمولاً کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی تربیتی و جزء این‌ها را بر عهده دارد (سالاری‌فرد، ۱۳۹۳: ۱۳). از دیدگاه جامعه‌شناسی خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می‌کند. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از افرادی داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره‌ی زمانی نامشخص، باهم

۱. نظریه سوزن تزریقی (Injecting Needle Theory) که به عنوان نظریه انتقال مستقیم نیز شناخته می‌شود، توسط برنارد کوهن (Bernard Cohen) در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد. این نظریه بر این اساس استوار است که رسانه‌ها به‌طور مستقیم و فوری بر مخاطبان تأثیر می‌گذارند؛ به عبارت دیگر، پیام‌های رسانه‌ای به‌عنوان سوزنی عمل می‌کنند که به‌طور مستقیم به ذهن و رفتار مخاطبان تزریق می‌شود.

در این نظریه، فرض بر این است که مخاطبان منفعل هستند و بدون نقد و تحلیل، پیام‌ها را دریافت می‌کنند. این رویکرد به‌طور خاص در زمان جنگ و تبلیغات سیاسی بسیار مورد توجه قرار گرفت، زیرا رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارها به کار می‌رفتند.

۲. نظریه گلوله (Bullet Theory) که به نام نظریه گلوله جادویی نیز شناخته می‌شود، یک نظریه ارتباطی است که در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد. این نظریه به این مفهوم اشاره دارد که رسانه‌ها به‌طور مستقیم و سریع بر مخاطبان تأثیر می‌گذارند، به‌طوری‌که پیام‌های رسانه‌ای مانند گلوله‌ای هستند که به‌طور ناگهانی و بی‌واسطه به هدف خود اصابت می‌کنند. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها قادرند تغییرات عمده‌ای در نگرش‌ها، رفتارها و افکار عمومی ایجاد کنند. فرض بر این است که مخاطبان منفعل هستند و به‌راحتی تحت تأثیر پیام‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرند بدون اینکه آن‌ها را مورد نقد یا تحلیل قرار دهند. این نظریه در زمان‌های خاصی، به‌ویژه در جنگ‌ها و تبلیغات سیاسی، به‌عنوان ابزاری برای توجیه تأثیرگذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی استفاده شد.

زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۲۷). آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> (۱۹۳۸) جامعه‌شناس انگلیسی نیز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده‌اند، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگ‌ها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد؛ و ازدواج عبارت است از پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته‌شده و پسندیده بین دو نفر بزرگسال (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۲۴).

### شادی و نشاط

شادی یکی از مهم‌ترین هیجان‌های مثبت و احساسات خوشایند است که سلامت جسمی و روانی اعضای جامعه را متأثر می‌سازد. شادی مقابل هیجان‌های منفی، نظیر خشم، اضطراب، افسردگی... و همواره با خشنودی، خوش‌بینی و امید همراه است (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱؛ به نقل از امیر کافی، زارع، ۱۳۹۱: ۴۲). شادی و نشاط به‌عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت و یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه داشته و از آنجاکه شادی همراه با خرسندی، خوش‌بینی، امید و اعتماد همراه است می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در فرآیند توسعه جامعه داشته باشد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰). نشاط و سعادت فردی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نیازها و آرزوهای بشر در تمام دوره‌ها بوده و هست و بیشتر تلاش هر انسانی در جهت یافتن شادی، نشاط و خوشبختی برای آینده است. در واقع نشاط یک حس درونی نسبت به محیطی است که انسان در آن زندگی می‌کند. اگر فرد نسبت به اطراف خود حس مثبت و خوبی داشته باشد می‌تواند احساس نشاط کند. از این‌رو نشاط در زندگی مجموعه‌ای است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیط که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند و احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد فرد به خود و جهان پیرامونی است (عارف و کاشانی، ۱۴۰۱: ۸۷).

### نشاط اجتماعی

نشاط اجتماعی<sup>۲</sup> همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقتناع ذهنی و اجماع عینی است؛ یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط باهم مقارن در واقع باشند (عنبری، ۱۳۹۱: ۳۵). نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چهارچوب مفهومی

1. Anthony Giddens

2. Social vitality

کیفیات زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی رفتارهای جمعی و فراغت است این مفاهیم به‌نوعی متناظر بانشاط و شادمانی هستند. همچنین نشاط اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، بسط تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی و مشارکت همه‌جانبه اجتماعی به‌شمار می‌رود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

#### تفاوت شادی و نشاط

در فرهنگ و ادبیات فارسی برای شادی مفاهیمی نظیر خوشی، خرمی، سرور، تازگی، شادمانی سرزندگی زنده‌دلی، سبکی، چالاکي، خرسندی، خجستگی، کامروایی، رغبت درونی، ضدافسردگی و نظیر آن در نظر گرفته‌شده است (معین، ۱۳۸۱). شادی و نشاط در فرهنگ لغت عربی به معنای سرور (انسباطی که به‌واسطه آن غم و اندوه را از بین می‌برد)، طرب (خارج شدن از حد اعتدال در سرور)، بطر (گذشتن از حد طرب)، فرح (مطلق شادی که تمام مراتب را دارد) و نشاط (آمدگی و سرزندگی برای انجام دادن کار) است (ابن منظور، ۶۳۰: ۴۱۳).

#### چارچوب نظری

جهت خوانش موضوع پژوهش حاضر علاوه بر مفاهیم ذکرشده از یک نظریه مطرح در حوزه ارتباطات اجتماعی با عنوان «نظریه استفاده و التذاذ» استفاده می‌شود.

#### نظریه استفاده و التذاذ

نظریه استفاده و التذاذ از نظریه‌هایی است که چنین نگاهی به مخاطب دارد. پیش‌فرض اصلی این است که مخاطبان نیازهایی از قبیل کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و هویت‌یابی شخصی دارد که با استفاده از رسانه‌ها تأمین می‌شوند (مک کوایل، ۱۳۸۵: ۱۰۴). فعال‌پنداری مخاطب توسط نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی به‌ویژه استوارت هال در دهه ۱۹۸۰ به‌صورت عمیق‌تری پیگیری شد. آن‌ها این فرض را مطرح کردند که مصرف‌کنندگان رسانه‌ها به‌صورت منفعل، دریافت‌کننده پیام‌های رسانه‌ای نیستند بلکه فعال بوده و به‌صورت خلاقانه در پیام‌ها دخل و تصرف و حتی در برابر آن‌ها موضع‌گیری می‌کنند. تجربه مردم در استفاده از رسانه‌ها در بافت زندگی روزمره آن‌ها صورت می‌گیرد و مخاطبان از طریق مصرف خلاق رسانه‌ها، هویت،

۱. نظریه استفاده و التذاذ (Uses and Gratifications Theory) یکی از نظریه‌های مهم در مطالعات ارتباطات و رسانه است که به بررسی این می‌پردازد که چرا و چگونه افراد از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و چه نیازی را برآورده می‌سازند. این نظریه در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت و به چگونگی انتخاب و استفاده از رسانه‌ها بر اساس نیازها و خواسته‌های مخاطبان تأکید دارد.

تفاوت‌ها و فرهنگ را شکل می‌دهند (Livingstone & European Science, 2005: 21); نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی با ارائه تصویری فعال و انتخاب‌گر از مخاطب رسانه‌های قدیمی، زمینه‌ساز جایگزینی واژه کاربر به جای مخاطب<sup>۱</sup> و شکل‌گیری مطالعات کاربر شناسی رسانه‌های اجتماعی شده‌اند. این نظریه به ما می‌آموزد که مخاطبان شبکه‌های اجتماعی نه تنها دریافت‌کنندگان غیرفعال محتوا هستند، بلکه فعالانه در فرآیند انتخاب و مصرف محتوا مشارکت می‌کنند؛ بنابراین، می‌توانیم بررسی کنیم که چگونه اعضای خانواده با استفاده از این پلتفرم‌ها نیازهای خود را برآورده می‌کنند و به تقویت روابط خانوادگی و نشاط درون خانواده کمک می‌کنند. همچنین، با توجه به دیدگاه استوارت هال، می‌توانیم نقش خلاقانه کاربران را در شکل‌دهی به هویت و فرهنگ خانوادگی از طریق تعاملات آنلاین تحلیل کنیم. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا درک عمیق‌تری از تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر روابط خانوادگی و نشاط آن‌ها به دست آوریم.

## روش پژوهش

در این تحقیق از روش مطالعه گرندد تئوری<sup>۲</sup> یا نظریه داده بنیاد کلاسیک<sup>۳</sup> برای رسیدن به راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت نشاط در خانواده استفاده می‌شود. نظریه زمینه‌ای روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (حریری، ۱۳۹۰: ۱۰۹). علت این که در این تحقیق از نظریه داده بنیاد کلاسیک استفاده شده است این است که یکپارچه شدن نظریه، زمانی مطلوب است که همانند مفاهیم، خود ظاهر شود. نظریه هرگز نباید کنار هم گذارده شود. همچنین واریسی<sup>۵</sup> اساساً جزئی از نظریه داده بنیاد نیست؛ به طوری که گلیرز و استراوس (Glaser and Strauss, 1967: 7) چندین بار از آن انتقاد کرده‌اند و آن را مانع قدرت خلاقیتی دانسته‌اند که موجب کشف نظریه می‌شود و آن را تولیدکننده یک

1. User

2. Audaince

3. Grounded Theory

۴. نظریه داده بنیاد کلاسیک (Classical Grounded Theory) یک روش تحقیق کیفی است که توسط بارنی گلاسر و انسلم استراوس در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. این نظریه به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و انسانی کاربرد دارد و هدف آن استخراج تئوری‌هایی است که از داده‌های واقعی ناشی می‌شوند، به جای شروع از نظریه‌های قبلی.

5. Verification

نظریه ناکامل دانسته‌اند (فرهنگی، کروی، صادق وزیری، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

این روش یک روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده‌های مورد مطالعه استفاده می‌شود. منظور از پژوهش کیفی، هر نوع پژوهشی است که یافته‌هایی تولید کند که با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی حاصل نشده باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۳۲). گراند تئوری به دلیل توجه بیشتر به تعاملات اجتماعی و بررسی فرآیندهای نهفته در رفتارهای اجتماعی، به یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقیق بین‌رشته‌ای تبدیل شده است (فتحی و لطیفی، ۱۳۹۵). از میان انواع تحقیقات کیفی، گراند تئوری به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود که به بررسی فرآیندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی می‌پردازد، اهمیت ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی دارد. ماهیت گراند تئوری این است که از تحلیل پدیده‌های خاص اجتماعی، یک نظریه جامع و عمومی ارائه دهد (Charmaz, 2006).

در این تحقیق، به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر، با ۱۸ نفر از متخصصان در حوزه‌های رسانه، خانواده، مشاوره، روان‌شناسی و علوم دینی، مصاحبه‌های عمیقی انجام شد. محقق داده‌ها را از طریق مصاحبه‌های چهره به چهره و نیمه‌ساخت یافته جمع‌آوری کرده و در ادامه، فرآیند گردآوری داده‌ها را به منظور تولید نظریه، کدگذاری و تحلیل می‌کند. همچنین، محقق تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعد، چه داده‌هایی را از کجا به دست آورد تا نظریه‌ای در حال ظهور توسعه یابد.

برای اجرای تحقیق با استفاده از روش داده بنیاد کلاسیک به منظور رسیدن به راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت نشاط در خانواده، مراحل زیر را می‌توان دنبال کرد:

۱. تعیین مسئله و هدف تحقیق: مشخص شود که هدف تحقیق توسعه نظریه‌ای است که توضیح دهد چگونه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به تقویت نشاط در خانواده‌ها کمک کنند. سؤالات تحقیق می‌تواند شامل: «چه روش‌هایی برای استفاده مؤثر از شبکه‌های اجتماعی برای افزایش نشاط خانوادگی وجود دارد؟» و «چگونه شبکه‌های اجتماعی به بهبود روابط و افزایش شادی در خانواده کمک می‌کنند؟» باشد.

۲. طراحی ابزار و روش مصاحبه: طراحی پرسش‌نامه یا راهنمای مصاحبه باز و انعطاف‌پذیر که به جمع‌آوری داده‌های عمیق و کیفی از تجربیات و نظرات خانواده‌ها درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی کمک کند. سؤالات باید

به گونه‌ای طراحی شوند که امکان بررسی عمیق تجربیات و دیدگاه‌ها را فراهم کنند، مانند: «چگونه از شبکه‌های اجتماعی برای برگزاری فعالیت‌های خانوادگی استفاده می‌کنید؟»

۳. نمونه‌برداری: انتخاب نمونه‌های هدفمند که تجربه‌های مختلفی از استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارند. این نمونه‌ها می‌توانند شامل نخبگان مطلع از موضوع باشند. روش نمونه‌برداری نظری را به کارگیرید تا به مرور و بر اساس داده‌ها نمونه‌های جدید را انتخاب کنید.

۴. اجرای مصاحبه‌ها: انجام مصاحبه‌ها با نخبگان به منظور جمع‌آوری داده‌های تجربی و کیفی. مصاحبه‌ها باید با رعایت اصول اخلاقی تحقیق انجام شوند و به‌طور دقیق ضبط یا مکتوب شوند.

۵. کدگذاری داده‌ها: آغاز به کدگذاری داده‌ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری:

- کدگذاری باز: شناسایی و نام‌گذاری مفاهیم اولیه در داده‌ها. به‌عنوان مثال، شناسایی فعالیت‌های خاصی که موجب افزایش نشاط می‌شوند.

- کدگذاری محوری: تحلیل ارتباطات و روابط میان کدها و مفاهیم و یافتن الگوهای مرکزی. به‌عنوان مثال، بررسی چگونگی تعامل میان فعالیت‌های شبکه‌های اجتماعی و شادی خانوادگی.

- کدگذاری انتخابی: توسعه نظریه‌ای که مفاهیم کلیدی و الگوهای شناسایی شده را یکپارچه کند و به‌طور کلی توضیح دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به تقویت نشاط در خانواده کمک کنند.

۶. تحلیل مقایسه‌ای: مقایسه داده‌ها و مفاهیم شناسایی شده برای شناسایی الگوهای مشترک و روابط. این مرحله شامل مقایسه نتایج با داده‌های جدید و قبلی است تا نظریه‌ها و الگوهای پدید آمده معتبر و جامع باشند.

۷. توسعه نظریه: توسعه نظریه‌ای مبتنی بر داده‌ها که توضیح می‌دهد چگونه استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به تقویت نشاط در خانواده‌ها کمک کند. این نظریه باید به‌طور کامل از داده‌های به‌دست‌آمده پشتیبانی کند و به‌طور مستمر با داده‌های جدید بررسی شود.

۸. اعتبارسنجی و ارزیابی: ارزیابی اعتبار نظریه با استفاده از تکنیک‌های مختلف مانند بررسی مجدد داده‌ها، بازخورد از مشارکت‌کنندگان و مقایسه با مطالعات مشابه. این مرحله به تأیید و اصلاح نظریه کمک می‌کند تا اعتبار و دقت آن تضمین شود.

۹. نوشتن و گزارش نتایج: مستندسازی و نگارش نتایج تحقیق، شامل توضیحات درباره نظریه توسعه‌یافته، یافته‌های کلیدی و پیشنهادهای عملی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت نشاط در خانواده.

برای استفاده از این روش در پژوهش حاضر، ابتدا باید مسئله و هدف تحقیق مشخص شود و بر تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نشاط خانوادگی تمرکز گردد. سپس سؤالات مرتبط طراحی می‌شوند. در مرحله بعد، ابزارهای مناسب، مانند پرسش‌نامه‌های باز، برای جمع‌آوری داده‌های کیفی از تجربیات خانواده‌ها تهیه و نمونه‌های هدفمندی انتخاب می‌شود. اجرای مصاحبه‌ها باید با رعایت اصول اخلاقی انجام شود و داده‌ها در سه مرحله کدگذاری شوند تا الگوهای مهم شناسایی گردند.

پس از تحلیل مقایسه‌ای داده‌ها و توسعه نظریه‌ای مبتنی بر آن‌ها، اعتبار نظریه از طریق بازخورد مشارکت‌کنندگان و مقایسه با مطالعات مشابه ارزیابی خواهد شد. در نهایت، نتایج تحقیق مستند شده و پیشنهادهای عملی برای استفاده مؤثر از شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت نشاط در خانواده‌ها ارائه می‌شود.

## یافته‌ها

در پژوهش حاضر، داده‌ها را از طریق مصاحبه چهره به چهره و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری می‌شود. نمونه‌گیری در نظریه داده بنیاد به روش نظری است؛ فرایند گردآوری داده‌ها به منظور تولید نظریه، به گونه‌ای است که تحلیل‌گر همچنان که داده‌ها را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند، تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعد، چه داده‌هایی را از کجا به دست آورد تا نظریه در حال ظهور توسعه یابد. در پژوهش حاضر، از هر شرکت‌کننده درخواست می‌شد افرادی را که پتانسیل احتمالی تناسب با تحقیق دارند، معرفی کند. پس از تحلیل داده‌ها، تعیین می‌شود که با کدام یک از افراد معرفی شده باید مصاحبه شود؛ و در مجموع، با ۱۸ نفر مصاحبه شد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر شامل اساتید و صاحب‌نظران در حوزه‌های ارتباطات و رسانه، روانشناسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی می‌باشند. صاحب‌نظران از بین کارشناسان خبره، اساتید دانشگاه، فعالان شبکه‌های اجتماعی، جامعه‌شناسان و متخصصین ارتباطات و رسانه انتخاب شدند. با توجه به مصاحبه با متخصصین و نخبگان در حوزه خانواده و رسانه، راهبردهای برای تقویت نشاط در خانواده از طریق شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌شود. این راهبردها به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به نشاط در خانواده است.

در پژوهش حاضر، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های چهره به چهره و نیمه ساخت‌یافته جمع‌آوری می‌شوند. نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس روش نظری در نظریه داده بنیاد انجام می‌گیرد؛ به این معنا که فرآیند گردآوری داده‌ها به‌منظور تولید نظریه به‌گونه‌ای است که تحلیل‌گر هم‌زمان با جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌ها، تصمیم می‌گیرد در مراحل بعدی چه نوع داده‌هایی را از کجا به دست آورد تا نظریه در حال ظهور به‌طور مؤثرتری توسعه یابد.

در این پژوهش، از هر شرکت‌کننده درخواست می‌شود افرادی را که ممکن است با موضوع تحقیق تناسب داشته باشند، معرفی کند. پس از تحلیل داده‌ها، مشخص می‌شود که کدام‌یک از افراد معرفی‌شده برای انجام مصاحبه انتخاب خواهند شد. در مجموع، با ۱۸ نفر مصاحبه انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل اساتید و صاحب‌نظران در حوزه‌های ارتباطات و رسانه، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی هستند. این صاحب‌نظران از میان کارشناسان خبره، اساتید دانشگاه، فعالان شبکه‌های اجتماعی و متخصصان حوزه ارتباطات و رسانه انتخاب‌گردیده‌اند.

با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصین و نخبگان در حوزه خانواده و رسانه، راهبردهایی برای تقویت نشاط در خانواده از طریق شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌شود. این راهبردها به معنای تعیین اهداف و طراحی برنامه‌هایی برای دستیابی به نشاط خانوادگی است. درنهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای ایجاد راهکارهای عملی و مؤثر در زمینه بهبود روابط خانوادگی و افزایش کیفیت زندگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱. راهبرد شبکه‌سازی در خانواده

ویژگی کاربر خانگی از استفاده از شبکه‌ها اجتماعی در راستای نشاط با کدگذاری انتخاب شامل راهبرد شبکه‌سازی در خانواده است. به این صورت که از طریق شبکه‌سازی ارتباطی در فضای مجازی می‌توان نشاط و شادی را به دست آورد. بر اساس نظر مصاحبه با نخبگان، راهبرد شبکه‌سازی در ارتباط با اعضای خانواده شامل ایجاد فرصت جدید آشنایی برای دیگر دوستان با خانواده، اثربخشی تشکیل روابط اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی، رسیدن به «حال خوب» کاربر از طریق ارتباط با دوستان و اقوام، برقراری روابط سالم و بدون تنش با اعضا خانواده، استفاده از پلتفرم‌های ویدئو کنفرانس با اعضای خانواده، ارتباط در شبکه‌های اجتماعی مقدمه برای توسعه در روابط در نظر گرفت.

کد (۲) «برگزاری فعالیت‌های مشترک در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش ارتباط و همبستگی در خانواده کمک کند. فعالیت‌هایی مانند بازی‌های تفریحی آنلاین، سفرهای خانوادگی مجازی و دیدارهای مشترک با دوستان و خانواده‌های دیگر می‌تواند به خانواده احساس شادی و نشاط بدهد».

همچنین کد (۹) اظهار داشت «شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار شبکه‌سازی عمل کنند. با ارتباط برقرار کردن با دوستان و آشنایان جدید، می‌توانید روابط خود را در خانواده تقویت کنید و احتمالاً فرصت‌های جدیدی را اعضای خانواده برای خود به دست آورید». این پژوهش با یافته‌های های شین<sup>۱</sup>، لین شن<sup>۲</sup>، ییشن رین<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) با عنوان «شهر هوشمند چگونه می‌تواند زندگی شادتری را شکل دهد؟ مکانیسم توسعه شهر هوشمند شادی محور» هم‌راستا است.

## ۲. راهبردهای مبتنی بر درونی سازی

یکی دیگر از ویژگی‌های کاربر خانگی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای نشاط، راهبردهای مبتنی بر درونی سازی در خانواده است. کاربر خانگی می‌تواند توانایی‌ها و استعدادها را از طریق فضای مجازی رشد و تعالی ببخشد که تأثیر مستقیمی در رضایتمندی و نشاط خواهد داشت. این راهبردها شامل تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تقویت نقاط قوت ارتباط کاربر خانوادگی، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در بهبود نقاط ضعف کاربر خانوادگی، رشد و تعالی ظرفیت‌های کاربر، تعیین اهداف مشترک در خانواده، تغییر هدف از طریق تجربه دیگران در فضای مجازی، آموزش برای هدفمندی اعضا خانواده از طریق شبکه‌های اجتماعی، ارائه راهکارهای برای رسیدن به اهداف کاربر خانوادگی، پیام‌های انگیزشی در شبکه‌های اجتماعی برای داشتن هدف در زندگی، ارتقا هدف از طریق ایده پردازی در شبکه‌های اجتماعی، رضایتمندی خانواده از یکدیگر از طریق برنامه و هدف‌های مشترک می‌توان اشاره کرد. کد (۳) «با استفاده از آگاهی از طریق فضای مجازی می‌توان با شناسایی و تقویت نقاط قوت هر فرد در خانواده، تعیین وظایف مشترک و تشویق به همکاری و تعاون می‌تواند به افزایش نشاط و شادابی در خانواده کمک کند». کد (۱۱) «با استفاده از آگاهی از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توان به بررسی نقاط ضعف خانواده و تلاش برای تقویت نقاط قوت و بهبود نقاط ضعف، می‌تواند به افزایش همبستگی و احساس تعلق به خانواده کمک کند. برای این

1. HuiyingZhu

2. LiyinShen.

3. YitianRen

منظور، می‌توانید از راهکارهایی مانند برگزاری جلسات خانوادگی برای بررسی مسائل خانوادگی، تشویق به تبادل نظرات و احساسات و تعیین اهداف مشترک برای خانواده استفاده کنید». همچنین کد (۱۰) اظهار داشت «نشاط در شبکه‌های اجتماعی و رسیدن به رضایتمندی از طریق محتوی امید به آینده و مبارزه با افسردگی‌های، فراموشی اتفاقات گذشته و ترسیم آینده‌های جدید تقویت شود»

### ۳. راهکارهای تعامل مؤثر در خانواده

کاربر خانگی شبکه‌ها اجتماعی در راستای نشاط می‌تواند از راهکارهای تعامل مؤثر خانواده در شبکه‌های اجتماعی بر تقویت نشاط خانواده بیفزاید. با شناسایی گونه‌های تعاملات خانواده‌ها در فضای مجازی می‌توان با الگوگیری از این نوع تعاملات به نشاط و شادی دست‌یافت. مواردی که بر اساس کدگذاری انتخابی با مصاحبه با نخبگان به دست آمده است شامل ایجاد کانال‌ها و صفحات خانوادگی برای اطلاع از اخبار و رویدادهای خانوادگی، آشنایی با دوستان جدید از طریق صفحات خانوادگی، استفاده از نظریه سیستمی خانواده در شبکه‌های اجتماعی برای افزایش نشاط، دنبال کردن هدف مشترک در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای همدلی و انسجام خانواده، تعیین موضوع گفتگو، ایجاد تعاملات و ارتباطات تبادل، کاهش تعارضات خانوادگی با گفتگو محوری، افزایش مهارت‌های ارتباطی کاربر خانوادگی برای رسیدن به نشاط، تأثیر پیام‌های احترام به یکدیگر مخصوصاً احترام به والدین، استفاده از مشاوران مجرب خانواده در فضای مجازی، تقویت هویت فرهنگی محلی خانواده، تقویت احساس امنیت اجتماعی و روانی خانواده، نشاط از طریق افزایش همبستگی خانواده، تأثیر شهر هوشمند بر شادی اعضای خانواده، وقت‌گذرانی در خانواده، تأثیر تجربه‌های رسانه‌ای بر خودپنداری‌های فردی، ایجاد مرزها و قوانین برای کاربر خانواده، ساخت ارزش‌های مشترک در فضای رسانه، تعیین چگونگی مصرف شادی است.

کد (۱۳) «برای ایجاد استراتژی نشاط در خانواده، باید نیازها و محدودیت‌های خانواده را بررسی کنید. برای مثال، باید بررسی کنید که آیا اعضای خانواده مشغول کار هستند و زمان کافی برای فعالیت‌های خانوادگی دارند یا خیر. همچنین باید توجه داشت که ممکن است برخی از اعضای خانواده علاقه‌ای به فعالیت‌های خانوادگی نداشته باشند، بنابراین باید با آن‌ها مشورت کرده و به نیازها و علاقه‌های همه اعضای خانواده توجه کرد».

کد (۴) بیان داشت «تعیین زمانی که اعضای خانواده می‌توانند با یکدیگر در فعالیت‌هایی مشترک شوند، بسیار مهم است. این زمان می‌تواند در طول روز، هفته یا

حتی ماه تعیین شود و باید با توجه به برنامه‌های هر فرد در خانواده قابل تنظیم باشد». این پژوهش با یافته‌های کریستینا تامیسالو<sup>۱</sup>، میرکا دانیلزبکا<sup>۲</sup>، آنتی او. تانسکانن<sup>۳</sup>، برونو آرپینو<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی با ارتباط رسانه‌های اجتماعی با اعضای خانواده و شادی در بزرگسالان جوان و مسن هم‌راستا است.

#### ۴. راهبردهای اقتصادی و شغلی

از دیگر راهبردهای افزایش نشاط در شبکه‌های اجتماعی راهبردهای مسائل اقتصادی و شغلی است. یکی از موضوعات تأثیرگذار در حوزه نشاط، موضوعات اقتصادی است. طبق گزارش مصاحبه نخبگانی کاربر خانگی بر اساس مسائل اقتصادی و شغلی و درآمدی می‌تواند بر نشاط خود بیفزاید. این راهبردها شامل افزایش آگاهی خانواده برای خرید در بازار، انتخاب بهتر کالا متناسب با نیاز خانواده، آشنایی خانواده با مزایا و معایب اجناس موردنیاز، آگاهی از رقبا در مشاغل خانگی، اطلاع از ایده‌های جدید برای رشد فعالیت اقتصادی خانواده، توسعه کسب و کار برای اعضا خانواده، راهکارهای تلاش‌های جمعی خانواده در حوزه اقتصادی، مشارکت اعضا خانواده در راستای بهبود معیشت از طریق شبکه‌های اجتماعی، افزایش اعتبار خانواده در حوزه اقتصادی، پاسخ‌گویی به نظرات و درخواست‌ها مطرح برای مشاغل خانگی، اعتمادسازی در حوزه کسب و کار خانگی، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در تبلیغات هدفمند مشاغل خانگی، افزایش بهره‌وری در مشاغل خانگی، افزایش بهره‌وری در محصول مشاغل خانگی، افزایش فروش محصولات خانگی در شبکه‌های اجتماعی، تقویت برند در مشاغل خانگی، شناسایی گروه‌های هدف برای مشاغل خانگی، برند سازی برای مشاغل خانگی در حوزه اقتصادی، تقویت برند در حوزه محصول مشاغل خانگی، معرفی محصول مشاغل خانگی در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار پشتیبان در کسب و کار مشاغل خانگی، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در مشتری‌یابی برای مشاغل خانگی، افزایش درآمد از طریق تبلیغ غذاهای خانگی در فضای مجازی، تأثیر ترویج فرهنگ ساده زیستی در نشاط خانواده، کارآفرینی در حوزه کسب و کار است.

کد (۱۲) «با توجه به بعضی از مشاغل خانگی، شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک منبع برای دریافت اطلاعات در مورد رقبا عمل کنند. با دنبال کردن

برنامه‌های رقبا و بررسی تبلیغات و فعالیت‌های آن‌ها، می‌توانید ایده‌های جدید برای توسعه کسب‌وکار برای مشاغل خانگی خود پیدا کنید».

کد (۱۱) بیان داشت «شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان یک ابزار برای تبلیغات هدفمند برای مشاغل خانگی عمل کنند. با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی، می‌توانید تبلیغات خانگی را به گروه‌های هدف خود نشان دهید و بازدهی بالاتری را به دست آورید».

این پژوهش با یافته‌های دیزایر آووم<sup>۱</sup>، فلورا ایسل مالاه<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) تحقیقی با عنوان شبکه‌های اجتماعی و رابطه شادی در نسل هزاره هم‌راستا است.

## ۵. راهبرد الگودهی

کاربر خانگی در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از راهبرد الگودهی و ایده پردازی در امور زندگی که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود بر نشاط خانواده اثرگذار باشد. برخی از این راهبردها شامل ایده گرفتن در نوع استفاده از تغذیه برای خانواده، اشتراک ایده پردازی برای تغذیه سالم، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری جهان‌بینی جدید، تأثیر شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری سبک‌های زندگی متفاوت کاربر با دیگر اعضا خانواده، تعریف یک اپلیکشین برای تجربه نگاری خانواده‌ها در مورد نشاط، راه‌اندازی گروه‌های و کانال‌های نشاط‌آور جمعی آنلاین، مدل‌سازی کارهای خیرخواهانه در فضای مجازی، مستند زندگی‌های انسان‌های موفق، معرفی الگوهای تربیتی برای خانواده است.

کد (۳) «اطلاع و آگاهی از تغذیه صحیح و متعادل از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش انرژی و شادابی کمک کند. مصرف مواد غذایی، شیرینی و غذاهای پرچرب و غیرسالم می‌تواند احساس خستگی و کاهش نشاط را به دنبال داشته باشند».

کد (۱) بیان داشت «از طریق ایجاد یک محیط یا اپلیکشین می‌تواند تجربه خانواده‌ها در چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای نشاط را به گفتگو گذاشت و هر خانواده متناسب با سبک فرهنگی خود راهکار و تجربه خود را بیان نمایند».

## ۶. راهبرد علمی و آموزشی

یکی از راهبردهای اثرگذار در نشاط در شبکه‌های اجتماعی پرداخت به امور علمی و آموزشی است. کاربر خانگی با افزایش آگاهی از مسائل علمی، آموزشی و یادگیری

مسائل مختلف می‌تواند در موفقیت و نشاط خود بیفزاید. برخی از این موارد که بر اساس کدگذاری انتخابی گزارش شده است شامل یادگیری نمونه‌های برای مثبت اندیشی از طریق شبکه‌های اجتماعی، ایجاد مراکز تخصصی مشاوره رسانه برای مواجهه با مشکلات خانواده، آموزش مثبت اندیشی به خانواده، آموزش مدیتیشن و آرامش بخشی از طریق در فضای مجازی، نصب نرم‌افزارهای هوشمند برای استفاده کودکان، اثر مطالعه کتاب و مجلات الکترونیک در سبک زندگی، تأثیر تفکر نقاد در افزایش آگاهی و انتخاب پیام‌های رضایت‌مندان، تأثیر پیام‌های آراستگی در نشاط در فضای مجازی، معرفی کتاب‌های جذاب و شاد برای کاربر خانواده، معرفی سبک‌های دکوراسیون و چیدمان برای خانم‌های خانه‌دار، آموزش انعطاف‌پذیری در زندگی، آموزش انتقادپذیری در خانواده، آموزش مهارت‌های ارتباط کلامی و غیرکلامی، آموزش رشد و شکوفایی و عملکرد بهینه فرد در فضای مجازی، استفاده از رنگ‌های شاد در پیام‌ها و تصاویر است.

#### ۷. به کارگیری نمادهای سبک زندگی

استفاده از نمادهای سبک زندگی در شبکه‌های اجتماعی توسط کاربر می‌تواند بر نشاط خانواده اثرگذار باشد. این نمادها شامل تأثیر آگاهی از ورزش و فعالیت بدنی در فضای مجازی، اطلاع از ورزش‌های جدید و مفید، تفاوت سطح مهارت‌های ورزش، تیپ شخصیتی و مشارکت‌جو بودن کاربر در موضوع نشاط، اطلاع از خواص مواد غذایی در سلامت جسم اعضا خانواده، تأثیر آگاهی از تغذیه سالم در نشاط خانواده، آگاهی از پخت غذاهای جدید سالم از طریق شبکه‌های اجتماعی، آموزش‌های آنلاین برای آشپزی و سرگرمی فرزندان و همسر در خانواده، تأثیر تبلیغ غذاهای غیرسالم در ایجاد اشتها کاذب و حال بد، اطلاع از مکان‌های تفریحی و اقامتی است.

کد (۵) «اشتراک موضوعات مربوط به برنامه‌های تناسب‌اندام می‌توانند به‌طور قابل توجهی تبعیت از ورزش و تعامل اجتماعی کاربران را بهبود بخشند. این سه مورد در کنار هم باعث افزایش نشاط کاربران می‌شود».

#### ۸. راهبرد اشتراک‌گذاری تجربیات

از ویژگی کاربر خانگی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت نشاط از طریق کدگذاری انتخابی شامل راهبرد اشتراک‌گذاری تجربیات است. اشتراک‌گذاری تجربیات با دیگر کاربران در موضوعات مختلف زندگی در شبکه‌های اجتماعی

می تواند بر نشاط کاربر خانگی بیفزاید. این موارد شامل بهبود تجربه خود از طریق اطلاع از تجربه دیگران، آگاهی از تجربه دیگران برای زندگی بهتر، تأثیر تجربه کردن چیزهای جدید بر نشاط، آگاهی از تجربه های سفر دیگران برای سفرهای خانوادگی، اشتراک گذاری فرهنگ تجربه گردشگری، پشتیبانی فکر از طریق اشتراک گذاری منابع و اطلاع مفید برای حل مشکل کاربر خانوادگی، انتخاب و گزینش برنامه های مثبت برای خانواده، تجربه زیست فرهنگی جدید در ایجاد پیام های نشاط آفرین، ارائه راهکار برای نیازها و مشکلات و چالش ها خانواده، تأثیر پلتفرم های آنلاین بر مشارکت اجتماعی برای افراد مبتلا به بیماری های خاص است.

کد (۲) «بعضی از بیماری های خاص می تواند مشارکت اجتماعی را مختل کند و منجر به انزوا شود. پلتفرم های آنلاین می توانند به افزایش این مشارکت برای افراد مبتلا کمک کنند و موانع فیزیکی، عاطفی و شناختی بالقوه را دور بزنند»  
 کد (۱۰) بیان داشت «با بیان نیازها و مشکلات و چالش ها، کاربر رسانه می تواند از نصیحت و حمایت افرادی که تجربه مشابهی داشته اند یا قادر به ارائه کمک و پشتیبانی هستند، استفاده نماید».

## ۹. راهبرد بازنشر پیام ها

از ویژگی های کاربر خانگی در استفاده از شبکه ها اجتماعی در راستای نشاط شامل راهبرد بازنشر پیام ها است. زمانی کاربر خانگی اقدام به بازنشر پیام در فضای مجازی می کند و در مقابل این بازنشر تاییدات می گیرید، تأثیر بر نشاط دارد. این راهبرد شامل دنبال کردن اخبار مثبت برای رضایت در زندگی، تأثیر اخبار الهام بخش در افزایش انگیزه، بازنشر اخبار مفید و پیام های مثبت برای دیگران، تأثیر اخبار منفی در مسائل اجتماعی و خانوادگی بر نشاط خانواده، انتخاب و بازنشر محتواها و مضامین ارزشی و مثبت برای خانواده، توجه به محتوی مناسب و سازنده متناسب با اعضا خانواده، ارائه راهکار به کاربر شبکه های اجتماعی برای انتخاب پیام بهتر، دانش افزایی و مهارت آفرینی برای انتخاب محتوی رضایت بخش، سردرگمی کاربر در انتخاب پیام ها، مهارت افزایی برای انتخاب و تفسیر درست پیام ها، همانندسازی پیام های شبکه های اجتماعی مانند روابط انسانی، مبارزه با افسردگی از طریق دریافت و بازنشر پیام های امیدآفرین، پیام های امیدآفرین بر ترسیم آینده روشن، تأثیر سازمان دهی، اولویت بندی و ترتیب دهی به محتوی، تأثیر متعدد حجم محتوی بر میزان سرخوردگی کاربر، اختلال نقش های متعدد کاربر نسبت به پیام، دفعات به روزرسانی نمایه ها و اشتراک گذاری محتوای شخصی است.

کد (۲) «یکی از معضلات کاربر خانوادگی در مقابل انبوه پیام‌های شبکه‌های اجتماعی در نوع انتخاب پیام‌ها است»

کد (۷) اظهار داشت «رسانه‌ها می‌توانند با ارائه فضای خبری مثبت و به‌روز، به افزایش نشاط و شادابی در خانواده کمک کنند. انتخاب خبرها و مطالبی با مضامین مثبت و الهام‌بخش، می‌تواند به افزایش انگیزه و احساس رضایت در خانواده کمک کند».

#### ۱۰. اثربخشی توجه در روابط

کاربر خانگی بر اساس اثربخشی توجه در روابط خانوادگی می‌تواند بر تقویت نشاط خانواده خویش بیفزاید. این موارد بر اساس مصاحبه نخبگانی شامل بیان آسیب بی‌توجه به نیازها و خواسته‌های اعضای خانواده، تأثیر عدم توجه به حریم شخصی کاربر خانوادگی بر همبستگی و صمیمیت خانواده، توجه به مشکلات و نیازهای اجتماعی کاربر خانوادگی، تعامل نیازها و محدودیت‌ها اعضا خانواده، توجه به شرایط روحی و روانی اعضا خانواده، توجه به طیف علاقه‌های اعضا خانواده است.

#### ۱۱. همدلی در روابط خانوادگی

از دیگر راهبردهای تقویت نشاط در توسط کاربر خانگی همدلی در روابط خانوادگی است. کاربر خانگی با ایجاد فضای همدلی نسبت به پیام‌های دیگر اعضا خانواده در راستای تقویت نشاط خانواده اقدام می‌نماید. این راهبردها شامل ادراک اعضای خانواده از همدلی، تأثیر پیام‌های حمایتی، نوع دوستی و همدلی، تأثیر محتوی همبستگی، انعطاف و ارتباط مؤثر بر نشاط کاربر، نقش ویژه مادر و همسر در نشاط در خانواده، ساخت خانواده پویا با محتواهای همبستگی، انعطاف و ارتباط مؤثر در شبکه‌های اجتماعی، ارائه راهکار برای ایجاد خانواده پویا، تنوع نشاط کاربر خانوادگی بر اساس تنوع فرهنگ‌ها و سبک زندگی‌ها، نشاط از طریق سرایت عاطفی با محتوای نشاط، کاهش خستگی عاطفی با پیام‌های احساسی، شادی به‌عنوان یک پیامد عاطفی بالقوه از تجربیات رسانه‌های اجتماعی، تأثیر نشاط با تحریک حواس پنج‌گانه در شبکه‌های اجتماعی است.

کد (۷) «با توجه به نظریه سیستمی خانواده که با یک هدف مشترک انسجام و هماهنگی پیدا می‌کنند شبکه‌های اجتماعی هم باید برای ایجاد نشاط باید بر اساس هدف مشترک برای رسیدن به همدلی و انسجام و نزدیک بودن به هم اقدام نمایند» کد (۳) بیان داشت «شبکه‌های اجتماعی می‌توانند جبران خلأهای عاطفی و افرادی

که قدرت بروز عواطف و احساساتشان را ندارند، انجام دهد».

یافته‌های این پژوهش با تحقیق کریستینا تامیسالوا<sup>۱</sup>، میرکا دانیلیزیکا<sup>۲</sup>، آنتی او. تانسکانن<sup>۳</sup>، برونو آرپینو<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان ارتباط رسانه‌های اجتماعی با اعضای خانواده و شادی در بزرگسالان جوان و مسن هم‌راستا است.

## ۱۲. معناشناسی نشاط

از ویژگی کاربر خانگی در استفاده از شبکه‌ها اجتماعی با کدگذاری انتخابی شامل معناشناسی نشاط است. برای نشاط در شبکه‌های اجتماعی می‌بایست معناشناسی نشاط را بررسی نمود که شامل نیاز به تعریف مشخص نشاط، تبلور استحکام روابط خانوادگی مبتنی بر نشاط، ضرورت معناشناسی نشاط خانوادگی، نیاز به مدل نشاط در شبکه‌های اجتماعی، تبدیل نشاط به ضابطه‌مندی و قانون مداری، پالایش و ارزیابی اثرگذاری نشاط خانواده، رصد وضعیت نشاط خانواده و جامعه، برنامه‌ریزی مسنجم بر اساس رصد نشاط خانواده، فرهنگ‌سازی مدل‌های نشاط در شبکه‌های اجتماعی، اولویت‌دهی به نشاط در زندگی، تکرار تجربه شادی‌های زودگذر، اثر رسانه بر انرژی مضاعف در مناسبت‌ها، تأثیر تفاوت تیپ شخصیت فردگرا و جمع‌گرا در مدل‌های نشاط است.

کد (۶) «فرد با ویژگی‌های شخصی‌گرایی<sup>۵</sup> با فرد با ویژگی‌های اجتماعی‌گرایی<sup>۶</sup> این دو دسته افراد به لحاظ روابط مجازی و رسیدن به نشاط با یکدیگر متفاوت هستند».

کد (۱) بیان داشت «تعریف مشخصی از شادی و نشاط وجود ندارد، نیاز به گفتمان نشاط در زندگی است و نشاط در خانواده یکی از عوامل و نشانه‌های استحکام و کارآمدی در خانواده است، نیاز به معناشناسی نشاط در زندگی است».

## ۱۳. راهبردهای معنوی در نشاط

توجه به موضوع معنویت در فضای رسانه تأثیر زیادی در نشاط برای کاربر خانگی خواهد داشت. از این رو بر اساس مصاحبه‌نخبگانی راهبردهای معنوی شامل تمرین مثبت اندیشیدن در خانواده، نظام آفرینش بر اساس نشاط و شادی، توجه در شریعت به

1. Kristiina Tammissalo
2. Mirka Danielsbacka
3. Antti O. Tanskanen
4. Bruno Arpino
5. Personal-oriented
6. Social-oriented features

موضوع نشاط در زندگی، تأثیر پاداش‌های معنوی در نشاط، پاداش‌های معنوی برای ایجاد نشاط در دیگران، تعیین برنامه معنوی برای کاربران خانواده، استفاده از کارشناس دینی برای گروه‌های خانوادگی، توجه به ارزش‌ها و اعتقادات در داشتن نشاط در زندگی، تأمین نیازهای مادی و معنوی کاربر توسط پیام‌ها، افزایش نشاط با تقویت نگاه‌های معنوی و توحیدی، معرفی اماکن مذهبی در فضای مجازی، راهکاری نیایش با خدا، تأثیر پیام‌های مبتنی بر هماهنگی واقعیت‌ها با انتظارات بر نشاط، تأثیر پیام‌های مبتنی بر پذیرش وجود درد در زندگی بر نشاط، پاسخ به شبهات دینی در فضای مجازی، تأثیر محتواهای مبنی بر ترک گناه در افزایش نشاط معنوی، ایجاد و گسترش باورهای دینی و معنوی در فضای مجازی، پیام‌های مربوط به سخت نگرفتن زندگی است.

کد (۸) «محتوایی که در شبکه‌های اجتماعی پیرامون ترک معصیت و گناه مخصوصاً گناه‌های خانوادگی اشاره دارد تأثیر درازمدتی در نشاط معنوی افراد ایفا می‌کند».

کد (۵) بیان داشت «شیوه‌های پاسخ به شبهات دینی در فضای مجازی و راه ایمن‌سازی در مقابل شبهات تأثیر در نشاط معنوی خانواده دارد».

یافته‌های پژوهش با الکس رومانی ریورا<sup>۱</sup>، آنا گالوز-موزو<sup>۲</sup>، فرانسیسکو تیرادو-سرانو<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) با عنوان ضرورت شادکامی در روانشناسی مثبت: به سوی یک سیاست روانی بهزیستی هم‌راستا است.

#### ۱۴. نقش اخلاق در نشاط

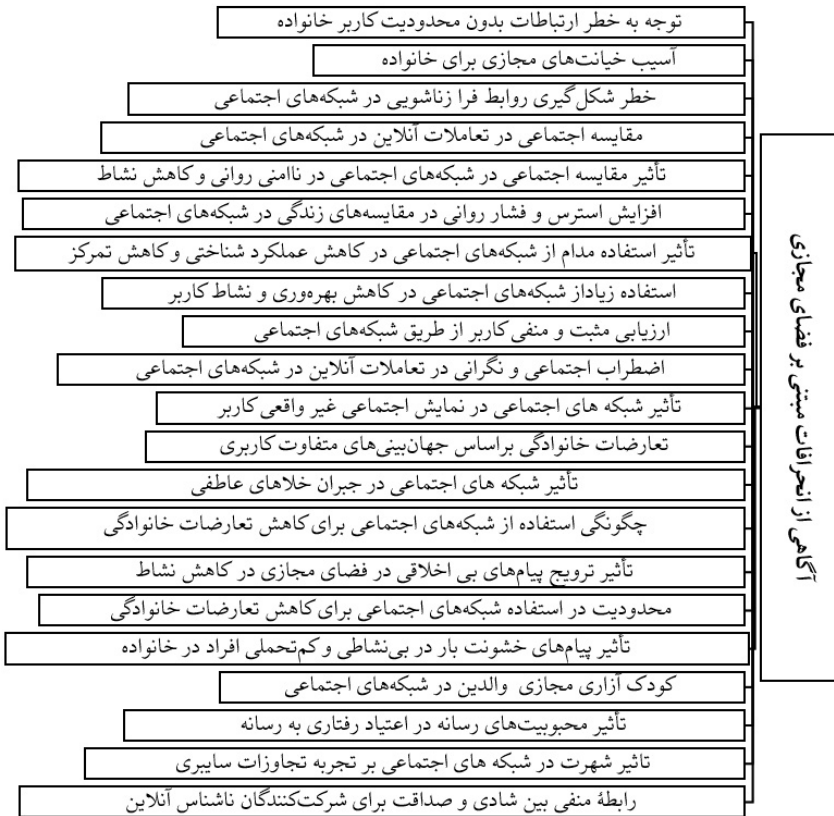
از ویژگی کاربر خانگی در استفاده از شبکه‌ها اجتماعی برای تقویت نشاط توجه به امور اخلاقی است. شاخص‌های اخلاقی در این خصوص شامل تأثیر پیام‌های سبک شیوه تعاملی اهل بیت علیهم‌السلام با خانواده در نشاط ماندگار، برنامه‌ها و محتوای از کلام و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام در خانواده، نشاط از طریق افزایش کار خیر در جامعه، تأثیر پیام‌های مبتنی بر هماهنگی واقعیت‌ها با انتظارات بر نشاط در فضای مجازی، تقویت فضیلت‌ها اخلاقی در فضای مجازی، ترویج پیام‌های عدالت‌خواهی و محورهای آن، دنبال نکردن و عدم انتشار محتویات فحشا (جنسی) در شبکه‌های اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش با یافته‌های نیازی و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان «تدوین الگوی یکپارچه سبک زندگی نشاط محور با اتکا به نظریه داده بنیاد» هم‌راستا است.

1. Alex Romani Rivera  
. Ana Gálvez-Mozo  
. Francisco Tirado-Serrano
2. Ana Galvez-Mozo
3. Francisco Tirado-Serrano

## ۱۵. آگاهی از انحرافات مبتنی بر فضای مجازی

ویژگی کاربر خانگی از استفاده از شبکه‌ها اجتماعی در راستای نشاط با کدگذاری انتخاب شامل آسیب‌های فضای مجازی در روابط خانوادگی است. یکی از اموری که تأثیر منفی بر نشاط کاربر خانگی دارد، آسیب‌های فضای مجازی است که اگر به آن بی‌توجهی شود باعث بی‌نشاطی و تزلزل در روابط خانواده می‌شود.

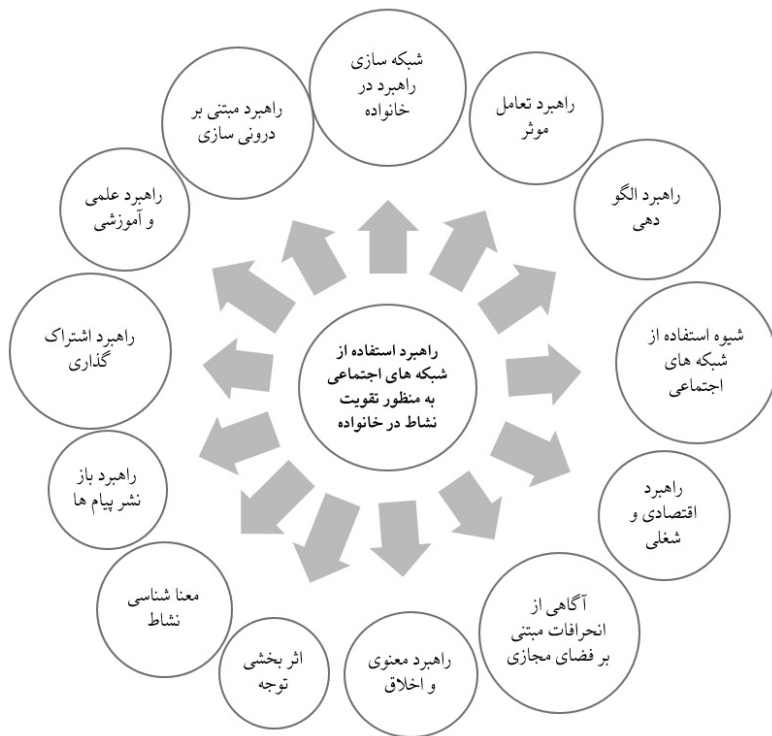


کد (۴) «با توجه به اینکه شادی با صداقت یا اصالت در تعاملات حضوری همراه است، رابطه منفی بین شادی و صداقت برای شرکت‌کنندگان ناشناس آنلاین وجود دارد».

کد (۹) بیان داشت «با محبوب‌تر شدن نوجوانان در اینستاگرام (با افزایش تعداد فالوورهای آن‌ها)، خطر اعتیاد رفتاری آن‌ها به استفاده از اینستاگرام و تجربه تجاوزات سایبری افزایش می‌یابد که به‌نوبه خود ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد».

یافته‌های پژوهش با تحقیق ایریانا شارایواسکا (۲۰۱۴) با عنوان «خانواده و رضایت زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی» هم‌راستا است. همچنین پژوهش محمدی و همکاران (۱۴۰۱) با تحقیقی با عنوان «بررسی کیفی مشکلات روان‌شناختی فرهنگی و اجتماعی اعتیاد به شبکه‌های مجازی و اینترنت بر روی روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان» تأیید کننده یافته‌های این پژوهش است.

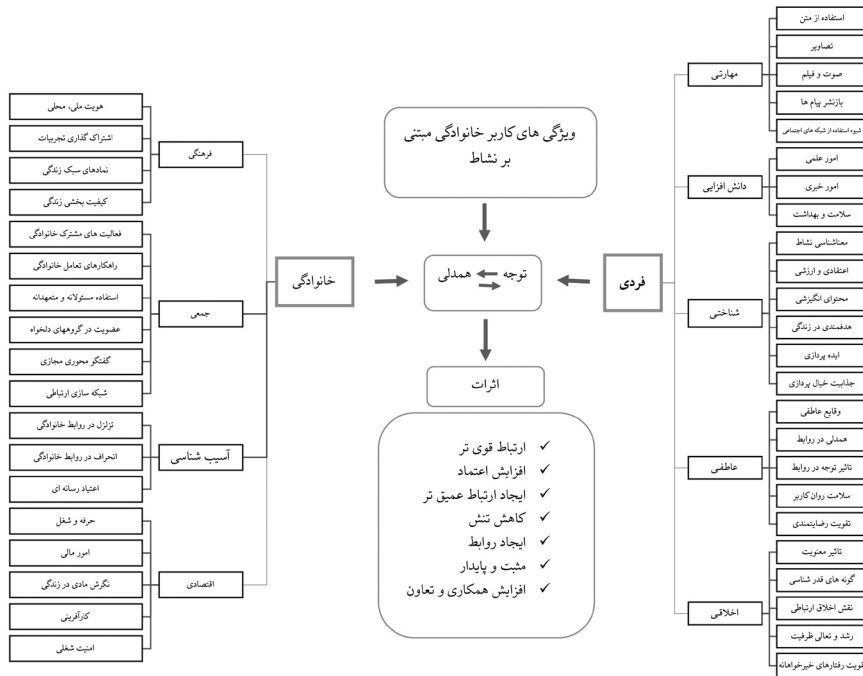
راهبرد استفاده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تقویت نشاط در خانواده



به‌طور کلی ویژگی‌های کاربر خانوادگی برای تقویت نشاط در خانواده در دو حوزه فردی و خانوادگی با محوریت توجه و همدلی در روابط خانواده تعریف می‌شود. کاربر خانگی برای تقویت نشاط در بخش فردی با افزایش مهارت‌ها، دانش‌افزایی و با تقویت امور شناختی، عاطفی و اخلاقی اهتمام لازم را داشته باشند. همچنین در بخش خانوادگی با تقویت امور فرهنگی، جمعی و اقتصادی و توجه به آسیب‌های ارتباطی در فضای مجازی دقت لازم را رعایت نماید.

## جمع‌بندی و ارائه مدل

در بخش جمع‌بندی و ارائه مدل پژوهش حاضر، هدف اصلی بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نشاط خانوادگی و شناسایی راهبردهای مؤثر برای تقویت این نشاط از طریق استفاده بهینه از این پلتفرم‌ها است. در این بخش، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها به‌طور خلاصه بررسی می‌شود و بر مبنای این یافته‌ها، یک مدل جامع برای تقویت نشاط در خانواده‌ها ارائه می‌شود. این مدل نه تنها به شفاف‌سازی فرایندهای ارتباطی در خانواده‌ها کمک می‌کند، بلکه ابعاد مختلف تعاملات اجتماعی در دنیای دیجیتال را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. با توجه به تغییرات شتابان در الگوهای ارتباطی و اجتماعی، این مدل به‌عنوان یک راهنمای عملی برای خانواده‌ها، متخصصان و پژوهشگران در زمینه بهره‌مندی بهتر از امکانات شبکه‌های اجتماعی و بهبود کیفیت روابط خانوادگی عمل می‌کند. هدف این جمع‌بندی، ارائه یک چارچوب نظری و عملی است که به تسهیل تعاملات مثبت و افزایش نشاط در خانواده‌ها کمک می‌کند.



ویژگی‌های کاربر خانوادگی مبتنی بر نشاط

هدف پژوهش حاضر ارائه راهبردها و ویژگی‌های کاربر خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تقویت نشاط است. نخستین ویژگی بارز این‌گونه پژوهش‌ها خصلت بین‌رشته‌ای بودن آن‌هاست. شبکه‌های اجتماعی و فضای سایر از یک‌سو به حوزه مطالعات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مربوط می‌شود و از سوی دیگر با حوزه وسیع از علوم انسانی و اجتماعی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و به‌ویژه علوم ارتباطات مرتبط است. در این تحقیق با محور قرار دادن نگاه ویژه علوم ارتباطات به این مقوله‌ها بنا به‌ضرورت از یافته‌ها و دستاوردهای سایر رشته‌ها برای تبیین موضوع و پژوهش بهره گرفته شده است.

امروزه با ظهور و توسعه حیرت‌آور رسانه‌های نوین در جهان، بخصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی اثرات آن، در حوزه‌های مختلف زندگی بشر قابل مشاهده است. از سوی دیگر؛ دگرگونی ماهیت مخاطب در پارادایم جدید، به معنای کاربر یعنی کنشگر فعال بوده که با استفاده از رسانه تعاملی می‌تواند در نقش‌های مختلفی از جمله کاربر تولیدکننده، مصرف‌کننده، تعامل‌گر با دیگران و خود رسانه، ایفا کند. رسانه‌های اجتماعی به‌مثابه میدان‌هایی برای فراغت مجاز هستند که تنوع و پویایی این میدان‌ها در تنوع کاربران و انگیزه‌های آن‌ها در استفاده از رسانه‌های اجتماعی قابل مشهود و ملموس است. بااینکه رسانه‌های اجتماعی، فضای مجازی دارند اما انگیزه‌هایی از قبیل حفظ رابطه با دوستان فعلی، اعضای خانواده و خویشاوندان و کسب اطلاعات و اخبار از طریق رسانه‌های اجتماعی که توسط کاربران ابراز شده است، نشان می‌دهد که کاربران تلقی و استفاده واقعی از فضای رسانه‌های اجتماعی دارند و مجاز بودن این رسانه‌ها به معنای جدا بودن آن‌ها از واقعیت زندگی روزمره نیست به‌عبارت‌دیگر رسانه‌های اجتماعی بازندگی روزمره پیمان خورده‌اند.

یکی از آثار قابل مشاهده شبکه‌های اجتماعی بر ساحت زندگی، در بعد خانواده است. رسانه نه تنها بر ساختار و محتوای خانواده بلکه بر سازوکارهای تولید به معنای یا به‌عبارت‌دیگر، بر هستی و شناخت خانواده نیز تأثیر گذاشته است. ظهور فضای مجازی در خانواده بر ضرورت باز مهندسی مختصات جدید خانواده معاصر تأکید دارد و برپایی تعامل به‌هم‌پیوسته میان فضایی واقعی و فضای مجازی، معرفت‌شناسی و ماهیت نهاد خانواده را مبتنی بر فرا متغیرهای بنیادین فضای مجازی مورد توجه قرار می‌دهد. از کژ کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بر نظام ارزشی و نگرشی و رفتاری اعضای خانواده، به فردگرایی و دوستی‌های سطحی، تغییر روابط، تنزل احساسات،

کاهش روابط عمیق عاطفی و به‌طور کلی بی‌نشاطی و سرزندگی در خانواده اشاره کرد. با توجه به اینکه در عصر امروز فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی جز لاینفک زندگی شده است و اعضاء خانواده به‌عنوان کاربران شبکه‌های اجتماعی در خانواده می‌باشند، پژوهشگر به دنبال شناسایی و ارائه الگوی از ویژگی‌های کاربر خانواده می‌باشد که بتواند به‌وسیله آن ویژگی‌ها و شاخص‌ها، نشاط در خانواده را افزایش داد. در این راستا پیشنهاد می‌شود در مراحل بعدی پژوهش‌ها و طرح‌های پژوهشی در راستای انتخاب بهینه راهبردها و راهکارهای ارتقاء سطح دانش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در مناطق مختلف با زیست‌بوم‌های فرهنگی در گروه‌های مختلف جنسیتی و سنی انجام شود.

یافته‌های این پژوهش به شکل‌گیری یک چارچوب جامع برای تقویت نشاط در خانواده‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. این چارچوب به ما می‌آموزد که نشاط اجتماعی نه‌تنها به تعاملات فردی بلکه به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز وابسته است.

تقویت ارتباطات خانوادگی و ایجاد شبکه‌های حمایتی به این معناست که اعضای خانواده باید بتوانند به‌راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از یکدیگر حمایت کنند. این حمایت می‌تواند شامل مشاوره، همدردی و کمک‌های عملی باشد. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای تسهیل این ارتباطات عمل می‌کنند و فرصت‌هایی را برای تعاملات روزمره فراهم می‌آورند.

نهادینه کردن ارزش‌های مثبت و نشاط‌آور، به ترویج رفتارها و نگرش‌هایی اشاره دارد که منجر به افزایش شادی و سرزندگی می‌شود. این ارزش‌ها می‌توانند شامل احترام به یکدیگر، تشویق به فعالیت‌های مثبت و حفظ روحیه همکاری باشند. ارتقای کیفیت ارتباطات و گفت‌وگوها نیز یکی از کلیدهای اصلی است. گفت‌وگوهای مؤثر و باز می‌توانند به تقویت پیوندهای خانوادگی کمک کنند و احساس نزدیکی و حمایت را در اعضای خانواده ایجاد کنند. این نوع ارتباطات به‌ویژه در زمان‌های چالش‌برانگیز بسیار مهم است.

استفاده از الگوهای موفق خانواده‌های دیگر به‌عنوان منبع الهام می‌تواند به اعضای خانواده کمک کند تا تجربیات مثبت را شناسایی کنند و به کار ببرند. این الگوها می‌توانند شامل روش‌های مؤثر برای حل مسائل، ایجاد ارتباطات مثبت یا مدیریت زمان برای خانواده باشند.

علاوه بر این، ارائه محتوای آموزشی برای توسعه مهارت‌ها و ترویج الگوهای زندگی سالم، به تقویت نشاط کمک می‌کند. این آموزش‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های ارتباطی، مدیریت استرس و فعالیت‌های تفریحی سالم باشند.

تبادل تجربیات مثبت و انتقال پیام‌های نشاط‌آور به اعضای خانواده این امکان را می‌دهد که احساسات مثبت را در زندگی روزمره خود افزایش دهند. این تجربیات و پیام‌ها می‌توانند در قالب داستان‌ها، ویدئوها یا مطالب آموزشی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شوند.

توجه به روابط و تقویت همدلی همچنین می‌تواند به درک عمیق‌تری از نیازهای عاطفی اعضای خانواده منجر شود. این درک متقابل می‌تواند به بهبود کیفیت روابط و کاهش تنش‌ها کمک کند.

جستجوی شادی از طریق فعالیت‌های معنوی و رعایت اصول اخلاقی نیز از دیگر جنبه‌های مهم این پژوهش هستند. فعالیت‌های معنوی می‌توانند به آرامش روانی و تقویت ارتباطات عاطفی کمک کنند و اصول اخلاقی نیز به ایجاد فضایی مثبت و سازنده در خانواده کمک می‌کنند.


در نهایت، شناسایی خطرات مرتبط با فضای مجازی و ایجاد آگاهی در مورد آن‌ها، می‌تواند به اعضای خانواده کمک کند تا به‌طور مؤثرتر از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند و از چالش‌های احتمالی جلوگیری کنند.

در جمع‌بندی، این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت نشاط خانوادگی از طریق شبکه‌های اجتماعی نیازمند یک رویکرد چندبعدی است که بر جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و فردی تأکید دارد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک محیط حمایتی و شاداب در خانواده‌ها منجر شود و در نتیجه، کیفیت زندگی و سلامت روان اعضای خانواده را بهبود بخشد.

## تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

### ORCID

Hamed Ehtemam  <https://orcid.org/0009-0004-9862-6403>

Faezeh Taghipour  <https://orcid.org/0000-0003-2912-7358>

Siamak Koorang Beheshti  <https://orcid.org/0000-0002-3537-7006>

## منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰). *لسان العرب*، ج ۷ ص ۴۱۳.
- خانیکي، هادی و خجیر، یوسف (۱۳۹۸). ظرفیت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی برای جامعه مدنی ایران. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۵(۱۷)، ۳۵-۶۹. SID. <https://sid.ir/paper/264691/fa>
- داینز، اد، بیسواس، داینز، رابرت (۱۳۹۱) شادی، ثروت بیکران روان‌شناختی. ترجمه حسن عبدالله زاده، طاهر محبوبی، معصومه باقر زاده. تهران: انتشارات آذرین مهر.
- ذکایی، محمدسعید و حسینی، محمدحسین (۱۳۹۴). گونه‌شناسی کاربران رسانه‌های اجتماعی. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۱۷)، ۳۷-۶۳. SID. <https://sid.ir/paper/510155/fa>
- ذوالقدر، حسین، قاسم‌زاده عراقی، مرتضی (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی کاربران شبکه اجتماعی فیس‌بوک)، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۰، ۳۵-۵۸.
- رحیمی، محمد، شکر بیگی، عالی، ساروخانی، باقر و حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵(۸)، ۱۴۵-۱۷۰.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۴) *خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی*، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
- سون ویندال، بنو سیگنایزر، جین اولسون (۱۳۸۷). کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه: علیرضا، دهقان. تهران: جامعه‌شناسان.
- شریف‌زاده، حکیم سادات، میر محمد تبار، سید احمد، عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران فرا تحلیلی از تحقیقات موجود، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۴۰، ۱۶۰-۱۸۰.
- شکر بیگی، عالی (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی و مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطبقه یک شهر تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۸(۲)، ۹۵-۱۲۷.
- عارف، ابریشم، کاشانی، مجید (۱۴۰۱). تأثیر شبکه‌های اجتماعی (فضای مجازی) بر نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران در سال (۱۳۹۹). *مطالعات راهبردی ارتباطات*، ۲(۱)، ۸۷-۱۰۰. doi: 10.22034/rcc.2022.253276
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۰). *مطالعات جهانی شدن: دو فضایی شدن‌ها و دوجاهانی شدن‌ها*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- عاملی، سعید رضا، (۱۳۹۷). *خانواده مسلمان و فضای مجازی*، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عباسی شوازی، محمدتقی و عباسی آتشیگاه، پروین (۱۳۹۷). اینترنت، خانواده شبکه‌ای و زمان خانواده: چگونه فناوری‌های نوین ارتباطی روابط خانوادگی را متأثر می‌کنند؟ *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴(۱۴)، ۳۳-۶۵.
- عنبری، موسی (۱۳۹۷). *ستایش شادمانه تبیین: نشاط اجتماعی در ایران*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان، تهران.
- فرهنگی، علی‌اکبر، کروی، مهدی، صادق وزیری، فراز (۱۳۹۴). نظریه داده بنیاد کلاسیک؛ شرح مراحل تولید نظریه مرکز ثقلی هویت برند توریسم سلامت ایران، *فصلنامه مدیریت بازرگانی*، ۱۴۷.
- محمدی، ابراهیم، خوش‌اخلاق، حسن، جلالی، الهه (۱۴۰۱). بررسی کیفی مشکلات روان‌شناختی - فرهنگی و اجتماعی اعتیاد به شبکه‌های مجازی و اینترنت بر روی روابط زناشویی زوجین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۵۰)، ۲۷۵-۳۰۳. doi: 10.22054/qccpc.2022.64283.2815

میکاییلی، جعفر، خورسندی، مرتضی، همایونی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر شادی (مطالعه موردی جمعیت فعال شهر تهران). *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۴(۱۲)، ۱-۴۱.

doi: 10.22054/rjsw.2017.10035

نیازی، محسن، فرهادیان، علی، رضایی، الهام، آب شیرین، شکوفه (۱۴۰۲). تدوین الگوی یکپارچه سبک زندگی نشاط محور با اتکا به نظریه داده بنیاد. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۳(۳)، ۹۷-۱۲۱.

doi: 10.22083/scsj.2023.395531.1109

Ameli, Saeed Reza. (2011). *Globalization studies: two-spatializations and two-worldizations*, Tehran, Humanities Research and Development Center. **[In Persian]**

Ameli, Saeed Reza. (2017). *Muslim family and virtual space*, Farhang Islamic Publishing House, second edition. **[In Persian]**

Anbari, Musa. (2017). *The joyful praise of explanation; Social vitality in Iran*, Isfahan University Press, first edition. **[In Persian]**

Arfa, Abrisham, Kashani, Majid. (1401). The effect of virtual space social networks on the social vitality of Tehran teachers in 2019, *Rehpoivian Communication and Culture Quarterly*, first period, third issue, spring, pages 87-100. doi: 10.22034/rcc.2022.253276 **[In Persian]**

asi Shawazi, Mohammad Taghi and Abbasi Ateshgah, Parveen. (2017). Internet, networked family and family time: How do new communication technologies affect family relationships? *New Media Studies*, 4(14), 33-65. **[In Persian]**

Diener, Ed, Biswas, Diener, Robert. (2012). *Happiness, infinite psychological wealth*. Translated by Hasan Abdollahzadeh, Taher Mahboubi, Masoume Baqerzadeh. Tehran: Azarin Mehr Publications. **[In Persian]**

Farhangi, Ali Akbar, Karoubi, Mehdi, Sadegh Vaziri Faraz. (2015). Classical Grounded Theory: Explanation of the Theory Production Phases, Centrifugal Identity of Iran's Health Tourism Brand. *Business Management Quarterly*, 147. **[In Persian]**

Farhani, Aliakbar, Karroubi, Mehdi, Sadegh Vaziri, Faraz. (2014). *Classical Foundation Data Theory; Description of the production stages of the theory of the center of gravity of the identity of Iran's health tourism brand*, *Barozgani Management Quarterly*, Volume 7, Number 1, Tehran University Press. **[In Persian]**

Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory*, Aldine Publishing Company.

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. *Lasan al-Arab*, vol. 7, p. 413. **[In Persian]**

Iryana, S. (2014). "Family and Marital Satisfaction and the Use of Social Network Technologies". *Journal of Contemporary Family Therapy*, 28(4), 497-504.

Khaniki, Hadi, Khajir, Yusuf. (2018). Capacities and challenges of virtual social networks for Iran's civil society, *New Media Studies Quarterly*, 5th year, No. 17, pp. 36-69. SID. <https://sid.ir/paper/264691/fa> **[In Persian]**


Mikaili, Jafar, Khorsandi, Morteza, Homayoni, Fatemeh Al-Sadat. (2016). Examining the role of so-


- cio-economic factors affecting happiness; A case study of the active population of Tehran, *Social Work Research Journal*, third year, number 12, pp. 2-41. **[In Persian]**
- Mohammadi, Ebrahim, Khoshakhlaq, Hassan, Jalali, Elaha. (1401). Qualitative investigation of the psychological-cultural and social problems of addiction to virtual networks and the Internet on marital relationships of couples in Isfahan city; *Cultural Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 13th year, number 50, summer, pp. 270-303. **[In Persian]**
- Niazi, Mohsen, Farhadian, Ali, Rezaei, Elham, Ab Shirin, Shokoofeh. (1402). Development of an integrated model of vitality-oriented lifestyle based on data base theory, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture*, Volume 3, Number 1, pp. 68. **[In Persian]**
- Rahimi, Mohammad, Shekar Beigi, Alia, Sarukhani, Baqir and Hazrat Souma, Zahra. (2016). Sociological investigation of the relationship between virtual social networks and current changes in families. *Islamic Journal of Women and Family*, 5(8), 145-170. **[In Persian]**
- Salarifar, Mohammadreza. (2014). *The family in the attitude of Islam and psychology*, Tehran, organization of studies and compilation of humanities books of universities, position. **[In Persian]**
- Satir, V & Baldwin, M. Satir. (1983). *Step by step*; Palo Alto, CA Science and Behavior Books.
- Sharifzadeh, Hakim Sadat, Mir Mohammad Tabar, Seyed Ahmed, Adlipour, Samad. (2016). Investigating factors affecting social vitality in Iran, a meta-analysis of existing research, *Culture Strategy*, No. 40, pp. 160-180. **[In Persian]**
- Shokr Beigi, Alieh. (2016). Sociological investigation of the relationship between the use of social and virtual networks and the emergence of changes in the marital relations of couples in one area of Tehran, *Iranian Journal of Sociology*, 18th, No. 2, Summer, pp. 95-127. **[In Persian]**
- Sven Windahl, Beno Signayszer, Jane Olson. (2008). *Application of communication theories*. Translated by: Alireza Dehghan. Tehran: Sociologists. **[In Persian]**
- Tabar, Seyyed Ahmad Mir Mohammad. (See Sharifzadeh, Hakim Sadat). (2014). Typology of social media users. *Sociocultural Strategy*, 37-63. **[In Persian]**
- Zagenczyk, Thomas J. & Scott, Kristin D. & Gibney, Ray & Murrell, Audrey J. & Thatcher, Jason Bennett. (2010). "Social influence and perceived organizational support: A social networks analysis", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, Elsevier, vol. 111(2), pages 127-138, March.
- Zokayi, Mohammad Saeed, & Hassani, Mohammad Hossein. (2015). Typology of social media users. *Social Cultural Strategy*, 5(17), 37-63. SID. <https://sid.ir/paper/510155/fa> **[In Persian]**
- Zulqader, Hossein, Ghasemzadeh Iraqi, Morteza. (2012). Investigating users' motivations in using social media (a case study of Facebook social network users), *Paizim*, No. 20, Tehran, *Communication Research Quarterly*, pp. 35-58. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## Phenomenological analysis of dormitory culture: Female students' experiences and perceptions of dormitory life

**Afshar Kabiri** , Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University (Corresponding Author) Email: [a.kabiri@urmia.ac.ir](mailto:a.kabiri@urmia.ac.ir)

**Jafar Ahmadi** , PhD student in Sociology (Study of Social Issues in Iran), Center for Graduate Studies, Payame Noor University, Tehran. Email: [jafarahmadi19@pnu.ac.ir](mailto:jafarahmadi19@pnu.ac.ir)

### Extended abstract

**Introduction and statement of the problem :** Dormitory culture as a subset of university culture is a very important subject, because it directly affects the personal and social life of students. Despite the importance of this issue, higher education policymakers have not paid much attention to it in our country. For many of our young people, the student dormitory is an inappropriate substitute for a safe family environment. Having support and living with the family is an important psychological, emotional and social need in all age groups. Many studies have shown that the prevalence of emotional and mental disorders in students living in dormitories is higher than in students not living in the dormitories. Being in a dormitory, in addition to being away from one's family and former relationship network, also living in it may impose problems on a person; On the other hand, there is a possibility that the dormitory environment is a source of support for a person due to the presence of peers and the scientific atmosphere that dominates it. Despite this, dormitories often focus only on physical aspects such as providing sleeping space and basic facilities without considering the social needs of students. However, many studies have shown that students are not satisfied with the physical facilities of the dormitories. Therefore, the issue of dormitory culture for female students is more sensitive than for male students, and due to having more restrictions, it seems that living in student dormitories is associated with more harm for them. Therefore, the purpose of this research is to investigate the experiences of female students in facing the dormitory life.

**Materials and methods:** In this research, according to the nature of its subject, qualitative method and phenomenological approach have been used. The statistical population in this research are female students living in student dormitories in Urmia University. The statistical sample in this research was 10 people who were selected in a purposeful way from among the female students living in the dormitories of Urmia University who had at least two semesters and at most five semesters of attendance in the dormitories. Getting first-hand experiences or lived experience can only be done by interviewing people who have had this experience themselves. For this purpose, a semi-structured interview was used in this research to collect data. In the interviews, the students were asked to express their experiences of living in the dormitory. The method of data analysis in this research was done using the Colaizzi's method. The credibility of this research has



been achieved by using the components of reliability, originality, transferability, reliability and verifiability, as well as presenting the research results to the participants and recording the research process accurately. In determining the validity of the research, the strategies of confirmation of the participants, involvement of the researcher with the investigated phenomenon, evaluation and consensus of other researchers on the determined concepts and categories have been used.

**Discussion of the findings and conclusions:** The findings of this research show that living in student dormitories for female students comes with many challenges and opportunities. The challenges of dormitory life from the point of view of female students are: lack of privacy, irregular sleeping and waking hours, personality instability, lack of dormitory facilities, mental-psychological pressure, and studying on the sidelines. Besides these challenges, students have also mentioned the opportunities of dormitory life. Opportunities such as individual independence, personality development, gaining social life experiences, self-management of life and strengthening the spirit of cooperation were part of the most important opportunities mentioned by the students. Therefore, based on these findings, the culture of student dormitories, along with the challenges and problems they create for students, can provide opportunities and fields to improve students' ability and social life skills to lead to personal growth and Students become social.

If there is one point to be discussed as the final result of this research, it is that the dormitory culture, although within itself, brings opportunities and positive consequences; But its challenges and negative aspects are more in our country. The paradigm model of this research clearly shows this fact. However, the dormitory management in our country has been wrong from the beginning and no plan has been presented for this part of university culture. The dormitory is only a four-walled one with minimal facilities and has been prepared for students to sleep. It is not important for the university authorities what kind of relations and problems exist within these four walls. This method of management has been until today and along with other factors, it has caused the deterioration of academic culture and the reduction of the quality of universities in Iran. It is on this basis that the expression "eclipse of academic culture" is used in Iran for the situation.

**Keywords:** dormitory culture, university culture, challenges and opportunities, phenomenology, students

## تحلیل پدیدارشناختی فرهنگ خوابگاهی: تجربیات و ادراکات دانشجویان دختر از زندگی خوابگاهی

افشار کبیری<sup>۱</sup>، جعفر احمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

فرهنگ خوابگاهی به عنوان زیرمجموعه‌ای از فرهنگ دانشگاهی موضوعی بسیار مهم است، چراکه به طور مستقیم بر زندگی فردی و اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است. به رغم اهمیت این موضوع، در کشور ما سیاست‌گذاران آموزش عالی چندان به آن نپرداخته‌اند. هدف این مقاله، بیان چالش‌ها و فرصت‌های زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر است. این تحقیق با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی صورت گرفته است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۰ نفر از دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه دانشگاه ارومیه که حداقل دو ترم و حداکثر پنج ترم سابقه حضور در خوابگاه را داشتند، انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع ادامه یافتند و با روش کولایزی مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفتند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی برای دختران دانشجو همراه با چالش‌های و فرصت‌های متعددی است. چالش‌های زندگی خوابگاهی از دیدگاه دختران دانشجو عبارت‌اند از: نداشتن حریم خصوصی، بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری، بی‌ثباتی شخصیت، کم بودن امکانات خوابگاهی، فشار روحی- روانی و به حاشیه رفتن درس خواندن. در کنار این چالش‌ها، دانشجویان به فرصت‌های زندگی خوابگاهی هم اشاره کرده‌اند. فرصت‌هایی چون استقلال فردی، تکامل شخصیت، کسب تجارب زندگی اجتماعی، خود مدیریت زندگی و تقویت روحیه همکاری، بخشی از مهم‌ترین فرصت‌هایی بودند که دانشجویان به آن اشاره کرده‌اند؛ بنابراین بر مبنای این یافته‌ها فرهنگ خوابگاه‌های دانشجویی در کنار چالش‌ها و مشکلاتی که برای دانشجویان ایجاد می‌کند می‌تواند فرصت‌ها و زمینه‌های ارتقای توانمندی و مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان را فراهم کند تا منجر به رشد فردی و اجتماعی دانشجویان شود.

### واژگان کلیدی

فرهنگ خوابگاهی، فرهنگ دانشگاهی، چالش‌ها و فرصت‌ها، پدیدارشناسی، دانشجویان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

۱. دانشیار جامعه‌شناسی گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

a.kabiri@urmia.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (بررسی مسائل اجتماعی ایران)، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران.

Jafarahmadi19@pnu.ac.ir

## مقدمه

مطالعه گروه‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی می‌تواند به ما کمک کند تا ساختار و عملکرد این گروه‌ها را در جامعه فهمیده و روابط اجتماعی را در جامعه، بهتر درک کنیم. این مطالعات می‌توانند به ما کمک کنند تا از فرهنگ و ارزش‌های مختلفی که در گروه‌های اجتماعی وجود دارند، بیشتر آگاه شویم و با تفاوت‌ها و تعارضات بین گروه‌ها بهتر برخورد کنیم. خوابگاه‌های دانشجویی یکی از مؤثرترین و بهترین محیط‌ها برای مطالعه تجربه زیسته و رفتار فرد در گروه اجتماعی هستند.

کارکرد رسمی و آشکار نهاد دانشگاه در قالب جامعه‌امروزی این است که افراد جامعه را در کسب دانش و تفکر علمی، تخصص و مهارت سهیم سازد. «دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی ایران نیز مانند سایر مراکز آموزش عالی دنیا، دارای رسالت و وظیفه سنگینی برای تربیت اصولی دانشجویان بر اساس نیازهای کشور هستند» (محمدی، عزیزآبادی فراهانی، عامری شهرابی و قیومی، ۱۴۰۳: ۴۶). دانشگاه به وسیله برنامه درسی خود با انتخاب و تحقق هدف‌های متناسبی، افراد جامعه را برای انجام وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی یاری کرده و به این وسیله رشد فرد و توسعه جامعه را تعیین می‌نماید (رشیدی، ۱۳۸۹: ۳۹). برخلاف این دیدگاه که آموزش دانشگاهی را تنها در برنامه درسی آشکار شامل کلاس درس، کار تحقیقاتی و آزمون پایان‌ترم خلاصه می‌کند؛ باید اذعان داشت که بخشی از فرایند یادگیری دانشجویان در قالب برنامه درسی پنهان در محیط‌های غیرآموزشی از قبیل خوابگاه، رستوران، سرویس‌های ایاب و ذهاب به واسطه ارتباطات و تعامل دانشجویان با یکدیگر و در زندگی دانشجویی تکمیل می‌شود. با بررسی‌ها و شناسایی فرهنگ حاکم بر دانشگاه‌ها و بررسی ادراک دانشجویان از این فرهنگ می‌توان زمینه‌های تغییر در این فرهنگ را فراهم نمود که یکی از کارکردهای اصلی معاونت دانشجویی و فرهنگی در ساختار آموزش عالی ایران است. تغییر در فرهنگ دانشگاهی نیازمند سیاست‌گذاری‌های مناسب است که برای انجام سیاست‌گذاری‌های مناسب و کارآمد نیز به پژوهش و شناخت فرهنگ دانشگاهی نیاز است. درحالی‌که اگر به امر فرهنگ دانشگاهی توجه ننماییم و آن را از دیدگاه ارکان مختلف دانشگاه (اعم از دانشجویان، اساتید و...) بررسی نکنیم و شناخت لازم و کافی از فرهنگ موجود کسب ننماییم، توسعه علمی و درنهایت توسعه و پیشرفت جامعه با موانع اساسی روبرو خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۹۷).

مطالعات فرهنگ در دانشگاه شامل سه خرده‌فرهنگ اداری، حرفه دانشگاهی و

دانشجویی است. بسیاری از پژوهش‌هایی که در فرهنگ دانشگاهی صورت گرفته، بیشتر متمایل بر مطالعه فرهنگ استادان و مدیران دانشگاهی است و عضو فعال این عرصه، یعنی، «دانشجویان» را از نظر دور نگاه داشته است. مطالعه فرهنگ دانشگاهی دانشجویان در قالب سبک زندگی دانشجویی قابل بررسی است. چون سبک زندگی نقش مهمی در شکل‌گیری و حفظ هویت افراد و گروه‌ها ایفا می‌کند. «سبک زندگی دانشجویی نمایانگر بخشی از فرهنگ دانشگاه است که دربردارنده ارزش‌ها، هنجارها، خواسته‌ها، تمایلات و ... دانشجویان است و نقش مهمی در زندگی دانشجویان ایفا می‌کند» (ذوالفقارزاده، امیری و زارعی متین، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

واضح است که درک سبک زندگی دانشجویان در خوابگاه به کسب اطلاعات بیشتر درباره ویژگی‌های اساسی کل گروه کمک می‌کند و مسائل موجود در شیوه مدیریت خوابگاه دانشجویی کنونی را آشکار می‌سازد. این امر به نوبه خود به بهبود مدل مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی و کل مدل پرورش دانشجویان دانشگاهی کمک می‌کند (wei & Chen, 2019: 1).

خوابگاه‌های دانشجویی کشور ما، هم‌اکنون صرفاً در نقش مراکزی ظاهر می‌شوند که تنها بخش اندکی از نیازهای ساده و اولیه دانشجویان را برآورده می‌سازد؛ این درحالی است که خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های معتبر جهان ابزاری برای رشد دانشجویان محسوب می‌شوند و چنین دانشگاه‌هایی بر ایجاد محیطی تأکید می‌ورزند که افراد بتوانند فرصت بیشتری به یادگیری و تحقیق اختصاص دهند. امروزه دیگر خوابگاه دانشجویی را باید به مثابه نماد کوچکی از یک جامعه مدرن در نظر گرفت؛ جامعه‌ای که اجتماع آن را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که نیازها و توقعاتشان با نیازهای جامعه در هم تنیده است. مدیریت چنین جامعه‌ای به برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه‌نگر نیاز دارد (نعمتی و کرمی‌پور، ۱۳۹۳: ۷۰). بودن در خوابگاه علاوه بر اینکه به معنی فاصله‌گیری از خانواده و شبکه روابط قبلی فرد و ورود در محیط جدید و وارد شدن در شبکه روابط اجتماعی جدید با هم اتاقی‌ها و هم خوابگاهی‌هاست که با احساس غربت و دل‌تنگی، فشارهای روانی ناشی از هم‌اتاقی‌های جدید همراه است، لذا زندگی در محیط جدید ممکن است مشکلاتی را بر فرد تحمیل کند؛ از سویی دیگر، این امکان وجود دارد که محیط خوابگاه به دلیل حضور افراد همسان و جو علمی حاکم بر آن، برای فرد یک منبع حمایتی و منشأ شکل‌گیری سرمایه اجتماعی باشد. اکثر دانشجویان برای اولین بار دوری از خانواده و زندگی در محیطی خوابگاه را تجربه می‌کنند. محیطی که در آن افراد با گرایش‌های فکری، قومی، مذهبی و شخصیتی در کنار هم زندگی می‌کنند؛

زندگی در چنین محیطی نیاز به مهارت‌های ارتباطی بالا و پذیرش تفاوت‌های فردی و فرهنگی دارد. مشخصاً همه دانشجویان از مهارت‌های کافی برای تعامل با سایر دانشجویان برخوردار نیستند و ممکن است در ارتباطات خود دچار چالش‌ها و مشکلات فراوانی شوند. با وجود این، خوابگاه‌ها اغلب بدون توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی دانشجویان تنها بر جنبه‌های فیزیکی و نیازهای زیستی مانند تأمین فضای خواب و امکانات اولیه و غذا تمرکز دارند. هرچند بسیاری از مطالعات (نگاه کنید به رخشنده رو، رشید و ش و لکورج (۱۳۹۹)، گودرزی، قاسم‌پور و اعتمادی فر (۱۳۹۸)، رحمتی، زراعت حرفه، علیپور و کار بخش زاده (۱۳۹۸) و سید حسن سراج زاده و کریم حبیب‌پور (۱۳۹۷)، نشان داده که دانشجویان از وضعیت امکانات فیزیکی خوابگاه‌ها هم رضایت ندارند.

بنابراین، گذر از فضای عاطفی و غیررسمی خانواده به محیط رسمی و تجربه محیط متفاوت‌تر از خانواده در خوابگاه به تهدید سلامت روان دانشجویان، ضعف تعاملات اجتماعی و تأثیرات منفی بر تجربه زندگی دانشجویی و عملکرد تحصیلی آن‌ها منجر می‌شود. علاوه بر این تجربه زندگی خوابگاهی برای دانشجویان دختر، نسبت به دانشجویان پسر با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه ما از حساسیت بیشتری برخوردار است و به واسطه داشتن محدودیت‌های بیشتر به نظر می‌رسد که زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی برای آن‌ها جلوه و تجربه متفاوت‌تری داشته باشد. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی تجارب زیسته دانشجویان دختر در مواجهه با زندگی خوابگاهی است. بی‌توجهی به این حوزه مهم از فرهنگ دانشگاهی و عدم شناسایی چالش‌ها و مشکلات زندگی دانشجویی در ارتباط با آن از سوی مدیران دانشگاه، باعث تأثیرات منفی بر زندگی فردی و اجتماعی دانشجویان خواهد شد؛ لذا ضرورت سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های راهبردی را از سوی مسئولان دانشگاه می‌طلبد. چراکه اجرای برنامه‌های راهبردی در آموزش عالی سبب کاهش چالش‌های فرهنگ خوابگاهی و زندگی اجتماعی دانشجویان خواهد شد.

### سوالات اصلی پژوهش

۱. دانشجویان دختر چگونه تجربه زندگی در خوابگاه را توصیف می‌کنند؟
۲. مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که دانشجویان دختر در خوابگاه با آن‌ها مواجه هستند، چیست؟
۳. مهم‌ترین فرصت‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی برای دختران دانشجو چیست؟

## ملاحظات مفهومی و نظری

فرهنگ خوابگاهی زیرمجموعه‌ای از فرهنگ دانشگاهی بوده و شامل سبک زندگی دانشجویی است. سبک زندگی در مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد گفته می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های هر فرد و جامعه است. سبک زندگی نه تنها بازتاب‌دهنده نوع شخصیتی است که یک فرد دارد، بلکه مکانیزم مهمی برای شکل‌گیری گروه‌ها نیز به شمار می‌رود. (Wei & Chen, 2019:1). زندگی دانشجویی می‌تواند همچون یک زمینه محیطی، اجتماعی و فرهنگی پدیدآورنده برنامه درسی پنهان تلقی شود. زندگی دانشجویی در فضای حاکم بر دانشگاه‌ها منجر به مجموعه آموخته‌ها و تجربیاتی در دانشجویان می‌شود که دانشجویان در روابطشان با سایر دانشجویان و در فضایی غیررسمی و در زندگی خوابگاهی کسب می‌کنند (محمدی، ۱۴۰۱: ۳۸).

در این تحقیق منظور از سبک زندگی دانشجویی، شیوه‌های رفتاری دانشجویان ساکن در خوابگاه است. چون سبک زندگی دانشجویی به‌طور عام شامل دانشجویانی که خارج از خوابگاه زندگی می‌کنند، هم است. «وجه ممیزه این سبک از زندگی را می‌توان در مؤلفه‌های متعددی جستجو کرد. شکل زندگی دانشجویان خوابگاه به‌صورت گروه‌های جوانان غالباً هم سن و سال، شکل اتاق‌ها، اجبار به زندگی گروهی، شیوه‌های مشابه غذا خوردن، شیوه‌های خاص مطالعه، تغییرات در حوزه‌های خصوصی و عمومی، شیوه‌های دوست‌گزینی خاص خود، شیوه‌های مصرف و به‌ویژه مصرف مواد مخدر، سیگار، مشروبات و بسیاری موارد دیگر وجود دارد که می‌تواند بر روی همدیگر زندگی خوابگاهی دانشجویان و یا به معنای موردنظر ما سبک زندگی دانشجویی ساکن در خوابگاه را نشان دهد» (پروین، ۱۳۹۵: ۳۱۷)؛ بنابراین، زندگی خوابگاهی تأثیر منحصر به فردی بر سبک زندگی دانشجویان دارد. زندگی در خوابگاه، دانشجویان را از نظر اجتماعی و رفتاری متفاوت می‌کند. زندگی شبانه‌روزی یا خوابگاهی ترکیبی از زمینه‌های فرهنگی مختلف است، در زندگی خوابگاهی دانشجویان می‌آموزند که با افراد با زمینه‌های فرهنگی متفاوت زندگی کنند (Ifikhar & Ajmal, 2015:512). جان بک<sup>۱</sup> کی از نظریه‌پردازان خوابگاه است که به نام‌گذاری خوابگاه با این عبارت - جای خواب - انتقاد می‌کند. او می‌گوید «استفاده از اتاق خواب نمی‌تواند به سادگی از

طریق یک نام تعریف شود؛ یک دانشجو ممکن است بخواهد در اتاق خود بازی کند، با کسی ملاقات کند، درباره دین خود صحبت کند، به بتهوون گوش دهد یا کتابخانه شخصی خود را داشته باشد. از نظر او، یک معمار نمی‌تواند برای تمام این فعالیت‌ها در یک مکان برنامه‌ریزی کند، اما شخصیت خوابگاه باید فضازمانی و انرژی لازم برای این فعالیت‌ها را فراهم کند» (Baha'addini Ardakani & Helmi, 2019:72)؛ بنابراین خوابگاه‌ها نباید تنها مکان‌های قابل قبولی برای خواب باشند، بلکه باید فرصت‌های مناسبی برای رشد فردی، اجتماعی و آموزشی دانشجویان فراهم کنند. در واقع، فرهنگ خوابگاه‌های دانشگاهی به‌عنوان ادامه و مکمل کلاس‌های دانشگاهی و جنبه بسیار مهمی در ساختار فرهنگ دانشگاهی به‌شمار می‌رود.

فرهنگ خوابگاهی جزئی مهم از فرهنگ دانشگاهی است که به‌طور مشترک توسط دانشجویان از طریق تجربه‌های یادگیری و زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. هسته اصلی آن ارزش‌های دانشجویان است که از طریق فعالیت‌ها و اشکال مادی که می‌توانند نظام ارزشی را منتقل کنند، به‌صورت یک جو معنوی نمایان می‌شود. فرهنگ خوابگاه‌های دانشجویی مجموعه‌ای از سیستم خوابگاه، روحیه خوابگاهی، فعالیت‌های فرهنگی و محیط فرهنگی است و به‌عنوان یک فرهنگ خاص در محیط دانشگاهی شناخته می‌شود. خوابگاه دانشجویی فضای اصلی تحصیل، زندگی و تبادل نظر دانشجویان است و همچنین مکان مهمی برای رشد سالم دانشجویان به‌شمار می‌آید. دانشجویان به‌مدت طولانی در کنار هم زندگی می‌کنند و به‌تدریج زیر فرهنگی خاص خود را به نام فرهنگ خوابگاه دانشجویی شکل می‌دهند. این فرهنگ نقش مهم و غیرقابل‌انکاری در رشد دانشجویان، شکل‌گیری شخصیت و استقرار ارزش‌ها، رفتارها و روابط آن‌ها دارد. تقویت ساخت فرهنگ خوابگاه‌های دانشجویی و بهبود کیفیت کلی دانشجویان، الزامات هدفمند توسعه آموزش مدرن است (Wu, 2016: 7) خوابگاه بایستی انعکاسی از فرهنگ دانشگاه و گسترش فرهنگ خانوادگی و غنای فرهنگ اجتماعی باشد. خوابگاه برای دانشجویان دانشگاه، نخستین جامعه، دومین خانواده و سومین کلاس است، زیرا خوابگاه‌ها مکان‌های اصلی یادگیری، زندگی، استراحت، سرگرمی و ارتباط آن‌ها هستند. (Gao & song, 2017:69) (Batara & Orpia, 2022: 7).

### پیشینه پژوهش

مرور تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که تا به امروز در کشور ما مسئله زندگی خوابگاهی

با عنوان فرهنگ خوابگاهی مطالعه نشده است؛ اما در سایر کشورها - به ویژه کشورهای آسیای شرقی - مطالعه فرهنگ خوابگاهی بسیار رایج است.

سیدحسن سراجزاده و کریم حبیب‌پور (۱۳۹۷) کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی را به روش پیمایشی بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بوده که دانشجویان از بعد رفاهی و بعد فرهنگی از فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی در خوابگاه راضی نیستند و روی هم رفته رضایت دانشجویان از کیفیت ذهنی زندگی خوابگاهی، چه در شکل شهودی و چه در شکل منطقی آن، پایین بوده است. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت زندگی عینی در سطح خوابگاه‌های دانشجویی دختران پایین بوده و این به نوبه خود بر کیفیت ذهنی آن‌ها نیز تأثیرگذار است.

نجمه گودرزی، قاسم‌پور و اعتمادی فر (۱۳۹۸) چالش‌های زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر را با روش کیفی بررسی کرده‌اند. سبک زندگی خوابگاهی برای دختران مختصات و قوانین مشخصی دارد که سیاست‌های دانشگاه در آن دخیل هستند. تحلیل نتایج حاکی از زوال حریم خصوصی، تنگنای فراغت، فقدان عاملیت انتخاب و بازتولید نقش‌های جنسیتی اشاره کرد.

عباس رحمتی، زراعت حرفه، علی‌پور و کاربخش زاده (۱۳۹۸) تجارب دانشجویان دختر از سکونت در خوابگاه‌های دانشجویی را با روش کیفی بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از این است که سکونت در خوابگاه برای دانشجویان دختر، فرصت‌ها و مشکلات متعددی به همراه دارد. استقلال، افزایش صبر و توان تحمل مشکلات، یادگیری مدیریت مالی، تقویت روحیه قدرشناسی نسبت به خانواده، آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف، یادگیری و تقویت مهارت‌های مختلف، افزایش نظم و مسئولیت‌پذیری و تقویت بعد معنوی و عمل به باورهای دینی از مهم‌ترین فرصت‌هایی بودند که سکونت در خوابگاه برای دانشجویان به ارمغان آورده بود. در کنار این فرصت‌ها، احساس غربت و دل‌تنگی، فشارهای روانی ناشی از هم‌اتاق شدن با افراد نامناسب، کیفیت پایین غذای سلف، کاهش کیفیت درس خواندن و به هم خوردن نظم خواب از برجسته‌ترین مشکلاتی بودند که دانشجویان به آن اشاره کردند. حسین قدرتی و فاطمه مقصودزاده (۱۳۹۸) به بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آن‌ها پرداخته‌اند. پژوهش آن‌ها به روش کیفی و نظریه زمینه‌ای انجام شده است. مطابق یافته‌های پژوهش مقوله‌های هنجارهای کنترلی خانواده، محدودیت‌های محیطی، عدم استقلال و نداشتن آزادی

عمل، تناقض سنت‌ها با ارزش‌های جامعه امروزی، تضاد عقاید با اعضای خانواده به‌عنوان نمونه‌ای از مشکلات خوابگاهی شناخته شده است؛ که نشان می‌دهد سبک زندگی خوابگاهی پیامدهای مثبتی در ابعاد فردی برای دانشجویان دختر مانند افزایش استقلال فردی به همراه داشته است.

قهرمان رخشنده‌رو، رشید وش و لکوریج (۱۳۹۹) کارکرد نامناسب آشکار و پنهان و تهدیدهای زندگی خوابگاهی دانشجویان پسر در دانشگاه فرهنگیان را به روش توصیفی-مردم‌نگاری بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، مهم‌ترین تهدیدهای زندگی خوابگاهی عبارت‌اند از: عدم تعامل و ناسازگاری، عدم درک متقابل، بروز تنش و درگیری، فقدان حریم خصوصی، نقض حقوق جمعی، عدم تهیه و ارائه غذای باکیفیت، بروز اختلالات گوارشی، بروز مشکلات بهداشتی، خروج از فضای تحت کنترل خانواده، اختلال در برنامه خواب، بروز مشکلات جسمانی، بروز مشکلات عاطفی، کسالت روحی ناشی از بی‌گردی مزمن، اثرپذیری منفی از تفکرات منفی دیگران، فرهنگ‌پذیری نامناسب، بی‌سامانی اوقات فراغت، کاهش مشارکت و فعالیت‌های مذهبی، جزو کارکردهای نامناسب خوابگاه شناسایی شدند.

سمیه عباسپور، عباسی اسفنجیر و رحمانی فیروزجاه (۱۴۰۰) تحلیلی بر سبک زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه صنعتی خواجه نصیر انجام داده‌اند. این تحقیق در پی توصیف و تبیین بررسی رابطه بین سبک زندگی و زندگی خوابگاهی می‌باشد؛ که نتیجه‌گیری می‌شود خوابگاه دانشجویی مکانی است برای یادگیری دانشجویان خوابگاهی و هرگونه شناخت بیشتر در این مورد می‌تواند از هرگونه آسیب جلوگیری کند.

محمود محمدی (۱۴۰۱) به واکاوی تجربیات زیسته دانشجویان از زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان البرز به روش کیفی پدیدارشناسی پرداخته است. بررسی تجارب زیسته دانشجویان در این تحقیق نشان می‌دهد که زندگی دانشجویی نوعی سبک زندگی است که مشکلات و محدودیت‌های خاص خود را دارد و این سبک زندگی دانشجویی پیامدهای یادگیری اجتماعی و فردی مهمی بر دانشجویان دارد.

امین افتخار<sup>۱</sup> و آسیر اجمال<sup>۲</sup> در تحقیقی به بررسی تأثیر زندگی خوابگاهی بر رفتار و شخصیت دانشجویان پاکستانی با استفاده از نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. نتایج

1. Amina Iftikhar

2. Asir Ajmal

تحقیق آن‌ها نشان داد که خوابگاه‌ها در فرایند آموزشی دانشجویان پاکستانی اهمیت زیادی دارند. زندگی خوابگاهی دایره اجتماعی دانشجویان خوابگاه را گسترش می‌دهد، زیرا خوابگاه ترکیبی از گروه‌های اجتماعی چند فرهنگی است. ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با دانشجویان خوابگاه به گونه‌ای است که آن‌ها در بسیاری از زمینه‌های زندگی دارای اعتماد به نفس بالا، وقت‌شناس، اجتماعی، واقع‌بین، سازش‌کار، مسئولیت‌پذیر و تیزبین هستند.

گائو<sup>۱</sup> و سونگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در تحقیقی به مطالعه آموزش عقیدتی و سیاسی دانشجویان بر اساس فرهنگ‌سازی خوابگاهی، فرهنگ خوابگاهی را از جنبه آموزش‌های عقیدتی و سیاسی در دانشگاه‌های چین بررسی کرده است. در این پژوهش آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که در دانشگاه‌های چین، خوابگاه‌ها به مکان مهمی برای تعامل دانشجویان تبدیل شده‌اند و از این طریق فرهنگ خوابگاه را شکل می‌دهند و بر رشد فکری و روانی دانشجویان در عین عادی‌سازی و هدایت رفتارهای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که ارتقای آموزش عقیدتی و سیاسی دانشجویان از طریق تقویت فرهنگ ساخت خوابگاه دانشگاهی به عنوان روشی جدید برای این کار پدید آمده است. الگاکانینا<sup>۳</sup>، فدوتوا<sup>۴</sup> و بولواکوا<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی پویایی نظرات دانشجویان در مورد مشکلات خوابگاه با رویکرد جامعه‌شناختی پرداخته است. در این پژوهش پویایی نظرات دانشجویان در مورد این موضوعات بر اساس جامعه‌شناختی انجام شده در خوابگاه‌های مؤسسه دانشگاه پلی تکنیک ملی تحقیقاتی پرم در سال ۱۹۹۳ و در سال ۲۰۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نویسندگان تغییرات در ارزیابی زندگی دانشجویان در خوابگاه‌های دانشگاه را از طریق شاخص‌هایی مانند مشکلات کلیدی در خوابگاه و اقدامات اولویت‌دار برای بهبود شرایط زندگی نشان می‌دهند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که حادثه‌ترین مشکلات در خوابگاه‌های دانشجویی تأمین گرمی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زیاد و کنترل بیش‌ازحد سخت بر روی ساعت است. علاوه بر این، مشکلاتی چون بهداشت نامناسب و ازدحام جمعیت برای دانشجویان کاملاً مشهود است. برای یک ربع قرن از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۶، مشکلاتی چون تأمین آب، نقض نظم عمومی توسط افراد خارجی، کمبود اوقات فراغت، مستی

1. Miao Gao
2. HongXing Song
3. Olga Ganina
4. Fedotova
5. Bolshakova

و نبود شرایط برای آمادگی برای کلاس‌ها اهمیت خود را در زندگی خوابگاهی از دست داده است. در همین مدت، سهم افراد ناراضی از شرایط بهداشتی و بهداشتی به نصف کاهش یافت، اما هنوز هم مشکل تأمین گرما ضروری است.

چانفانگ لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «شناخت و اندیشه‌هایی در مورد ساخت و مدیریت فرهنگ خوابگاه دانشجویان دانشگاه» پس از بررسی ابعاد فرهنگ خوابگاهی در چین به این نتیجه می‌رسد که تقویت فرهنگ ساخت و مدیریت خوابگاه دانشجویان یک نیاز مبرم برای تربیت استعدادها با کیفیت است. در حال حاضر، کالج‌ها و دانشگاه‌ها باید به بررسی ساخت و مدیریت فرهنگ خوابگاه‌های دانشجویی، بررسی قوانین اساسی آن و بررسی مشکلات اصلی در مدیریت خوابگاه‌های دانشجویان ادامه دهند تا سطح مدیریت خوابگاه‌ها ارتقا یابد.

راحل<sup>۲</sup> و شاو<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) نگرانی‌های مشترک ابراز شده توسط دانشجویان در طول کرونا را برجسته می‌کنند و چالش‌های پیش‌رو را روشن می‌کنند که می‌تواند سیاست‌ها و برنامه‌های آینده با هدف حمایت از دانشجویان در زندگی خوابگاهی دانشگاه را مشخص کند. علاوه بر این، آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که تعریف نیازهای اساسی برای آموزش عالی، از جمله غذا، مسکن، سلامت روان و بهداشت، نقش اساسی در شکل‌دهی به تجربیات دانشجویان ساکن در خوابگاه دارد.

دیلارا بدیر<sup>۴</sup> و چاگری امام اوغلو<sup>۵</sup> (۲۰۲۳) پژوهشی را با عنوان «ارتباط بین رضایت از خوابگاه و تفاوت‌های مربوط به تراکم اجتماعی و مکان‌های اتاق» به روش پیمایشی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که سطح رضایت خوابگاه با کاهش تراکم اتاق افزایش می‌یابد، طراحی راهروی خوشه‌ای بر خلاف طراحی راهروی طولی و دورتر بودن نسبت به فضاهای اشتراکی نزدیک‌تر است؛ به عبارت دیگر، تراکم بیشتر و نزدیکی اتاق‌ها به فضاهای مشترک، باعث افزایش ازدحام و کاهش حریم خصوصی می‌شود. اگرچه دانشجویان دختر از خوابگاه‌های خود رضایت کمتری داشتند، اما به نظر می‌رسید در مقایسه با مردان از روابط اجتماعی خود رضایت بیشتری داشته باشند. پیشینه پژوهشی درباره زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر را می‌توان از دو منظر روشی و نظری جمع‌بندی کرد: اولاً تا به امروز در کشور ما مسئله زندگی خوابگاهی با

1. Chunfang Li
2. Danny Rahal
3. Stacy Shaw
4. DilaraBeder
5. ÇağrıImamoğlu

عنوان فرهنگ خوابگاهی مطالعه نشده است؛ اما در سایر کشورها - به ویژه کشورهای آسیای شرقی - مطالعه فرهنگ خوابگاهی بسیار رایج است. ثانیاً بسیاری از مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در مورد زندگی خوابگاهی فاقد یک رویکرد نظری یا چارچوب مفهومی مشخصی هستند بنابراین این پژوهش با مفهوم‌سازی فرهنگ خوابگاهی مسیر جدیدی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی زندگی دانشجویی و فرهنگ خوابگاهی را بازگشایی نموده است. ثالثاً اکثر تحقیقات خارجی و داخلی از منظر آسیب‌شناختی زندگی خوابگاهی و خوابگاه دانشجویی را بررسی نموده است که این پژوهش با رویکرد جامع فرهنگی، اجتماعی و رفاهی و هم‌چنین به ابعاد فرصت‌ها و چالش‌های زندگی خوابگاهی در قالب فرهنگ خوابگاهی پرداخته است.

### روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع آن، از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است. یک مطالعه پدیدارشناختی به توصیف معنای تجربیات زندگی شده چند فرد از یک مفهوم یا پدیده می‌پردازد (Marjan, 2018: 27). هدف پژوهشگر در تحقیق پدیدارشناسی این است که به اندازه کافی پدیده را دقیق توصیف کند و از هرگونه پیش‌داوری خودداری کند، اما باید به واقعیت‌ها وفادار بماند (Groenewald, 2004: 5). بنابراین پژوهش پدیدارشناسی با سایر روش‌های پژوهش کیفی تفاوت دارد؛ زیرا تلاش می‌کند تا ماهیت یک پدیده را از دیدگاه شرکت‌کنندگانی که آن را تجربه کرده‌اند، درک کند (یداللهی‌زاده و قائمی‌نیک، ۱۴۰۲: ۱۹۸).

جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه ارومیه هستند. از آنجا که «مطالعات پدیدارشناختی از نمونه‌های همگن و هدفمند استفاده می‌کنند. آن‌ها افرادی را انتخاب می‌کنند که بتوانند یک دیدگاه معنادار درباره پدیده‌ای که مورد نظر است ارائه دهند و تجربه زندگی مشترکی را به اشتراک بگذارند (Jarvinen & Mik-Meyer, 2020: 91)؛ بنابراین نمونه آماری در این تحقیق تعداد ۱۰ نفر بوده که به روش هدفمند و از بین دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه ارومیه که حداقل دو ترم و حداکثر پنج ترم سابقه حضور در خوابگاه را داشتند، انتخاب شدند. البته این تعداد نمونه نیز بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شدند؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که پاسخ‌های دانشجویان از تجربه زندگی دانشجویی به تکرار

نرسیده بود، ادامه پیدا کرد. دریافت تجربه‌های دست‌اول یا تجربه زیسته تنها از طریق مصاحبه با افرادی صورت می‌گیرد که خود این تجربه را داشته‌اند (عسکری دستجردی و ربانی خوراسگانی، ۱۴۰۲: ۵۱). بدین منظور در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. در مصاحبه‌ها از دانشجویان خواسته شد تا تجربیات خود را از زندگی در خوابگاه را بیان کنند. البته مصاحبه با این سؤال کلی شروع می‌شد و سپس از چالش‌ها و فرصت‌های زندگی در خوابگاه از مشارکت‌کنندگان پرسیده شده است. مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده است که با اطلاع و آگاهی مصاحبه‌شوندگان با گوشی موبایل ضبط شنیداری شده و بعداً فایل صوتی پیاده‌سازی و تبدیل به متن شده‌اند. برای آنکه مصاحبه روند مشخصی را طی کند از دانشجویان سه سؤال کلی زیر پرسیده شد: فهم و درک شما از تجربه زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های دانشجویی چگونه است؟ زندگی در خوابگاه دانشجویی چه فرصت‌ها و مزایایی برای شما داشته است؟ زندگی در خوابگاه دانشجویی چه چالش‌ها و مشکلاتی را برای شما به همراه داشته است؟

روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش کولایزی انجام شد بدین صورت که در اولین گام تمام مصاحبه‌های پیاده شده از قبل، به‌دقت خوانده شد تا فهم و درک تجربیات دانشجویان از زندگی خوابگاهی به دست آید. در دومین گام تمام کلمات و جملاتی که در ارتباط با پدیده موردنظر بودند استخراج و کدگذاری شد. در گام سوم، با خواندن مجدد داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، مقولات (جوهر یا درون‌مایه‌ها) به دست آمد. در مرحله چهارم پژوهشگر سعی می‌کند روابط بین مقولات و جملات مربوط به آن‌ها را و همچنین ارتباط بین مقولات را بیابد و توصیف جامعی از پدیده به دست آورد. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده می‌شود و دسته‌های کلی‌تری به وجود آمدند. مرحله ششم تقلیل‌سازی از یافته‌ها صورت پذیرفت؛ به‌طوری‌که توصیفات زائد، غیرقابل کاربرد و اغراق‌شده از ساختار کلی داده‌ها حذف گردید و در مرحله هفتم باهدف تأیید یافته‌های پژوهش، با استفاده از روش بازبینی اعضا انجام گرفت.

اعتبار این پژوهش با استفاده از مؤلفه‌های پیشنهادشده توسط لینکلن و گوبا<sup>۱</sup>

(۱۹۸۵) عبارت‌اند از اطمینان‌پذیری<sup>۱</sup>، اصالت<sup>۲</sup>، انتقادپذیری<sup>۳</sup>، اتکادپذیری<sup>۴</sup> و تأییدپذیری<sup>۵</sup> (کرسول، ۱۳۹۴: ۹۲) و همچنین ارائه نتایج پژوهش به مشارکت‌کنندگان و ثبت دقیق فرایند پژوهش حاصل شده است. در تعیین روایی تحقیق هم از راهبردهای تأیید مشارکت‌کنندگان، درگیر بودن محقق با پدیده موردبررسی، ارزیابی و اجماع سایر پژوهشگران بر سر مفاهیم و مقولات تعیین‌شده، استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

از آنجاکه این پژوهش به دنبال یافتن ادراک و تجربه دانشجویان از چالش‌ها و فرصت‌های فرهنگ خوابگاه‌های دانشجویی در بین دانشجویان دختر ساکن خوابگاه بوده است؛ پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه با دانشجویان، داده‌ها به متن‌های نوشتاری تبدیل شد و سپس اقدام به کدگذاری متن‌ها شده است. متن مصاحبه‌ها ابتدا در قالب کدگذاری اولیه کدگذاری شده و سپس کدهای اولیه در قالب جوهر اصلی تجارب کدگذاری شده و در نهایت درون‌مایه‌های اصلی در دو طبقه کلی چالش‌ها و فرصت‌ها کدگذاری شده‌اند. جدول زیر (شماره ۱) ماحصل این کدگذاری بوده است. در ادامه هر کدام از این کدها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۱. کدگذاری داده‌ها

مقولات اصلی	درون‌مایه اصلی (جوهر تجارب)	کدهای اولیه
چالش‌ها و مشکلات	نداشتن حریم خصوصی	فضای کم اتاق‌ها و تعداد زیاد دانشجویان. محدود شدن حریم خصوصی - هیچ مکانی متعلق به خودت نیست - لحظات شخصی اداری - دیده شدن توسط دیگران در هر کار و هر لحظه - پنهان کردن احساسات درونی - زندگی در آکواریوم - نمی‌توانی با خودت خلوت کنی - محروم بودن از آرامش - محدود بودن در ورود و خروج به خوابگاه.
	بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری	الگوهای نامنظم خواب - سروصدای زیاد در موقع خواب و استراحت - زمان امتحانات بعضی‌ها تا صبح - نبود برنامه خواب مشخص و منظم - ناهماهنگی در خواب و بیداری اعضای اتاق - به هم خوردن ساعت خواب و بیداری

1. Credibility
2. Autenticity
3. Transferability
4. Dependability
5. Confirmability

مقولات اصلی	درون‌مایه اصلی (جوهر تجارب)	کدهای اولیه
چالش‌ها و مشکلات	بی‌ثباتی شخصیتی	مواجه‌شدن باشخصیت‌های متفاوت و متنوع - اجبار در تعامل با افراد مختلف - تغییرات شخصیتی - مشکل کنار آمدن با خصوصیات شخصیتی متفاوت - تفاوت‌های فردی متعدد - تأثیرپذیری از رفتار و شخصیت دیگران - سرکوب احساسات فردی به خاطر دیگران - کنار آمدن با افرادی که شخصیت‌های متمایزی دارند - فشارهای روانی دوری از خانواده
	کمبود امکانات خوابگاهی	ضعف بهداشت و نظافت - نبود سالن مطالعه - کم بودن فضاهای عمومی و شلوغ - فضای کم اتاق‌ها و تعداد زیاد دانشجویان - نبود امکانات رفاهی - نبود امکانات برای گذران اوقات فراغت در خوابگاه - کیفیت بد غذاهای خوابگاه - کم بود امکانات پخت‌وپز در خوابگاه - فقدان نور کافی در اتاق‌ها برای مطالعه.
	فشارهای روحی و روانی	دوری از خانواده - وابستگی به خانواده - تحمل افراد ناخوشایند در اتاق - درخواست پول از خانواده برای مخارج -
فرصت‌ها و مزیت‌ها	به حاشیه رفتن مطالعه و درس خواندن	فقدان شرایط مناسب برای مطالعه - وجود سروصدای زیاد و نبود تمرکز برای مطالعه کردن - عدم تمایل دانشجویان به مطالعه و درس خواندن - ضعف انگیزه برای درس خواندن - مطالعه در شرایط سخت
	استقلال فردی	آزاد شدن از قیدوبندهای خانوادگی و اجتماعی - بهره‌مند شدن از حس مستقل شدن - مدیریت زمان خود - انجام امورات زندگی بدون وابستگی به خانواده - افزایش حس اعتماد به نفس - کم شدن وابستگی به خانواده
	تکامل شخصیت	گسترده شدن شبکه روابط اجتماعی - ارتباط با افراد جدید - یادگیری تعامل با افراد متفاوت - تمرین کنترل خشم - کسب مهارت‌های زندگی از دیگران - یادگیری تحمل دیگری - نقدپذیری از دیدگاه‌های متفاوت.
	کسب تجارب زندگی اجتماعی	آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت - تجربه تفاوت‌های فرهنگی - آشنایی با زبان‌های دیگر - درک تفاوت‌های فرهنگی - زندگی با همسالان - آشنایی با عقاید و افکار متفاوت - پیدا کردن دوستان جدید.
	خود مدیریت زندگی	دانشجو یاد می‌گیرد زندگی خود را مدیریت کند - برای امورات دانشجویی مدیریت داشته باشد - یادگیری مدیریت امورات مالی - مدیریت زمان در خوابگاه - یادگیری نظم دادن به زندگی خوابگاهی - مدیریت اوقات فراغت
تقویت روحیه همکاری	زندگی در یک اتاق با چند نفر نیازمند همکاری و هماهنگی است - تقسیم وظایف در خوابگاه بین اعضا - سهیم شدن اعضا در امورات پخت‌وپز - هماهنگی و همراهی در بیرون رفتن، خرید کردن، تفریح و سرگرمی	

## الف) چالش‌ها و محدودیت‌های زندگی خوابگاهی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویانی که در خوابگاه‌های دانشجویی زندگی می‌کنند با چالش‌ها و مشکلات متفاوت و متعددی روبرو هستند که این مشکلات در کدگذاری حول مضامینی چون نداشتن حریم خصوصی، بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری، بی‌ثباتی شخصیتی، کمبود امکانات خوابگاهی و به حاشیه رفتن درس خواندن قرار گرفته‌اند. اکنون هرکدام از این موارد بررسی و تحلیل می‌شود.

**نداشتن حریم خصوصی:** یکی از چالش‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی که اغلب دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش به آن اشاره داشته‌اند و جزو تجارب مشترک آن‌ها بوده است، نداشتن حریم خصوصی است. در اتاق‌های خوابگاه معمولاً ۳ یا ۴ دانشجوی اسکان داده می‌شوند. در چنین مکانی حریم خصوصی وجود ندارد یا اگر هم باشد، بسیار محدود است. این مسئله به‌ویژه برای افراد درون‌گرا بسیار سخت و طاقت فرساست.

مشارکت‌کننده شماره ۳ در این خصوص می‌گوید: «اوایل زندگی در خوابگاه برایم تجربه جالبی بود، اما الان ازش متنفرم. هیچ‌جا متعلق به خودت نیست و شخصی‌ترین لحظات زندگی هم دیگه شخصی نیستند، موقع مسواک زدن، لباس عوض کردن، آشپزی کردن و حتی گریه کردن. همیشه حداقل یه نفر حضور دارد انگار توی آکواریوم یا صفحه تلویزیون داری زندگی می‌کنی».

مشارکت‌کننده شماره ۲ این مسئله را به شکل دیگری توضیح می‌دهد، او می‌گوید: «در خوابگاه هیچ حریمی برای افراد وجود ندارد، مرزبندی مشخص بین حریم خصوصی و عمومی نیست. اینجا هرچه هست عمومی است، حتی حس و حالت هم باید عمومی باشد. افراد با توجه به حال آنی خودشان تصمیم می‌گیرند که صمیمی و نزدیک باشند یا فردی سرد و خشک».

مشارکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: «چون من درونگرم بعضی وقت‌ها نیاز دارم که تنها باشم و چون در خوابگاه تنها بودن به شکلی که من می‌خواهم ممکن نیست بعضی وقت‌ها واقعاً کلافه می‌شوم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «بعضی رفتارها را چون امکان بروز دادنشان در خوابگاه نیست، مجبور می‌شوم که در خودم حبس کنم این باعث تغییرات تدریجی در رفتارم شده است که اصلاً نمی‌پسندم؛ مثلاً عصبانیتم را در مواقعی نمی‌توانم به خاطر شرایط خوابگاه بروز دهم و حس می‌کنم در مدت زمان طولانی عصبی‌تر و زودرنج‌تر شده‌ام».

باتوجه به این داده‌ها، نداشتن حریم خصوصی در خوابگاه از جمله مواردی بود که همه مشارکت‌کنندگان از آن رنج می‌بردند. همچنین بر اساس مشاهدات پژوهشگر خوابگاه مکان کاملاً عمومی است؛ به طوری که در آن داشتن حریم شخصی چیزی جز یک شعار نیست. دانشجو ناچار است تمام فعالیت‌های مربوط به تحصیل و زندگی عادی‌اش را در حضور دیگران انجام دهد، او حتی فرصتی برای خلوت کردن با خودش وقتی ناراحت است و نیاز به تنهایی دارد، هم ندارد. همچنین زمانی که می‌خواهد مطالعه درسی و غیردرسی داشته باشد از داشتن محیطی که در آن بتواند تمرکز کند و با آرامش درس بخواند محروم است.

**به هم خوردن ساعت‌های خواب:** بودن در اتاق‌های پرسروصدای خوابگاه‌ها و یکی نبودن برنامه‌های دانشجویان در ساعت‌های درس خواندن و خوابیدن باعث اختلال‌هایی در کیفیت و ساعت‌های خواب می‌شود. هم‌اتاقی شدن کسانی که برنامه و ساعت مشخص برای خواب دارند با افرادی که هیچ برنامه‌ای برای خواب خود ندارند در این مورد بی‌تأثیر نیست. تجربه زندگی خوابگاهی پژوهشگر هم این مورد را تأیید می‌کند. زمانی که در مکانی متشکل از افراد متفاوت زندگی میکنی بسیار عادی است که افراد با برنامه‌های مختلف را ببینی. این تفاوت برنامه حتی در ساعات خواب هم دیده می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۵ در این خصوص می‌گوید «در اتاق ما، خود من فردی بودم که دوست داشتم خواب منظمی در شب داشته باشم تا بتوانم صبح با تمرکز به فعالیت‌هایم برسم؛ اما دو نفر از هم‌اتاقی‌هایم بعد از خوردن شام و درست زمانی که من می‌خواستم به رختخواب بروم سرشان را درگوشی‌هایشان می‌کردند و تا نیمه‌شب با صدای بلند فیلم می‌دیدند. این موضوع اوایل برایم آزاردهنده بود اما بعد از گذشت یک‌ترم برنامه خواب من هم به هم خورد؛ به طوری که شب‌ها با آن‌ها فیلم می‌دیدم و ساعت چهار صبح می‌خوابیدیم».

همچنین نداشتن ساعات خاموشی در خوابگاه‌ها هم این مورد را تشدید می‌کند؛ به طوری که مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «چون رشته من و هم‌اتاقی‌هایم متفاوت بود روزهایی را که امتحان داشتند نمی‌خوابیدند و کل شب را درس می‌خواندند؛ آن شب‌ها به خاطر روشن بودن لامپ اتاقمان تا صبح نمی‌توانستم بخوابم».

مشارکت‌کننده شماره ۸ در مورد این که روزها هم وقتی از فعالیت‌های روزانه خسته می‌شود و می‌خواهد چند دقیقه استراحت کند می‌گوید: «در خوابگاه بعضی

مواقع آنقدر سروصدا هست که نمی‌توانی بخوابی، بعضی روزها که خسته شدی و نیاز داری که استراحت کنی به خاطر سروصدای اتاق و حتی سالن نمی‌توانی بخوابی و کلافه می‌شوی؛ از بس رفت‌وآمد زیاد هست؛ مثلاً اون روز من بیرون بودم، وقتی برگشتم خیلی خسته بودم و می‌خواستم بخوابم؛ آنقدر سروصدا بود که نتونستم. اون شب سردرد گرفتم و نتونستم کار دیگه‌ای هم انجام بدم و حسابی کلافه شدم».

مشارکت‌کننده شماره ۲ نیز در مورد ساعات‌های خوابش در خوابگاه می‌گوید: «بنده از ابتدا از الگوی منظم خواب برخوردار نبودم، این مسئله با ورود به خوابگاه و با تأثیرگذاری بر روی بقیه هم‌اتاقی‌ها بیشتر و بدتر هم شد به‌طوری‌که شب‌ها را باهم نمی‌خوابیدیم».

همچنان که مشارکت‌کنندگان فوق اظهار کرده‌اند، یکی از چالش‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی، بی‌نظمی در ساعات خواب و بیداری است. الگوی نامنظم خوابیدن روی سایر برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشگاهی تأثیر می‌گذارد. به عبارتی می‌توان گفت بی‌نظمی در خوابیدن به معنای بی‌نظمی در سایر فعالیت‌ها از جمله حضور در کلاس، مطالعه، انجام فعالیت‌های تحصیلی و ... است. امکان اینکه در یک اتاق همه دانشجویان در یک‌زمان با هم بخوابند بسیار کم است. حال اگر چنین موردی هم پیدا شود، سروصدای بیرون اتاق، یا اتاق‌های هم‌جوار و راهروها و فضاهای عمومی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

**عدم ثبات شخصیت:** زندگی در خوابگاه، تمرین یک زندگی اجتماعی و جمعی است و دانشجویانی که در آنجا زندگی می‌کنند، تجربه ارتباط با افراد با گرایش‌های فکری و رفتاری مختلف را خواهند داشت. این موضوع باعث تأثیرپذیری از آن‌ها و تأثیر گذاشتن بر آن‌ها می‌شود. در این صورت شخصیت فرد دائماً در معرض تغییر است.

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «من به‌عنوان یک فرد اجتماعی در ابتدا فکر می‌کردم که نباید مشکلات زیادی در خوابگاه داشته باشم ولی بعدها دریافتم که تصورات من اشتباه بوده است. من به‌نوعی نقش والد را ایفا می‌کردم، به‌طوری‌که همه را به چشم یک خانواده می‌دیدم نه به چشم یک دوست کوتاه‌مدت که این باور غلط در ادامه باعث شد به لحاظ روان‌شناختی تلنگرهای بدی را تجربه کنم که در کل زندگی‌ام تأثیر بگذارند. یاد گرفتم که همه به یک‌میزان اجتماعی نیستند، همه دلسوز نیستند و همه ما را به چشم خانواده خود نمی‌بینند».

مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز بر همین عقیده است و می‌گوید: «من فرد اجتماعی هستم و زندگی خوابگاهی در وهله اول برایم چالش‌های زیادی نداشت اما از جنبه

روان‌شناختی بعد از تجربه چند ترم زندگی خوابگاهی تأثیرات عمیقی بر زندگی‌ام گذاشت که علی‌رغم میل باطنی‌ام مجبور به پذیرش آن‌ها شدم».

مشارکت‌کننده شماره ۹ در این خصوص اظهار کرده است: «من در خانواده فردی بسیار پرانرژی و فعال هستم اما در میان کسانی که هیچ شناختی نسبت به آن‌ها ندارم بسیار خشک و سرد برخورد می‌کنم. در خوابگاه به علت وجود افرادی که آن‌ها را نمی‌شناسم فردی آرام و ساکت هستم، به طوری که بهم می‌گویند چرا اینقدر درون‌گرایی (برخلاف خانواده که مرا فردی بسیار پرحرف می‌دانند). کارهایی که آن‌ها انجام می‌دهند را انجام نمی‌دهم و با اصرار آن‌ها به این که چرا با ما راحت نیستی اوضاع بدتر می‌شود؛ چون با اصرار آن‌ها دیگر خودم نیستم و شخص دیگری می‌شوم. این موضوع باعث شده است که در خودم هیچ ثبات شخصیتی را احساس نکنم و احساس کنم فردی چندبعدی هستم. فردی که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف رفتارهای متفاوتی را از خودش بروز می‌دهد، یعنی آن منی که در خانه است با آن منی که در خوابگاه است از زمین تا آسمان متفاوت است».

یقیناً بخشی از تأثیرات دانشگاه بر فرد بسیار وابسته به تجربه زندگی خوابگاهی است. اگر اغراق نباشد، می‌توان گفت تأثیر زندگی خوابگاهی کمتر از تأثیر کلاس و درس استاد نیست. در زندگی خوابگاهی دانشجویان با گرایش‌های و خصلت‌های متفاوتی در کنار هم زندگی می‌کنند. این زندگی کردن با هم امکان کنش متقابل را بیشتر می‌کند؛ بنابراین دانشجو مدام دارد رفتار دیگران را می‌بیند، رفتار خود را ارزیابی می‌کند و متناسب با درک دیگران از رفتار و خصلت‌های خود، رفتار و دیدگاه‌های خود را تغییر می‌دهد. این تغییر صرفاً در حیطه رفتاری نیست، بلکه نگرش‌ها و باورهای فرد نیز به شدت دچار تغییر و تحول می‌شود. این تغییر ممکن است کل مسیر زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

کمبود امکانات: امکانات خوابگاهی برای دانشجویان بسیار مهم و حیاتی است، زیرا زندگی در یک خوابگاه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تجربه تحصیلی و اجتماعی آن‌ها داشته باشد. امکانات خوابگاهی تأثیر زیادی بر راحتی، آرامش و موفقیت دانشجویان در این دوره مهم زندگی دارد. خوابگاه‌های دانشجویی محیطی است که به دانشجویان امکان اقامت، مطالعه، استراحت و اجتماعی بودن ارائه می‌دهد؛ اما تأثیر امکانات خوابگاهی بسیار بیشتر از این است. امکاناتی مانند امنیت، اینترنت، آشپزخانه، سرویس بهداشتی، فضای مشترک و خدمات پشتیبانی، به دانشجویان کمک می‌کنند تا بهترین

تجربه زندگی دانشجویی را داشته باشند.

مشارکت‌کننده شماره ۲ درباره فقدان امکانات تفریحی و ورزشی خوابگاه می‌گوید: «روزهایی که کلاس نداریم آن‌قدر نمی‌دانم چه کاری باید انجام دهم که من و هم‌اتاقی‌هایم آن روزها را فقط می‌خواهیم و به خواب به چشم یک تفریح در اوقات بیکاری نگاه می‌کنیم.»

مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز در مورد کمبود امکانات تفریحی و ورزشی خوابگاه شکایت می‌کند و می‌گوید: «برای گذراندن اوقات فراغت در زمانی که دانشجوی هستی و در خوابگاه زندگی میکنی هیچ راهی به‌جز بیرون رفتن از خوابگاه نداری؛ البته این هم در حالی است که ساعت ورود و خروج خوابگاه خیلی محدود است و روزهایی که بیرون هستی باید مدیریت زمانی داشته باشی تا بلکه تا تمام نشدن ساعت ورود و خروج خوابگاه رسیده باشی.»

مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: «کمبود امکانات در خوابگاه باعث شده که مجبور به وفق دادن خودم با شرایط موجود بشوم و به همین دلیل سعی می‌کنم برای درس خواندن به میزان نور موجود و سروصدای بچه‌ها در اتاق بی‌توجه باشم و به درس خواندن در این شرایط عادت کنم.»

تجربه پژوهشگر هم ضمن اینکه موارد فوق را تأیید می‌کند، برخی موارد دیگر را مثل کمبود فضاهای پخت‌وپز، کمبود سرویس بهداشتی و حمام، بی‌توجهی به بهداشت فضاهای عمومی خوابگاه و نبود کتابخانه در خوابگاه می‌توان اضافه کرد. درنهایت، باید تأکید شود که امکانات خوابگاهی نه تنها بهبود و رفاه زندگی دانشجویی را فراهم می‌کنند، بلکه می‌توانند به تجربه تحصیلی، روحیه و موفقیت دانشجویان نیز کمک کنند. به همین دلیل، اهمیت امکانات خوابگاهی در زندگی دانشجویی بسیار زیاد و حیاتی است. در نتیجه فقدان این امکانات می‌تواند چالشی برای زندگی خوابگاهی دانشجویان ایجاد کند.

**به حاشیه رفتن تحصیل:** یکی دیگر از چالش‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی به حاشیه رفتن تحصیل و درس خواندن است. بدون شک هدف اصلی ورود به دانشگاه، کسب علم و دانش است ولی زندگی در خوابگاه و زیستن در این مکان شرایطی را فراهم می‌کند که تحصیل علم به حاشیه می‌رود. طوری که دغدغه‌ی اصلی دانشجویان در خوابگاه تنظیم روابط خود به دیگران می‌شود. آن‌ها آن‌قدر درگیر مسائل و چالش‌های خوابگاه می‌شوند که از هدف اصلی خود غافل می‌شوند. در ادامه برخی دیدگاه‌های دانشجویان را در این خصوص مرور می‌کنیم.

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «بعضی مواقع به خاطر سروصدا نمی‌توانم در خوابگاه درس بخوانم و ترجیحم این است که بخوابم تا اینکه برای درس خواندن زمان بگذارم و نفهمم.»

مشارکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: «در زمان امتحانات علی‌رغم تلاش‌های فراوانی که برای درس خواندن می‌کردم نمی‌توانستم تمرکز کافی را برای مطالعه داشته باشم و همین امر باعث می‌شد که هم‌درس خواندن جذابیتش را برایم از دست بدهد و هم هرچقدر می‌خوانم چیزی از درس گیرم نیاید.»

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ در این خصوص می‌گوید: «فضای حاکم بر اتاق ما جواری هست که اگر کسی بخواهد درس بخواند، بقیه از وی متنفر می‌شوند و او را فردی خرخوان لقب می‌دهند؛ یعنی آن‌قدر بهش انرژی منفی می‌دهند تا درس و تحصیل را کنار بگذارد و به جمع آن‌ها بپیوندد.»

همچنین برخی از دانشجویان به نبودن مکانی خاص برای مطالعه و درس خواندن در بسیاری از خوابگاه‌های دانشجویی انتقاد کرده‌اند. علاوه بر این همه چالش‌های اشاره در فوق به‌نوبه خود می‌تواند روی افت تحصیلی و به حاشیه رفتن تحصیل دانشجویان تأثیرگذار باشد. دانشجویی که در یک محیط پرسروصدا با فشار روحی و روانی دست‌وپنجه نرم می‌کند و در محیط خوابگاه از امکانات کافی محروم است؛ مطمئناً نمی‌تواند پیشرفت تحصیلی خوبی داشته باشد.

**فشارهای روحی و روانی:** فشارهای روحی و روانی یکی دیگر از چالش‌ها و مشکلات دانشجویان در خوابگاه است که می‌تواند بر دانشجویان ساکن در خوابگاه تأثیر منفی داشته باشد. این فشارها ممکن است ناشی از فشار تحصیلی، فشار اجتماعی، تنش‌های خانوادگی یا مشکلات دیگر باشند. مشکلات روحی و روانی بیشتر در دو ورود به دانشگاه و اوایل اسکان در خوابگاه شدت دارد. همچنین آستانه تحمل دانشجویان در مدیریت این تنش‌ها با همدیگر متفاوت است؛ اما آنچه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این است که بیشتر دانشجویان فشارهای روحی و روانی را در خوابگاه تجربه کرده‌اند. تفاوت آن‌ها در علل این فشارها نهفته است. برخی به‌واسطه دوری از خانواده، برخی به خاطر ارتباط با افراد ناخوشایند در اتاق و برخی هم به‌واسطه تحت فشار قرار دادن خانواده برای درخواست پول هزینه‌های روزمره است. در ادامه برخی از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان بیان می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۳ در این خصوص می‌گوید: «در ترم اول که در خوابگاه

ساکن شدم از آنجا که برای اولین بار بود که تجربه دوری از خانواده را داشتم، برایم بسیار سخت بود. این چالش یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی بوده است که در دوران دانشجویی داشته و دارم.»

مشارکت‌کننده شماره ۱: «تجربه دوری از خانواده برای من نیز بسیار سخت بود، به حدی که دلم برای عادی‌ترین چیزها در خانواده و خانه تنگ می‌شد؛ مثلاً برای دست‌پخت مادرم یا حتی رختخوابم. روزهایی را که در خوابگاه فقط به امید تمام شدن هفته و رسیدن آخر هفته برای رفتن به خانه می‌گذراندم را هنوز به یاد دارم. همین موضوع باعث می‌شد که نه حوصله درس خواندن را داشته باشم و نه حوصله وقت‌گذراندن با دوستانم را؛ با تأکید به اینکه فاصله خانه تا خوابگاه آن‌چنان هم دور نبود اما باین‌حال تأثیرات اخلاقی و روانی فراوانی در من ایجاد کرد.»

برخی دانشجویان هم به عوامل دیگری از فشارهای روحی و روانی اشاره کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۹ در این باره می‌گوید: «یک هم‌اتاقی داشتم که خیلی رو اعصابم راه می‌رفت. از ترس روبرو شدن با او از خوابگاه متنفر بودم. اصلاً رعایت نمی‌کرد. در نظافت اتاق مشارکت نمی‌کرد و مدام با دوست پسرش با صدای بلند با تلفن حرف می‌زد. چند بار با او درگیر شدم. جدا منو روانی کرده بود و الان هم اثرات اش بر روح و روانم از بین نرفته.»

مشارکت‌کننده شماره ۴ از بعدی دیگر به این موضوع نگاه می‌کند. او می‌گوید: «همیشه به خاطر اینکه از خانواده‌ام برای هزینه‌های روزمره زندگی درخواست پول می‌کنم. در عذابم. هرچند خانواده‌ام با روی باز بهم پول می‌دهند ولی احساس سربار بودن در این شرایط سخت اقتصادی به من دست می‌دهد. به شدت عذاب می‌کشم که باید هزینه‌های زندگی‌ام را از خانواده بگیرم.»

### ب) فرصت‌ها و مزیت‌های زندگی خوابگاهی

زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی همراه با چالش‌ها و مشکلات می‌تواند فرصت‌ها و مزایای خود را نیز داشته باشد. در این تحقیق پس از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کننده‌ها نشان می‌دهد که فرصت‌ها و مزیت‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی در ۵ مضمون کلی طبقه‌بندی می‌شوند. این مضامین که جوهر تجارب دانشجویان را شامل می‌شود، عبارت‌اند از: استقلال فردی، تکامل شخصیت، کسب تجارب زندگی اجتماعی، افزایش سازگاری و تعامل و تقویت روحیه همکاری. در ادامه هرکدام از این موارد با استناد به تجارب دانشجویان ارائه می‌شود.

**حس استقلال:** زندگی در خوابگاه دانشجویی برای بسیاری از دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دختر اولین تجربه دوری از خانواده و شهر محل سکونتشان است. اولین تجربه‌ها همیشه خوشایند و هیجان‌انگیز هستند. بازنگری در خوابگاه، دانشجو از حس استقلالی بهره‌مند می‌شود که تاکنون چنین حسی را تجربه نکرده‌اند؛ او علاوه بر مدیریت مالی و اقتصادی خودش باید رفت‌وآمدش به خوابگاه، زمان و ساعت‌های درس خواندن، ساعت‌های خوابیدن و خوردن و آشامیدن خودش را کنترل کند تا بتواند به نتیجه مناسب دست پیدا کند؛ در نتیجه از حس استقلال بهره‌مند می‌شود و این حس استقلال را دوست دارد.

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «زندگی خوابگاهی باعث شد که مستقل بشوم و بتوانم کارهای خودم را انجام دهم، حتی این حس استقلال به من نوعی حس آزادی می‌دهد که تاکنون تجربه‌اش نکرده بودم».

مشارکت‌کننده شماره ۱ نیز با او هم‌نظر است و می‌گوید: «قبل از این که دانشجو شوم و در خوابگاه زندگی کنم، بعضی کارها را به راحتی نمی‌توانستم انجام دهم و برایم سخت بود؛ مثلاً برای خرید چیزی که نیاز داشتم تنها به بازار بروم و وسیله موردنیازم را تهیه کنم، اما اکنون می‌توانم کارهای شخصی خودم را به راحتی و بدون هیچ مشکلی انجام دهم و این را مدیون زندگی در خوابگاه و زندگی دانشجویی‌ام هستم که به نوعی به من حس مستقل بودن و بی‌نیاز بودن را داده است».

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «از فواید زندگی دانشجویی حس استقلالی است که در من ایجاد کرد و نیازمدارم به این حس؛ به نظرم اگر از این سن شروع شود (به‌خصوص برای دختران) بسیار مفید است؛ همچنان اینکه الان من خودم به این موضوع به‌عنوان یک نیاز اساسی نگاه می‌کنم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «زندگی خوابگاهی یکی از بزرگ‌ترین فوایدی که برای من داشت دادن حس استقلال یا حداقل زمینه‌ساز نیاز به استقلال در من بود. اکنون وابستگی بیش‌از‌حدم به خانواده کمتر شده است و احساس می‌کنم این خیلی مفید است؛ زیرا وابستگی بیش‌از‌حد می‌تواند دست و پای انسان را ببندد».

بنابراین، زندگی در خوابگاه به دختران یک فرصت منحصر به فرد برای تقویت حس استقلال، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس می‌باشد. این تجربه می‌تواند به رشد و توسعه شخصی و اجتماعی آن‌ها کمک کند. زندگی در خوابگاه دانشجویی برای دختران یک فرصت مناسب است تا حس استقلال خود را تقویت کنند. این تجربه آن‌ها را

قادر می‌سازد مسائل روزمره زندگی خود را خود مدیریت کنند، روابط اجتماعی مفید برقرار کنند، مهارت‌های حل مسائل را به دست آورند. شاید قبل از آمدن به دانشگاه و اسکان در خوابگاه هرگز چنین تجربه‌ای را نداشته‌اند. به‌رحال این تجربه را که یک فرصت در نظر گرفته‌اند مدیون زندگی خوابگاهی‌اند.

**تکامل شخصیت:** زندگی در خوابگاه دانشجویی به‌عنوان یکی از تجربیات مهم دوره دانشجویی، اثرات بسیاری بر رشد و تکامل شخصیت افراد دارد. این مورد می‌تواند همان بعد مثبت ارتباطاتی باشد که باعث بی‌ثباتی در شخصیت و چندبعدی شدن شخصیت انسان می‌شوند (که در چالش‌های زندگی خوابگاهی به آن‌ها اشاره شد)؛ بنابراین خوابگاه‌های دانشجویی نقش بسیار مهمی در تکامل شخصیت افراد بازی می‌کنند و می‌توانند به توسعه و تعمیق ویژگی‌های شخصیتی افراد کمک کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید: «ارتباط با افراد مختلف باشخصیت‌های متفاوت، باعث شد که من فرد اجتماعی‌تر و پخته‌تری شوم».

مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: «خوبی زندگی دانشجویی به کشف چیزهای جدید است. می‌آموزیم و به دیگران نیز یاد می‌دهیم، این برای من باارزش بود؛ اینکه با یک شهر جدید آشنا شوی، افراد متفاوت را ببینی و بدانی که در جامعه چه افرادی و با چه طرز فکری وجود دارند. این واقعاً برای من جالب بود».

مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: «من در خوابگاه یاد گرفتم که با هر کس چگونه باید رفتار کرد؛ زیرا انسان با هر کسی با توجه به تفاوت‌های شخصیتی رفتار متفاوتی باید داشته باشد؛ این به سود هر دو طرف است».

مشارکت‌کننده شماره ۹ درباره تکامل در اثر ارتباط با افراد می‌گوید: «من قبل از این که زندگی خوابگاهی را تجربه کنم هیچ‌چیز از آشپزی نمی‌دانستم، به همت هم‌اتاقی خوبم توانستم یاد بگیرم و الان می‌توانم بیشتر از ده نوع غذا درست کنم. همچنان توانستم کنترل خشم را هم تمرین کنم و الان بر خلاف گذشته که انسان عصبی بودم، می‌توانم عصبانیتم را مهار کنم».

همچنان که دانشجویان در مصاحبه‌های خود اظهار کرده‌اند، زندگی در خوابگاه این فرصت را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا با افراد مختلف آشنا شوند و شبکه روابط خود را گسترش دهند. ارتباط با افراد جدید هم باعث افزایش مهارت‌های جدید می‌شود و هم به فرد یاد می‌دهد که چگونه با افراد با‌گرایش‌های مختلف فکری برخورد کند. درواقع می‌توان گفت که زندگی در خوابگاه برای دانشجویان تمرینی است

تا با چالش‌های مختلف ارتباطی کنار بیایند. آن‌ها نقدپذیری را یاد می‌گیرند، بر خشم خود غلبه پیدا می‌کنند و دیگری را که با وی تفاوت دارد، راحت‌تر تحمل می‌کند. همه این مهارت‌ها در اثر ارتباط با افراد جدید و در خصلت‌های دانشجویان پدیدار می‌شوند و باعث رشد و تغییرات مثبت در شخصیت آن‌ها می‌شوند.

**کسب تجارب زندگی اجتماعی:** خوابگاه به عنوان یک محیط زندگی جمعی، فرصتی مناسب برای تجربه و یادگیری انواع مهارت‌های اجتماعی و تعامل انسانی فراهم می‌کند. خوابگاه مکانی است که در آنجا دانشجویان از فرهنگ‌ها و قومیت‌های متفاوت در کنار هم زندگی خواهند کرد. این می‌تواند فرصتی برای درک تفاوت‌های فرهنگی و ارتباط با فرهنگ‌های دیگر باشد. فرهنگ‌هایی که تا قبل از ساکن شدن در خوابگاه، فقط اسم آن‌ها را شنیده است. این موضوع بیشتر به زندگی اجتماعی مربوط است تا زندگی فردی. در ادامه برخی از دیدگاه‌های دانشجویان مشارکت‌کننده بیان می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۵ که از آشنایی با افراد با فرهنگ‌های مختلف لذت می‌برد، می‌گوید: «این شرایط بسیار باشخصیت من همگونی داشت چون دوست دارم با افراد جدید ارتباط برقرار کنم و خوابگاه طوری بود که با هر نوع انسانی و با هر نوع نژادی ارتباط داشتم؛ و این برام جالب بود».

مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید: اوایل ورود به خوابگاه دنبال هم‌زبان‌ها و هم‌فرهنگ‌های خودم می‌گشتم. چون برایم ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها سخت بود و تصویری مثبت در ذهنم نبود؛ اما کم‌کم که با دانشجویان غیر هم‌زبان خودم ارتباط می‌گرفتم، متوجه شدم که اشتباه فکر کرده‌ام و هر فرهنگ و زبانی زیبایی‌های خود را دارد. از ارتباطات با دانشجویان غیر هم‌زبان خودم چیزهای زیادی یاد گرفتم، مثلاً آشنایی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم قومیت‌های مختلف، یادگرفتن زبان جدید، لهجه‌های جدید، غذاها و خوراکی‌های جدید و اطلاعاتی درباره شهرها و قومیت‌های دیگر».

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «زندگی با کسانی که همسن ما هستند و چالش‌ها و دغدغه‌های شبیه به ما را دارند، همچنین علایق و سلیقه‌هایشان نیز تا حد زیادی شبیه به ماست همیشه جذاب و مفید است».

مشارکت‌کننده شماره ۸ نیز می‌گوید: «زندگی با گروه همسالان در خوابگاه تجربه جالبی است که هر کس باید یک‌بار تجربه‌اش کند، این نوع زندگی به من اعتمادبه‌نفس می‌دهد و باعث می‌شود اجتماعی‌تر به نظر برسم و همیشه حرفی برای گفتن داشته باشم».

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «اینکه افراد جدید و فرهنگ‌های جدید را می‌بینی خیلی خوب است، بهتر از آن این است که با فرهنگشان بیشتر آشنا شوی و اگر امکان داشته باشد آن را درک کنی و همچنین آن افراد را نیز با فرهنگ خودتان آشنا کنی. این‌طور که یک نوع تعامل بین فرهنگ‌هایتان اتفاق بیفتند و آن‌ها را به همدیگر بشناسانید».

در نتیجه دانشجویان در طی زندگی در خوابگاه یاد می‌گیرند که چگونه با افراد مختلف در اجتماع سازگاری داشته باشند و بتوانند در کنار آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیز بکنند؛ زیرا تفاوت‌های اجتماعی امری طبیعی و غیرقابل‌گریز است و در هر جامعه‌ای وجود دارد. پس بهترین راه، همزیستی مسالمت‌آمیز این خرده‌فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت درون یک جامعه با همدیگر است در غیر این صورت درگیری بین خرده‌فرهنگ‌های جامعه به ضرر خود جامعه خواهد بود.

زندگی کردن در خوابگاه فرصت مغتنمی را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و قومی را درک کنند. از طرفی هم زندگی با همسالان تجربه‌ای است تا باهم سن و سالان خود دغدغه‌های مشترک را به اشتراک بگذارند و در این مسیر مهارت‌های اجتماعی خود را توسعه دهند؛ بنابراین، می‌توان گفت که خوابگاه‌های دانشجویی نقش بسیار مهمی در تکامل اجتماعی دانشجویان بازی کند و منجر به توسعه و تعمیق ابعاد زندگی اجتماعی آن‌ها شود.

**تجربه خود مدیریتی زندگی:** زندگی در خوابگاه، باوجود مسئولیت‌های مختلفی مانند تحصیل، کار، امور شخصی و ...، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت زمان مؤثر است. دانشجویان با زندگی در خوابگاه یاد می‌گیرند که در همه ابعاد زندگی باید خودش مدیریت داشته باشد تا بتواند کارکردهای مورد انتظار را از خودش و محیطی که در آن است (چه دانشگاه و چه خوابگاه) دریافت کند. این مدیریت شامل مدیریت مالی و اقتصادی، مدیریت زمانی، مدیریت خواب و استراحت و حتی مدیریت گذران اوقات فراغت دانشجویان است.

این مدیریت و برنامه‌ریزی فردی بدون دخالت کسی در زندگی دانشجویان باعث می‌شود که او خودش برای خودش زندگی کند و اگر شکستی خورد خود را باعث آن بداند و سعی کند آن را جبران کند و اگر موفقیتی کسب کرد به خود افتخار کرده و سعی کند آن را استمرار ورزد. همچنین این مدیریت فردی باعث می‌شود که زندگی دانشجویان منظم‌تر شده و هر چیزی سر جای خودش باشد. این نظم دادن به زندگی

توسط مدیریت فردی از طریق دانشجویان باعث یادگرفتن این مدیریت در زندگی نیز می‌شود و تأثیرات خودش را در آینده دانشجویان نیز خواهد گذاشت.

یکی از مواردی که دانشجویان در مورد مدیریت آن جدی هستند مدیریت زمان است. گاهی دانشجویان ساکن در خوابگاه باید زمانشان را طوری مدیریت کنند که بتوانند فعالیت‌های متنوعی را در طول روز انجام دهند و همچنان به کارهایشان برسند. مشارکت‌کننده شماره ۵ در مورد مدیریت زمان خودش در زمان زندگی در خوابگاه می‌گوید: «بعضی وقت‌ها ساعت کلاس‌ها آنقدر فشرده بود که تا ساعت هشت کلاس داشتیم همچنین چون ساعت ورود و خروج خوابگاه هم خیلی ناجور بود و همین که کلاس‌ها تمام می‌شد زمان خروج از خوابگاه هم تمام شده بود خیلی از روزها به فعالیت فردی یا وقت گذاشتن برای دوستان نمی‌رسیدیم و آنقدر خسته می‌شدیم که نرسیده می‌خوابیدیم، بعضی وقت‌ها هم زمان را طوری مدیریت می‌کردیم که حداقل بتوانیم چند ساعت اوقات فراغت با دوستان هم داشته باشیم. روزهایی که زمان را مدیریت می‌کردیم چند فعالیت مختلف می‌توانستیم انجام دهیم اما روزهایی که اهمیت نمی‌دادیم بی‌ثمر می‌گذشت».

مشارکت‌کننده شماره ۱ نیز در مورد تأثیر مدیریت فردی می‌گوید: «تا قبل از اینکه زندگی خوابگاهی را تجربه کنم زندگی منظمی نداشتم و همه کارهایم را کاملاً آنی و لحظه‌ای انجام می‌دادم اما بعد از زندگی در خوابگاه یاد گرفتم که هر شب که می‌خوابم باید برای خودم برنامه مشخصی را برای فردا داشته باشم و در واقع زندگی خوابگاهی نظم را به زندگی من آورد».

مشارکت‌کننده شماره ۶ هم در این خصوص می‌گوید: «یکی از تجربه‌های مهمی که در زندگی در خوابگاه دانشجویی به دست آوردم، مربوط به مدیریت زمان و برنامه‌ریزی است. من به‌مرور زمان یاد گرفتم که با برنامه‌ریزی منظم و استفاده از روش‌های مؤثر مدیریت زمان، می‌توانم وقت خود را بهینه‌تر تقسیم کنم و وظایف خود را به‌طور مؤثرتری انجام دهم. حتی برای هزینه‌ها و مخارج زندگی برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کردم، چون نمی‌خواستم به خانواده‌ام زیاد فشار بیاورم».

در نهایت می‌توان گفت، یادگرفتن مدیریت فردی و برنامه‌ریزی برای آینده و داشتن زندگی منظم و با برنامه از جمله محاسنی است که دانشجویان دختر از زندگی خوابگاهی نصیبشان شده است. به‌طور کلی، زندگی در خوابگاه به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های مدیریتی خود را برای زندگی تقویت کنند.

**تقویت روحیه همکاری و تعاون:** زندگی در خوابگاه، یک زندگی جمعی و گروهی محسوب می‌شود. زندگی جمعی و گروهی بدون همکاری و هماهنگی اعضای گروه امکان‌پذیر نیست. از این رو، تجربه زندگی در خوابگاه ارتباط و همکاری با دیگران را هم تقویت می‌کند. در یک محیط جمعی مانند خوابگاه، اهمیت هماهنگی و همکاری با همسایگان، تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را محسوس می‌کند. کسب تجربه‌های مثبت از همکاری و ارتباط مؤثر با همسایگان و دوستان خود در زندگی خوابگاهی، علاوه بر ترویج روحیه همکاری، مهارت‌های ارتباطی را بهبود می‌بخشد. در مورد همین تقسیم وظایف مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید: «تقسیم وظایف در خوابگاه به نوعی لذت‌بخش است، این که میدانی همه اعضای اتاق در پختن غذایی که می‌خورید سهیم هستند و بر طبق سلیقه همه اعضا است».

مشارکت‌کننده شماره ۸ مثال دیگری از تقسیم وظایف در خوابگاه را ذکر می‌کند و می‌گوید: «در اتاق ما شستن ظرف‌های هرروز نوبتی بود و این‌طور هر نفر از اتاقمان در طول هفته فقط یک بار ظرف می‌شستند. شستن ظرف‌ها به عهده کسی بود که نوبتش بود و بقیه کارها مثل جمع کردن سفره، جارو کردن اتاق و دم کردن چای بر عهده دیگر افراد اتاق. این‌طور هم وظایف هر هفته بینمان جابجا می‌شد و هم نه سنگینی کارها بر عهده یک نفر بود و نه زمان زیادی را صرف کارهای این مدلی می‌کردیم».

در خوابگاه‌های دانشجویی اتاق‌های چند نفره وجود دارد و در هر اتاق چهار تا شش نفر و شاید بیشتر زندگی می‌کنند. زندگی در چنین شرایطی بدون درگیری و بحث، فقط زمانی امکان‌پذیر است که همه اعضای اتاق با هم همکاری و تقسیم وظایف داشته باشند که هم در زمان کمتری کارها را انجام دهند و هم همه کارها بر دوش یک نفر نیفتد. تجربه دانشجویان از زندگی در خوابگاه‌گویی این است که تنها با همکاری، هماهنگی و مسئولیت‌پذیری می‌توان در کنار هم زندگی کرد. بدون شک یادگیری این همکاری و تعاون می‌تواند سرمایه‌ای گران‌بها برای دانشجویان باشد.

## نتیجه‌گیری

فرهنگ خوابگاهی یک نوع فرهنگ خاص در محیط زندگی است که به‌طور مشترک توسط دانشجویان دانشگاه از طریق تجربیات در یادگیری و زندگی ایجاد می‌شود. هسته این فرهنگ، ارزش‌های دانشجویی است که از طریق فعالیت‌ها و اشکال فیزیکی که می‌توانند سیستم ارزشی را منتقل کنند، بروز می‌یابد. داشتن یک فرهنگ و محیط

خوابگاهی خوب به یک شرط بنیادی برای پرورش و تربیت استعدادها و پایه‌گذاری فرهنگ مناسب دانشگاه تبدیل شده است. تجربه دختران دانشجویان از زندگی در خوابگاه می‌تواند بیانگر فرهنگ خوابگاهی غالب بر دانشگاه‌های ایران باشد. از طرفی هم درک و فهم آن‌ها از این فرهنگ می‌تواند بیانگر فرهنگ دانشگاهی مشخص شده است؛ این تاکنون آنچه از زندگی دانشجویان در خوابگاه‌های دانشگاهی مشخص شده است؛ این است زندگی در خوابگاه و قرار گرفتن در معرض فرهنگ خوابگاهی بر آینده فردی و اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است.

پژوهش پیش‌رو تلاشی برای فهم تجربه دختران دانشجویان از زندگی در خوابگاه دانشگاه و به عبارتی فرهنگ خوابگاهی بوده است. بر همین اساس، در ادامه این بخش مباحثی در پاسخ سؤالات اصلی تحقیق بر اساس یافته‌های تحقیق و نتایج تحقیقات پیشین ارائه می‌شود.

قبل از پرداختن به سؤال اصلی این مقاله لازم است به نکته‌ای که جزو سؤالات این پژوهش نبوده، بلکه در درون یافته‌های این پژوهش نهفته است، اشاره شود. نکته این است که فرهنگ خوابگاهی در حلقه‌های شکل نمی‌گیرد؛ بلکه باید عناصر و اجزای باشد و بین این عناصر تعاملی برقرار شود. بر اساس تفسیر و تحلیل یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که عناصر اصلی فرهنگ خوابگاهی، دانشجویان، فضای فیزیکی خوابگاه و نوع مدیریت خوابگاه است. در واقع از ترکیب و تعامل بین این عناصر فرهنگ خوابگاهی شکل می‌گیرد؛ بنابراین فرهنگ خوابگاهی تنها دانشجویان نیست، بلکه ابعاد اتاق‌ها، تعداد دانشجویان و امکانات مستقر در خوابگاه هم در فرهنگ خوابگاهی نقش دارند و جزو عناصر فرهنگ خوابگاهی محسوب می‌شوند.

یکی از سؤالات پژوهش این بود که دانشجویان دختر چگونه تجربه زندگی در خوابگاه را توصیف می‌کنند؟ یافته‌های تحقیق حاصل از مصاحبه با دانشجویان نشان می‌دهد که تجربه زندگی در خوابگاه برای دانشجویان دختر معمولاً شامل جنبه‌های مختلفی است که به صورت مثبت و منفی توصیف می‌شوند. برخی از این جنبه‌ها که اکثر مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند، به شرح زیر است:

**دوستی و ارتباطات اجتماعی:** بسیاری از دانشجویان دختر از فرصت ایجاد دوستی‌های جدید و یادگیری از یکدیگر در خوابگاه‌ها خوشحال‌اند. این محیط، فضایی مناسب برای برقراری ارتباطات نزدیک و دوستی‌های پایدار فراهم می‌کند.

**تنوع فرهنگی:** خوابگاه‌ها معمولاً محلی برای تجمع دانشجویان از زمینه‌های

مختلف فرهنگی و اجتماعی هستند. این تجربه می‌تواند به تبادل فرهنگی و افزایش آگاهی از قومیت‌ها و سنت‌های مختلف منجر شود.

**چالش‌های فردی:** برخی دانشجویان ممکن است با چالش‌هایی مانند نبود حریم خصوصی، تفاوت در عادات خواب و نظافت و همچنین نحوه مدیریت زمان در محیط خوابگاهی روبرو شوند.

**تجربیات آموزشی:** زندگی در خوابگاه می‌تواند به یادگیری مهارت‌های زندگی مستقل مانند برنامه‌ریزی مالی، آشپزی و انجام کارهای روزمره کمک کند.

**فشارهای تحصیلی و استرس:** در عین حال، وجود هم‌اتاقی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی ممکن است به افزایش فشارهای تحصیلی و استرس منجر شود. برخی دانشجویان ممکن است برای تمرکز در شرایط پر سروصدا مشکل داشته باشند.

**حمایت عاطفی:** وجود هم‌اتاقی‌ها و دوستان نزدیک در خوابگاه می‌تواند منبعی از حمایت عاطفی باشد که در زمان‌های دشوار و دوری از خانواده به کمک دانشجویان می‌آید.

به‌طور کلی دانشجویان دختر تجربه زندگی در خوابگاه را به‌عنوان فرصتی برای رشد اجتماعی و فردی ارزیابی می‌کنند، جایی که می‌توانند دوستی‌های عمیق و معناداری برقرار کنند و با تنوع فرهنگی آشنا شوند. گرچه این محیط ممکن است چالش‌هایی مانند کمبود حریم خصوصی و فشارهای تحصیلی را به همراه داشته باشد، اما اغلب به یادگیری مهارت‌های زندگی مستقل و ایجاد سیستم حمایت اجتماعی مؤثر منجر می‌شود. در نهایت، زندگی در خوابگاه به‌عنوان یک مرحله مهم و تأثیرگذار در دوران دانشجویی شناخته می‌شود که به توسعه شخصیت و مهارت‌های اجتماعی آنان کمک می‌کند. در کل، تجربه زندگی در خوابگاه برای هر فرد می‌تواند متفاوت باشد و به عوامل مختلفی مانند شخصیت، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد.

یکی دیگر از سؤالات اساسی تحقیق این بود که مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که دانشجویان دختر در خوابگاه با آن‌ها مواجه هستند، چیست؟ در پاسخ به این سؤال بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که تجربه دانشجویان حاکی از آن است که نداشتن حریم خصوصی، بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری، بی‌ثباتی شخصیت، کم بودن امکانات خوابگاهی، فشارهای روحی - روانی و به حاشیه رفتن درس خواندن مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی است. در کنار این مشکلات، دانشجویان به فرصت‌ها و مزیت‌های زندگی در خوابگاه هم اشاره کرده‌اند. درون‌مایه تجربه مشترک دانشجویان از فرصت‌های زندگی در خوابگاه بیانگر آن است که خوابگاه به دانشجویان

فرصت استقلال فردی، تکامل شخصیت، کسب تجارب زندگی اجتماعی، خود مدیریت زندگی و تقویت روحیه همکاری را می‌دهد. آنچه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این است که زندگی در خوابگاه‌ها برای دانشجویان هم چالش برانگیز است و هم فرصت ساز. همچنان که «تحقیقات نشان می‌دهد که زندگی در خوابگاه می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر دانشجویان داشته باشد؛ پس اهمیت سرمایه‌گذاری در چنین فضاهاى زندگی برای افزایش تجربه تحصیلی را برجسته می‌کند». (Garrido, 2015, 730)

بر اساس یافته‌های این تحقیق اکثر دانشجویان «نداشتن حریم خصوصی» را در خوابگاه تجربه کرده‌اند. این نتیجه با نتیجه تحقیق نجمه‌گودرزی، قاسم‌پور و اعتمادی‌فر (۱۳۹۸) مطابقت دارد چرا که آن‌ها هم به زوال حریم خصوصی به‌عنوان یک چالش زندگی خوابگاهی برای دختران دانشجو دست پیدا کرده‌اند. این نتیجه را با نظریه سراسر بین بن‌تام<sup>۱</sup> و تحلیل فوکو<sup>۲</sup> از سامانه‌های انضباطی می‌توان تفسیر کرد. بر این اساس در مکان‌هایی چون خوابگاه‌های دانشجویی رؤیت شدن توسط دیگران نوعی کنترل محسوب می‌شود. در واقع دیدن شدن توسط دیگران در خوابگاه نوعی کنترل و اعمال انضباط است. جالب اینکه خود فرد هم عنصری از این سامانه انضباطی می‌شود. دیگر دانشجویان را کنترل و حریم شخصی آن‌ها را محدود می‌کند. برخی از محدودیت‌های مربوط به حریم خصوصی، علت نهادی دارد و به شیوه مدیریت خوابگاه از سوی دانشگاه مربوط می‌شود. در تحقیق الگاگانینا، فدوتوا و بولواکوا (۲۰۱۸) این نتیجه یافت شده که حادترین مشکلات در خوابگاه‌های دانشجویی ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زیاد و کنترل بیش‌ازحد سخت بر روی ساعت است. یافته‌های تحقیق دیلارا بدیر و چاگری امام اوغلو (۲۰۲۳) هم نشان داد که تراکم بیشتر و نزدیکی اتاق‌ها به فضاهای مشترک، باعث افزایش ازدحام و کاهش حریم خصوصی می‌شود. چالش دیگر زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی که در تجربه دانشجویان بازگو شده بود «بی‌نظمی در ساعت خواب و بیداری» بوده است. نتایج تحقیقات قهرمان رخشنده‌رو، رشیدوش و لکورج (۱۳۹۹) و رحمتی (۱۳۹۸) هم نشان می‌دهد یکی از چالش‌های زندگی خوابگاهی در بین دانشجویان مسئله بی‌نظمی در خواب است.

یافته‌های پژوهش، چالش دیگری زندگی خوابگاهی را «بی‌ثباتی شخصیت» بیان می‌کند. همچنان که قبلاً بیان شد، خوابگاه محیط اجتماعی است و بازنگری در آنجا فرد با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کند. این قضیه خواه یا ناخواه باعث تأثیرپذیری

از آن‌ها و حتی به صورت متقابل تأثیر گذاشتن بر آن‌ها می‌شود. در این صورت شخصیت فرد دائماً در معرض تغییر است. بسیاری از تحقیقات (رخشنده رو، رحمتی، محمدی) بر تأثیر زندگی خوابگاهی بر شخصیت دانشجویان اشاره کرده‌اند ولی بیشتر بر ابعاد مثبت آن تأکید داشته‌اند. تحقیق امین افتخار (۲۰۱۵) که با تمرکز بر ابعاد شخصیتی دانشجویان انجام شده نیز این موضوع را تأیید کرده که ارتباطات و تعاملات مختلف در خوابگاه باعث بهبود شخصیت آن‌ها می‌شود. این نشان می‌دهد که بی‌ثباتی شخصیتی به عنوان یک چالش زندگی دانشجویی نتیجه جدیدی در این تحقیق است و هدف پژوهشگر در این مفهوم بیشتر دلالت بر تغییر رفتار و دیدگاه‌های دانشجویان در مواجهه با افراد مختلف است.

کم بودن امکانات خوابگاهی یکی دیگر از چالش‌های زندگی دانشجویان دختر است که یافته‌های تحقیق، این را نشان داده است. بسیاری از تحقیقات پیشین بر نقش امکانات خوابگاهی در رشد فردی و اجتماعی دانشجویان صحنه گذاشته‌اند. در این میان تحقیقات سراج زاده و حبیب‌پور (۱۳۹۷) و الگاکانینا، فدوتوا و بولواکوا (۲۰۱۸) بیشتر از دیگران به مشکلات خوابگاهی به عنوان یک چالش اساسی برای دانشجویان اشاره و برخی دیگر هم به نبود امکانات برای گذران اوقات فراغت در خوابگاه به عنوان یک مشکل اشاره کرده‌اند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یکی دیگر از چالش‌های زندگی خوابگاهی، «فشارهای روحی - روانی» است. بیشتر تحقیقاتی که با تمرکز بر چالش‌های زندگی خوابگاهی انجام شده است، بر مشکلات عاطفی و ارتباطی دانشجویان اشاره کرده‌اند. در این میان تحقیق اخوان، پورقانع، علیپور، نادری شاد (۱۳۹۶)، بر یافته‌های تحقیق ما بیشتر مطابقت دارد.

یکی دیگر از چالش‌های زندگی خوابگاهی بر اساس یافته‌های این تحقیق «به حاشیه رفتن درس خواندن» است. یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تحقیقات انجام شده توسط رحمتی، زراعت حرفه، علیپور و کاربخش زاده (۱۳۹۸) و اخوان، پورقانع، علیپور، نادری شاد (۲۰۱۸) مطابقت دارد. منتهی اخوان و همکارانش صرفاً از این منظر به افت تحصیلی پرداخته‌اند که دانشجویانی که احساس تنهایی و دوری از خانه را دارند، بر عملکرد تحصیلی‌شان تأثیر می‌گذارد. سایر تحقیقات اشاره‌ای به این چالش نداشته‌اند.

یکی دیگر از سؤالات اصلی این پژوهش این بود که مهم‌ترین فرصت‌های زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی برای دختران دانشجو چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که

زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی فرصت‌های متعددی هم برای دانشجویان به همراه دارد. در این پژوهش، دانشجویان در تجربه زیسته خود به فرصت‌هایی چون حس استقلال، تکامل شخصیت، کسب تجارب زندگی اجتماعی، خود مدیریت زندگی و تقویت روحیه همکاری اشاره داشته‌اند. این یافته‌ها با یافته‌های دیگر (محمدی (۱۴۰۱)، قهرمان رخشنده‌رو، رشید وش و لکوریج (۱۴۰۱)، رحمتی، زراعت حرفه، علیپور و کاربخش زاده (۱۳۹۸)، قدرتی و مقصودزاده (۱۳۹۸) و آراسته‌فر و موسوی تازه آبادی (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

علاوه بر این تحقیقان دیگری هم انجام شده که یافته‌های آن به صورت موردی با برخی از یافته‌های تحقیق ما در زمینه فرصت‌های زندگی خوابگاهی مطابقت دارد؛ مثلاً، نتایج تحقیق هس<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) و براون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان داده که محیط خوابگاه نقش مهمی در تقویت شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دارد که برای موفقیت تحصیلی و پیشرفت شخصی آن‌ها ضروری است. همچنین، تحقیق داوید ویتیچ و دوروت<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی زندگی خوابگاهی به‌طور قابل توجهی به خودکارآمدی، یکپارچگی اجتماعی و انگیزه تحصیلی دانشجویان کمک می‌کند. کانگلی<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) هم در تحقیقی دیگر بر درک پویایی زندگی خوابگاهی، از طریق درگیری‌ها و صمیمیت‌های روابط اجتماعی تأکید داشته و آن را کلید بهینه‌سازی تجربیات دانشجویان و افزایش رضایت کلی آن‌ها از زندگی در دانشگاه می‌داند.

اگر نکته‌ای را به عنوان نتیجه نهایی از این تحقیق به بحث گذاشت، این است که فرهنگ خوابگاهی هرچند در درون خود فرصت‌ها و پیامدهای مثبتی را به همراه دارد؛ ولی چالش‌ها و ابعاد منفی آن در کشور ما بیشتر است. نمودار شماره یک که مدل پارادایمی این پژوهش را نشان می‌دهد، به وضوح بیانگر این واقعیت است. به هر حال مدیریت خوابگاه در کشور ما از اول به این شیوه نادرست بوده و هیچ برنامه‌ای برای این بخش از فرهنگ دانشگاهی ارائه نشده است. خوابگاه تنها یک چهاردیواری با امکانات حداقلی و برای خواب دانشجویان تهیه شده است. اینکه درون این چهاردیواری چه روابطی حاکم است و چه مشکلاتی وجود دارد، برای مسئولان دانشگاه مهم نیست. این شیوه مدیریت تا به امروز بوده و در کنار عوامل دیگر باعث زوال فرهنگ دانشگاهی و

1. Hess  
2. Brown  
3. Dorot  
4. Kangli

کاهش کیفیت دانشگاه‌ها در ایران شده است. بر همین اساس است که فراستخواه از تعبیر «کسوف فرهنگ دانشگاهی» در ایران برای وضعیت پیش آمده استفاده می‌کند. از دیدگاه فراستخواه دانشگاه برای خود منطقی دارد، فرهنگ و رسالتی دارد؛ هویتی دارد، قواعدی نهادینه دارد؛ هنجارهایی دارد؛ اگر چنین نباشد، گاه و بیگاه می‌شود. این همان مسئله‌ای است که در حال حاضر دانشگاه‌های ایران با آن مواجه هستند. از نظر پسندیده، احمدی و دهقان‌زاده فرهنگ دانشگاهی در ایران با شیب تندی در حال تغییر است؛ تغییری که نویدبخش تعالی علمی نیست، بلکه علاوه بر اینکه در برخی مؤلفه‌ها منزلت علم و انسان دانشگاهی را خدشه‌دار نموده، مانع از توسعه علمی کشور نیز شده است. بروز این مسئله نه تنها تحقق مأموریت و اهداف نهادهای علمی مانند دانشگاه را با چالش جدی مواجه کرده است، بلکه نقش هویت‌بخشی فرهنگ و همچنین انتظار از دانشگاه به‌منظور تأثیرگذاری در جامعه را نیز دچار اختلال کرده است (اصغری، ۱۳۹۹: ۸۷).

در نهایت می‌توان گفت یکی از اهداف نظام آموزش عالی، آماده کردن متخصصین نسل‌های مختلف برای کمک به توسعه کشور است. در این مسیر دانشجویان در محیط دانشگاه با شرایط خاص و پرتنشی مواجه هستند. مخصوصاً دانشجویان دانشگاهی که در خوابگاه زندگی می‌کنند، به‌طور مداوم شرایط زندگی فیزیکی و اجتماعی منحصر به فردی را تجربه می‌کنند. از این‌رو بررسی جنبه‌های مختلف زندگی جوانان دانشجو و نیز شرایطی که در آن فعالیت‌های دانشگاهی انجام می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. بر اساس یافته‌های این تحقیق تجربه زندگی در خوابگاه دانشجویی برای دختران دانشجو همراه با چالش‌ها و هم فرصت‌های متعدد بوده است. یقیناً، تجربه دختران در مورد زندگی خوابگاهی، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون تأثیرات فرهنگی-اجتماعی، تجربیات شخصی و سیاست‌های سازمانی شکل گرفته است و با یک تحقیق نمی‌توان همه این بسترها را مورد مطالعه قرار داد. آنچه در این زمینه می‌توان گفت، این است که دیدگاه زنان در مورد زندگی خوابگاهی چندوجهی است و تحت تأثیر ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی و نهادی است؛ اما مزیت اصلی این تحقیق با رویکرد پدیدارشناسی این است که فارغ از بررسی اینکه چه عواملی این تجربه را شکل داده است؛ درون‌مایه مشترک تجربیات آن‌ها را استخراج کرده است.

### پیشنهاد‌های راهبردی و سیاستی

- سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی تنها مبتنی بر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی صرف نباشد، بلکه برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها مبتنی

بر تربیت دانشجویانی پویا و کارآمد برای آینده مدیریت کشور بایستی مکمل سیاست‌گذاری آموزشی باشد.

- برای ارتقای فرهنگ خوابگاهی، لازم است معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ضمن تقویت ساختار کالبدی و فیزیکی خوابگاه‌های دانشجویی متناسب با جمعیت دانشجویی، توسعه اجتماعی و فرهنگی با برنامه‌ریزی متناسب برای ارتقای نشاط اجتماعی، غنی‌سازی اوقات فراغت دانشجویان اقدام نمایند.

- کارشناسان و مدیران بخش مدیریت دانشجویی و خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه باید ضمن برخورداری از تجربه زیسته خوابگاهی و آموزش فرهنگ خوابگاهی و جوانب متعدد خوابگاه دانشجویی، یک دوره آموزشی زندگی در خوابگاه را برای دانشجویان برگزار کنند تا به آن‌ها کمک کنند مهارت‌های اولیه مؤثر موردنیاز برای زندگی در خوابگاه را بیاموزند و برگزاری کارگاه‌های مهارتی، شغلی و حرفه‌ای را متناسب با علایق جمعیت دانشجویی برگزار کنند.

- در طراحی خوابگاه‌های دانشجویی استفاده از فضاهای اشتراکی به‌عنوان راه‌حلی برای معماری همدلانه استفاده شود، به این دلیل که طراحی این فضای جمعی برای حمایت از رشد اجتماعی دانشجویان مؤثر است و به آن‌ها امکان می‌دهد تجربیات، ایده‌ها و خلاقیت را با همدیگر به اشتراک بگذارند. خوابگاه‌های دانشجویی بایستی به‌صورت مجتمع‌های خوابگاهی با امکانات جانبی برای مطالعه، تفریح، ورزش و... احداث شود و معماری خوابگاه‌ها باید از طراحی چهاردیواری ساده عبور کرده و مبتنی بر معماری همدلانه باشد که هدف آن ایجاد محیطی است که به نیازهای اجتماعی دانشجویان توجه داشته باشد و به آن‌ها اهمیت دهد و میدان و فضای کافی همدلانه برای تعاملات اجتماعی خارج از اتاق را داشته باشد.

- دانشگاه‌ها باید با بهره‌گیری از تجارب سایر مراکز آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته، ایجاد جامعه یادگیرنده را در برنامه‌های راهبردی خود، در خوابگاه‌ها در اولویت خاص قرار دهند.

- بازنگری در نظام مدیریت خوابگاهی با تعطیلی خوابگاه‌های خودگردان و استیجاری و جایگزینی مدیریت جامع چندجانبه به خوابگاه‌های دانشجویی و خروج از نگاه اتاق‌خوابی و اقتصادی به خوابگاه و بازگشت به کارکرد رفاهی،


فرهنگی و اجتماعی خوابگاه در گفتمان مدیریتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. فضای خوابگاه باید برای انجام فعالیت‌های مختلف اجتماعی ایدئال باشد تا دانشجویان مایل به بازگشت به محیط خوابگاه باشند، همچنین باید عواملی که باعث می‌شود فرد به‌سوی یادگیری برود از جمله:


- مدیران دانشگاه باید محیط خوابگاه‌ها را برای اجرای برنامه‌های شاد و مثبت، افزایش انگیزش دانشجویان، برنامه‌های تفریحی متناسب با نیاز دانشجویان مهیا کنند و فضای خوابگاه باید طوری باشد که افراد مانند خانه خود احساس راحتی کنند، نیازهای فردی خود را برآورده کند.
- اتاق‌های خوابگاه‌های دانشجویی باید متناسب با نیازهای دانشجویان طراحی شود نه به‌عنوان محلی برای خواب.
- مدیریت خوابگاه دانشجویان باید از محدودیت‌های اجتماعی شدن و بازاری شدن عبور کند و خوابگاه دانشجویی را فرصتی واقعی برای ادغام فراغت، یادگیری و آموزش بداند.
- یک سیستم آموزشی کامل خوابگاهی را می‌توان با استفاده از تخصیص کارکنان، طراحی سازمانی و ترتیب فعالیت ایجاد کرد تا برای هر دانشجو فرصت‌هایی برای رشد و توسعه شخصی فراهم شود.

## تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

### ORCID

Afshar Kabiri  <https://orcid.org/0009-0002-9442-130X>

Jafar Ahmadi  <https://orcid.org/0009-0000-4900-8650>

## منابع و مأخذ

- اصغری، فیروزه (۱۳۹۹). واکاوی فرهنگ دانشگاهی در مؤسسات آموزش عالی ایران بر اساس نظریه داده بنیاد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۱۳ (۴) ۸۵-۱۱۷. <https://doi.org/10.22035/jicr.2021.2494.2926>
- اخوان، مائده. پورقانع، پرند. علی پور، زهرا و نادری شاد، شایان (۱۳۹۶). بررسی ارتباط احساس غربت و افسردگی در دانشجویان ساکن خوابگاه. مجله سلامت و سالمندی خزر. ۲ (۲)، ۱۷-۲۵. <http://cjhaa.mubabol.ac.ir/article-1-52-fa.html>
- پروین، ستار (۱۳۹۵). چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۷ (۲)، ۳۳۸-۳۱۱. DOI 10.22059/ijsp.2016.63800
- رشیدی، علیرضا (۱۳۸۹). نقش دانشگاه در توانمندسازی فرد و جامعه. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۵ (۴۹)، ۳۶-۴۶.
- رحمتی، عباس، زراعت حرفه، فهیمه، علی پور، فرحناز و کار بخش زاده، فاطمه (۱۳۹۸). تجارب دانشجویان دختر از سکونت در خوابگاه‌های دانشجویی: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۸ (۱۴)، ۷۵-۹۷. DOI: 10.22084/csr.2019.20279.1723
- رخشنده‌رو، قهرمان، رشیدوش، وحید، منصور لک‌کورج، محمدهادی (۱۳۹۹). کارکردهای نامناسب آشکار و پنهان خوابگاه دانشجویی: (مورد مطالعه، دانشگاه فرهنگیان). فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳ (۱۱)، ۳۵۴۱-۳۵۲۴. DOI/10.30510/psi.2023.393897.4307
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی، امیری، علی نقی و زارعی متین، حسن (۱۳۹۰). کشف «فرهنگ دانشگاه»، واکاوی نظری و گونه شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاه اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۵ (۱)، ۴۵-۹۷. DOI: 10.30497/smt.2011.151
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ در توسعه علمی تا توسعه ملی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سراج‌زاده، سیدحسن و حبیب‌پور، کریم (۱۳۹۷). کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱ (۴)، ۱-۳۱. <https://doi.org/10.22035/jicr.2018.390>
- عباس پور، سمیه، عباسی اسفنجیر، علی اصغر و رحمانی فیروزجاه، علی (۱۴۰۱). تحلیلی بر سبک زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی مطالعه موردی (دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی)، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶ (۲)، ۱۱۱-۱۲۲.
- عسکری دستجردی، زهرا و ربانی خوراسگانی، علی (۱۴۰۲). تجربه زیسته زنان در مراکز پشتیبانی از جنگ (مورد مطالعه: کارگاه خیاطی در دانشگاه اصفهان)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ، ۳ (۳)، ۴۳-۶۸. <https://doi.org/10.22083/scsj.2024.426953.1130>
- قاسمی، افسانه (۱۳۹۸). تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاه‌های تهران). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶ (۱۳)، ۹۵-۱۲۶. DOI: 10.22080/ssi.2019.14466.1462

## تحلیل پدیدارشناختی فرهنگ خوابگاهی: تجربیات [...] |

قدرتی، حسین؛ مقصودزاده، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آن‌ها. فصلنامه علمی آموزش عالی ایران، ۱۱(۲)، ۵۹-۸۳. 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4

کرسول، جان (۱۳۹۴). پویای کیفیت و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، انتشارات صفار. تهران.

گودرزی، نجمه، قاسم‌پور، فاطمه و اعتمادی فرد، سیدمهدی (۱۳۹۸). چالش‌های زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر در خوابگاه‌های دانشگاه‌های سراسری شهر تهران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۶(۸۴)، ۳۳-۵۹. <https://doi.org/10.22054/qjss.2019.44811.2139>

محمدی، محمود (۱۴۰۱). آکادری تجربیات زیسته دانشجویان از زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان البرز)، فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم، ۷(۱)، ۳۵-۵۰. 20.1001.1.24765600.1401.7.1.3.3

محمدی، عباس، عزیزآبادی فراهانی، فاطمه، عامری شهرابی، محسن و قیومی، عباسعلی (۱۴۰۳). طراحی الگوی راهبردهای فرهنگی تحول نظام آموزش عالی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ ۳(۴) ۳۷-۷۴. <https://doi.org/10.22083/scsj.2024.440704.1141>

نعمتی، محمدعلی و کرمی‌پور، مجتبی (۱۳۹۳). بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی به جوامع کوچک یادگیری. پژوهش‌های رهبری آموزشی، ۱(۱)، ۶۷-۹۶. <https://doi.org/10.22054/jrlat.2014.107>

یداللهی‌زاده، محمدجواد و قائمی نیک، محمدرضا (۱۴۰۲). عمل محسنانه: پدیدارشناسی کار (مطالعه موردی نهضت سوادآموزی مشهد). فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ، ۳(۲)، ۲۱۳-۱۸۷. <https://doi.org/10.22083/scsj.2023.398613.1114>

Abbaspour, S., Abasi Esfajir, A. A., & Rahmani Firouzjah, A. (2022). An analysis of lifestyle in student dormitories: A case study of students residing in the dormitories of Kharazmi University. *Islamic Lifestyle with a Focus on Health*, 6(2), 111-122. [In Persian]

Akhavan M, Pourghane P, Alipour Z, Naderi SHad S. Study the relationship between homesickness and depression among dormitory students. *Cjhaa* 2017; 2 (2):17-25. [In Persian]

Asghari, F. (2020). An analysis of academic culture in higher education institutions in Iran based on grounded theory. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 13(4), 85-117. [In Persian]

Askari Dashtgerdi, Z., & Rabani Khorasani, A. (2023). The lived experience of women in war support centers (case study: sewing workshop at Isfahan University). *Strategic Cultural Studies*, 3(3), 43-68. [In Persian]

Baha'addini Ardakani, R., & Helmi, F. (2019). Fundamental and influential factors in choosing the dormitory complex site for male art students. *Specialty Journal of Architecture and Construction*, 5(3), 71-85. [In Persian]

- Batara, O. A., & Orpia, C. (2022). Students' satisfaction on housing services: Basis of management plan in the new normal. *Journal of Education Review Provision*, 2(1), 7-16. DOI:<https://doi.org/10.55885/jerp.v2i1.144>
- Benítez-Restrepo, M. (2020). Academic Culture and Teaching-Learning in the Higher Education. A Review of Literature *Magis: Revista Internacional de Investigación en Educación*, 13, 1-23. <https://orcid.org/0000-0003-1744-6749>
- Beder, D., & Imamoglu, C. (2023). Correlates of dormitory satisfaction and differences involving social density and room locations. *Journal of Housing and the Built Environment*. Springer. DOI:10.1007/s10901-023-10040-2
- Brown, S. A., & Hildreth, K. (2007). A comparison of student social networks between students living in and out of living learning communities. *American Society for Engineering Education*, 12-21. DOI:10.18260/1-2--2858
- Davidovitch, N., & Dorot, R. (2023). On the relationship between a student association's endeavors to foster a social-academic climate on campus, students' self-efficacy, and academic motivation. *Education Sciences*, 13, 647. <https://doi.org/10.3390/educsci13070647>
- Ganina, O., Fedotova, V., & Bolshakova, N. (2018). Dynamics of students' opinions concerning problems in the hostel: A sociological analysis. *SHS Web of Conferences*, 55, 02014. DOI:10.1051/shsconf/20185502014
- Garrido, E. N. (2015). An experience da moradia estudantil universitária: Impacts sobre seus moradores. *Psychologies: Ciência e Profession*, 35, 726-739. <https://doi.org/10.1590/1982-3703001142014>
- Ghasemi, A. (2019). The lived and perceived experiences of students regarding university culture (post-graduate studies in humanities at Tehran universities). *Sociology of Social Institutions*, 6(13), 95-126. **[In Persian]**
- Ghodrati, H., & Maqsoodzadeh, F. (2019). Examining the dormitory life experience among female students with emphasis on their challenges. *Scientific Research Quarterly of Higher Education in Iran*, 11(2), 59-83. **[In Persian]**
- Ghodrzi, N., Ghasempour, F., & Etemadi Fard, S. M. (2019). Challenges of dormitory life for female students in public universities of Tehran. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 26(84), 33-59. **[In Persian]**
- Guo, N., & Shang, Y. (2018). The analysis of the "micro-education" mode based on the dormitory cultural construction in new era. *Advances in Social Science Education and Humanities Research*, 286, 470-472. DOI:10.2991/seiem-18.2019.121
- Hess, W.D. (2016). Social capital and the academic experience in college residential learning communities.
- Iftikhar, A., & Ajmal, A. (2015). A qualitative study investigating the impact of hostel life. *International Journal of Emergency Mental Health and Human Resilience*, 17(2), 511-515. DOI:10.4172/1522-4821.1000204
- Jarvinen, M., & Mik-Meyer, N. (2020). *Qualitative analysis: Eight approaches for the social sciences*. London: Sage.

- Kameli, M., Fakhri, M., & Mohammadi, M. (2016). Evaluating girls' students' dormitories with an emphasis on comfort and intimacy. *Ciencia e Natura*, 38(2), 803-813.
- Kangli, L. (2021). Conflict and integration: A qualitative study on the dormitory life experience of freshmen. *Teacher Education and Curriculum Studies*. DOI:10.11648/j.tecs.20210604.11
- Koroush, J. (2015). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (H. Dainai-Fard & H. Kazemi, Trans.). Safar Publications. **[In Persian]**
- Mohammadi, M. (2022). Analyzing the lived experiences of students in student dormitories (case study of students at Alborz University of Education). *Quarterly Journal of Teacher Professional Development*, 7(1), 35-50. **[In Persian]**
- Mohammadi, Abbas, Azizaabadi Farahani, Fatemeh, Amiri Shahabi, Mohsen, and Qiyoumi, Abbasali. (1403). Designing a Model of Cultural Strategies for the Transformation of the Higher Education System Based on the Second Step of the Revolution Statement. *Journal of Strategic Cultural Studies* 4(3), 37-74. **[In Persian]**
- Nemati, M.A & Karami Pour, M. (2014). Studying the Challenges and Strategies of the Conversion of Students Dormitory of Allameh Tabataba'i University into the Small Learning Communities. *Educational Leadership Research*, 1(1), 67-96. **[In Persian]**
- Parvin, S. (2017). Challenges of student life in self-managed dormitories in Tehran (with an emphasis on social harms). *Iranian Social Issues Review*, 7(2), 338-311. **[In Persian]**
- Rahmati, A., Zar'at-e-Honar, F., Ali Pour, F., & Karbakhsh Zadeh, F. (2019). Experiences of female students living in student dormitories: A qualitative study. *Contemporary Sociological Research*, 8(14), 75-97. **[In Persian]**
- Rakhshandehro, G., Rashidvash, V., & Mansour Lakoorj, M.H. (2020). Manifest and latent dysfunctions of student dormitories: (Case study Farhangian University). *Iranian Political Sociology Scientific Quarterly*, 3(11), 3541-3524. **[In Persian]**
- Rashidi, A. (2010). The role of universities in empowering individuals and communities. *Cultural Engineering Monthly*, 5(49), 36-46. **[In Persian]**
- Rahal, D., & Shaw, S.T. (2022). Impacts of the COVID-19 transition to remote instruction for university students. *Journal of Student Affairs Research and Practice*, 60(1), 108-122. 2022 Oct 5;60(1):108-122.
- Serajzadeh, S.H., & Habibpour, K. (2018). Quality of dormitory life for female students in public universities of Iran. *Quarterly Journal of Cultural Research in Iran*, 11(4), 1-31. **[In Persian]**
- Wei, W., & Chen, L. (2019). A survey of college student dormitory lifestyle and related management strategies. *Asian Education Studies*, 4(1), 1-9. DOI:10.20849/aes.v4i1.567
- Wu, L. (2016). Quantitative analysis modelling of college dormitory culture. *International Journal of Simulation: Systems Science & Technology*, 17(15), 7.1-7.6. DOI:10.5013/IJSSST.a.17.15.07
- Yadollahi-Zadeh, M.J., & Ghaemi Nik, M.R. (2023). Benevolent action: A phenomenology of work (a case study of the literacy movement in Mashhad). *Journal of Strategic Cultural Studies*, 3(2), 187-213. **[In Persian]**


Zahdi Asl ·M. (2009) Professional ethics and culture in scientific development to national development. Research Institute for Cultural and Social Studies·Ministry of Science·Research and Technology. **[In Persian]**

Zolfaqarzadeh ·M.M ·Amiri ·A.N·& Zarei Matin ·H. (2011) Discovering the “University Culture”: A theoretical and typological analysis of university culture studies in strategic management. Thought5· 45-97·(1). **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## Evaluating the legal Challenges of Management of the Mosques in Iran

**Javad Mahmoudi** , Assistant professor of Public Law, Faculty of Literature and Human science, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: Mahmoudi.javad@Sku.ac.ir

### Detailed abstract

Mosques have always been considered as the main centers of religious gatherings of Muslims and a part of their biological identity. Despite the many researches in this regard, the legal analysis of the challenges of mosques has not been done as it should and maybe not.

**Statement of the research problem:** In terms of stating the problem, it is worth saying that mosques have been very important as an influential reference on the intellectual direction of the society as well as a powerful player in the political and social arenas in the previous many decades. In the upcoming research, we will focus on how their management challenges are; With the explanation that the internal and external administration of mosques and the type and level of government supervision over them are studied in the light of the laws and regulations and approvals of official institutions as well as some opinions and current judicial processes. According to the author, the way mosques are managed has a direct effect on social credibility and, accordingly, the level of public approval of them. In addition to that, these questions are raised that which of the governmental institutions are influential in which areas of the internal or external management of mosques? What are the practical challenges of this style of interaction and management? What have been the legal developments in this regard and how are those developments evaluated from the perspective of freedom of religion in the upstream documents?

**Research background:** Ongaro and Tantardini in “Religion and Public Administration” (2023) addressed the general issues regarding the interaction of religious institutions in America with the official administration of that country. Sedaghati and Faqih Habibi (2021) in “Administrative organization of the mosque and cement standards in Iran’s legal system: contrast or symmetry?” have raised the possibility of using foundation people’s organizations in mosques. Abun-Noor (2018), in a series of articles entitled “How should mosque administration be?”, has stated the administrative standards and internal management of mosques in the light of the requirements of traditional jurisprudence. Keyvan Sadaghati (2013) in “The Place of the Mosque in the Legal System of Iran” tried to clarify the legal identity of the mosque by relying on some judicial opinions. Javan Araštah (2014) in “Mosque and its management: issues and challenges”, has expressed appropriate models for regulating relations between mosques and official institutions. It is noted that none of the aforementioned researches focused on the legal developments related to the internal and external management of mosques in Iran, and



therefore, the present research has no background; Because in terms of the major achievements of the above-mentioned researches, he has critically evaluated them in terms of their composition and function by stating the authorities and related governmental and governmental institutions.

**Research method:** The upcoming research is in the form of a library study through a descriptive and analytical review of the legal rules governing mosques, including international documents, laws, regulations, judicial procedures and Some legal opinions have been implemented.

In addition to expressing the legal identity of mosques, this analysis can evaluate and diagnose practical issues related to their practical function and their supervision. In the upcoming research, while re-reading the executive and internal structure of mosques, the method and level of external supervision on them by government institutions will be critically evaluated. This research, using a library method and relying on domestic and foreign legal documents as well as relevant judicial procedures, tries to find clear horizons of the challenges of mosques in the light of descriptive-analytical study in this regard, along with providing practical solutions. From the total of legal developments in this regard, it appears that mosques have turned from traditional centers and generally under the management of people, authorities and communities subject to the supervision of the government.

Therefore, in the process of establishing mosques and appointing the members of the board of trustees, Khadim, imam and other internal trustees, as well as in the process of monitoring their religious-social functions, the role of the government has gradually increased and between this level of management A significant relationship has been established between the government and the government on mosques and the trend of youth aversion to religion and the weakening of the social role of mosques. Therefore, a change in the type of relationship between mosques and the government and state can recreate a part of their identity and social role.

**Research findings:** Although it is necessary to monitor mosques by government institutions to prevent some religious deviations and to deal with religious beliefs and especially superstitions and intellectual superficialities, to promote the social-cultural function of those centers and to strengthen their structures and capacities, but the excesses of those supervisions It can strengthen the governmental process and the governmentalization of mosques, and their popular identity is overshadowed by decisions. and actions of authorities and official institutions. This phenomenon, in the long run, and especially with the establishment of intellectual-propaganda monopoly in mosques and the targeted selection of its internal factors, can fuel the avoidance of mosques and diminish or destroy the social-intellectual effects of this important institution of the Islamic society. Considering the composition and powers of the relevant government institutions, the exclusive management of mosques in Iran in their construction, management and operation has become an undeniable phenomenon, which has a clear connection with the religious aversion of the youth.

**Key words:** Establishment, Government, State, Mosques, Supervision.

## ارزیابی چالش‌های حقوقی اداره مساجد در ایران

جواد محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

مساجد، همواره به‌مثابه مراکز اصلی تجمعات دینی مسلمانان و بخشی از هویت زیستی آنان، مطرح بوده‌اند. با وجود پژوهش‌های فراوان در این باره، تحلیل حقوقی چالش‌های مساجد، آن‌طور که باید و شاید صورت نگرفته است. این تحلیل می‌تواند ضمن بیان هویت حقوقی مساجد، مسائل عملی مرتبط با کارکرد عملی و نیز نظارت بر آن‌ها را مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی، قرار دهد. در پژوهش پیش رو، ضمن بازخوانی ساختار اجرایی و درونی مساجد، شیوه و سطح نظارت بیرونی بر آن‌ها از سوی نهادهای دولتی و حکومتی، مورد ارزیابی انتقادی، قرار می‌گیرد. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با تکیه بر اسناد حقوقی داخلی و خارجی و نیز رویه‌های قضایی مربوطه می‌کوشد که در پرتو مطالعه توصیفی-تحلیلی در این باره، افق‌های روشنی از چالش‌های مساجد را در کنار راهکارهای عملی، ارائه دهد. از مجموع تحولات حقوقی در این باره، چنین برمی‌آید که مساجد از مراکز سنتی و عموماً تحت مدیریت مردم و مراجع و جوامع مردمی به مؤسسه‌های مشمول نظارت دولت و حکومت، تبدیل شده‌اند. از این رو، در فرآیند تأسیس مساجد و تعیین اعضای هیئت‌امنا، خادم، امام جماعت و سایر متولیان درونی و نیز در روند نظارت بر کارکردهای دینی-اجتماعی آن‌ها نقش حکومت و دولت به‌تدریج، افزایش یافته و میان این سطح از مدیریت حکومتی و دولتی بر مساجد و روند دین‌گزینی جوانان و تضعیف نقش اجتماعی مساجد، رابطه معناداری برقرار شده است؛ بنابراین تغییر در نوع رابطه مساجد با حکومت و دولت می‌تواند بخشی از هویت و نقش اجتماعی آن‌ها را بازآفرینی کند.

### واژگان کلیدی

تأسیس، حکومت، دولت، مساجد، نظارت.



## مقدمه

مساجد در زیست اسلامی، همواره محلی برای انجام عبادت‌های دینی و به تبع آن، پرداختن به مشکلات جامعه اسلامی بوده‌اند. از این رو، پرداختن به کارکرد اصلی آن‌ها با آزادی‌های دینی مقرر در اسناد جهانی و نیز متون حقوقی بالادستی در سطح ملی، ارتباط تنگاتنگی دارد.

برای نخستین بار در اسناد حقوقی جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ «آزادی مذهب و اجرای مراسم دینی» را به مثابه حق بشری نقض‌ناپذیر به رسمیت شناخت<sup>۱</sup> و سپس در میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ بر آن حق، تأکید شد.<sup>۲</sup> در اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ نیز، بدون اشاره به آزادی‌های مذهبی<sup>۳</sup> به حق شهروندان برای زندگی در فضایی معنوی و عاری از مفاسد اخلاقی پرداخته شده است.<sup>۴</sup>

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وجود تصریح به کلیات مربوط به پایه‌های ایمانی حکومت<sup>۵</sup> و وظایف دولت برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»<sup>۶</sup> و نیز آزادی اقلیت‌های رسمی مندرج در آن قانون در خصوص انجام فرایض دینی مطابق مذهب خود<sup>۷</sup> به روشنی به مراکز دینی اسلامی؛ شامل بقاع متبرکه، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و... و نحوه اداره آن‌ها و نسبت آن‌ها با دولت و حکومت پرداخته نشده است. به‌ویژه، تعامل قدرت رسمی با مساجد به مثابه کانون‌های اعمال و مراسم دینی و مذهبی مسلمانان - آن‌طور که باید و شاید - بیان نشده است.

۱. ماده ۱۸

۲. بند نخست ماده ۱۹

۳. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، برخلاف دیگر اسناد بین‌المللی، حق تغییر دین یا نداشتن آن و انجام مطلق عبادات بر اساس تشخیص شهروند را مردود شمرده و اسلام را به عنوان تنها دین می‌شناسد. بر اساس ماده ۱۰ آن اعلامیه: «اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هرگونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد جایز نمی‌باشد».

۴. قسمت الف ماده ۱۷: «هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی، به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند. جامعه و دولت موظف‌اند این حق را برای او فراهم کنند.»

۵. بندهای نخست تا ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۶. بند نخست اصل سوم همان

۷. اصل سیزدهم: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

از حیث بیان مسئله، درخور بیان است که مساجد به‌عنوان یک مرجع تأثیرگذار بر سمت‌وسوی فکری جامعه و نیز بازیگر قدرتمند عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در دهه‌های متمادی پیشین، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده‌اند. در پژوهش پیش رو بر چگونگی چالش‌های مدیریتی آن‌ها تمرکز می‌شود؛ با این توضیح که نحوه اداره درونی و بیرونی مساجد و نوع و سطح نظارت حکومت و دولت بر آن‌ها در پرتو قوانین و مقررات و مصوبات نهادهای رسمی و نیز برخی برداشت‌ها و روندهای قضایی جاری، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از نظر نویسنده، شیوه اداره مساجد بر اعتبار اجتماعی و به تبع آن، میزان اقبال عمومی به آن‌ها، تأثیر مستقیم دارد.

علاوه بر آن، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که کدام‌یک از نهادهای حکومتی یا دولتی در چه عرصه‌هایی از مدیریت درونی یا بیرونی مساجد، تأثیرگذارند؟ چالش‌های عملی این سبک از تعامل و مدیریت چیست؟ تحولات حقوقی در این باره چه بوده‌اند و آن تحولات از منظر آزادی دین و مذهب در اسناد بالادستی چگونه ارزیابی می‌شوند؟ با لحاظ تمایز هدف و نوع پژوهش حاضر، از سایر پژوهش‌ها در حوزه‌های دیگر مرتبط با مساجد، پژوهشگران حقوقی و دادگاه‌های صلاحیت‌دار در رسیدگی به دعوی مطروحه له یا علیه مساجد می‌توانند از دستاوردهای پژوهش پیش رو، استفاده کنند. هدف از این پژوهش، بازخوانی تحلیلی و توصیفی تحولات حقوقی در این باره، شناسایی بازیگران داخلی و نیز نهادهای بیرونی تأثیرگذار بر مساجد و با لحاظ نقش ویژه‌ی آن بازیگران در این باره، ارائه راه‌حل‌های حقوقی برای کاهش آثار منفی دخالت مدیریتی آن‌ها به ذینفعان، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران است.

## پیشینه پژوهش

### در زمینه مساجد، برخی پژوهش‌ها به عمل آمده است؛

انگارو و تانتاردینی (۲۰۲۳) در کتاب «دین و اداره عمومی» به مباحث کلی در مورد تعامل نهادهای دینی در آمریکا با مدیریت رسمی آن کشور پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> صداقتی و فقیه حبیبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «سازمان اداری مسجد و سنجه‌های سمن در نظام حقوقی ایران: تقابل یا تقارن؟» امکان استفاده از سازمان‌های مردم‌بنیاد در مساجد را مطرح کرده‌اند.<sup>۲</sup> آبون- نور (۲۰۱۸)، در سلسله مقالاتی با عنوان «اداره مسجد چگونه

1. Ongaro, Edoardo and Tantardini, Michele (2023). Religion and Public Administration, Edward Elgar Publication

۲. صداقتی، کیوان و حبیبی، علی فقیه (۱۴۰۰). سازمان اداری مسجد و سنجه‌های سمن در نظام حقوقی ایران، تقابل یا تقارن؟، فصلنامه حقوق عمومی، دوره ۲۳، شماره ۷۳.

باید باشد؟»، استناداردهای اداری و مدیریت داخلی مساجد را در پرتو الزامات فقه سنتی، بیان کرده است.<sup>۱</sup> کیوان صدقاتی (۱۳۹۲) در مقاله «جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران» کوشیده که هویت حقوقی مسجد را با تکیه بر برخی آرای قضایی تا حدی روشن سازد.<sup>۲</sup> جوان آراسته (۲۰۱۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مسجد و مدیریت آن: مسائل و چالش‌ها» به بیان الگوهای متناسب برای تنظیم روابط میان مساجد و نهادهای رسمی پرداخته است.<sup>۳</sup>

خاطر نشان می‌سازد که هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده، متمرکز بر تحولات حقوقی ناظر به اداره درونی و بیرونی مساجد در ایران نبوده‌اند و از این رو، پژوهش حاضر در نوع خود، فاقد پیشینه است؛ زیرا با لحاظ دستاوردهای کلان پژوهش‌های پیش گفته، با بیان مراجع و نهادهای حکومتی و دولتی مرتبط، آن‌ها را از حیث ترکیب و کارکرد، مورد ارزیابی انتقادی قرار داده است.

## روش پژوهش

پژوهش پیش رو در قالب مطالعه کتابخانه‌ای از رهگذر بررسی توصیفی و تحلیلی قواعد حقوقی ناظر بر مساجد شامل اسناد جهانی، قوانین، مقررات، رویه‌های قضایی و برخی نظریات حقوقی به عمل آمده است.

اسناد جهانی به عنوان بالاترین قواعد حقوقی مورد استناد همه کشورها؛ شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ به عنوان مبانی حقوقی «حق بر عبادت» به مثابه مبنای تشکیل مساجد، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در میان اسناد حقوقی داخلی نیز، علاوه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸، سلسله‌ای از قوانین عادی مربوط به کارکرد نهادهای رسمی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، نیروهای مسلح، دانشگاه‌ها و... مورد استناد قرار گرفته‌اند. هم‌چنین به مقررات مصوب دولت و نهادهای تحت نظر مقام رهبری؛ مانند سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ارجاع داده شده که بیشتر، ناظر به اداره درونی و برونی مساجداند. آیین‌نامه ستاد پشتیبانی

1. Ali Attari Madani, Abun-Noor Rashid (2018). How should the Masjid administration be? At: <https://www.dawa-teislami.net/magazine/en/qualities-to-possess/masjid-administration>.

۲. صدقاتی، کیوان (۱۳۹۲)، جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران، روزنامه حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳.

3. Javan Arasteh, Hossein (2014). Masjid and its management: Issues and challenges, International Conference of Masjid, Zakat and Vaghf.

و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ و آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳، اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸، طرح حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی، آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲، اساسنامه کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸ نیز در زمره این مقررات هستند.

روش استفاده از اسناد حقوقی داخلی بدین صورت است که ترکیب نهادها و مراجع ناظر به نظارت بر تأسیس، کارکردها و نیز پشتیبانی فنی از ساخت و توسعه مساجد و اختیارات قانونی آن‌ها بیان و مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته و نهایتاً رابطه ترکیب و اختیارات آن نهادها با کارکرد استاندارد و نقش اجتماعی مساجد، بیان شده است.

### یافته‌های پژوهش

اگرچه نظارت نهادهای دولتی و حکومتی بر مساجد برای پیشگیری از برخی انحرافات مذهبی و برخورد با کژاندیشی‌ها و به‌ویژه خرافات و سطحی‌گرایی‌های فکری تبلیغی در این باره و ارتقای کارکرد اجتماعی - فرهنگی آن مراکز و تقویت ساختار و ظرفیت‌های آن‌ها لازم است، لیکن افراط در آن نظارت‌ها می‌تواند روند دولتی و بلکه حکومتی‌سازی مساجد را تقویت کند و هویت مردمی آن‌ها را تحت‌الشعاع تصمیمات و اقدامات مقامات و نهادهای رسمی، قرار دهد. این پدیده در درازمدت و به‌ویژه با ایجاد انحصار فکری - تبلیغی در مساجد و گزینش هدفمند عوامل درونی آن می‌تواند به مسجذگریزی، دامن زدن و آثار اجتماعی - فکری این نهاد مهم جامعه اسلامی را کم‌رنگ کند یا از بین ببرد. با لحاظ ترکیب و اختیارات نهادهای حکومتی و دولتی مربوطه، مدیریت انحصاری مساجد در ایران در ساخت، اداره و فعالیت آن‌ها به پدیده‌ای انکارناپذیر، تبدیل شده است که با دین‌گریزی جوانان، ارتباط روشنی دارد.

### ۱. اداره‌کنندگان مساجد

اعضای هیئت‌امنا و امام جماعت و خادم یا خادمان مساجد در زمره اداره‌کنندگان مساجد به شمار می‌روند.

### ۱-۱. هیئت‌امنا

در ضوابط جاری، مؤسسان و اعضای هیئت‌امنا مساجد، علاوه بر امام جماعت و

خادم/خادمان و سایر فعالان مساجد، باید از حیث صلاحیت به تأیید مراجع رسمی برسند. برخی از شروط مهم سیاسی - امنیتی احراز هویت هیئت امنای مساجد عبارت‌اند از: التزام عملی به احکام اسلام و نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه، فقدان وابستگی به گروه‌ها و سازمان‌های غیرقانونی، نداشتن سوء پیشینه<sup>۱</sup>. اعضای هیئت‌امنا، علاوه بر نیاز به تنفیذ امام جماعت منصوب برای آغاز فعالیت در طول حیات خود و به‌ویژه در امور مالی تحت نظارت امام جماعت و مرکز رسیدگی به امور مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی، قرار دارد.

هیئت‌امنا، اصلی‌ترین بخش مدیریت متمرکز و شورایی مساجد است که با تأیید صلاحیت اعضا از سوی نهادهای رسمی حاکمیتی<sup>۲</sup> و با تنفیذ امام جماعت - که خود برگزیده آن نهادها است<sup>۳</sup> - پدید می‌آید و زیر نظر امام جماعت، فعالیت می‌کند<sup>۴</sup> و در صورت عبور از خط قرمزهای مقرر، اعضای آن، قابل تغییراند.

درباره هویت هیئت‌امنا و شخصیت آن از حیث امکان طرف دعوی قرار گرفتن یا طرح شکایت علیه دیگران از نظر برخی دادرسان، اعلام شده که: «در صورتی که مسجد دارای اساسنامه باشد، مطابق آن، عمل می‌شود؛ در غیر این صورت، مسجد، موقوفه محسوب و دارای شخصیت حقوقی است و مطابق بند و ماده ۷ آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات امین یا هیئت‌امنا ایماکن مذهبی و موقوفات مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۱۰ هیئت‌وزیران، اگر امین یا هیئت‌امنا ایماکن مسجد از سوی اداره حج و اوقاف و امور خیریه، تعیین شده باشد، اختیار طرح دعوا و دفاع از حقوق ایماکن مذهبی چون مسجد و تعقیب دعاوی طرح‌شده له و علیه آن‌ها و نیز اختیار انتخاب وکیل برای انجام امور مربوط به مسجد را دارند. اگر امین یک نفر باشد، به صورت انفرادی و اگر هیئت‌امنا باشد، به استناد ماده ۴ آیین‌نامه مذکور، مسئولیت مشترک دارند و مطابق مقررات مذکور، تصمیمات هیئت‌امنا با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود؛ اما اجرای مصوبات هیئت‌امنا با رئیس آن هیئت است که می‌تواند اقدام به طرح دعوا یا دفاع یا انتخاب وکیل بر اساس مصوبات هیئت نماید و بر اساس مصوبه

۱. اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸/۷/۳۰.

۲. حسب اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد: «مرکز پس از بررسی‌های لازم، آنان را به مدت دو سال به عضویت هیئت‌امنا ایماکن مسجد منصوب می‌نماید. در صورتی که مساجد دارای موقوفات باشند، پس از تعیین صلاحیت به تشخیص مرکز به سازمان اوقاف و امور خیریه، معرفی می‌شوند تا حکم لازم برای نظارت بر موقوفات را نیز دریافت دارند.»

۳. همان، تبصره بند ۳

۴. همان، تبصره بند ۵

مجلس شورای اسلامی با عنوان «وظایف و اختیارات هیئت‌امناى مساجد» مصوب سال ۹۴<sup>۱</sup>: در صورت داشتن امام جماعت ثابت برای مسجد، مدیر امور مسجد و رئیس هیئت‌امناى مسجد است<sup>۲</sup>. در آن مقررات<sup>۳</sup>، حدود اختیارات هیئت‌امنا قید شده است. <sup>۴</sup> از نظر رویه قضایی نیز، مساجد، رقبه موقوفه است و موقوفات نیز دارای شخصیت حقوقی‌اند؛ لذا مستقیماً باید طرف دعوا قرار گیرند.<sup>۵</sup>

## ۱-۲. امام جماعت

هیئت‌امنا و امام جماعت به‌طور مشترک در اداره امور اداری و عمرانی و مالی مساجد، مؤثرند. با این حال، نظارت استصوابی امام جماعت در انجام آن امور در ضوابط جاری به روشنی بیان شده است: از یک‌سو، «بودجه سالانه مسجد به تصویب هیئت‌امناى مسجد و به تأیید امام مسجد می‌رسد»<sup>۶</sup> و باید «حساب بانکی در یکی از بانک‌های معتبر به نام مسجد با امضای امام مسجد و یکی از اعضای هیئت‌امنا و مسئول امور مالی مسجد، افتتاح و کلیه منابع مالی مسجد به حساب مذکور، واریز شود»<sup>۷</sup> و «برداشت از حساب بانکی با امضای ثابت امام جماعت، مهر مسجد و یکی از صاحبان امضا، مجاز است»<sup>۸</sup>. علاوه بر آن: «قراردادها و اوراق بهادار مسجد با امضای امام مسجد و مهر مسجد و یکی از اعضای هیئت‌امنا یا مسئول امور مالی، معتبر خواهد بود»<sup>۹</sup>. «تعیین صاحبان امضای حساب‌های بانکی، از اختیارات امام مسجد است»<sup>۱۰</sup> و «افتتاح و بستن حساب‌ها در بانک‌ها با رعایت مقررات به پیشنهاد مسئول امور مالی و تأیید امام جماعت خواهد بود»<sup>۱۱</sup>. «مسئول امور مالی مسجد، موظف است بیلان و گزارش مالی را در دوره‌های ماهانه، سه‌ماهه، شش‌ماهه و سالیانه تهیه و به امام جماعت و هیئت‌امناى مسجد، تسلیم نماید. گزارش مالی سالانه مسجد... به هیئت‌امنا و امام

۱. ماده ۱۴ همان

۲. ماده ۱۳ همان

۳. بندخ ماده ۱۴ همان

۴. مرکز آموزش قوه قضائیه؛ به نقل از:

۵. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۵۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ شعبه ۲۱۱ حقوقی بدوی تهران

۶. همان، فصل دوم ماده ۴

۷. همان، فصل دوم ماده ۵

۸. همان

۹. همان، ماده ۶ فصل دوم

۱۰. همان، تبصره ۱

۱۱. همان، تبصره ۳

مسجد، عرضه و تصویب می‌شود»<sup>۱</sup>.

در مراکز نظامی و مؤسسات وابسته به نیروهای مسلح سه‌گانه (ارتش،<sup>۲</sup> سپاه پاسداران<sup>۳</sup> و نیروی انتظامی<sup>۴</sup>) و نهادهای فرعی آن‌ها (شامل پادگان‌های نظامی، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات رفاهی و اجتماعی مرتبط)، نمایندگان ولی فقیه، حضور دارند که بر اساس ضوابط جاری، علاوه بر وظایف و اختیارات ویژه در آن نیروها، نظارت بر فعالیت‌های دینی و مذهبی و مدیریت آن فعالیت‌ها از جمله در مساجد مرتبط را بر عهده دارند.

مساجد یا به تعبیر بهتر، «نمازخانه‌های» مستقر در دستگاه‌های دولتی نیز، زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج متبوع آن دستگاه و به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی مشمول عنوان «نهادهای انقلابی»<sup>۵</sup> مانند وزارت جهاد کشاورزی، سازمان امور ایثارگران، کمیته امداد امام خمینی و... زیر نظر نمایندگی ولی فقیه در آن نهادها اداره می‌شوند و فعالیت می‌کنند.

درباره مساجد مستقر در تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور - به‌مثابه مصداقی ویژه از عنوان دستگاه‌های دولتی - صرف‌نظر از اشراف نهادهای فرهنگی برون‌دانشگاهی و نیز نقش مدیریتی متمرکز شورای فرهنگی دانشگاه در این باره، دفاتر نمایندگی مقام رهبری در هر دانشگاه، نقش مؤثری، ایفا می‌کنند. بر اساس ضوابط جاری، اهداف کلی استقرار آن دفاتر در دانشگاه‌ها عبارت‌اند از: «ایجاد ارتباط نزدیک میان استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها با علمای دینی و حوزه‌های علمیه، هدایت دانشگاه‌ها در جهت تعالیم معنوی و اخلاق اسلامی، حل مسائل اعتقادی دانشجویان، کوشش برای تحقق و روشن کردن تعالیم اصیل اسلامی و جلوه‌گر کردن ارزش‌های والای اسلام ناب محمدی (ص)، جلوگیری از کج‌اندیشی‌ها و کج‌روی‌ها در مسائل

۱. همان، ماده ۱۰ فصل دوم

۲. ماده ۱۴ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۱۷ با اصلاحات بعدی: «سازمان عقیدتی سیاسی سازمانی است با سلسله‌مراتب مستقل و متمرکز که مأموریت و وظایف زیر را بر عهده دارد: ۱. مأموریت: رشد و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آن‌ها براساس معیارها و ضوابط اسلامی و تدابیر و رهنمودها و دستورالعمل‌های مقام رهبری؛ ۲. وظایف: الف) آموزش عقیدتی و سیاسی پرسنل جهت رشد مذهبی و سیاسی آنان...».

۳. قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ با اصلاحات بعدی.

۴. قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰.

۵. براساس تبصره ۲ لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳: «نهادهای انقلابی به ارگان‌هایی اطلاق می‌گردد که بنا به نیاز دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران (۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷) به بعد با تصویب مراجع قانون‌گذاری به وجود آمده است.»

دینی و امور اسلامی، ایجاد وحدت میان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها<sup>۱</sup>. «اعزام مبلغ و امام جماعت برای واحدهای مختلف دانشگاه‌ها»<sup>۲</sup>، نیز در زمره وظایف آن دفاتر، اعلام شده است.

مصلاهای نماز جمعه به‌عنوان مساجد بزرگ‌تر، مهم‌تر و دارای کار ویژه‌های سیاسی- اجتماعی بیشتر نیز، موضوع مدیریت امامان جمعه به‌مثابه نمایندگان مقام رهبری در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف‌اند که در عالی‌ترین سطح از سوی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه<sup>۳</sup>، برگزیده و در صورت اقتضاء، برکنار می‌شوند و فعالیت‌های آن‌ها، همواره مدیریت می‌شود. در برخی شهرهای مذهبی مهم، کار ویژه‌های نمایندگان ولی فقیه در قالب مدیریت حرم‌های متبرکه نیز به عمل می‌آید.<sup>۴</sup>

### ۱- ۳. خادم یا خادم‌ان مساجد

قانون کار ۱۳۶۹ با اعلام نسخ صریح قوانین پیشین<sup>۵</sup>، ضمن تأکید بر شمول خود بر تمام روابط میان کارگران و کارفرمایان در چارچوب قرارداد کار<sup>۶</sup>، مقرر کرده است که: «کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون، مستثنا نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثنا به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید»<sup>۷</sup>.

بر اساس این مجوز قانون‌گذار، هیئت‌وزیران با تصویب آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳ خدامان آن مراکز دینی و از جمله مساجد را از شمول برخی از مقررات مهم قانون کار، خارج کرد و روابط کار بین طرفین در زمینه مواد مستثنا شده را مشمول دستورالعملی دانست که سازمان اوقاف و امور

۱. بندهای ۱ تا ۷ ماده ۱ اساسنامه شورای نمایندگان رهبر معظم انقلاب و دفاتر آن‌ها در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۶۹/۴/۱۹ با اصلاحات بعدی

۲. همان، بند ۲ ماده ۲.

۳. این شورا برای مدیریت اقامه نماز جمعه، نصب و عزل امامان جمعه و... در سال ۱۳۷۲، به فرمان رهبر جمهوری اسلامی، تشکیل شده است.

۴. مانند مشهد و شیراز که به ترتیب، از حرم رضوی و شاه‌چراغ به مثابه مصلی، استفاده می‌شوند.

۵. همان، ماده ۲۰۰.

۶. همان، ماده ۱.

۷. همان، ماده ۱۹۱.

خیریه، تهیه می‌کند و به تصویب نماینده ولی فقیه در سازمان می‌رساند.<sup>۱</sup> موارد استثنا در آن آیین‌نامه نیز شامل مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار تعیین شده است<sup>۲</sup> و آن معافیت فقط اماکن مذهبی را در برمی‌گیرد که سه نفر یا کمتر خادم دارند<sup>۳</sup>. مفاد آن آیین‌نامه در سال‌های بعدی نیز، تنفیذ و تصویب شده است.

این معافیت صرفاً اماکن مذهبی دارای سه نفر خادم یا کمتر را در برمی‌گیرد؛ از این رو، در مساجدی که شمار خادمان از سه نفر فراتر رود، استناد به این ماده و به تبع آن، آیین‌نامه مصوب دولت برای عدم شمول قانون کار بر آنان، موجه نیست. البته این معافیت، مطلق نیست و دولت صرفاً می‌تواند خادمان مراکز دینی و از جمله مساجد را از شمول برخی از مقررات قانون کار و نه همه آن‌ها مستثنا کند. از این رو، چنانچه در عمل بر عدم شمول همه مقررات قانون کار بر خادمان طرف قرارداد با هیئت‌امناي مساجد، تصریح شود، از قدر متیقن استثنای قانونی و نیز مفاد آیین‌نامه مرتبط، عدول شده و فاقد وجاهت است.

رویه قضایی، تعرض به کلیت آیین‌نامه مستثنا شدن... را به سبب مغایرت با تشریفات مقرر در قانون اساسی و قانون کار، رد کرد و در نتیجه، آن آیین‌نامه را موافق قانون دانست و در نهایت، دعوی مطرح شده را رد کرد.<sup>۴</sup> علاوه بر آن در اجرای آیین‌نامه مزبور، دستورالعمل ماده ۴ آن به تصویب رسید که بر اساس ماده ۲ آن، مقرر شد: «در صورتی که کارفرما قصور و یا تخلفی از ناحیه کارگر، مشاهده کند، حق دارد به خدمت او، خاتمه دهد و در این صورت، کارگر حق مطالبه هرگونه وجهی را از خود، اسقاط و سلب می‌نماید».<sup>۵</sup> آن ماده به دلیل مغایرت با قانون در دیوان عدالت اداری، مورد شکایت قرار گرفت و در نهایت، مقرر شد:

اولاً: بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ هیئت‌وزیران و اصلاحی مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۱

۱. ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار ۱۳۷۳

۲. همان، ماده ۱

۳. همان، ماده ۳

۴. دادنامه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

۵. بند ۲ دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه از بعضی از مواد قانون کار مصوب نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه.

که در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ اعتبار آن به مدت پنج سال تمدید شده، به استثنا شدن مشمولین آیین‌نامه فوق از احکام مقرر در مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار، تصریح شده و لذا، افراد مذکور، مشمول سایر مقررات قانون کار هستند. ثانیاً: بر مبنای مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹: «کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق‌السعی، اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند» و «کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند» و «قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد» و «در پایان کار، کلیه مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است، به کارگر و در صورت فوت او، به وارث قانونی وی پرداخت خواهد شد.» بنا به مراتب فوق، خدام و کارکنان... مساجد... مشمول احکام مقرر در مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹ هستند و بر اساس مواد قانونی مذکور، انجام کار در مقابل مزد، انجام می‌گیرد و حقوق متعلقه به کارگر، بعد از انجام کار، حقی است که برای وی، مستقر می‌شود و عدم پرداخت آن از ناحیه کارفرما مجوز قانونی ندارد. در نتیجه، ماده ۲ دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن... که بر اساس آن، مقرر شده است: «کارگر حق مطالبه هرگونه وجهی را از خود، اسقاط و سلب می‌کند»، از جهت آن که کارگر، مستحق کلیه مطالبات ناشی از قرارداد کار و مطالبات مربوط به دوره اشتغال خود است، خارج از حدود اختیار بوده و با مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد و... ابطال می‌شود»<sup>۱</sup>.

در مجموع با تأکید بر دفاع‌پذیر بودن سیاست تجویز اقدام دولت به مستثنا کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول برخی مقررات قانون کار، شفاف‌سازی روابط کاری خادمان مساجد به توسعه بیشتر عدالت در این عرصه و پیشگیری از اختلافات می‌انجامد و کارآمدی آنان را افزایش می‌دهد؛ زیرا احتمال نقض قواعد آمره مندرج در قانون کار، محتمل است که به زیان خادم یا خادمان مساجد بوده و نهایتاً به اخلال در اداره مساجد می‌انجامد.

## ۲. نهادهای رسمی ناظر بر مساجد

از پایان دهه شصت خورشیدی به بعد به تدریج، مجموعه‌ای از نهادهای رسمی دولتی و حکومتی برای مدیریت و نظارت بر کارکردهای مساجد پدید آمده‌اند که در ادامه، بیان می‌شوند:

### ۲-۱. مرکز رسیدگی به امور مساجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد به‌مثابه نهادی حاکمیتی برآمده بر اساس فرمان مقام رهبری در ۱۳۶۸ برای مدیریت فعالیت‌های مساجد و به‌ویژه نصب و عزل امامان جماعت، نقشی مؤثر دارد. در عمل، ادعا شده که: «بر اساس استفتائات انجام شده از سوی مقام رهبری، عزل و نصب ائمه جماعات مساجد با امام جمعه به عنوان مدیر مرکز رسیدگی به امور مساجد و ریاست شورای تبلیغ شهرستان است»<sup>۱</sup>. این ادعا هیچ‌گونه مستند قانونی ندارد و ردّ پایی از هرگونه استفتا در این باره نیز به چشم نمی‌خورد.

«عرضه‌الگوهای مناسب برای ساخت، تجهیز و اداره مساجد»<sup>۲</sup> و «بهبودی و مرمت فضای کالبدی و تجهیز مساجد نمونه»<sup>۳</sup> در زمره کار ویژه‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد است. از نظر ضوابط جاری، مرکز یادشده به‌مثابه «مرجعی مقبول، آگاه و نافذالکلمه در امر مساجد است و با هدف کمک به کارایی و شکوفایی هرچه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام، حفظ قداست، سلامت و امنیت و تقویت هماهنگی جنبه‌های معنوی، انقلابی، تعلیمی، تبلیغی و هنری مرتبط تشکیل شده که ائمه جماعات و سایر مسئولان مسجد را منصوب و بر عملکرد آن‌ها نظارت و عنداللزوم از آن‌ها حمایت خواهد کرد؛ همچنین عهده‌دار حمایت اثربخش و متولی نظارت بر برنامه‌های مساجد و مجری هماهنگی‌های ستادی بین نهادهای مرتبط با امر مسجد و ناظر بر گزارش‌های مالی و نحوه درآمد و هزینه مساجد خواهد بود»<sup>۴</sup>. «تدوین چشم‌انداز، راهبردها و مأموریت‌های مساجد، با توجه به منویات امام (ره) و مقام معظم رهبری، اسناد اعضای هیئت‌امنای مساجد و رسیدگی به تخلفات و جرائم کارکنان مساجد»<sup>۵</sup> و «حمایت‌های معنوی و حقوقی از ائمه مساجد و افراد تحت تکفل ایشان، هیئت‌امنا و

۱. خبرگزاری بسیج، مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۱

۲. بند ۱ ماده ۷ اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد

۳. همان، بند ۱۶ ماده ۱۲

۴. همان، ماده ۵

۵. همان، ماده ۱۱

خدام<sup>۱</sup> و «عزل و نصب فعالان مسجد با معرفی امام مسجد»<sup>۲</sup> نیز از جمله اختیارات واحد حقوقی و بازرسی آن مرکز، اعلام شده است.

از حیث مالی نیز، معاون توسعه منابع آن مرکز «تأکید بر اجرای امور مالی با تأیید ائمه مساجد و تحت نظارت جدی و اثربخش ایشان»<sup>۳</sup> و «اجرای آیین‌نامه مالی و معاملاتی و آیین‌نامه حسابرسی و ممیزی مالی مساجد»<sup>۴</sup> را بر عهده دارد.

برخی مصوبات مجلس شورای اسلامی، دایر بر ارجاع اداره مساجد به سازمان اوقاف و امور خیریه - به‌مثابه نهاد وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - با مخالفت شورای نگهبان، مواجه شده و احتمالاً با لحاظ فرمان رهبر معظم انقلاب در خصوص ایجاد مرکز رسیدگی به امور مساجد، خلاف اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی شمرده شده و درنهایت، منتفی شده است. بر اساس مواد ۲ و ۳ آن طرح در سازمان اوقاف با نام جدید «سازمان اوقاف، مساجد و امور خیریه»، معاونت امور مساجد کشور، تأسیس می‌شد که البته در تعیین امام جماعت و انجام فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مسجد، دخالتی نداشت. حسب تبصره ماده ۱۲ آن طرح نیز، امام جماعت مدیر امور مسجد و رئیس هیئت‌امنای آن است. ماده ۱۴ آن طرح به فهرست وظایف و اختیارات هیئت‌امنا پرداخته بود که از جمله «طرح دعوی و دفاع از حقوق مسجد و تعقیب دعاوی مربوط به آن و در صورت لزوم، انتخاب و کیل برای انجام امور مذکور» را در برمی‌گرفت. البته پیش‌تر نیز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آن طرح را به دلیل «ایجاد فضایی برای مداخله بیش‌ازحد نهادهای دولتی در مساجد»، رد کرده بود.

مرکز رسیدگی به امور مساجد، حکومتی‌ترین و عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری مساجد است و نمایندگان مردم و نهادهای مدنی، کمترین حضوری در آن ندارند. این امر می‌تواند فرضیه حکومتی‌سازی آن مراکز را تأیید و تقویت کند؛ امری که به تضعیف کارکرد آن انجامیده است.

## ۲-۲. ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور

اعضای ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور به پیشنهاد رئیس دستگاه و با حکم رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدت چهار سال، منصوب شده و

۱. همان، بند ۴ ماده ۱۲

۲. همان، بند ۶ ماده ۱۲

۳. همان، بند ۷ ماده ۱۲

۴. همان، بند ۱۲ ماده ۱۲

عبارت‌اند از: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ وزارت کشور؛ وزارت مسکن و شهرسازی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ سازمان تبلیغات اسلامی؛ سازمان اوقاف و امور خیریه؛ سازمان صداوسیما؛ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری؛ مرکز رسیدگی به امور مساجد؛ شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه؛ ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر؛ نیروی مقاومت شهرداری تهران؛ سه نفر از ائمه جماعات صاحب‌نظر در مسائل فرهنگی به پیشنهاد سازمان تبلیغات اسلامی<sup>۱</sup>.

ازجمله اختیارات آن ستاد عبارت است از: «هماهنگ‌سازی فعالیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور، ارائه پیشنهادها راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت‌وساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوری‌های روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمین و دست‌اندرکاران امور مساجد، تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد»<sup>۲</sup>.

عدم حضور نمایندگان مردم و نهادهای مدنی در این مرجع نیز به چشم می‌خورد و از این رو، ترکیب آن، حکومتی و دولتی است. اگرچه حضور آن مقامات از منظر واقعیت، اجتناب‌ناپذیر است ولی منحصر کردن ترکیب آن مرجع به اشخاص و مقامات حکومتی و دولتی، قابل نقد است.

## ۲-۳. شورای هیئات مذهبی

هیئت‌های مذهبی از حیث تأسیس، اعضای تشکیل‌دهنده، سمت‌وسو، فعالیت‌ها و هویت مداحان آن‌ها از سوی مقامات و نهادهای حکومتی، مدیریت می‌شوند. برای نمونه، حسب اساسنامه شورای هیئات مذهبی، ازجمله مأموریت‌های آن شورا «نظارت مستمر بر فعالیت‌های هیئات مذهبی»، «بازرسی‌های مستمر از هیئات مذهبی در طول سال به‌ویژه در ایام محرم و صفر»، «رسیدگی به اختلافات پیش‌آمده میان هیئات مذهبی» و «رصد اولویت‌های فرهنگی، آسیب‌ها و مشکلات پیش روی هیئات مذهبی با عنایت ویژه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید»، اعلام شده

است.<sup>۱</sup> شورای مرکزی هیئات، به‌مثابهٔ عالی‌ترین سطح از نظارت بر آن‌ها، از اختیاراتی مانند «تأیید و ابلاغ اساسنامهٔ تشکیل شورای هیئات مذهبی، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی فرهنگی کشور در موضوع هیئات مذهبی، صدور حکم رئیس منتخب شورای مرکزی، تأیید یا رد انحلال شورای هیئات مرکزی در سراسر کشور، نظارت عالی بر عملکرد شورای هیئات مذهبی کشور» برخوردار است.<sup>۲</sup>

علاوه بر آن، ارکان شورا در سطوح شهرستانی و استانی رئیس شورا (نمایندهٔ سازمان) و اعضای شورا هستند و در سطح مرکزی به جای نمایندهٔ سازمان، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی است.<sup>۳</sup> آن سازمان، مسئولیت و سازمان‌دهی هیئت‌های مذهبی را بر عهده دارد.<sup>۴</sup>

به نظر می‌رسد که حساسیت قدرت حاکم بر سمت و سوی هیئت‌های مذهبی و محتوای تولیدات، گرایش‌ها و مداحی‌ها باعث شده که آن هیئات از حیث تشکیل و کارکرد به‌شدت مورد کنترل باشند؛ امری که آن‌ها را موضوع کنترل قدرت و گاهی ابزار آن کرده است. این روند می‌تواند به دین‌گریزی روزافزون جوانان، دامن زند.

#### ۲-۴. کانون مداحان

به‌منظور سامان‌دهی مداحان مساجد، کانون مداحان زیر نظر نهادهای حاکمیتی، از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، پدید آمده است. حسب اساسنامهٔ این کانون که به تصویب معاونت امور فرهنگی و تبلیغ اداره کل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی آن سازمان رسیده است.<sup>۵</sup> این کانون در سه سطح شهرستانی، استانی و مرکزی، فعالیت می‌کند.

وظایف و اختیارات رئیس آن سازمان دربارهٔ آن کانون در سطح کشوری (مرکزی) «تأیید و ابلاغ اساسنامهٔ کانون مداحان، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی فرهنگی کشور در موضوع مداحان، دستور صدور حکم رئیس منتخب کانون مرکزی به معاون امور فرهنگی و تبلیغ، پذیرش یا رد پیشنهاد معاونت امور فرهنگی در خصوص انحلال کانون مداحان در سراسر کشور، نظارت عالی بر عملکرد کانون‌های مداحان کشور با انتصاب نمایندگان بدین منظور»<sup>۶</sup> اعلام شده و نظارت عالی بر آن‌ها در سطوح استان

۱. بندهای ۳، ۴، ۵ و ۶ اساسنامهٔ شورای هیئات مذهبی

۲. همان، بند ۱ قسمت ج

۳. همان، فصل دوم

۴. بند ۱۶ مادهٔ ۶ اساسنامهٔ سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۵

۵. اساسنامهٔ کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸.

۶. همان، مادهٔ ۱۶

و شهرستان نیز با «مدیرکل تبلیغات اسلامی استان یا نماینده وی» است.<sup>۱</sup> انتقاد وارده بر کنترل هیئات مذهبی در مورد مداحان نیز تا حد زیادی، صادق است و ظرفیت‌های مداحان در حمایت از قدرت حاکم و مقابله با مخالفان آن را نشان می‌دهد. این سطح از کنترل در غیاب نمایندگان مردمی و صرفاً از طریق نمایندگان حکومت می‌تواند روند دین‌گریزی را به‌مراتب، افزایش دهد.

## ۲-۵. ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور

اصولاً سازمان تبلیغات اسلامی عهده‌دار «کمک به تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی و نیز مراکز اسلامی و فرهنگی در راستای توسعه تبلیغات اسلامی در آن‌ها»<sup>۲</sup> و نیز «صدور مجوز تأسیس و سامان‌دهی کانون‌های فرهنگی تبلیغی، کانون‌های قرآنی، تشکل‌های مذهبی» است.<sup>۳</sup>

فارغ از آن، ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور<sup>۴</sup>، مرکب از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس شورا)، وزیر آموزش و پرورش یا معاون ذی‌ربط، وزیر ورزش و جوانان یا معاون ذی‌ربط، شهردار تهران یا معاون ذی‌ربط، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، نماینده مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، یک نفر صاحب‌نظر به پیشنهاد مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور و دو نفر شخص حقیقی صاحب‌نظر به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصویب شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

اهداف آن ستاد عبارت‌اند از: احیای نقش واقعی فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی مساجد؛ تربیت و رشد نیروهای متعهد و انقلابی و کارآمد در حوزه فرهنگ و هنر؛ توسعه فرهنگ اصیل اسلامی در شهرها و روستاهای کشور؛ مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان<sup>۵</sup>. وظایف آن عبارت‌اند از: «برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی، انسجام و تقویت امور کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد؛ سامان‌دهی و کمک به راه‌اندازی و تجهیز کانون‌های فرهنگی و هنری و کتابخانه‌های مساجد؛ به‌روزرسانی بانک اطلاعات

۱. همان، ماده ۲۲

۲. بند ۱۵ ماده ۶ اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۵

۳. بند ۱۶ ماده ۵ همان.

۴. مصوب جلسه ۸۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۵. بندهای ۱ تا ۴ ماده ۲ اساسنامه ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور مصوب ۱۳۹۷/۲/۱۸

کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد؛ کمک به تولید و عرضهٔ محصولات فرهنگی و دینی؛ کمک به راه‌اندازی و توسعهٔ پایگاه‌های فرهنگی رقومی (دیجیتال) در حوزهٔ فعالیت مساجد برای استفادهٔ بهینه از فرصت‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی؛ شناسایی، جذب، آموزش و حمایت از استعداد‌های برتر و نخبگان کانون‌ها و کتابخانه‌های مساجد؛ تلاش در جهت تخصصی شدن کانون‌ها و کتابخانه‌های مساجد»<sup>۱</sup>.

حسب آن مقررات، «مساجد هویت مستقل داشته و تحت نظر ائمهٔ جماعت، اداره می‌شوند و مدیرمسئول کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد برای ارائهٔ خدمات فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی توسط امام جماعت، پیشنهاد می‌شود»<sup>۲</sup>.

به‌منظور مدیریت هماهنگ آن کانون‌ها در هر استان نیز، شورای هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان از اشخاص و مقامات زیر، تشکیل شده است: نمایندهٔ ولی فقیه (رئیس)، استاندار (نایب‌رئیس)، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان، شهردار مرکز استان، فرمانده بسیج استان، مدیرکل اوقاف و امور خیریهٔ استان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیر شورا)، دبیر ستاد استان و نمایندهٔ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیهٔ استان.<sup>۳</sup>

علاوه بر آن، بر اساس ضوابط جاری<sup>۴</sup>: «امام جماعت و رئیس هیئت‌امناي مسجد می‌توانند درخواست تأسیس کانون فرهنگی و هنری مسجد را ارائه کنند»<sup>۵</sup>. هیئت مؤسس هر کانون متشکل از امام جماعت، یک نفر از هیئت‌امنا، فرمانده پایگاه بسیج مسجد، دو نفر ذی‌صلاح فرهنگی و هنری به انتخاب امام جماعت مسجد خواهد بود<sup>۶</sup>. التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه<sup>۷</sup> در زمرهٔ شروط لازم برای اعضای هیئت مؤسس است. تأیید امام جماعت برای مدیرمسئول کانون لازم است<sup>۸</sup>. همچنین، تصریح شده که: «اعضای هیئت مؤسس و مدیرمسئول بایستی معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه بوده و کانون به احزاب و جریانات

۱. همان، مادهٔ ۳

۲. همان، تبصرهٔ مادهٔ ۳

۳. همان، بندهای ۱ تا ۹ مادهٔ ۱۱

۴. دستورالعمل صدور مجوز تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد مصوب ۱۴۰۰/۲/۱۳ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵. همان، بند ۱-۶

۶. همان، بند ۳-۲

۷. همان، قسمت ب بند ۱-۴

۸. همان، قسمت «و»

سیاسی، وابستگی نداشته باشد»<sup>۱</sup>.

باملاحظه فلسفه پیدایش آن ستاد؛ یعنی کنترل کارکردها و محتوای تولیدات فرهنگی و هنری مساجد و ترکیب کاملاً حکومتی و دولتی آن، پیش فرض، نوع و سطح تصمیمات آن ستاد، قابل پیش بینی است. از این رو، ستاد یادشده در زمره ابزارهای بنیادین حکومتی و بلکه دولتی سازی مساجد است.

## ۲-۶. بسیج مساجد

با لحاظ نقش محوری مساجد در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۴۹) صدور انقلاب و مبارزه با گروه‌های مخالف نظام و نیز نقش فعال آن‌ها در سامان‌دهی و اعزام نیرو در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، تأسیس و فعالیت تأثیرگذار واحدهایی از بسیج مستضعفین به مثابه بخش مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی<sup>۲</sup> در تمام مساجد کشور و نظارت آن بر جریان کلی امور مذهبی و فرهنگی و هنری تا به امروز، استمرار یافته است.

با وجود کارکردهای انکارناشدنی بسیج مردمی در مدیریت بحران‌های عمومی مانند جنگ هشت‌ساله، سوانح طبیعی و ... به دلیل تعلق سازمانی آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مثابه یک نیروی حکومتی نظامی و مسلح، حضور و نظارت آن بر مساجد می‌تواند روند امور را به شدت، سازگار با انگاره‌های قدرت سازد و از تنوع سلیقه‌ها در ساخت مساجد و انجام فعالیت‌های اجتماعی و دینی در آن، جلوگیری کند.

## ۲-۷. شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد

به منظور افزایش نقش اجتماعی مساجد و کاستن از تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی، طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان»<sup>۳</sup>، اجرا شده که بر اساس آن: «در تمام مؤسسات و مراکز دینی کشور از جمله مساجد»<sup>۴</sup>، حقوق‌دانانی حضور یافته و راهکار حقوقی برای نمازگزاران و ذی‌نفعان، مرتبط ارائه می‌کنند. به منظور نظارت بر فعالیت‌های شوراهای استانی و اتخاذ سیاست‌های واحد و متمرکز و تعیین دستورالعمل‌های اجرایی نیز، شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد در معاونت فرهنگی قوه قضائیه، ایجاد شده است. این شورا مرکب از معاون فرهنگی قوه قضائیه (رئیس شورا)، مدیرکل فرهنگ حقوقی و قضایی جامعه (دبیر شورا)، نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، معاون فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات

۱. همان، بند ۱۶۸.

۲. قسمت‌های الف، ب و ج ماده ۱۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱

۳. دستورالعمل اجرایی طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان» مصوب ۱۳۹۸/۷/۷ معاونت فرهنگی قوه قضائیه

۴. همان، بند ۱ ماده ۲

اسلامی، معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریهٔ کشور، رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور، رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانوادهٔ قوهٔ قضائیه، مسئول سازمان بسیج حقوق‌دانان، رئیس اتحادیهٔ سراسری کانون وکلای دادگستری و رئیس کانون دادگستری مرکز است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که تعیین برخی صلاحیت‌های قضایی برای بخش‌های حقوقی نهادهای ناظر؛ مانند واحد حقوقی مرکز رسیدگی به امور مساجد مانند «رسیدگی به اختلافات ائمهٔ مساجد و اعضای هیئت امنای مساجد» و «رسیدگی به تخلفات و جرائم کارکنان مساجد»<sup>۲</sup> با قوانین و مقررات ناظر به صلاحیت‌های ذاتی دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی ویژه، سازگاری ندارد. بهتر است که مقررات ناسازگار با آن قوانین، اصلاح شوند تا نیازی به مداخلهٔ بعدی قضایی در این باره نباشد. در برابر، اختیاراتی مانند «معاضدت قضایی و دفاع از شأن و منزلت مساجد و ائمهٔ مساجد»<sup>۳</sup> در پاسداری از هویت مساجد و اداره‌کنندگان آن، مؤثر است. بدیهی است که اصل تلاش برای حل اختلافات میان مردم و برقراری مصالحه میان آنان به‌ویژه در مساجد، امری مقبول و در راستای ارزش‌های اسلامی و نقش اجتماعی مساجد است.

### ۳. تحلیل و ارزیابی

چرا مساجد به‌مثابه مهم‌ترین نماد مرکز اجتماعات دینی در زیست اسلامی در ایران به‌طور روزافزون، حکومتی و بلکه دولتی شده‌اند. آیا میان روند یاد شده و ضعف پایگاه اجتماعی مساجد، رابطه معناداری برقرار است؟

در پاسخ پرسش‌های بالا از منظر جامعه‌شناسی قدرت می‌توان این‌طور ارزیابی کرد که با لحاظ نقش بسیار مؤثر و غیرقابل انکار مساجد در ایجاد بسترهای اعتراض و جهت‌دهی اعتراضات مردمی در چارچوب مبانی و بایسته‌های اسلامی و شیعی که نهایتاً به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن انجامید، تلاش برای حفظ مدیریت آن مراکز دینی و جلوگیری از دخالت جریان‌های رقیب در پیدایش و مدیریت آن‌ها به روند حکومتی و دولتی سازی اداره آن‌ها انجامیده است.

این دخالت البته چندان کامیاب نبوده است؛ زیرا صرف‌نظر از تشدید دین‌گریزی عموم مردم به‌ویژه جوانان، پیدایش نهادها و سبک‌های دینی نوظهور و متفاوت در

۱. همان، بندهای ۱-۱۱ مادهٔ ۶

۲. بندهای ۵ و ۶ مادهٔ ۱۱ اساسنامهٔ مرکز رسیدگی به امور مساجد

۳. همان، بند ۱۵

کنار رشد سریع فضای مجازی و اقبال عمومی به آن، محوریت مساجد در شکل‌دهی اندیشه‌های دینی - سیاسی و جهت‌دهی به آن را تحت‌الشعاع، قرار داد و به‌شدت، تضعیف کرد.

از نظر نویسنده، روند روزافزون دخالت حکومت و دولت در همه ابعاد زیست شهروندان و به‌ویژه سبک زندگی دینی آنان و تلاش برای تحمیل ایدئولوژی رسمی حاکم در کنار پیدایش و رشد سبک‌های زیست دینی متفاوت یا اقبال نسبی به اندیشه سکولاریسم یا در مواردی رشد زیست استوار بر بی‌دینی در تضعیف جایگاه اجتماعی مساجد، مؤثر بوده است.

استفاده ابزاری از فضا و ظرفیت معنوی مساجد برای تثبیت گردونه قدرت یا برانگیختن عموم مردم به هواداری از نیروهای وابسته به محافل قدرت رسمی در انتخابات مربوط به شوراهای شهر و روستا و مهم‌تر از آن، انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری یا به‌کارگیری مساجد برای توجیه نوع و مبانی سیاست‌گذاری‌های قدرت رسمی و تصمیمات و اقدامات مرتبط با آن را نیز باید در زمره دلایل افول آن جایگاه، ارزیابی کرد که با مبانی جامعه‌شناسی قدرت و ابزارهای مشروعیت آن، رابطه تنگاتنگی دارد.

از حیث راهکار، بازگشت به رسالت عام دین و عاری از برداشت‌های ایدئولوژیک می‌تواند روند دین‌گریزی را تا حدی متوقف سازد تا مساجد به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی دینی بتواند در پاسخ‌دهی به برخی چالش‌های زیست ایرانی زمانه ما حداقل در حوزه دین و بحران هویت دینی، پاسخ دهد.

علاوه بر آن، به‌موازات تقویت پشتیبانی از تأسیس و ساخت‌وساز و احیای عمرانی مساجد، بایستی تا حد ممکن، اداره امور داخلی آن‌ها را به هیئت‌امناها و جوامع مردمی و محلی واگذاشت تا با انتخاب واقع‌بینانه و آزادانه امام جماعت و خادم فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی و فرهنگی خود را سامان دهند و پیش ببرند. در غیر این صورت، مساجد با اعمال نظارت مستقیم و استصوابی و تعیین سمت‌وسوی فعالیت خود از سوی قدرت حاکم به‌تدریج به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و ایدئولوژیک متغیر و عموماً شعاری و ناسازگار با واقعیت‌های جامعه، تبدیل شده و به‌موازات آن، اقبال عمومی به آن‌ها کم‌رنگ خواهد شد.

به‌عنوان یک راهکار حداقلی می‌توان با مشورت با علمای شهرها و مناطق مختلف و به‌ویژه، پررنگ کردن و احیای نقش مراجع تقلید و نهادهای دینی خارج از

نهادهای رسمی در این باره به نصب و عزل امامان جماعت پرداخت. این رویه می‌تواند به فرایند مردمی‌سازی مساجد و به تبع آن، افزایش اقبال و اعتماد عمومی به نقش اجتماعی امامان جماعت و بلکه تقویت کارکرد و هویت مساجد، کمک کند. همچنین، غربال‌گری امامان مساجد از حیث داشتن اطلاعات روزآمد فرهنگی و مذهبی، توانایی برقراری رابطه با مردم به‌ویژه نسل جوان و پاسخ‌گویی به دغدغه‌های ذهنی آنان، برخورداری از سعه‌صدر و پرهیز از مناقشات سیاسی و جناحی در فضای مساجد یا استفاده از ظرفیت و وجهه آن برای ورود به عرصه رقابت‌های سیاسی و جناحی در احیای هویت مساجد، مؤثر است.

از سوی دیگر، در حوزه مدیریت بیرونی مساجد، اختیارات برخی نهادهای ناظر از حیث کارکرد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند؛ مرکز رسیدگی به امور مساجد و ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور از حیث ساخت، تجهیز، جایابی و حمایت‌هایی از این دست تا حدی اختیارات موازی دارند. البته این دیدگاه از این منظر به چالش کشیده می‌شود که مرکز یاد شده، رابطه مستقیم‌تری با امور عمرانی مساجد دارد و ستاد مذکور نیز در سطح کلان و بیشتر در حد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و حکومتی در این زمینه، فعال است.

همین برداشت درباره کارکرد ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور و نیز اختیارات سازمانی پایگاه‌های بسیج مستقر در مساجد، وجود دارد و بهتر است که نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از یک‌سو و سازمان بسیج و ستاد هماهنگی از سوی دیگر، شفاف‌تر شود. با لحاظ تعلق سازمانی بسیج به نیروی نظامی رسمی خاص و حاکمیت انگاره‌های رسمی سیاسی بر آن، محدود و ضابطه‌مند کردن حضور آن در مساجد یا ایجاد توازن میان نقش بسیج با سایر نهادهای مردم‌بنیاد می‌تواند تنوع فرهنگی در آن فضا را افزایش دهد و از این رو، از موج مسجدگریزی فزاینده در میان برخی از جوانان بکاهد یا آن روند را متوقف سازد.

فارغ از آن، ساختار و کارکرد نهادهای ناظر بر مساجد از دو منظر، نقدشدنی به نظر می‌رسد: نخست آن‌که؛ اصولاً در پرتو قاعده حاکمیت قانون<sup>۱</sup>، نهادهای عمومی باید بر اساس قانون یا با مجوز صریح قانون‌گذار پدید آیند، ادغام شوند یا از بین بروند؛ در حالی که بیشتر نهادهای ناظر بر مساجد نه بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی بلکه از گروی فرمان مقام رهبری (در مورد مرکز رسیدگی به امور مساجد) یا مصوبات نهادهایی

مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی (در مورد ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور) یا رئیس قوه قضائیه (در مورد شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد) یا در پرتو اختیارات سازمان تبلیغات اسلامی (شورای هیئات مذهبی، کانون مداحان) پدید آمده‌اند و البته آن سازمان، خود بر اساس فرمان مقام رهبری، شکل گرفته است. بهتر، آن است که نهادهای عمومی در هر عرصه‌ای از جمله حوزه مساجد، برخاسته از قوانین عام یا خاص و نه فرمان‌ها یا مصوبات شبه‌قانونی باشند تا هم اصل حاکمیت قانون در این باره، مراعات شود و نیز به تبع جایگاه تصویب آن قواعد، اعتبار و ارزش حقوقی آن‌ها در نزد مراجع قضایی و اجرایی، به مراتب بالاتر رود.

دوم آن‌که: نمایندگان نهادهای مردم‌بنیاد، شوراهای اسلامی شهر و روستا، مراجع تقلید یا نمایندگان شهر و استان مرتبط در مجلس شورای اسلامی در ترکیب شوراهای کمیسیون‌های مستقر در نهادهای ناظر بر مساجد، حضوری ندارند یا این حضور، آن‌طور که باید و شاید، تعیین‌کننده نیست. در برابر، آن اعضا بیشتر مشتمل بر نمایندگان دولت یا حکومت و به‌ویژه حضور پُررنگ نهادهای نظامی یا شبه‌امنیتی و نمایندگان عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. بدیهی است که این حضور، بیشتر نمادی از کنترل قدرت بر این نهاد مهم دینی، تبلیغی و فکری است و در تصویب خط‌مشی‌های حاکم بر تعیین جهت، هدف، نوع و کیفیت تحقق کارکردهای مساجد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در مجموع برای اصلاح روند جاری می‌توان به شرح زیر، راهکارهایی ارائه کرد:

از زیبایی کلی از مقررات ناظر به مساجد، آن است که آن مقررات، بیشتر در پی آن بوده‌اند که مساجد را به «ابزار قدرت» و دفاع از بقای آن، تبدیل کنند تا آن‌که از آن‌ها برای کنترل یا اصلاح قدرت در پرتو مبانی دینی یا افکار عمومی، استفاده شود. از این رو، ضمن آن‌که بایستی اصولاً مراجع دینی خارج از قدرت رسمی، نهادهای مدنی و عموم مردم، متولی تدوین و تصویب آن مقررات باشند و یا حداقل نمایندگان از مردم و نهادهای مدنی در تدوین و تصویب آن‌ها دخالت داشته باشند، اصلاح مقررات موجود از منظر تغییر نگاه ابزاری به مساجد از جمله خارج ساختن آن‌ها از ابزارهای تبلیغاتی قدرت، الزامی است.

علاوه بر آن بایستی نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا، نمایندگان نهادهای مدنی، هنرمندان، فرهنگیان، نویسندگان و نمایندگان مراجع تقلید در ترکیب مراجع کلیدی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری

در این باره، حضور داشته باشند تا در کنار بازتاب نگاه قدرت رسمی، مطالبات و نگرشی بخش‌های خارج از قدرت نیز شنیده شود؛ توضیح آن که بایستی نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی (به‌ویژه، نمایندگان تهران)، شورای عالی استان‌ها و شورای شهر تهران در ترکیب مرکز رسیدگی به امور مساجد ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور، شورای هیئات مذهبی، کانون مداحان و ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور - به‌عنوان عالی‌ترین مراجع تصمیم‌گیر در حوزه مساجد - حضور داشته باشند و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا در مراجع یاد شده در سطح استان‌ها و شهرها و روستاهای مربوطه، حضور یابند.

از این رو برای ایفای نقش اجتماعی مساجد، تغییر در ترکیب مراجع مربوطه از طریق افزودن نمایندگان مردم در آن‌ها، تقویت نقش کنترلی، اصلاحی و انتقادی مساجد از طریق انتخاب امامان جماعت و مدیران مردمی، کاهش حضور نمایندگان قدرت رسمی در مراجع سیاست‌گذاری و نظارت بر مساجد، الزامی است.

راهکار دیگر بر هويت بخشی حقوقی به مساجد، استوار است. رویه قضایی کشور در شناخت متولی اصلی مساجد به‌منظور تحمیل مسؤلیت‌های حقوقی و کیفری بر آن‌ها دچار اختلاف است و به‌طور قطعی، معلوم نیست که از میان مؤسس یا مؤسسان، هیئت‌امنا، امام جماعت، مرکز رسیدگی به امور مساجد، امام‌جمعه شهر مربوطه، اداره تبلیغات اسلامی شهر مربوطه، کانون مداحان و ... چه شخص یا نهادی در برابر مراجع قضایی، مسؤلیت کیفری یا حقوقی دارند؟

به نظر می‌رسد در زمان تأسیس، ساخت و یا توسعه فیزیکی و کالبدی مساجد، تحمیل مسؤلیت‌های کیفری و حقوقی بر پیمانکار مربوطه، انکارناپذیر است<sup>۱</sup> و اصولاً هیئت‌امنا یا مؤسس یا مؤسسان در مقام کارفرما مسؤلیتی ندارند. برخی رویه‌های قضایی بر مسؤلیت هیئت‌امنا دلالت دارند<sup>۲</sup>. هر چند اجماعی در این باره، وجود ندارد. به‌ویژه در مورد مصلاهای نماز جمعه - به‌مثابه مساجد جامع هر شهر - این مسئله بایستی از حیث قضایی، بررسی و موضع قاطعی از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور در این باره به دادگاه‌ها اعلام شود.

از حیث نظری، تحمیل مسؤلیت بر نماینده هیئت‌امنا در زمان فعالیت مساجد، راهگشا است. این نماینده می‌تواند امام جماعت باشد؛ به‌ویژه با این قرینه که حسب

۱. ماده ۱۳ قانون کار

۲. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۵۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ شعبه ۲۱۱ حقوقی بدوی تهران

مقررات جاری، تأیید صلاحیت اعضای هیئت‌امنا، خادم و سایر مسئولان مساجد و نظارت بر کارکردهای کلی مسجد از جمله هیئت‌ها و مداحان و ... با امام جماعت است. در عمل، چنین رویه‌ای می‌تواند به شانه خالی کردن امامان جماعت از این مسئولیت پیچیده و نهایتاً خالی ماندن مساجد از آنان بیانجامد.

هم‌چنین، اعطای استقلال حقوقی به مساجد با الهام از رویکرد قانون‌گذار در پذیرش استقلال حقوقی بقاع متبرکه موقوفه<sup>۱</sup> در هویت بخشی حقوقی به مساجد، مؤثر است؛ چنین رویکردی در مورد مساجد موقوفه شاید با مشکلات حقوقی چندانی روبه‌رو نباشد اما تسری آن به مساجد غیرموقوفه، نیازمند تصریح قانون‌گذار و البته در عمل، دشوار است و احتمالاً با مقاومت نهادهای رسمی، روبه‌رو شود؛ زیرا استقلال حقوقی، مستلزم عدم امکان دخالت مستقیم و استصوابی آن نهادها در امور اداری و مالی و تصمیم‌گیری درونی مساجد و مشتمل بر تملک انحصاری آن‌ها بر اموال، دارایی‌ها و تعهدات خود است.

ناگفته نماند که در یک نگاه واقع‌بینانه و از منظر فلسفه و کارکرد قدرت رسمی، مساجد - به مثابه مصداق مهمی از نهادهای فرهنگی جامعه - را نمی‌توان از نظارت، مستثنای کرد؛ زیرا صرف‌نظر از نقش بنیادین آن‌ها در پیدایش انقلاب اسلامی و تأمین و تقویت انقلاب به‌ویژه، حمایت از آن و تمامیت ارضی کشور در جنگ هشت‌ساله، پیش‌فرض لزوم مقابله با عرفان‌های مجازی و رویکردهای معرفتی غرب‌مدار یا برخی انحرافات در انگاره‌ها و آیین‌های دینی، اقتضا می‌کند که قدرت رسمی بر مدیریت کلی مساجد، نظارت کند اما روند روزافزون حکومتی و دولتی‌سازی این نظارت و سطوح، ابعاد و مراتب آن نظارت را مطلق و بلامنزاع کرده که بایستی به شرح پیش‌گفته، اصلاح شود.

در پایان، آسیب‌شناسی مقررات و ضوابط جاری مربوط به مساجد و اداره‌کنندگان و ناظران رسمی آنان با پیش‌فرض احیای بُعد مردمی و سنتی آن مراکز می‌تواند تا حدی از سرعت روزافزون دولتی‌سازی مساجد بکاهد و آن‌ها را به جرگه نهادهای تأثیرگذار اجتماعی و فرهنگی و عرصه‌ای برای گسترش همدلی و وحدت در کشور برگرداند.

## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که مساجد نه در زمره واحدهای دولتی و عمومی رسمی و نه جزء فهرست مؤسسات عمومی غیردولتی<sup>۲</sup> و نه مشمول مفهوم بخش خصوصی‌اند.<sup>۳</sup> این

۱. ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲

۲. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹

۳. در برخی نوشته‌ها تلاش شده که ویژگی‌های سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) به مساجد، تعمیم یابد؛ رک: صدیقی و فقیه حبیبی، ۱۴۰۰.

برداشت نیز که مساجد «در زمرهٔ اشخاص حقوقی نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی اند» (صداقتی، ۱۳۹۲: ۳) چندان دقیق نیست. به نظر می‌رسد آن مراکز، ماهیت مؤسسات عمومی عام‌المنفعه دارند و عوامل آن‌ها نیز در زمرهٔ مأموران به خدمت عمومی اند که از حیث شروع فعالیت و کارکردهای خود، مشمول نظارت‌های مقامات و نهادهای رسمی دولتی و حکومتی به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، در طول تاریخ اسلام، جنبهٔ مردمی بودن مساجد از حیث پیدایش، فعالیت و نظارت بر کار ویژه‌ها و نقش اجتماعی آن برجسته بوده است. باین‌حال در دهه‌های اخیر، به سبب ماهیت اسلامی نظام مستقر و برای اجرای آرمان‌ها و منویات رهبران آن، جلوگیری از انحراف مساجد و نشر افکار ناسازگار با انگاره‌های رسمی، به تدریج، نحوهٔ مدیریت مساجد و به‌ویژه نقش مقام‌ها و نهادهای رسمی در تأسیس و فعالیت و تنظیم کارکردهای آن برای سازگاری و همسویی با خط‌مشی‌های ابلاغی، تغییر یافته است.

علاوه بر آن، اصولاً عبادت آزادانه و فارغ از تعلقات سیاسی، نژادی و... در زمرهٔ حق‌های مقرر در اسناد حقوقی جهانی است که البته از پایگاه سکولاریسم بدان پرداخته‌اند اما در اندیشه‌های حقوقی ایران پساانقلاب با نفی مبنای لائیسیتیه و سکولاریسم در حوزهٔ آزادی دینی و مذهبی، کوشیده شده که فارغ از عدم جواز تغییر دین از اسلام به ادیان دیگر و به‌تبع آن، انجام مراسم و مناسک دینی در مراکز و مؤسسات مرتبط، نوعی ایدئولوژی سیاسی به کار گرفته شود که از رهگذر آن، ضمن حفظ و استمرار نگرش و جهت‌دهی ویژهٔ حکومت و دولت، عناصر ادارهٔ مساجد شامل اعضای هیئت‌امنا، امام جماعت، خادم یا خادمان، هیئت‌ها، مداحان و فعالان کانون‌های فرهنگی و هنری باید با منویات، سوگیری‌ها، آرمان‌ها و خط‌مشی‌های کلی نهادهای رسمی دولتی و حکومتی همسو و سازگار باشند و حداقل با آن‌ها ناسازگاری عقیدتی و رفتاری نداشته باشند. حضور و اشراف آن نهادها در تأسیس، آغاز به فعالیت، کارکردهای مالی و عمرانی و فرهنگی و مذهبی، نصب و عزل اداره‌کنندگان دیده می‌شود.

با لحاظ مراتب یاد شده، فرایند پرشتاب و چندلایهٔ دولتی و بلکه حکومتی‌سازی مساجد می‌تواند آرمان‌های مربوط به آزادی‌های مذهبی شهروندان مقرر در اسناد جهانی را کم‌رنگ، جلوه دهد و تحت‌الشعاع نظارت استصوابی نمایندگان قدرت رسمی کند و به تدریج، آن آزادی‌ها را محدود یا منحصر به اقلیت جامعه کند.

۱. مأموران به خدمت عمومی جزء مستخدمان رسمی دولت نیستند؛ اما کارکردهای عمومی دارند. مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه، امامان جمعه و جماعت، نهادهای مردم‌بنیاد، خیریه‌ها و... در زمرهٔ آن مأموران به شمار می‌روند.

به نظر می‌رسد ادعاهایی مانند «بسته بودن درب تعداد ۵۰ هزار مسجد از بین حدود ۷۵ هزار مسجد در کشور» - به فرض واقعی بودن - بازتاب برخی دخالت‌های نابجا در اداره مساجد یا سخت‌گیری در این عرصه است.

در مجموع، «حق بر عبادت» به‌مثابه یک حق بشری نبایستی تحت‌الشعاع مدیریت و نظارت چندلایه حکومت و دولت بر تأسیس، ساخت و اداره مساجد و جهت‌دهی به کارکردهای آن‌ها، قرار بگیرد. درعین‌حال که نظارت‌های متعارف به‌شرط دخالت مؤثر نمایندگانی خارج از حکومت و دولت و منتخب مراجع و نهادهای مردمی می‌تواند این تعامل قدرت با مساجد را متعادل و موجه سازد.

در حال حاضر، به دلیل اداره مساجد بر اساس تصمیمات و اقدامات نهادهای وابسته به قدرت و خلاء حضور نمایندگان نهادهای مردمی یا مراجع دینی مستقل، حق یاد شده - آن‌طور که باید و شاید - مورد حمایت قرار نگرفته و راهکارهای ارائه شده در پژوهش حاضر می‌تواند به بازسازی نقش دینی - اجتماعی مساجد بیانجامد.

## تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

## ORCID

Javad mahmoudi  <https://orcid.org/0000-0001-7254-8049>

## منابع و مآخذ

- اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸
- اساسنامه ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور مصوب ۱۳۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اساسنامه شورای نمایندگان مقام معظم رهبری و دفاتر آن‌ها در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.
- اساسنامه شورای هیئات مذهبی مصوب ۱۳۹۱.
- اساسنامه کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸.
- اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸.
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰.
- آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳.
- خبرگزاری بسیج، مورخ ۱۴۰۰، کد خبر: ۹۳۹۶۹۳۴.
- خیری اصل، خیرالله (۱۳۹۲). نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی (به روایت اسناد). تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دادنامه شماره ۲۹۳۵، مورخ ۱۴۰۰، پرونده شماره ۹۹۰۱۳۰۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره ۲۴۰۵۲۴۰۲۷۰۴۰۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۴ شعبه ۲۱۱ دادگاه حقوقی تهران.
- دستورالعمل اجرایی طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان» مصوب ۱۳۹۸ معاونت فرهنگی قوه قضائیه.
- دستورالعمل صدور مجوز تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد مصوب ۱۴۰۰ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار.
- صدقاتی، کیوان (۱۳۹۲). جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران. روزنامه حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳.
- صدقاتی، کیوان و فقیه حبیبی، علی (۱۴۰۰). سازمان اداری مسجد و سنجش‌های سمن در نظام حقوقی ایران: تقابل یا تقارن؟ فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۲۳ (۷۳): ۲۵۳-۲۷۷. doi:org/10.22054/qjpl.2021.56993.2527.
- طرح حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی.
- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.
- قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲.
- قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳.

قانون کار مصوب ۱۳۶۹.

قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعدی.

لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب ۱۳۵۹.

میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶.

نظر شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۴.

نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۲

وبگاه خبری خبر آنلاین، مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۱، کد خبر: ۱۷۷۲۹۵۶.

Ali Attari Madani, A. (2018). **How should the Masjid administration be? At:** <https://www.dawateislami.net/magazine/en/qualities-to-possess/masjid-administration>.

Basij News agency, dated 2021, News code: 9396934. [in persian]

Decision No. 2935, dated 2022, file No. 9901304 of the General Board of the Administrative Court of Justice. [in persian]

Decision No. 9409970270400524 dated 2015 Branch 211 of Tehran Legal Court. [in persian]

Declaration of Islamic Human Rights approved in 1990. [in persian]

Expert opinion of Islamic Council Research Center dated 2013. [in persian]

Implementation instructions of the plan "Each mosque, a lawyer" approved on 2009 by the Cultural Vice-Chancellor of the Judiciary. [in persian]

Instructions for Issuing Permits for the Establishment of Cultural and Artistic Centers of Mosques, approved on 2021 by the Minister of Culture and Islamic Guidance. [in persian]

Instructions on the subject of Article 4 of the regulations on the exclusion of the servants and employees of the Blessed Beqaa, mosques, hosseiniyehs, takayas, endowment schools of religious sciences and general non-production endowments from the inclusion of articles of the labor law. [in persian]

International Covenant on Civil and Political Rights approved in 1966. [in persian]

Islamic Republic of Iran Police Force Employment Law approved 2003. [in persian]

Islamic Revolutionary Guard Corps Employment Regulations Law approved on 1391 with subsequent amendments. [in persian]

Javan Arasteh, H. (2014). Masjid and its management: Issues and challenges, International Conference of Masjid, Zakat and Vaghf.

Khabar online news website, dated 2023, News code: 1772956. [in persian]

Khair Asl, K. (2014). The role of the mosque in the victory of the Islamic revolution (according to the Savak documents). Tehran: Cultural and artistic institute and publications of the Islamic Revolution Documentation Center. [in persian]

Labor Law approved in 1990. [in persian]

- Ongaro, E. and Tantardini, M. (2023). Religion and Public Administration, Edward Elgar Publication.
- Regulations of the support and coordination headquarters of the country's mosques, approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution on 2005. [in persian]
- Regulations on the exclusion of Servants and employees of Bekaa Mutbarakah, mosques, hosseiniyehs, takayas, religious schools and general non-production endowments from the inclusion of articles of the labor law approved in 1995. [in persian]
- Sadaghati, K. (2014). The position of the mosque in Iran's legal system. Judicial support newspaper, No. 2893. [in persian]
- Sedaghati, K. and Faqih Habibi, A. (2022). The administrative organization of the mosque and the parameters of Seman in Iran's legal system: opposition or symmetry? Public Law Quarterly, No. 23 (73):253-277 doi: org/10.22054/qjpl.2021.56993.2527 [in persian]
- Statute of the Council of Representatives of the Supreme Leader and their offices in universities approved on 1999 with subsequent amendments. [in persian]
- The charter of praiseres Association approved in 2009. [in persian]
- The charter of the center for dealing with the affairs of mosques, approved in 1989. [in persian]
- The Charter of the coordinating headquarters of the cultural and artistic centers of the mosques of the country approved on 2018 by the Supreme Council of the Cultural Revolution. [in persian]
- The Charter of the council of religious bodies approved in 2021. [in persian]
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran approved in 1980 with the amendments of 1990. [in persian]
- The Guardian Council Opinion, dated 2015. [in persian]
- The Law of the Army of the Islamic Republic of Iran approved in 1989 with subsequent amendments. [in persian]
- The law on the list of public non-governmental institutions and institutions approved on 1394. [in persian]
- The legal bill not to include the provisions of the labor law regarding employees of revolutionary institutions approved on 1980. [in persian]
- The plan to support the management, construction, equipping and renovation of mosques and prayer houses in the country approved on 2015 by the Islamic Council. [in persian]
- The statutes of the Islamic Propaganda Organization approved on 1999. [in persian]
- The Universal Declaration of Human Rights adopted in 1948. [in persian]





## Government approaches regarding the mosque policy in the Islamic Republic of Iran

**Meysam Farokhi** , Associate Professor, Department of Communication and Cultural Studies, Refah Faculty, Tehran, Iran. Email: [Farokhi@refah.ac.ir](mailto:Farokhi@refah.ac.ir)

**Introduction:** One of the realities that strongly affects culture and cultural institutions such as mosques is the political power or government, and in this context, the main discussion is determining the limits and gaps for the emergence and emergence of government in the domain of the mosque. It seems that the need to conduct applied research in the field of policy making and administration of mosques is more important than ever, because other issues related to mosques have been affected by the political and management affairs of these religious institutions, and perhaps the transformation and change of the policy making process will lead to reform. Other fields and areas should be in the area of mosques. In this regard, the aim of the mentioned article is to present the approaches of the government regarding the mosque policy in the Islamic Republic of Iran.

**Methods:** Based on the theme analysis process, descriptive coding was done by reading the interviews written by the researcher line by line, and based on this, descriptive themes were assigned to the sections of the interviews. After descriptive coding, by continuously comparing the descriptive codes several times, and by combining them, interpretation codes were produced that showed the interpretation of several descriptive themes in the form of an interpretive theme. These interpretive codes were sometimes one of the descriptive codes under which a number of other descriptive codes were placed, and with interpretive modifications, they became comprehensive of the meanings of the codes under their collection, or it was a new interpretive code that the researcher created to consolidate the meaning of several descriptive codes. was producing By continuing to compare and analyze the interpretative themes, finally, the experts' views on the government's approaches to the mosque policy in the Islamic Republic of Iran were counted, in which the support, guarantee, monitoring and contingency approaches were explained as the organizing themes. In the support approach, actions such as predicting and allocating free land to people for building mosques, freeing water, electricity and gas costs for mosques, allocating and providing funds for mosques, providing livelihood for imams and khudams, designing and building mosques, preparing statistics and accurate per capita of mosques, looking at the guarantee approach of activities such as the approval of laws and regulations around mosques, reducing the bureaucratic process around mosques, the inclusion of people's taxes to mosques by the government, regarding the supervisory and contingency approach, and measures including monitoring the structural issues of mosques and paying attention to Time and place requirements are important.

**Results:** The descriptive results obtained from the collected data show that in the age group variable, 48.7% of the respondents are from 18 to 22 years old,



31.3% from 22 to 25 years old, 7.3% from 25 to 30 years old and 17% are more than 30 years old. Regarding the library membership variable, 24% of the respondents are members of the university library, 28.7% are members of city libraries, 10% are members of other libraries and 37.3% are not members of any library. Regarding the level of education, it should be noted that 77.7% of the respondents are in bachelor's degree and 22.3% are in master's degree. Also, 30.3% of respondents are employed and 69.7% are unemployed. Regarding the marital status, the collected data shows that 71.7% of the respondents are single and 28.3% are married. The results showed that in the field of economic factors, the components of "Amount of personal capital", "Amount of monthly salary" in the field of cultural factors are "tendency to the literature, history and culture of the country", "a person's educational qualification" and "participation in cultural and artistic exhibitions" and in the field of management factors, the components "organization of cultural actions in the society", "inconsistency of cultural management in the society" and "Monitoring the performance of cultural institutions" is the most important influencing factor in promoting the reading culture in the society from the perspective of Tehrani students. The findings from the data analysis showed that the managerial and cultural factors related to the promotion of reading culture in the study community were evaluated as favorable (good), but from the students' point of view, the economic factor as one of the influencing factors in the reading culture is relatively favorable (to the extent medium) were considered. In other words, managerial, cultural and economic factors were studied, respectively, among the effective factors on promoting the reading culture in the society.

**Keywords:** Theme analysis, Islamic Republic of Iran, government, policy-making approaches, policy-making, mosque

## رویکردهای حکومت پیرامون خطمشی گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران

میثم فرخی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از واقعیت‌هایی که فرهنگ و نهادهای فرهنگی همانند مساجد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد قدرت سیاسی یا حکومت است که در این زمینه بحث اصلی تعیین حدود و ثغور ظهور و بروز حکومت در حوزه مسجد می‌باشد. در این راستا هدف مقاله مذکور ارائه رویکردهای حکومت پیرامون خطمشی گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این راستا تلاش شده با استفاده از روش کیفی و با استفاده از ۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان مسجد بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر روش تحلیل مضمون، رویکردهای مذکور احصا گردند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حکومت می‌بایست چهار رویکرد حمایتی، ضمانتی، نظارتی و اقتضایی را ملاک عمل خود در حوزه مساجد قرار دهد. در رویکرد حمایتی اقداماتی مانند پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم جهت احداث مساجد، رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد، اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد، تأمین معیشت امامان جماعت و خدام، طراحی و ساخت مساجد، تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد، ناظر به رویکرد ضمانتی فعالیت‌هایی مانند تصویب قوانین و مقررات پیرامون مساجد، کاهش روند بروکراتیک پیرامون مساجد، لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت، پیرامون رویکرد نظارتی و اقتضایی نیز اقداماتی شامل نظارت در مسائل ساختاری مساجد و توجه به اقتضائات زمانی و مکانی حائز اهمیت می‌باشد. در این زمینه باید اشاره نمود که رویکرد اقتضایی به‌مثابه چتر حاکم بر سایر رویکردهاست که بر اساس شرایط زمانی- مکانی و نیز سنخ و گونه شناسی مساجد سایر رویکردها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

### واژگان کلیدی

تحلیل مضمون، جمهوری اسلامی ایران، حکومت، رویکردهای خطمشی گذاری، سیاست گذاری، مسجد.

## مقدمه

مسجد، از زمان ظهور اسلام به عنوان نماد این شریعت آسمانی مطرح شده است. علت نامگذاری آن بدین جهت بوده که «در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است» (ضرابی، ۱۳۸۴: ۲۷۰). این نهاد فرهنگی و ارتباطی از فعال‌ترین نهادهای دینی در اسلام محسوب می‌شده که «به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به‌عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل نموده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، بلکه به‌عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است» (Mowlana, 1996: 148). به‌عبارت‌دیگر مساجد به‌عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و آموزشی تلقی می‌شده است. این مکان شریف و مقدس در واقع قلب تپنده جامعه اسلامی به شمار می‌آید اما متأسفانه امروز پس از گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف برای رفع نیازهای مادی و معنوی مردم چنین احساس می‌شود که پایگاه اصلی این حرکت که مساجد می‌باشند مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است و جایگاه خود را در منظومه فرهنگی، ارتباطی، تربیتی و دینی پیدا نکرده است و حتی می‌توان اشاره نمود که شاهد کم‌رنگ شدن نقش مساجد در جامعه هستیم. این بی‌رونقی حتی در زمینه رسالت اولیه مساجد، برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی هم محسوس است<sup>۱</sup>. این در حالی است که بالغ بر ۷۹ هزار مسجد در کشور وجود دارد که گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی را در جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند<sup>۲</sup>؛ اما نیازمند مدیریت و سیاست‌گذاری خلاق و پویا در سطح کلان جهت بهره‌برداری بهتر و دقیق‌تر از این نهادهای دینی است.

از طرف دیگر یکی از واقعیت‌ها که فرهنگ و نهادهای فرهنگی (مانند مساجد) را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد قدرت سیاسی یا حکومت است؛ هرچند عوامل چندی چون رفاه مادی، عدالت اجتماعی، دین و مذهب، شرایط تاریخی و ... در رشد و تعالی هر جامعه یا رکود و واپس ماندگی آن نقش دارد؛ به‌عبارت‌دیگر «امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و

فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد» (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵۲). «دولت‌ها هم به لحاظ تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی بر عهده می‌گیرند و در این جهت نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند و در مجموع تأثیر چشمگیر ایجاد می‌کنند.» (همایون و فروزان، ۱۳۸۸: ۶۴).

در این راستا به نظر می‌رسد پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد می‌بایست به تبیین رابطه حکومت و مسجد (تعیین حدود و ثغور مداخله حکومت در حوزه مساجد) پرداخت. چراکه در ارتباط با موضوع مذکور (حضور یا عدم حضور حکومت در مساجد) دو نگاه کاملاً متفاوت وجود دارد: «عده‌ای معتقد بر عدم دخالت دولت - به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت - در امر مسجد می‌باشند و این حضور را زمینه روگردانی و کاهش استقبال مردم در مدیریت و مشارکت فعال در مساجد می‌دانند. دلایلی را که این گروه برای صحت و تأیید نظرهای خویش می‌آورند. به‌طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد: مسجد یک نهاد مدنی و غیردولتی است و غالب مساجد کشور از صدر اسلام تاکنون توسط مردم با شکل‌دهی کمک‌هایی شامل نذورات، سنت حسنه وقف و... بنا شده است. در ادوار گذشته که این همه مساجد در نهایت زیبایی و ظرافت ساخته شده است و مردم تمامی ذوق و سلیقه‌های خود را در مساجد به کار برده‌اند و دولت‌ها نقشی آن‌چنانی در ایجاد یا کمک به آن نداشته‌اند؛ اگرچه مساجدی که در قالب مساجد سلطانی یا ارگ و... مشهور بوده‌اند و توسط دولت‌ها ساخته شده‌اند، این ناشی از اهمیت و جایگاهی بود که مسجد در بین مردم دارا بوده و شاهان و سلاطین سعی نموده‌اند از طریق ساخت مساجد تظاهر به تدین و دینداری و استفاده از احساسات عام مردم نمایند. وقتی مردم خودشان هزینه ساخت و نگهداشت مساجد را می‌پردازند تمایلی ندارند که در زمان بهره‌برداری، نهادهای دولتی و... در مدیریت و اداره آن و چگونگی انتخاب ائمه جماعات و فعالیت و اجرای برنامه دخالت نماید. این عامل موجب کم‌میلی و عدم رغبت در ساخت و تجهیز مساجد می‌شود.

در مقابل عده‌ای که موافق حضور دولت هستند، اعتقاد دارند، مساجد با توجه به گستردگی و وسعتی که در سطح کشور دارند، در توان مردم نیست (با توجه به شرایط معیشتی و وضع اقتصادی موجود) که بتوانند این حجم عظیم را ساخت و تجهیز و

بازسازی نمایند. به‌همین دلیل ضروری است، دولت به کمک مساجد بشتابد. به اعتقاد این گروه مردمی اداره شدن مساجد، یعنی همه‌چیز مساجد رها باشد و دولت هیچ‌گونه کمکی به این پایگاه‌های معنویت و انسان‌سازی ننماید نگرشی درست و عمیق به مقوله مسجد نیست... به اعتقاد آنان همین دیدگاه (مردمی اداره کردن مسجد) سبب شده تا برخی شرکت‌های دولتی با مساجد معامله تجارتخانه‌ای کرده و پول آب و برق آن را هم به قیمت تجاری محاسبه کنند...» (موظف رستمی، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۷۶).

در این راستا باید اشاره نمود که پیرامون دخالت حکومت در حوزه فرهنگ برخی به پیروی از اصول لیبرالیسم اقتصادی، نظریه لیبرالیسم فرهنگی را مطرح می‌نمایند و بر این اعتقادند که دولت نباید هیچ‌گونه دخالتی در این عرصه داشته باشد زیرا این دخالت را منافی آزادی فرد می‌دانند و درست در نقطه مقابل برخی معتقدند که دولت باید این عرصه را کاملاً در اختیار خویش گیرد نظریه‌ای که بیشترین طرفداران خویش را در دولت‌های توتالی‌تر و تمامیت‌خواه می‌یابد. همین امر مسئله اصلی مساجد است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دست‌به‌گریبان آن بوده‌اند به‌عبارت‌دیگر چالش جدی در حوزه مساجد همانا فقدان سیاست‌گذاری واحد پیرامون این نهاد دینی (تعیین حدود و ثغور مداخله حکومت در حوزه مسجد) است؛ بنابراین به نظر می‌رسد لزوم انجام تحقیقات کاربردی در حوزه سیاست‌گذاری و اداره مساجد بیش‌ازپیش حائز اهمیت می‌باشد چراکه دیگر مسائل مرتبط با مساجد متأثر از امور سیاستی و مدیریتی این نهادهای دینی بوده است و چه‌بسا تحول و تغییر فرایند سیاست‌گذاری، باعث اصلاح سایر زمینه‌ها و حیطه‌ها در حوزه مساجد شود. با توجه به مطالب فوق در این مقاله محقق در پاسخ به این سؤال که رویکردهای حکومت پیرامون خط‌مشی‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ تلاش نموده با توجه به رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی، ابتدا با طیف وسیعی از خبرگان که همگی از مسئولان و صاحب‌نظران در حوزه مسجد (شامل اساتید دانشگاه، روسا و مدیران اجرایی سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد) بودند به مصاحبه بپردازد و دیدگاه آن‌ها نسبت به رویکردهای ظهور و بروز حکومت در حوزه مسجد را احصا نماید و در ادامه داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده را با بهره‌گیری از سازوکار تحلیل مضمون در سه مرحله شامل کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و کدگذاری یکپارچه ساز مورد تحلیل قرار دهد.

## پیشینه پژوهش

در حوزه مسجد به صورت عام تحقیق‌ها و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که عمده پژوهش‌ها به موضوع‌هایی از جمله معماری، تعمیر و مرمت مساجد، مسجد در نگاه آیات و روایات، جاذبه‌های مسجد، مسجد و جذب جوانان و نوجوانان، کارکردهای مسجد، تاریخ بناهای مساجد پرداخته‌اند؛ اما در موضوع پژوهش مذکور با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق - علی‌رغم تعدد تحقیقات در حوزه مسجد - پیشینه جدی در حیطه سیاست گذاری فرهنگی - ارتباطی مسجد و یا رابطه حکومت و مسجد مشاهده نشد. حتی می‌توان عنوان نمود که پیرامون سیاست گذاری فرهنگی سایر پایگاه‌ها و مجراهای ارتباطات سنتی (نظیر هیئت، حسینیه، تکایا، نماز جمعه و...) نیز - علی‌رغم پیگیری و بررسی پژوهشگر - سابقه و پیشینه‌ای قابل توجهی حاصل نگردید؛ اما با این وجود برخی پژوهش‌های حوزه مساجد - پیرامون موضوع پژوهش مذکور - در جدول ذیل ذکر شده است.

### پیشینه پژوهش

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
فرخی (۱۳۸۹)	رهبری در مسجد: مطالعه موردی مسجد صفا	محقق به بررسی رهبری حجت‌الاسلام سید حسن علوی در مسجد صفا پرداخته است و تلاش می‌کند به ارائه مؤلفه‌های موفقیت رهبری وی در این مسجد بپردازد
کرم‌الهی و کاشانی‌زاده (۱۳۹۱)	تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران	پژوهشگران به مسائل و آسیب‌های مربوط به نهاد مسجد در سه حوزه کلی شامل: ۱. حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۲. عناصر، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط و دخیل در اداره مسجد و ۳. نهادها و سازمان‌های مذهبی و فرهنگی موازی با مسجد می‌پردازند. این سه حوزه در بردارنده تمامی مسائل پیرامون مسجد است.
طالبی (۱۳۹۳)	ارتباطات گروهی و فرهنگ بسیجی: طرح صالحین در پایگاه‌های بسیج مساجد شهر تهران	پژوهشگر با تطبیق مشخصات ارتباط گروهی در طرح صالحین با چهارچوب ارتباط گروهی در اسلام، به مزایا و معایب طرح پرداخته است
لطفعلی‌زاده (۱۳۹۳)	مسجد و ارتباطات گروهی با نوجوانان مورد بررسی: چهار مسجد شهر تهران	پژوهشگر پس از بیان مختصات ارتباطات گروهی، فرایند تربیتی نوجوانان را در چهار مسجد تهران بحث و بررسی کرده است.

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
امینی هرندی (۱۳۹۴)	توسعه فرهنگی محله‌ای پایدار مسجدمحور: مورد مطالعه یکی از مساجد تهران	پژوهشگر کوشیده است نوعی از توسعه فرهنگی محله‌ای را ارائه کند که محوریت آن با مسجد باشد
فرخی و خلجی (۱۴۰۰)	کارکردشناسی فرهنگی-ارتباطی مساجد دانشگاهی؛ مورد مطالعه مساجد دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شریف	در این پژوهش با روش تحقیق کیفی و تحلیل مضمون و انجام نمونه‌گیری هدفمند کارکردهای ویژه فرهنگی-ارتباطی مسجد دانشگاهی شامل کارکرد آموزشی، روشنگری، فرهنگ‌سازی، تبلیغی، خدمت‌رسانی، اطلاع‌رسانی، ارتباط با مخاطب و ارشادی، بررسی و شناسایی شده‌اند.
عبدالعظیم احمد (۲۰۲۴)	مساجد اسلامی معاصر بریتانیا	در این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی مبتنی بر کارهای میدانی و مطالعات موردی قوم‌نگاری و بررسی پایگاه داده‌ها و اسناد تاریخی معاصر بریتانیا مساجد را به‌عنوان فضاهاى اجتماعى، فرهنگى و سیاسى موردبىحث قرار مى‌دهد و نقش آن‌ها را در بحث‌های کلیدی معاصر، از جمله تقاطع مساجد با سیاست روشن می‌کند. تغییر مکان مساجد به‌عنوان فضاهاى اجتماعى، فرهنگى و سیاسى از جمله نتایج مهم پژوهشى است.
ریزجی و دیگران (۲۰۲۳)	بنگاه اجتماعی اسلامی مسجد محور: رویکردی نوین برای تحول مدیریت مساجد	این مقاله به بررسی پتانسیل شرکت اجتماعی اسلامی مبتنی بر مسجد (MBSISE) به‌عنوان رویکردی جدید در تحول مدیریت مسجد می‌پردازد. در اندونزی، با تمرکز بر واحدهای تجاری مساجد می‌پردازد. این مقاله از رویکرد ترکیبی با انجام مطالعه ادبیات مبتنی بر اخبار آنلاین و مقالات مجلات علمی با تمرکز بر واحد تجاری مسجد به‌عنوان نماینده MBSISE استفاده کرده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از فن تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که حداقل ۶۱ مسجد دارای واحد تجاری هستند. بیش از ۵۰ درصد مساجد در منطقه جاوه هستند. بیشتر تجارت، اجاره‌داری‌های مساجد مانند تالارها، حیاط مسجد و مغازه‌ها است. بیشترین منبع وجوه از کمک‌های اهدایی به‌عنوان سرمایه برای واحدهای تجاری (انفاک) جمع‌آوری می‌شود.

خلاصه نتایج	عنوان پژوهش	نام پژوهشگر
<p>این مطالعه از یک پارادایم اسلامی با رویکرد قوم‌شناسی اسلامی برای بررسی شیوه‌های مالی مساجد استفاده می‌کند. در این تحقیق از داده‌های اولیه که از طریق مصاحبه و مشاهده به‌دست آمده و از داده‌های ثانویه که شامل مستندسازی سوابق اطلاعات مالی مسجد در کتاب‌ها و تابلوهای اطلاعاتی است، استفاده شده است. داده‌ها در پنج مرحله صدقه، معرفت، ایمان، اطلاعات و حیاتی و اعمال خیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شیوه‌های مالی مساجد بر سه ارزش اصلی اخلاص، مسئولیت‌پذیری و امانت استوار است. مفهوم این تحقیق ارائه مفهوم شیوه‌های مالی مساجد بر اساس ارزش‌های ایمان و ترس از خدا می‌باشد. نتیجه‌گیری می‌شود که مالی مسجد فقط مربوط به مادیات (پول) نیست، بلکه احساس ایمان به خالق است. تحقیقات بیشتر می‌تواند مالی مسجد را با استفاده از سایر رویکردهای نظری اجتماعی مانند پدیدارشناسی اسلامی مورد مطالعه قرار دهد.</p>	<p>رویکرد قوم‌شناسی اسلامی برای بررسی شیوه‌های مدیریت مالی مسجد</p>	<p>محمد انور (۲۰۲۳)</p>
<p>در این مقاله سعی شده است تا نحوه اداره و فعالیت مساجد در حمایت از اندیشه‌های ارزش‌های تسامح اسلامی مورد بررسی قرار گیرد تا چگونگی شیوه‌های جدید نشان داده شود... از زمانی که رویکرد ارزش‌های تساهل اسلامی توسط دولت مالزی در سال ۲۰۰۴ معرفی شد، مساجد در سراسر کشور به‌طور فعال راه‌های جدید بهبود زندگی مسلمانان را ترویج کردند. این پژوهش تلاشی است برای بررسی نحوه اداره و فعالیت‌های مساجد در حمایت از اندیشه‌های ارزش‌های تسامح اسلامی. خطبه‌های جمعه، موعظه‌های دینی، مجالس و همچنین برگزاری رویدادهای مختلف در تقویم اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا چگونگی ارتقای درک جدید از اسلام را نشان دهد.</p>	<p>تحول مدیریت مساجد از طریق مفهوم موسسه اجتماعی اسلامی</p>	<p>انفانی (۲۰۲۰)</p>

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
عمار و دیگران (۲۰۱۹)	توسعه شهر اسلامی از طریق شبکه مسجد	از شبکه مسجد می‌توان برای ایجاد مرکز تحولی استفاده کرد که بتواند خدماتی را به جامعه ارائه دهد. این خدمات شامل کلاس‌های اجتماعی، جمع‌آوری و توزیع زکات، صدور گواهی حلال و غذاخوری برای گرسنگان و نیازمندان خواهد بود. این برنامه مفهومی ارتقای کیفیت خدمات را از طریق مشارکت استراتژیک بین دولت، صنعت و جامعه معرفی می‌کند که منجر به ارتقای کارآفرینان و شکوفایی آن می‌شود. این برنامه مدل چهارگانه هلیکس (QHM) را ارائه می‌دهد که دولت، دانشگاه، صنعت و شهروند را به‌عنوان بازیگر اصلی این برنامه درگیر می‌کند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مسجد می‌تواند با بهره‌گیری از شبکه مسجد که راهنمای توسعه شهر اسلامی است، جامعه را تسهیل و خدمت‌رسانی بهتری کند.
سوگی هارتو و دیگران (۲۰۱۹)	تحلیل مدیریت مسجد برای بهینه‌سازی نقش مسجد در پیشرفت جوامع	این تحقیق با رویکرد قوم‌شناسی انتقادی تأثیر مدیریت مالی مسجد بر پیشرفت جوامع را با تمرکز بر حاکمیت، رهبری و مدیریت منابع برای بهینه‌سازی نقش مسجد در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحلیل می‌کند. هزینه‌سازی مدیریت مالی مسجد برای پیشرفت جامعه و تأثیر مسجد در شکل‌گیری شخصیت و پیشرفت جامعه از جمله نتایج این پژوهش است.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. سیاست‌گذاری عمومی<sup>۱</sup>

تعاریف متعدد از سیاست‌گذاری عمومی ارائه شده است. پیر مولر<sup>۲</sup> آن را دولت در عمل تعریف می‌کند (مولر، ۱۳۷۸: ۱۳). بر اساس تعریف «فیلیپ برود» استاد علوم سیاسی دانشگاه سوربن «سیاست‌گذاری‌های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (خودداری از عمل) است و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال در نظر گرفت که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند» (Braud, 1998 به نقل از وحید، ۱۳۸۰: ۱۸۶). یا از منظر الوانی «سیاست عمومی نیز عبارت است از تصمیمات و سیاست‌هایی که به واسطه مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضاییه، که حافظان منافع عمومی در جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌گردد. دولت در مفهوم کلی آن، نهاد قانونی

1. Public Policy

2. Pierre Muller

برای خط‌مشی گذاری عمومی است و به صورت مختلف مانند وضع قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین خط‌مشی عمومی می‌پردازد» (الوانی و شریف‌زاده: ۱۳۸۸: ۳). آنچه به‌عنوان برآیند تعاریف مطروحه، تلقی می‌شود اینکه سیاست‌گذاری یا به عبارتی دقیق‌تر سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و فعالیت‌های دولت در پاسخ به مسائل اجتماعی است. (ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۶).

### ۳-۲. سیاست‌گذاری فرهنگی<sup>۱</sup>

از آنجاکه هیچ وفاقی درباره مفهوم بی‌حدوحصر «فرهنگ»<sup>۲</sup> وجود ندارد، بنابراین تعریف دقیق سیاست‌گذاری فرهنگی نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ صورت گیرد. پس سیاست‌گذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل می‌گیرد به طوری که با تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه اشتریان معتقد است که «تعریف ما از فرهنگ هر چه باشد تأثیری در فرآیند سیاست‌گذاری ندارد؛ اما آنجا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی (مثلاً سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاست‌گذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد» (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰). در مجموع می‌توان گفت سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد.<sup>۳</sup> (وحید، ۱۳۸۲: ۵۵).

### ۳-۳. رویکردهای مرتبط با خط‌مشی گذاری دولت در حوزه فرهنگ

رویکرد<sup>۴</sup> دولت‌ها به سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ با یکدیگر متفاوت است و حتی ممکن است یک دولت در آن واحد رویکردهای مختلفی نسبت به امور مختلف فرهنگی اتخاذ نماید. در ذیل برخی رویکردهای خط‌مشی گذاری دولت در حوزه فرهنگ مورد بحث قرار می‌گیرد:

1. Cultural Policy
2. Culture

۳. توضیحات بیشتر رجوع شود به کتاب اصول سیاست فرهنگی ج. ۱، ۱۳۷۱

۴. منظور از رویکرد دولت، طریقه و شیوه ی پرداختن به مساله یا مورد توجه قرار دادن اقدامی می باشد. رویکرد دولت در حوزه ی فرهنگ به معنای طریقه و شیوه ای است که دولت به مساله ی فرهنگ می پردازد و یا در امر فرهنگ ظهور و بروز می نماید.

### ۳-۳-۱. رویکرد خادمانه<sup>۱</sup>

در این رویکرد و طرز تلقی همان‌طور که از نام آن پیداست دولت خادم فرهنگ است. به تعبیری دیگر می‌توان از آن تحت عنوان رویکرد وفادارانه نیز نام برد؛ زیرا در چنین برداشتی دولت وظیفه دارد در راستای اجرای کامل اهداف فرهنگی مطابق جزئیاتی که تعیین شده است بکوشد. در این رویکرد حکومت در کلیه امور فرهنگی وارد و نقش تأمین مالی و تصدی‌گری را در حد امکان و وسع خود بر عهده می‌گیرد.

به بیان دیگر این دیدگاه قائل به تصدی تمام‌عیار دولت نسبت به فرهنگ دینی است. بر اساس این رویکرد دولت باید با اقتدار خود بتواند نسبت به مسائل دینی تصمیم‌گیری نموده و خود در تولیدات فرهنگ دینی نقش ممتاز و اصلی را ایفا نماید. این نگاه ریشه در اندیشه‌ها و تفکرات مارکسیستی دارد که قائل به نظریه دولت‌های تمامیت‌خواه<sup>۲</sup> انجام شده است یعنی دولت‌هایی که وظیفه خود را تصدی تمام‌عیار در همه بخش‌های جامعه از جمله بخش‌های دینی آن تعریف می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که هیچ حرکت یا تصمیمی خارج از حیطه حاکمیت به انجام رسد. به همین دلیل دولت در این دیدگاه دولتی است متمرکز و حداکثری که در همه امور به صورت مستقیم تصدی‌گری نموده و به این ترتیب حاکمیت خود را اعمال می‌نماید (پیروزمند، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۵).

### ۳-۳-۲. رویکرد بازدارنده<sup>۳</sup>

در این رویکرد وضعیتی را می‌توان متصور شد که ماهیت و عملکرد دولت و حکومت در ارتباط با فرهنگ منجر به کندی و یا توقف این‌گونه امور در سطح جامعه می‌شود. اگرچه این طرز تلقی عمدتاً در نظام‌های لائیک که از نوعی رویکرد مبتنی بر تعارض در امور فرهنگی<sup>۴</sup> پیروی می‌کنند مشاهده می‌شود، اما در مقام عمل در یک دولت فرهنگی نیز می‌توان وضعیتی را متصور شد که در آن مجموعه سیاست‌گذاری و اقدامات در بخش حاکمیتی و تصدی‌گری منجر به افول فرهنگی در سطح جامعه، تضعیف نهادهای فرهنگی و عقیم ماندن اقدامات خودجوش مردمی در این زمینه‌ها می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۳).

### ۳-۳-۳. رویکرد اقتضایی<sup>۵</sup>

در این رویکرد میزان ورود دولت در امور فرهنگی بستگی به شرایط دارد. در چنین

1. Fidelity Approach
2. totalitarian state
3. Preventative Approach
4. Conflictual Approach
5. Situational Approach

رویکردی ایده اصلی آن است که نمی‌توان و نباید ظهور حکومت و دولت را در تمام امور فرهنگی متصور شد زیرا نه ضرورت این کار وجود دارد و نه امکان آن. بروز تمام‌عیار دولت در امور فرهنگی - بدانسان که در رویکرد خادمانه اشاره شد - در برخی شرایط ضرورت ندارد و در پاره‌ای دیگر از موارد مضرات آن بیش از فواید آن است؛ بنابراین باید از نگرش سیاه‌وسفید نسبت به موضوع اجتناب کرد و در عوض به‌صورت اقتضایی با آن برخورد نمود. در رویکرد اقتضایی یا موقعیتی اگرچه هنوز دولت در خدمت فرهنگ است ولی تنها در اموری ورود می‌کند که به دلایل متعدد بالا تصدی مانده است (مختاریان پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

### ۳-۳-۴. رویکرد نظارتی<sup>۱</sup>

در این رویکرد باید نقش دولت در حد ناظر سیاست‌گذار تقلیل یابد؛ چراکه در غیر این صورت دولت مخل آزادی‌های فردی مردم بوده و خود نیز قدرت و توان اداره کشور و از جمله حوزه (دین) فرهنگ دینی را نخواهد داشت. اگر دولت بخواهد به‌عنوان یک گروه در مقابل سایر گروه‌ها خود بازیگر صحنه‌های تولیدات فرهنگ دینی باشد طبیعتاً علاوه بر این که به وظیفه سیاست‌گذاری به‌خوبی نخواهد پرداخت به دلیل اتکا به قدرت‌های مالی و انسانی غیر قابل رقابت، توان عرض‌اندام بخش خصوصی را سلبی می‌نماید (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۰۳)؛ به‌عبارت‌دیگر دولت می‌تواند با طراحی سیاست فرهنگی و وظیفه خود را تا سطح نظارت بر عملکرد نهادها و نیروهای اجتماعی تقلیل دهد. در واقع دولت خود را از سطح کارگزاری تا سطح ناظر پایین می‌آورد و در حالی که نهادها و سازمان‌های مدنی و گروه‌های فرهنگی - اجتماعی، متولی پیشبرد سیاست فرهنگی اعلام‌شده هستند، دولت وظیفه نظارت بر حسن اجرای سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری‌ها را بر عهده دارد (صدیقی سروستانی و زائری، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۷).

### ۳-۳-۵. رویکرد حمایتی<sup>۲</sup>

سومین رویکرد در ارتباط با حدود خط‌مشی‌گذاری دولت در امور فرهنگی رویکرد حمایتی است که در آن دولت تنها وظیفه پشتیبانی و حمایت از امور فرهنگی را بر عهده می‌گیرد؛ بنابراین ورود در این امور به معنای انجام و مدیریت فعالیت‌های آن در این رویکرد کاملاً منتفی است. در این رویکرد ایده اصلی آن است که نهادهای فرهنگی دارای هویت دینی مستقل<sup>۳</sup> هستند و اقدامات دولت نباید به‌گونه‌ای باشد که این هویت

1. Supervisory Approach  
2. Supportive Approach  
3. Independent Religious Identity

خداشه‌دار شود و به این دلیل ضروری است تا ساختار وظایف و مسئولیت‌های دولت در ارتباط با این امور کاملاً تعریف‌شده و با رعایت تمام حساسیت‌ها و مرزهای منطقی باشد (مختاریان پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

### ۳-۳-۶. رویکرد ضمانتی<sup>۱</sup>

نهادهای دولتی از جمله نهادهای قانون‌گذاری و قضایی دارای نقش بسزایی در ایفای نقش ضمانت از فرهنگ هستند. قدرتی که حاکمیت دولت بر جامعه و فرهنگ اعمال می‌کند می‌تواند باعث پیشرفت یا در مقابل پسرفت جامعه گردد که بسته به نوع حکومت‌ها و آمال و اهداف آنان متفاوت است. نقش ضمانتی دولت را از چند بعد می‌توان نگریست: در یک بعد بر اساس حقوقی که برای هر فرد انسانی تعیین شده دولت می‌تواند زمینه‌های بهره‌مندی از این حق را برای بهره‌بران از فرهنگ تضمین کند. همچنین با توجه به قدرت قانون‌گذاری دولت این وظیفه را می‌توان برای دولت متصور بود که دولت باید قوانینی را جهت حفظ و صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری و فرهنگی و به عبارتی حقوق معنوی آثار و نیز مبدعان و آفرینندگان آن آثار وضع کند و از همه مهم‌تر قوانینی وضع کند که آزادی‌های فردی این افراد در آفرینش و ابداع تضمین شود. از جانبی دیگر دولت با وضع قانون و نظارت بر اجرای آن به حفظ آثار گذشتگان و میراث کهن، می‌تواند به حفظ و تداوم فرهنگ کمک کند (غلام پور آهنگر، ۱۳۸۶: ۳۵۶-۳۵۵).

### ۳-۳-۷. رویکرد خنثی<sup>۲</sup>

این رویکرد وظیفه و تکلیف ویژه‌ای را برای دولت در زمینه این گونه امور متصور نمی‌شود و ایفاگر نقش اصلی در توسعه فرهنگی نهادهای فرهنگی مستقل مردمی می‌باشند. در این رویکرد حتی نقش نظارتی و سیاست‌گذاری دولت در امور فرهنگی بسیار کم‌رنگ و عمدتاً عقیم می‌شود. در بهترین حالت در رویکرد حاضر، حمایت و پشتیبانی دولت از امور و نهادهای دینی به اندازه حمایت و پشتیبانی است که از سایر نهادهای مدنی و اجتماعی به عمل می‌آورد. در مقام عمل و نه الزاماً در منظر گفتار و نوشتار دولت در این رویکرد نسبت به امور فرهنگی کاملاً خنثی و عقیم است. از این رویکرد تحت عنوان ورود حداقلی در امور فرهنگی نیز نام برده می‌شود. در اینجا باور بر این است که استقلال نهاد دولت از نهاد فرهنگی که الزاماً به معنای سکولاریسم مطلق نیست به رونق و ترویج دین‌داری در جامعه منجر می‌شود (مختاریان پور، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

1. Guarantee Approach

2. Null Approach

جدول ۱. رویکردهای مرتبط با خط‌مشی‌گذاری دولت در حوزه فرهنگ

رویکرد دولت	محور و راهبرد اصلی	حیطه و میزان ورود دولت
رویکرد خادمانه	دولت خادم فرهنگ	نگاه حداکثری دولت در امور فرهنگی
رویکرد بازدارنده	استقلال و مجزا بودن نهاد فرهنگ از مجموعه حاکمیت	عدم ورود دولت در فرهنگ
رویکرد اقتضایی	دولت خادم فرهنگ اما بر اساس شرایط و اقتضانات خاص	ظهور دولت در حوزه فرهنگ بر اساس شرایط و اقتضانات
رویکرد نظارتی	دولت ناظر بر حسن اجرای سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی	دولت به‌مثابه ناظر در امر فرهنگ
رویکرد حمایتی	پشتیبانی و حمایت دولت از امور فرهنگی	دولت به‌مثابه حامی و پشتیبان امور فرهنگی
رویکرد ضمانتی	حفظ و ضمانت دولت از حق بهره‌مندی از فرهنگ و نیز صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری	دولت به‌مثابه حافظ و ضامن سیاست‌های فرهنگی
رویکرد خنثی	استقلال نهاد دولت از حوزه فرهنگ و نیز نقش اصلی و پررنگ نهادهای فرهنگی مستقل مردمی در توسعه فرهنگی	نگاه حداقلی دولت در امور فرهنگی

با اقتباس از (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۴؛ خاشعی، ۱۳۹۰)

### ۳-۴. نقش‌های دولت در حوزه فرهنگ

نقش‌های دولت<sup>۱</sup> در حوزه فرهنگ را می‌توان به موارد ذیل تقسیم‌بندی نمود:

#### ۳-۴-۱. نقش تسهیلگر<sup>۲</sup>

نقش تسهیلگر مستلزم ترویج غیرمستقیم فعالیت‌های فرهنگی از طریق گسترش مشوق‌ها و انگیزه‌های مالیاتی برای نهادهای مشارکتی و خیرین است؛ به عبارت دیگر دولت شرایطی را برای کمک به تولید و مصرف فرهنگی فراهم می‌آورد (Keane & Zhang, 2008: 4). دولت تسهیل‌گر در هنرهای زیبا از طریق مالیات سرمایه‌گذاری می‌کند؛ بنابراین بر اساس مالیات و بر طبق میل فرد یا مؤسسات خیر و بخشنده است. دولت این حق را دارد که به انواع معینی از درآمد و/یا هزینه‌های شهروندان به

۱. منظور از نقش دولت عنوان یا برجستگی است که با آن جایگاه و موقعیت دولت در جامعه تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر نقش دولت، کنشی است که دیگر بازیگران اجتماعی از دولت که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند.

2. Facilitator

این دلیل که شایسته تلقی می‌شوند. مثلاً کمک مالی که توسط یک فرد یا سازمان برای خیریه هزینه شده است. مالیات در نظر نگیرد. در این حالت دولت متعهد است که کمک مالی موسسه خیریه «به رسمیت شناخته شده» باید از تمام یا بخشی از مالیات معاف باشد. معافیت درآمد کپی‌رایت گروهی از هنرمندان ساکن جمهوری ایرلند از پرداخت مالیات مثالی برای این مورد است (Chartrand & McCaughey, 1989: 52).

### ۳-۴-۲. نقش حامی<sup>۱</sup>

هنگامی که دولت در سیاست فرهنگی به صورت حامی عمل می‌کند از هنر و فرهنگ از طریق آنچه اصل استقلال نامیده می‌شود حمایت می‌نماید. در این مدل دولت منابع مالی به هنر و فرهنگ اختصاص می‌دهد اما عموماً شوراهای هنری تصمیم می‌گیرند که چه سازمان‌ها و افرادی باید از این حمایت برخوردار شوند. حتی اگر اعضای یکی شورای هنری توسط دولت تعیین شده باشند، معمولاً هدف این است که تصمیم‌گیری‌ها بر اساس ارزیابی‌های مستقل انجام شوند. شوراهای هنری مستقل در مورد عملکرد و تصمیمات خود در مقابل ارزیابی‌های کیفی هنرمندان حرفه‌ای و روش‌های تخصصی مسئول هستند (Mangset, 2008: 11). دولت حامی از طریق شوراهای هنری مستقل<sup>۲</sup> در هنرهای زیبا سرمایه‌گذاری می‌کند. دولت تعیین می‌کند که چه میزان حمایت صورت گیرد اما تعیین نمی‌کند که چه سازمان‌ها یا هنرمندانی باید حمایت را دریافت کنند. انجمن و شورا متشکل از افراد نخبه‌ای است که توسط حکومت (دولت) تعیین شده‌اند.

### ۳-۴-۳. نقش معمار<sup>۳</sup>

دولت معمار از طریق وزارت و یا گروه فرهنگ در هنرهای زیبا سرمایه‌گذاری می‌کند. تصمیم‌گیری در مورد حمایت مالی از هنرمندان و سازمان‌های هنری عموماً توسط مأموران دولتی (اداری) انجام می‌شود. دولت معمار تمایل به حمایت از هنر به عنوان بخشی از اهداف رفاه اجتماعی خود دارد. همچنین دولت تمایل به حمایت از هنری دارد که دلخواه عوام جامعه است - و توسط آنان برقرار و تصدیق شده - نه استانداردهای حرفه‌ای برتری هنری (Chartrand, 2002: 7). قدرت نقش معمار در این حقیقت نهفته است که هنرمندان و سازمان‌های هنری به موفقیت و محبوبیت در فروش و گیشه وابسته نیستند. گیشه و کمک‌های اهدایی خصوصی نقش ناچیزی در تعیین وضعیت مالی ایفا

1. Patron

2. Arm's Length Art Councils

3. Architect

می‌کنند. علاوه بر این وضعیت هنرمند به‌صراحت در سیاست مساعدت‌های اجتماعی قابل تشخیص است. ضعف نقش معمار این است که سرمایه‌گذاری مستقیم درازمدت و تضمین‌شده می‌تواند منجر به رکود خلاقیت شود (Belinda, 2006:7).

### ۳-۴-۴. نقش مهندس<sup>۱</sup>

نقش مهندس با مداخله و نظارت مستقیم دولت در محدوده فرهنگی اتفاق می‌افتد. فرهنگ، ابزار آموزش سیاسی دولت است و دولت، مالک ابزار تولید ازجمله رسانه می‌باشد (Keane & Zhang, 2008). دولت مهندس صاحب تمام ابزار تولید هنری است. دولت مهندس تنها از هنری پشتیبانی می‌کند که مطابق و هماهنگ با استانداردهای سیاسی از فضیلت و برتری است؛ از فرایند خلاقیت پشتیبانی نمی‌کند. وضعیت اقتصادی هنرمند با عضویت در اتحادیه‌های هنرمندان که توسط حزب رسمی تأیید شده، تعیین می‌گردد. با این تعریف هر کس به چنین اتحادیه‌ای متعلق نیست، هنرمند نیست. همه سرمایه‌گذاری‌های هنری متعلق به دولت هستند و توسط دولت اداره می‌شوند؛ در واقع همه ابزار تولید هنری متعلق به دولت است.

جدول ۲. نقش‌های دولت در حوزه فرهنگ

نقش دولت	نحوه سرمایه‌گذاری	ابزار حمایتی	هدف
تسهیل‌گر	افراد، شرکت‌ها و موسسه‌های خصوصی	مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی	اقتصادی
حامی	شوراهای هنری مستقل متشکل از متخصصان و هنرمندان	هدایا، جوایز، جشنواره‌ها	زیباشناسی الف) حرفه‌ای ب) دستیابی به استانداردهای بین‌المللی
معمار	وزارت فرهنگ یا بخش‌های فرهنگی دولت	رفاهی (بیمه، امنیت درآمد و استخدام دولتی هنرمندان)	اجتماعی الف) رفاه اجتماعی ب) اهداف فرهنگ ملی
مهندس	دولت صاحب ابزار تولید هنری است	مجوز و تأیید رسمی، نظارت، دستورالعمل، تعیین وظیفه، تعیین محتوای اثر هنری	ایدئولوژیک الف) آموزش سیاسی ب) ترویج ایدئولوژی یا عقیده‌ای خاص

با اقتباس از (دهقان پیشه، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

### ۳-۵. سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

سطوح<sup>۱</sup> ورود و دخالت دولت در حوزه فرهنگی را می‌توان در قالب سه دسته ذیل طبقه‌بندی نمود

#### ۳-۵-۱. سطح سیاست‌گذاری<sup>۲</sup>

در این سطح دولت در فرایند سازمان‌دهی بخش‌های مختلف مرتبط با امور فرهنگی جامعه نسبت به اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های معین اقدام می‌نماید. در این سطح نقش دولت ناظر و سیاست‌گذار در عرصه‌های فرهنگی است بدون آنکه حمایت یا اقدام معینی را در این زمینه دنبال نماید. در نتیجه به میزانی از منابع اقتصادی نیاز است که تأمین‌کننده ارائه این گونه خدمات باشد.

#### ۳-۵-۲. سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی<sup>۳</sup>

در سطح دوم دولت علاوه بر سیاست‌گذاری، نسبت به برنامه‌ریزی و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام می‌کند. بسترسازی و برنامه‌ریزی دولت عمدتاً معطوف به ارائه حمایت‌های مختلف مادی و غیر آن در ارتباط با منابع موردنیاز (انسانی، مالی و کالبدی) و یا پشتیبانی نرم‌افزاری (نظیر فراهم‌سازی طرح‌ها، برنامه‌ها و خدمات علمی-پژوهشی) است. به عبارت روشن‌تر دولت از همه منابع و امکانات خود در راستای حمایت و اعتلای فرهنگ بهره می‌گیرد و نقش سرپرست را ایفا می‌نماید ولی مانع از آن نیست که بخش خصوصی نیز بخشی از امکانات و منابع مالی خود را به این گونه امور اختصاص دهد.

#### ۳-۵-۳. سطح اجرا<sup>۴</sup>

در سطح سوم دولت در امور فرهنگی وارد می‌شود و تصدی‌گری فعالیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. در چنین حالتی دولت به‌عنوان سیاست‌گذار/ برنامه‌ریز/ مجری از طریق تأسیس و راه‌اندازی نهادهای فرهنگی ویژه و اعمال نوعی تمرکز در فعالیت‌ها خود شخصاً متولی امور می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۳).

۱. منظور از سطوح دولت، عرصه‌ی فعالیت دولت در حوزه‌های مختلف می‌باشد. سطوح دولت در حوزه‌ی فرهنگ به معنای مرتبه و جایگاهی است که دولت در امر فرهنگ به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌پردازد.

2. Policy Making  
3. Planing  
4. Implementation

## روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع کیفی است. در این زمینه برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است بدین گونه که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند، ۳۴ مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه‌شوندگان همگی از مسئولان و صاحب‌نظران در حوزه مسجد (شامل اساتید دانشگاه، روسا و مدیران اجرایی سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد) بودند که اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول ذیل آمده است. انتخاب مصاحبه‌شوندگان با توجه به معرفی خبرگان اولیه و شناخت خود و نیز در نظر گرفتن معیارهایی همچون سابقه کار در سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط با مسجد، شخصیت معرف در حوزه مسجد، پژوهش و مطالعه در حیطه سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد (به‌ویژه مداخله دولت در مسجد)، تعدد ارجاعات و امکان دسترسی صورت پذیرفت. شایان‌ذکر است که یک مورد از مصاحبه‌ها (م ۳۴) مربوط به مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی است که محقق مجموعه دیدگاه‌های وی را از ماهنامه مسجد استخراج نموده و مورد تحلیل قرار داده است.

جدول ۳. معرفی هر یک از مصاحبه‌شوندگان پژوهش

مصاحبه‌شوندگان	سابقه فرهنگی
۱م	رئیس دانشگاه معارف قرآن
۲م	معاون فرهنگی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۳م	مسئول فرهنگی بیمارستان خاتم‌الانبیاء و امام جماعت مسجد الزهرا
۴م	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسجد
۵م	مسئول موسسه روایت سیره شهدا
۶م	رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب
۷م	استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر حوزه مسجد
۸م	مسئول موسسه مسجد
۹م	رئیس بنیاد نهج البلاغه
۱۰م	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسجد
۱۱م	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسجد
۱۲م	دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳م	دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

مصاحبه‌شوندگان	سابقه فرهنگی
۱۴ م	رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
۱۵ م	معاون هماهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد
۱۶ م	امام جماعت مسجد نیاوران و استاد دانشگاه
۱۷ م	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسجد
۱۸ م	معاون بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۱۹ م	معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی
۲۰ م	معاون فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز
۲۱ م	معاون تربیت و آموزش سازمان بسیج مستضعفین
۲۲ م	نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه
۲۳ م	معاون بقاع متبرکه و اماکن مذهبی سازمان اوقاف و امور خیریه
۲۴ م	مدیرکل امور مبلغین و مساجد سازمان تبلیغات اسلامی
۲۵ م	رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
۲۶ م	مسئول دفتر طرح و برنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد
۲۷ م	مشاور اداری و مالی مرکز رسیدگی به امور مساجد
۲۸ م	عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۹ م	معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم
۳۰ م	رئیس مرکز هماهنگی و همفکری اقشار بسیج
۳۱ م	مشاور دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد
۳۲ م	نماینده ولی فقیه و سرپرست پیشین سازمان اوقاف و امور خیریه و وزیر اطلاعات دولت دهم
۳۳ م	استاد دانشگاه و پژوهشگر مسجد
۳۴ م	استاد حوزه و دانشگاه و رئیس سابق مرکز رسیدگی به امور مساجد

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> استفاده شده است که در سه مرحله تجزیه و توصیف متن (کدگذاری توصیفی<sup>۲</sup>)، تشریح و تفسیر متن (کدگذاری تفسیری<sup>۳</sup>)، ادغام و یکپارچه کردن متن (یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر<sup>۴</sup>) مصاحبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. باید اشاره نمود که مصاحبه‌ها نیز تا

1. Thematic Analysis
2. Descriptive Coding
3. Interpretive Coding
4. Overarching Coding

زمانی که داده‌های جدید، مضمون جدیدی شکل ندادند و داده‌ها حالت تکراری پیدا نکردند و به تعبیر دیگر محقق به کفایت و اشباع نظری نائل شد ادامه یافت

### یافته‌های پژوهش

بر اساس فرایند تحلیل مضمون، کدگذاری توصیفی با مطالعه خط به خط مصاحبه‌ها که قبلاً توسط محقق مکتوب شده بود صورت گرفت که بر این اساس مضامین توصیفی به بخش مصاحبه‌ها نسبت داده شد. پس از کدگذاری توصیفی، با مقایسه مستمر و چندین باره کدهای توصیفی و با تجمیع آن‌ها، کدهای تفسیری که مبین تفسیر چندین مضمون توصیفی در قالب مضمونی تفسیری بود تولید گردید. این کدهای تفسیری، گاهی یکی از کدهای توصیفی بود که تعدادی کد توصیفی دیگر در ذیل آن قرار می‌گرفت و با جرح و تعدیل‌های تفسیری، جامع معانی کدهای زیرمجموعه خود می‌شد و یا کد تفسیری جدیدی بود که محقق برای تجمیع معنای چندین کد توصیفی تولید می‌کرد. با ادامه مقایسه و تحلیل مستمر مضامین تفسیری، در نهایت دیدگاه خبرگان پیرامون رویکردهای حکومت پیرامون خط‌مشی گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران احصا شد که در آن رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی و اقتضایی به‌عنوان مضامین سازمان دهنده تبیین شدند.

جدول ۴. نمونه کدگذاری مصاحبه‌ها<sup>۱</sup>

مضامین سازمان دهنده (کدگذاری تفسیری)	مضامین پایه (کدگذاری توصیفی)	داده یا متن مصاحبه <sup>۱</sup>
رویکرد حمایتی	مساعادت حکومت در زمینه پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم جهت احداث مساجد	دولت مانند مجموعه شهرداری باید برای مساجد در قلب جمعیت زمین‌هایی را تملک نماید اما مردم در ساخت مسجد مشارکت نمایند. اگر مردم این کار را نکنند نقض غرض است «(م ۱۰)».
		«مشکل مهم دیگر مساجد ما عدم مسئولیت دولت در برابر مساجد است. دولت زمین را به‌صورت رایگان در اختیار سازندگان مساجد قرار دهد. چنانچه بانی یا بنیان یک مسجد بخواهند هزینه زمین را بپردازند برای دیگر امور مسجد، توان مالی کافی نخواهند داشت» (م ۲).

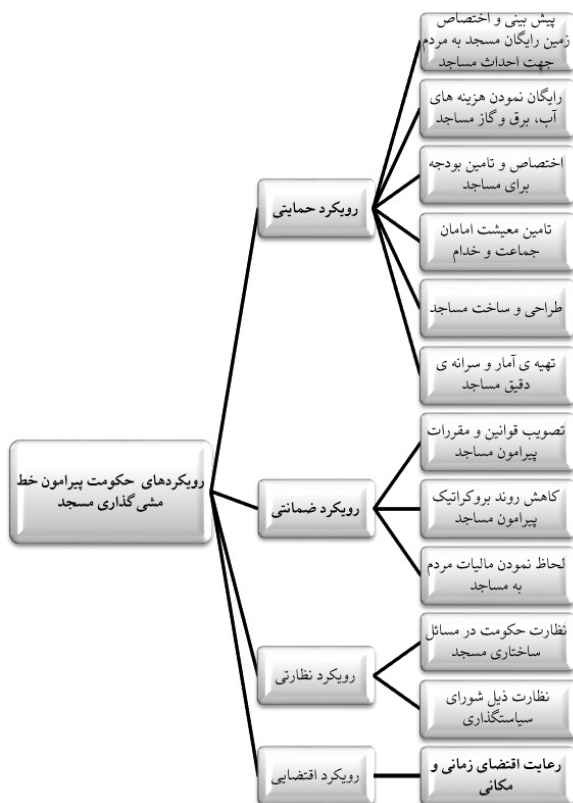
۱. با توجه به حجم بالای مصاحبه‌ها، صرفاً به برگزیده‌ای از آنها پرداخته شده است.

۱. در جدول شماره ۴ برای هرگزیده‌ی استنادات یک پراتز مانند (م ۱۰) وجود دارد که به معنای آن است که این‌گزیده مربوط به مصاحبه دهم می‌باشد.

مضامین سازمان دهنده (کدگذاری تفسیری)	مضامین پایه (کدگذاری توصیفی)	داده یا متن مصاحبه <sup>۱</sup>
رویکرد حمایتی	رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد	«مسجد هزینه‌های مختلفی دارد. اگر دولت هزینه‌های جاری از جمله هزینه‌های آب، برق و گاز و حتی حقوق خادم را بپردازد مانعی ندارد» (م ۹). «الآن من معتقد هستم که حکومت باید پول آب و برق و گاز مسجد را باید بدهد چراکه بر روی مردم فشار اقتصادی است و مردم در مضیقه هستند» (م ۱۷).
	اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد	«...به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سرفصل باشد...» (م ۲). «تعبیه ردیف متمرکز و مستقل در بودجه عمومی دولت برای حوزه راهبردی توسعه مساجد در کنار سهم گسترده مردمی برای توسعه مساجد مناسب است» (م ۳۰).
	تأمین معیشت امامان جماعت و خدام	«به نظر من قانون باید امام جماعت را در حد هیئت علمی دانشگاه از لحاظ علمی، حمایت کند و ارتقا دهد. چطور یک امام جماعت می‌تواند هم وظایف خود را انجام دهد و هم دنبال شغلی باشد تا مشکل مالی نداشته باشد؟ این برای ما یک ایراد محسوب می‌شود» (م ۳). «از لحاظ امکانات رفاهی در سالهای گذشته بیشتر به خادم مسجد توجه می‌کردند ولی متأسفانه در این چند سال اخیر بسیار کم توجه هستند نسبت به مشکلات و مسائل رفاهی خادمین مساجد و از مسئولان درخواست داریم نسبت به این امر رسیدگی داشته باشند» (م ۱۶).
	مساعادت حکومت در زمینه طراحی و ساخت مساجد	«نه تنها در مسجد بلکه در تمام پروژه‌های عمرانی بزرگ حتی یک طرح هم نداریم که نقشه‌های روز آن با نقشه‌های روز آخر مطابقت داشته باشد و این ضعف بسیار بزرگی است. در مهندسی مسجد هم همین اتفاق می‌افتد. یک مسجد نداریم که طرح آن توسط یک مهندس معمار باتجربه تا آخر دنبال شده باشد. نتیجه این تغییرات سلیقه‌ای این خواهد شد که بیشتر مساجد ما نازیبا و مخالف قواعد مهندسی ساخته می‌شود» (م ۴). «اساساً امروزه ساخت مسجد با توجه به رشد جمعیت و نوع شهرسازی دیگر به‌تنهایی قابل پشتیبانی توسط مردم نیست به همین خاطر مشارکت در ساخت مسجد توسط دولت ضروری و در اولویت است و درصد آن بر اساس برخورداری یا عدم برخورداری استان‌ها و مناطق معلوم می‌گردد» (م ۳۱).

مضمین سازمان دهنده (کدگذاری تفسیری)	مضمین پایه (کدگذاری توصیفی)	داده یا متن مصاحبه <sup>۱</sup>
رویکرد حمایتی	مساعدت حکومت در تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد	«در قوانین ما وقتی کسی برج بیست طبقه می‌سازد یک واحد مسکونی آن باید مسجد شود یا اگر امکان دارد مسجدی بیرون برج بسازد. برای این منظور باید سرانه‌ای برای این کار در نظر گرفته شود؛ مثلاً به ازای هر بیست واحدی که ساخته می‌شود، یک مسجد نیز ساخته شود. البته مکان مسجد هم مهم است و باید در بهترین محل‌های شهر و بهترین نقاط هر محل و در دسترس باشد» (م ۶).
رویکرد ضمانتی	تصویب قوانین و مقررات توسط حکومت پیرامون مساجد	«تا به‌رحال هر وقت قانونی - پیرامون مسجد - وارد مجلس شده است به خاطر نداشتن پیشینه و قوانین ثابتی که طرح و لایحه بر آن استوار شود، شکست خورده است» (م ۸). «در بخش سخت‌افزاری تهیه لوایح حمایتی مانند تخصیص درصدی از بودجه سالانه به تجهیز و گسترش و نوسازی مساجد قابل ذکر است» (م ۱۹).
	کاهش روند بروکراتیک پیرامون مساجد	«مردم برای به ثبت رساندن یک مسجد فرایندهای پر و پیچ‌خم اداری را طی می‌کنند. اگر بنا است کمکی صورت گیرد این مراحل اداری کم شود» (م ۷). «اگر مردم بخواهند مسجد را در جایی بنا کنند باید اوقاف اجازه دهد که اجازه دادن آن خیلی طولانی است به‌طوری‌که وقتی مردم می‌خواهند اقدام کنند با روندهای خسته‌کننده مواجه می‌شوند.» (م ۸).
	لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت (به‌مثابه مالیات حکومتی)	«در صورتی که هزینه عمرانی مساجد با سازوکاری به‌عنوان مالیات قابل قبول منظور شود تمامی مساجد کشور آباد شده و این در شرایطی است که به‌هیچ‌وجه دولتی نیز نشود.» (م ۲۲) «مسجد هزینه‌های فراوانی دارد؛ لذا اینکه مردم مالیات خود را به مسجد بدهند، طرح خوبی است؛ زیرا مردم را به مسجد نزدیک می‌کند» (م ۶)
رویکرد نظارتی	نظارت حکومت در مسائل ساختاری مسجد	«در حوزه‌هایی مانند تعیین امام جماعت، تعیین هیئت‌امنا و خدام، اختلافات درونی مسجد نیز به نظر می‌آید حکومت باید سازوکارهایی تعریف کند چه‌بسا نگاه نظارتی مفید باشد اما نباید در آن شدت و حدت صورت گیرد» (م ۱۱). «مداخله حکومت پیرامون مسائل حوزه مسجد از سوی رهبر و ولی‌فقیه و حاکم شرع مداخله به نحو سیاست‌گذاری و نظارتی باید باشد» (م ۲۰).
	نظارت ذیل شورای سیاست‌گذاری	«پیرامون بحث تعطیلی مساجد نیز باید اشاره کرد که شورای سیاست‌گذاری باید به این مسئله ساماندهی بدهد و با اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات صحیح به اعتلای مساجد در جامعه اسلامی بپردازد» (م ۱۳).

مضامین سازمان دهنده (کدگذاری تفسیری)	مضامین پایه (کدگذاری توصیفی)	داده یا متن مصاحبه <sup>۱</sup>
رویکرد اقتضایی	رعایت اقتضای زمانی و مکانی	<p>«بر اساس اقتضائات و شرایط ظهور و بروز حکومت در امر مسجد متفاوت و مختلف می‌گردد. در بعضی مکان‌ها وظیفه دولت است که به آبادی مسجد بپردازد و در بعضی جاها نیز اصلاً نباید در این مسئله ورود کند و وظیفه دولت نیست» (م ۱۸).</p> <p>«در جاهایی که ظرفیت‌های مردمی وجود دارد دولت به‌عنوان شریک وارد عمل می‌شود اما اگر مردم به‌صورت مستقل وجود دارند دولت باید شرایط را تسهیل نماید؛ اما اگر درجایی مردم به‌صورت مستقل وجود ندارند مثل راه‌ها و مساجد بین‌راهی و یا در جاهایی که مردم هستند اما تمکنی وجود ندارد دولت صریحاً باید ورود پیدا کند و پشتیبانی‌های لازم را انجام دهد.» (م ۱۴).</p>



شکل ۱. شبکه مضامین تولیدشده پیرامون دیدگاه خبرگان پیرامون رویکردهای حکومت پیرامون خط‌مشی‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران

در ادامه پس از ارائه شبکه مضامین و احصای دیدگاه خبرگان رویکردهای حکومت پیرامون خط‌مشی گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران مستخرج از تحلیل مضمون مصاحبه‌های صورت گرفته به تبیین و تشریح هر یک از مضامین پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۵-۱. رویکردهای خط‌مشی گذاری حکومت در حوزه مسجد

در ذیل به رویکردهای خط‌مشی گذاری حکومت در حوزه مسجد پرداخته شده است منظور از رویکرد دولت، طریقه و شیوه پرداختن به مسئله مسجد یا مورد توجه قرار دادن حوزه مسجد است؛ به عبارت دیگر رویکرد دولت در حوزه مسجد به معنای طریقه و شیوه‌ای است که دولت به مسئله مسجد می‌پردازد و یا در امر مسجد ظهور و بروز می‌نماید.

#### ۵-۱-۱. رویکرد حمایتی

از رویکردهای مهم در ارتباط با خط‌مشی گذاری حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد حمایتی است که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را بر عهده می‌گیرد. در این زمینه حکومت باید به صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت و مساعدت از مساجد اقدام نمایند. اهم اقدامات حکومت در راستای مساعدت و حمایت از مساجد به شرح ذیل است:

#### مساعدت حکومت در زمینه پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم جهت احداث مساجد

با توجه به گران و کم یاب شدن زمین در شهرها و شهرک‌های مسکونی حکومت می‌بایست مساعدت لازم را در راستای پیش‌بینی و اختصاص رایگان زمین به مردم انجام دهد. «به دلیل گران شدن زمین و کم‌یابی زمین با توجه به اینکه مسجد باید محور و قلب شهرها و روستاها باشد، دولت باید هم در شهرک‌های در حال ساخت به فکر باشد که قبل از تجمع جمعیت، جایگاه و مکان مسجد را پیش‌بینی نماید و نیز زمینی را برای مسجد کنار بگذارد که برای مسجد مناسب باشد و بتواند نهادهای جانبی کنار مسجد مانند صندوق قرض‌الحسنه، کتابخانه را نیز بنیان نماید. دولت مانند مجموعه شهرداری باید برای مساجد در قلب جمعیت زمین‌هایی را تملک نماید اما مردم در ساخت مسجد مشارکت نمایند. اگر مردم این کار را نکنند نقض غرض است» (م ۱۰). «دولت باید بیاید حداقل زمین مسجد را به مردم بدهد چراکه خود زمین قیمت بسیار بالایی دارد. دولت همان‌گونه که شهرک می‌سازد، درمانگاه و بیمارستان بنا می‌کند باید پیش‌بینی مسجد را نیز انجام

۱. پیرامون تشریح مضامین این نکته حائز اهمیت است که در روبروی هر گزیده استنادات یک پرانتز مانند (م ۱) وجود دارد که به معنای آن است که این گزیده مربوط به مصاحبه ی اول می باشد.

دهد» (م ۱۱). «دولت موظف است در شهرک‌های مسکونی جدید مانند مسکن مهر، مکان مسجد را معین نماید. حتی بالاتر از این باید گفت که شهرک‌های مسکونی باید با محوریت مساجد ساخته شوند» (م ۱۴).

رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد

از دیگر اقدامات حمایتی حکومت پیرامون مساجد این است که هزینه‌های جاری مساجد مانند هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد و نیز حق انشعاب این موارد را رایگان نماید تا بخشی از دغدغه‌های مالی مردم از این طریق برطرف یابد. «الان در مسجد می‌گویند پول آب، برق و گاز بدهید در صورتی که در جنب مسجد مکان‌هایی مانند پارک وجود دارد که دولت همهٔ امور آن را برعهده گرفته است. ما برای مسجدمان رفته بودیم انشعاب برق بگیریم بعد به ما گفتند که فلان تومان پول پردازید. این قدر هم بدهی دارید. ببینید مردم از کجا بیارند بدهند» (م ۱۱). «مسجد هزینه‌های مختلفی دارد. اگر دولت هزینه‌های جاری از جمله هزینه‌های آب، برق و گاز و حتی حقوق خادم را پردازد مانعی ندارد» (م ۹).

اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد

حکومت همچنین در راستای حل مشکلات مالی و مادی مسجد می‌بایست ردیف بودجهٔ مستقل و ثابتی را برای این نهادهای دینی لحاظ نماید تا بر این مبنای بخشی از مشکلات مساجد برطرف گردد. «...به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سرفصل باشد...» (م ۲). «تعیین ردیف متمركز و مستقل در بودجهٔ عمومی دولت برای حوزهٔ راهبردی توسعهٔ مساجد در کنار سهم گستردهٔ مردمی برای توسعهٔ مساجد مناسب است» (م ۳۰). «علاوه بر کمک‌های مردمی با عنایت به هزینه‌های سنگین احداث، تعمیر، بازسازی مساجد و تأسیسات و تجهیزات و سایر عوامل مورد نیاز لازم است دولت بدون آنکه در امور داخلی و برنامه‌های مسجد دخالت نماید پشتیبانی‌های لازم را با توجه به ردیف بودجهٔ مستقل مربوطه به عمل آورد» (م ۱۴).

تأمین معیشت امامان جماعت و خدام

از دیگر اقدامات مهم حکومت در حیطهٔ رویکرد حمایتی تأمین نظام معیشتی نیروی انسانی مساجد به‌ویژه امامان جماعت است. حکومت می‌بایست مسائل مربوط به رفاه امامان جماعت شامل خانهٔ عالم، مباحث مالی، مسئلهٔ بیمه و... را برطرف نمایند. «در کشور ترکیه هر مسجد یک امام جماعت دارد که به‌صورت تمام‌وقت در مسجد

حضور دارد و چنانچه کسی پرسش دینی داشته باشد، می‌تواند از او استفاده کند. برای رعایت رفاه امام جماعت نیز اتاقی برای او در مسجد در نظر می‌گیرند که در آن اتاق به مطالعه می‌پردازد و جواب مراجعان خود را می‌دهد، لذا درب مسجد همواره باز است. هر مسجد یک خادم هم دارد که خادم و امام جماعت به‌صورت رسمی از دولت یا اداره اوقاف حقوق می‌گیرند» (م ۱). «در جامعه ما امامان جماعت بیشتر مأموم هستند تا امام. شاید علتش این باشد که هیئت‌امنا بودجه‌ای را به امام به‌عنوان حق‌القدم اختصاص می‌دهند، در نتیجه امام، مأموم آن‌ها می‌شود. درحالی‌که اگر ساختار مسجد درست تنظیم شود، ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... آن نیز تنظیم می‌شود و همه این ابعاد، یک نظام را طراحی می‌کنند که بعد اقتصادی آن، امام جماعت را به‌طور کامل تأمین می‌کند؛ به‌طوری‌که همه برای تأمین هزینه‌های مسجد به امام جماعت رجوع می‌کنند» (م ۵). «به نظر من قانون باید امام جماعت را در حد هیئت‌علمی دانشگاه از لحاظ علمی، حمایت کند و ارتقا دهد. چطور یک امام جماعت می‌تواند هم وظایف خود را انجام دهد و هم دنبال شغلی باشد تا مشکل مالی نداشته باشد؟ این برای ما یک ایراد محسوب می‌شود» (م ۳). «حکومت درباره مشکل مسکن امام جماعت حتماً گام بردارد و برای امامان جماعت، خانه عالم بسازد» (م ۱۶).

#### مساعادت حکومت در زمینه طراحی و ساخت مساجد

یکی دیگر از اقدامات مهم حکومت مساعادت حکومت در طراحی مساجد است. در این زمینه حکومت می‌بایست در تدوین و طراحی نقشه‌های مساجد مطابق با معیارهای دینی، مردم و خیرین مسجد‌ساز را مساعادت نماید. «نه‌تنها در مسجد بلکه در تمام پروژه‌های عمرانی بزرگ حتی یک طرح هم نداریم که نقشه‌های روز آن با نقشه‌های روز آخر مطابقت داشته باشد و این ضعف بسیار بزرگی است. در مهندسی مسجد هم همین اتفاق می‌افتد. یک مسجد نداریم که طرح آن توسط یک مهندس معمار باتجربه تا آخر دنبال شده باشد. نتیجه این تغییرات سلیقه‌ای این خواهد شد که بیشتر مساجد ما نازیبا و مخالف قواعد مهندسی ساخته می‌شود» (م ۴). «به لحاظ تاریخی یک مسجد را نام ببرید که عامه مردم ساخته باشند و تا الان ماندگار شده باشد. آنچه مردم می‌سازند، با اندوخته‌های اندک است؛ لذا پایدار نمی‌ماند. من در ساخت چند مسجد دخیل بودم. هر کس خود را ذی‌حق می‌داند که در موضوع ساخت‌وساز مسجد وارد شود؛ حتی بی‌سوادترین آدم‌ها، در زمینه مهندسی اظهار نظر می‌کنند، زیرا مسجد را متعلق به خود می‌دانند» (م ۴).

### مساعادت حکومت در تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد

اقدام دیگر حکومت در راستای رویکرد حمایتی در حوزه مساجد تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد است. حکومت در زمینه مساجد می‌بایست تعداد مساجد مورد نیاز برای کل جامعه و کشور و سرانه آن را مشخص نماید. «لذا نخستین گام دولت و مجلس در این عرصه - مسجد - تهیه آمار و سرانه دقیق است که مهم‌ترین اقدام آن‌ها نیز محسوب می‌شود. سرانه ورزش و فضای سبز را مشخص کردند ولی سرانه مسجد مشخص نیست. گام اول در این زمینه - مسجد - تهیه آمار و نیازسنجی است. دولت در زمینه کشاورزی و دامداری فعالیتی ندارد ولی آمار محصولات کشاورزی را می‌داند و نرخ آن‌ها را تعیین می‌کند. لذا دولت باید نرخ مسجد را نیز تعیین کند. طبق آماري که درست نیست شصت هزار مسجد در ایران وجود دارد. در صورتی که وقتی آمار گاو و گوسفندان را می‌دهند می‌گویند ۶۰۳۲۲ گاو داریم؛ یعنی شمارش دقیق وجود دارد؛ اما آمار مساجد مشخص نیست. لذا اول باید مسجد را تعریف کنیم، سرانه مسجد را به دست آوریم بدانیم هر نفر چند متر مسجد نیاز دارد تا اگر کسی خواست مالیات دهد اگر نتوانست به شهر خود اختصاص دهد به شهر دیگر اختصاص دهد. اگر شهر نشد به روستا بدهد» (م ۸). «در قوانین ما وقتی کسی برج بیست طبقه می‌سازد یک واحد مسکونی آن باید مسجد شود یا اگر امکان دارد مسجدی بیرون برج بسازد. برای این منظور باید سرانه‌ای برای این کار در نظر گرفته شود؛ مثلاً به ازای هر بیست واحدی که ساخته می‌شود، یک مسجد نیز ساخته شود. البته مکان مسجد هم مهم است و باید در بهترین محل‌های شهر و بهترین نقاط هر محل و در دسترس باشد» (م ۶).

### ۵-۱-۲. رویکرد ضمانتی

از دیگر رویکردهای مهم در ارتباط با خط‌مشی‌گذاری حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد ضمانتی می‌باشد. نقش ضمانتی حکومت را می‌توان از ابعاد ذیل نگریست:

#### تصویب قوانین و مقررات توسط حکومت پیرامون مساجد

با توجه به قدرت قانون‌گذاری حکومت این وظیفه را می‌توان برای حکومت متصور نمود که حکومت با تدوین و تصویب قوانین و مقررات به اعتلا و ارتقای جایگاه حقوقی و قانونی مسجد در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. «به نظر من هر مصوبه‌ای (در حوزه مسجد) که قانون شود و ما از این مرحله عبور کنیم، ۵۰ درصد مسائل حل است؛ در حقیقت الآن این قدر خلأ مدیریتی و قانونی هست که مردم نمی‌دانند باید چه کار کنند. اگر بخواهند مسجد بسازند، یا مسجد ساخته‌اند و نیاز به تعمیرات دارد،

یا هیئت‌امنای آن نامناسب است، نمی‌دانند باید چه کار کنند و دچار بلاتکلیفی محض هستند» (م ۲). در این راستا تلاش حکومت باید بر این باشد تا ضمن پر کردن خلأها و نقص‌های قانونی در حوزه مسجد با وضع قوانین و مقررات جدید به احقاق حقوق مسجد در کشور بپردازد و تلاش نماید با اختصاص این قوانینی به گسترش و احیای مساجد اقدام نماید. «پس اگر ما چهارصد هزار مسجد و چهارصد هزار نمازخانه داشته باشیم هشتصد هزار نفر پرسنل نیاز داریم. در کجای دنیا هشتصد هزار پرسنل بدون قانون کار می‌کنند؟ نیروهای آتش‌نشانی یک بیستم نیروهای مساجد نیستند ولی چقدر قانون، شرح وظایف، سنوات، کیفیت، تجهیز و وسایل ... دارند؟» (م ۸) «تا به‌هرحال هر وقت قانونی - پیرامون مسجد - وارد مجلس شده است به خاطر نداشتن پیشینه و قوانین ثابتی که طرح و لایحه بر آن استوار شود، شکست خورده است» (م ۸). «در بخش سخت‌افزاری تهیه لوازم حمایتی مانند تخصیص درصدی از بودجه سالانه به تجهیز و گسترش و نوسازی مساجد قابل ذکر است» (م ۱۹).

#### کاهش روند بروکراتیک پیرامون مساجد

از دیگر اقدامات حکومت پیرامون مساجد کاهش روند بروکراتیک و فرایندها و روندهای طولانی در مسائل مرتبط با بحث مسجد - شامل ثبت مسجد، اخذ مجوز برای ساخت و... می‌باشد که در این زمینه حکومت باید شرایط را برای مردم به‌ویژه خیرین مسجد ساز تسهیل نمایند. «مردم برای به ثبت رساندن یک مسجد فرایندهای پر و پیچ‌خم اداری را طی می‌کنند. اگر بنا است کمکی صورت گیرد این مراحل اداری کم شود» (م ۷). «اگر مردم بخواهند مسجد را درجایی بنا کنند باید اوقاف اجازه دهد که اجازه دادن آن خیلی طولانی است به‌طوری‌که وقتی مردم می‌خواهند اقدام کنند با روندهای خسته‌کننده مواجه می‌شوند.» (م ۷). «متأسفانه تنها کاری که از لحاظ قانونی کردند این است که گفتند هرکسی می‌خواهد مسجد بسازد باید از پانزده نهاد امضا بگیرد. در صورتی که مسجد از همه نهادها مهم‌تر است و تمام سازمان‌ها و نهادها باید به مسجد خدمات بدهند» (م ۸).

#### لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت (به‌مثابه مالیات حکومتی)

از جمله فعالیت‌های حکومت پیرامون مساجد این است که مبالغی که مردم به مساجد مساعدت می‌کنند را به‌عنوان مالیات حکومتی محسوب نمایند؛ به‌عبارت‌دیگر اگر مردم بخواهند مالیات خود را بپردازند اجازه داشته باشند که بخشی از آن را به مسجد اختصاص بدهند.

«نکته بسیار جالب و قابل تأمل اینکه در بسیاری از کشورهای لائیک یا سکولار از ترکیه گرفته تا آمریکا هر کس بخواهد به دولت مالیات پردازد می‌تواند مالیات خود را به یک مسجد یا کلیسا بدهد؛ آن‌هم کل مالیاتش را، نه بخشی از آن را. این مسئله نشان می‌دهد که آن‌ها هم به نقش کلیسا، مساجد و مذهب در تأمین امنیت پی برده‌اند. آنان به جای تکیه صرف بر مراکز امنیتی و پلیس، امنیت را به شیوه دیگری تأمین کرده‌اند؛ اما متأسفانه در کشور ما از این مسئله غفلت شده است» (م ۱). «در صورتی که هزینه عمرانی مساجد با سازوکاری به‌عنوان مالیات قابل قبول منظور شود تمامی مساجد کشور آباد شده و این در شرایطی است که به‌هیچ‌وجه دولتی نیز نشود»<sup>۱</sup> (م ۲۲).

### ۵-۱-۳. رویکرد نظارتی

از دیگر رویکردهای حکومت مرتبط با خط‌مشی‌گذاری در حوزه مساجد رویکرد نظارتی است. در این رویکرد نقش حکومت پیرامون مساجد در حد ناظر سیاست‌گذار تقلیل می‌یابد. مهم‌ترین نقش حکومت در راستای رویکرد نظارتی در مسائل ساختاری ظهور و بروز دارد.

#### نظارت حکومت در مسائل ساختاری مسجد

حکومت در مسائل ساختاری مساجد مانند تعیین امام جماعت، تعیین هیئت‌امنا و خدام، اختلافات درونی مسجد، مدیریت مساجد می‌بایست در حد یک ناظر عمل نماید چراکه در غیر این صورت مساجد دیگر به‌صورت مردمی اداره نمی‌شوند و باعث اختلال در اداره و مدیریت مساجد می‌گردد.

«در حوزه‌هایی مانند تعیین امام جماعت، تعیین هیئت‌امنا و خدام، اختلافات درونی مسجد نیز به نظر می‌آید حکومت باید سازوکارهایی تعریف کند چه‌بسا نگاه نظارتی مفید باشد اما نباید در آن شدت و حدت صورت گیرد» (م ۱۱) «دولت نباید در حوزه مدیریت مسجد وارد شود. مدیریت و اداره مسجد باید به عهده مردم و از طریق نمایندگان آن‌ها که در هیئت‌امنا مسجد تجلی پیدا می‌کنند باشد؛ به‌عبارت‌دیگر در بخش نرم‌افزاری نقش کم‌رنگ‌تری را برای دولت می‌توان در نظر گرفت هرچند که در همین زمینه برخی نهادهای حکومتی نظیر مرکز رسیدگی به امور مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی به‌نوعی نقش محوری در فرهنگ‌سازی، ایجاد وحدت و همدلی و نیز همراهی و هم‌نوایی با نظام و حکومت ایفا می‌کنند.» (م ۱۹) به‌عبارت‌دیگر «مداخله

۱. اختصاص بخشی از مالیات مردم به مساجد باعث می‌شود تا قسمتی از مسائل و مشکلات مالی و مادی مساجد مرتفع گردد و باعث عمران و آبادانی این نهادهای دینی می‌شود اما این نکته را باید لحاظ نمود که از لحاظ دینی تأکید شده است که باید پاکترین اموال خرج مسجد شود. لذا نمی‌توان با مالیات مردم یا از پول کسی که مال او شبهه ناک است خرج امورات مسجد نمود.

حکومت پیرامون مسائل حوزه مسجد از سوی رهبر و ولی فقیه و حاکم شرع مداخله به نحو سیاست‌گذاری و نظارتی باید باشد» (م ۲۰)

نظارت حکومت بر فعالیت‌ها و امکانات مساجد می‌تواند ذیل شورای جدید پیگیری شود تا با نظارت جدی حکومت مسئله تعطیلی مساجد مرتفع گردد و مساجد بتوانند به جایگاه واقعی خود در نظام اسلامی نائل گردند. «نظارت به گونه‌ای باشد که این سازمان یا معاونت (جدید) به تخلفات رسیدگی کند. در واقع یک حوزه نظارت و ارزیابی داشته باشیم تا فعالیت‌های مساجد هم ارزیابی شود.» (م ۲) «شرط دوم این کار (توزیع امکانات به مساجد) این است که واحد نظارت، بازرسی و ارزیابی، بر فعالیت مساجد نظارت داشته باشد تا امکانات به درستی توزیع شود؛ زیرا بعضی از مساجد توانایی جذب همه امکانات را ندارند.» (م ۲) «پیرامون بحث تعطیلی مساجد نیز باید اشاره کرد که شورای عالی مساجد باید به این مسئله ساماندهی بدهد و با اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات صحیح به اعتلای مساجد در جامعه اسلامی بپردازد.» (م ۱۳)

#### ۵-۱-۴. رویکرد اقتضایی

#### رعایت اقتضای زمانی و مکانی

بر اساس این رویکرد شرایط نظام اسلامی و به تعبیر دیگر مقتضیات زمانی و مکانی در ورود و عدم ورود حکومت در حوزه مسجد حائز اهمیت است. در این زمینه باید اشاره نمود که برای خط‌مشی گذاری نظام اسلامی در امور مساجد نباید فقط به مشروعیت این ظهور و بروز استناد کرد بلکه باید با ارزیابی‌های صحیح و لحاظ نمودن مصالح جامعه از نتایج مثبت کار مطمئن بود به عبارت دیگر مشروعیت ورود حاکمیت و حاکم اسلامی در امور مساجد به معنای حتمیت آن نمی‌باشد بلکه هدایت جامعه اسلامی به سمت فلاح و رستگاری اقتضا می‌کند که ولی فقیه و نمایندگان وی در این جامعه برای ورود جدی در نهاد فرهنگی مسجد- یا به‌طور کلی در هر شأنی از شئون فرهنگی جامعه- فقط به این نکته بسنده نکنند که ظهور و بروز آنان در حوزه مساجد پشتوانه شرعی دارد بلکه در هر اقدام سیاستی در حوزه مساجد- یا تمام امور فرهنگی- علاوه بر مراعات جنبه مشروعیت، باید آثار پیدای و نهان ورود حاکمیت مورد ارزیابی‌های صحیح واقع گردد و سپس درباره خط‌مشی گذاری‌های صورت گرفته و نحوه و طریقه آن تصمیم مقتضی گرفته شود

«بر اساس اقتضائات و شرایط ظهور و بروز حکومت در امر مسجد متفاوت و مختلف می‌گردد. در بعضی مکان‌ها وظیفه دولت است که به آبادی مسجد بپردازد

و در بعضی جاها نیز اصلاً نباید در این مسئله ورود کند و وظیفه دولت نیست.» (م ۱۸) «اینکه ما باید تأسی به سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین امام علی (ع) داشته باشیم که همه امورات مردم ذیل مسجد محقق شود این درست است اما کجای جامعه و کشور این امر واقعیت پیدا کرده است. شما ببینید که الان بیش از چهار دهه از انقلاب می‌گذرد و آقایانی که معتقد بودند که وجوهات باید فقط به ولی فقیه داده شود و مراجع دیگر حق گرفتن وجوهات ندارند این امر چقدر محقق شد در زمان امام خمینی (ره) نیز این بحث مطرح بود و تا حالا نیز محقق نشده است» (م ۱۱)

در این راستا باید اشاره نمود رویکرد اقتضایی به مثابه چتر حاکم بر سایر رویکردهاست که بر اساس شرایط زمانی - مکانی سایر رویکردها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. با توجه به اتخاذ رویکرد اقتضایی به عنوان مهم‌ترین رویکرد در حوزه ظهور و بروز حکومت در حیطه مساجد باید به این نکته اشاره نمود که ملاحظات سیاستی در حوزه خط‌مشی و حکمرانی مسجد در ایران بعد از انقلاب طرح می‌گردد که به صورت خلاصه می‌توان این‌گونه بیان نمود: نکته اول اینکه اساساً وقتی در مورد سیاست‌گذاری حوزه مسجد به عنوان یک نهاد فرهنگی - ارتباطی صحبت می‌شود، اساساً سنخ سیاست‌گذاری با سایر نهادها و حوزه‌های فرهنگی - رسانه‌ای به دلیل دو ویژگی نهاد دینی بودن مسجد و دارای پشتوانه مردمی بودن مساجد متفاوت است. نکته دوم این است که باید به این مسئله توجه داشت که به هر حال، وقتی از مسجد در شرایط کنونی بحث و گفتگو می‌شود در فضای شهری به صورت خاص در فضای محلات، نهادهای دیگری تأسیس شده که این نهادها به تعبیری، بخشی از کارکردهای مسجد را از مسجد گرفتند و رقبای مسجد تلقی می‌شوند؛ مثل فرهنگسرا، سرای محلات و... با توجه به مختصات حوزه شهری مدرن نکته آن است که وقتی که مراکز متعدد فرهنگی در بستر شهر و محلات ایجاد شد، طبعاً مساجد خالی از کارکردهای اصلی خود در جامعه اسلامی می‌شوند. به بیان دیگر وقتی فرهنگسراها، سرای محلات ایجاد شدند و نیز خیلی از نهادها مثل هیئت‌های مذهبی و مهدهای قرآنی از مسجد منفک گردیدند، نمی‌توان توقع قبل را از مساجد داشت. نکته سوم این است که در حوزه مساجد یک سیاست‌گذاری در مسجد وجود دارد و یک سیاست‌گذاری بر مسجد یا برای مسجد. در این زمینه زمانی که در مورد سیاست‌گذاری در مسجد صحبت می‌شود، منظور کارگزاران مسجد هستند؛ اما یک سیاست‌گذاری هم سیاست‌گذاری برای مسجد و بر مسجد است. که در این زمینه تکثر نهادها و سازمان‌های مرتبط مطرح می‌گردد.

همچنین باید اشاره نمود که در خط‌مشی‌گذاری حوزه مساجد باید به تیپولوژی و سنخ‌شناسی مساجد در کشور توجه نمود چراکه هر سنخ از مساجد اقتضائات زمانی و مکانی خاص خود را دارند که می‌تواند فضای کاملاً جدیدی در شناخت مسائل، راهکارها و سایر مراحل خط‌مشی‌گذاری مساجد ایجاد نماید... نکته دیگر و چالش جدی عدم بازتولید الگوی نهادی مسجد در نسبت با شهر مدرن با توجه به اقتضائات زندگی شهری می‌باشد. اینکه مسجد از فضای فرهنگی و اجتماعی به یک مکان عبادی و مذهبی تبدیل شده است درحالی‌که مسجد، شرط تحقق عمومی دین در ایران از قدیم‌الایام تاکنون بوده است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد رویکردهای حکومت پیرامون سیاست‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد که در این زمینه با استفاده از روش تحلیل مضمون طی ۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته دیدگاه خبرگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از احصای چهار رویکرد شامل رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی و اقتضایی است. پیرامون رویکرد حمایتی، حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را بر عهده می‌گیرد. در این زمینه حکومت باید به‌صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت و مساعدت از مساجد اقدام نمایند. مساعدت حکومت در زمینه پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم جهت ساخت مساجد، رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد، اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد، تأمین معیشت امامان جماعت و خدام، مساعدت حکومت در زمینه طراحی و ساخت مساجد، مساعدت حکومت در تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد از جمله فعالیت‌ها و اقدامات لازم در این زمینه می‌باشد. ناظر به رویکرد ضمانتی حکومت ضامن مسجد و فعالیت‌های مرتبط با آن می‌باشد که در این زمینه تصویب قوانین و مقررات توسط حکومت پیرامون مساجد، کاهش روند بروکراتیک پیرامون مساجد، لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت (به‌مثابه مالیات حکومتی) مضامین مرتبط می‌باشند که باید وجهه همت حکومت قرار گیرد. پیرامون رویکرد نظارتی نیز باید اشاره نمود که حکومت در مسائل ساختاری مساجد مانند تعیین امام جماعت، تعیین هیئت‌امنا و خدام، اختلافات درونی مسجد، مدیریت مساجد می‌بایست در حد یک ناظر عمل نماید و نظارت حکومت بر فعالیت‌ها و


امکانات مساجد می‌تواند ذیل سازمان یا شورای سیاست‌گذاری جدید پیگیری شود تا با نظارت جدی حکومت مسئله تعطیلی مساجد مرتفع گردد و مساجد بتوانند به جایگاه واقعی خود در نظام اسلامی نائل گردند و ناظر به رویکرد اقتضایی نیز باید اشاره نمود که حکومت می‌بایست شرایط زمانی و مکانی برای ظهور و بروز در مساجد را مدنظر قرار دهد به بیان دیگر بر اساس اقتضائات و شرایط ظهور و بروز حکومت در امر مسجد متفاوت و مختلف می‌گردد. در بعضی مکان‌ها وظیفه دولت است که به آبادی مسجد بپردازد و در بعضی جاها نیز اصلاً نباید در این مسئله ورود کند به بیان دیگر میزان ورود در مساجد تابعی است از رشد و هدایت جامعه. بعضی اوقات اقتضا می‌کند که حکومت ورود حداکثری داشته باشد. بعضی زمان‌ها نیز اقتضا می‌کند که حکومت ورود حداقلی داشته باشد. در مجموع می‌توان اشاره نمود که رویکرد اقتضایی به مثابه چتر حاکم بر سایر رویکردهاست که بر اساس شرایط زمانی-مکانی و نیز سنخ و گونه شناسی مساجد سایر رویکردهای را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. توجه به ملاحظات سیاستی مانند سنخ خط‌مشی‌گذاری متفاوت در مسجد (به جهت دینی و مردمی بودن مساجد در جامعه اسلامی)، توجه به رقبای مسجد در خط‌مشی‌گذاری (فرهنگسرا، سرای محلات و...)، سیاست‌گذاری در مسجد و بر مسجد (کارگزاران مسجد و سازمان‌ها و متولیان مرتبط با مساجد)، شناخت گونه شناسی مساجد (مسجد جامع، بازار و...)، توجه به بازتولید نهادی مسجد (چندمنظوره بودن مساجد در ساحت شهری) از جمله مواردی است که ناظر به لحاظ رویکرد اقتضایی می‌بایست در دستور کار خط‌مشی‌گذاران جهت نیل به سیاست‌های مطلوب حوزه مسجد قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود ناظر به سیاست‌گذاری فرهنگی پیرامون نقش نهادهای جانبی مسجد در اعتلا یا نزول جایگاه آن در نظام اسلامی معاصر مطالعات میدانی و کیفی صورت پذیرد چراکه در کشورمان با این واقعیت مواجه هستیم که مساجد چندمنظوره یا چندکارکردی تأسیس شده است که شامل باشگاه ورزشی، صندوق قرض‌الحسنه، درمانگاه، سالن عروسی و... است. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است این مسأله است که چه بخشی از این نهادهای جانبی از منظر دینی مطلوب است و رابطه مساجد با این نهاد چگونه باید باشد؟ همچنین بررسی سیاست‌گذاری مساجد در کشورهای اسلامی نیز از جمله مباحث حائز اهمیت است که در این زمینه باید اشاره نمود کشورهای اسلامی سازمان‌ها و نهادهایی متولی حوزه مساجد هستند که مطالعه موردی آن‌ها می‌تواند در ترسیم مطلوب خط‌مشی مساجد در جمهوری اسلامی ایران راهگشا باشد

برای مثال می‌توان به سازمان دیانت اشاره نمود که سازمان مذکور مدیریت مساجد ترکیه را بر عهده دارد. در سطوح اجرایی و عملیاتی مساجد نیز باید به مسئله جذب جوانان و نوجوانان و موانع مرتبط جهت حضور آنان در مساجد و به‌بیان‌دیگر مسجدی شدن این قشر مهم جامعه پرداخت که در این راستا تعامل مسجد، مدرسه و خانواده می‌تواند گام مهم و اساسی قلمداد شود که اقدامات راهبردی شامل برگزاری جشن تکلیف دانش‌آموزان در مساجد، برگزاری مسابقه‌های قرآن، عترت و نماز دانش‌آموزی در مساجد و یا دوره‌های آموزشی رایگان در مورد مسائل دینی و مذهبی برای نوجوانان و جوانان، اهدای بسته‌های جوایز برای کودکان و نوجوانان مسجدی می‌تواند نقش مهمی در جذب کودکان و نوجوانان ایفا نماید.

### تعارض منافع

بخشی از این نوشتار برگرفته از رساله دکتری نویسنده با عنوان «الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران» است و با منافع شخصی یا سازمانی منافات ندارد.

#### ORCID

Meysam Farokhi  <https://orcid.org/0000-0003-0430-7192>

## منابع و مأخذ

- احمدی گرچی، حسینعلی (۱۳۸۳). تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی، (طرح پژوهشی)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱). تهران: انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- امینی هرندی، رضا (۱۳۹۴). توسعه فرهنگی محله‌ای پایدار مسجدمحور: مورد مطالعه یکی از مساجد تهران، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹). مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، قم: فجر ولایت.
- حسینی، سید احمد (۱۳۸۴). طرح ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی، تهران: کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۰). طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دهقان پیشه، الهام، اسماعیلی، رضا (۱۳۸۹). ارزیابی سیاست‌های هنری با ارتقا مدل چارترند و مک کافی، نامه پژوهش فرهنگی، ۱۱ (۱۰)، ۷۹-۱۱۱. Doi:20.1001.1.20088760.1389.11.10.3.5
- صالحی امیری، سید رضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و زائری، قاسم (۱۳۸۸). چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ضرابی، عبدالرضا، (۱۳۸۴). نقش و عملکرد مسجد در تربیت، در کتاب کارکرد مسجد به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد، تهران: نشر رسانش.
- طالبی، محمدرسول (۱۳۹۳). ارتباطات گروهی و فرهنگ بسیجی: طرح صالحین در پایگاه‌های بسیج مساجد شهر تهران. دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- فرخی، میثم (۱۳۸۹). رهبری در مسجد: مطالعه موردی مسجد صفا. دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- فرخی، میثم، خلجی، فاطمه (۱۴۰۰). کارکردشناسی فرهنگی - ارتباطی مساجد دانشگاهی؛ مورد مطالعه مساجد دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شریف، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱ (۲۴)، ۱۵۵-۱۹۰. [https://cgirj.ihu.ac.ir/article\\_205857.html](https://cgirj.ihu.ac.ir/article_205857.html)
- غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۶). جایگاه دولت در عرصه فرهنگ، (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی ج ۱) (مقالات بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کرم‌الهی، نعمت‌الله و کاشانی‌زاده، امیرمسلم (۱۳۹۱). تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران. معرفت فرهنگی و اجتماعی، ۳ (۳)، ۳۱-۴۸. <http://marefatfarhangi.nashriyat.ir/node/110>

- گزارش رصد فرهنگی (۱۴۰۲). مسجد در ایران: آمار، کارکردها، مسائل و جایگاه اجتماعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گزارش رصد فرهنگی (۱۴۰۲). نوجوانان تهران و مسجد: بررسی وضعیت ارتباط نوجوان تهران و مساجد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- لطفعلی‌زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). مسجد و ارتباطات گروهی با نوجوانان مورد بررسی: چهار مسجد شهر تهران. دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).
- محمدی، مجید (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز، تهران: قطره.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱). طراحی مدل اجرای سیاست فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور، رساله دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). سیاست‌گذاری دانش و روش، فصلنامه سیاست داخلی، ۱(۱)، ۱۷۷-۱۸۹.
- موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۴). مساجد و مهم‌ترین چالش‌های فراروی آن. در مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
- مولر، پیر (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
- وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- وحید، مجید (۱۳۸۰). درآمدی بر سیاست‌گذاری عمومی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۲(۱)، ۱۸۵-۲۱۷. [https://jflps.ut.ac.ir/article\\_12608.html](https://jflps.ut.ac.ir/article_12608.html)
- همایون، محمدهادی و فروزان، حامد (۱۳۸۸). تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه دین و ارتباطات، ۱۶(۲)، ۶۳-۹۲. Doi: 10.1017/202520252/1388/16/03/6
- Abdul-Azim, Ah. (2024) *The Contemporary British Mosque*. doi:10.5040/9781350259003
- Ahmadi Gurji, Hossein Ali (2013). *Determining how to examine and diagnose cultural institutions, (research project)*, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]
- Alwani, Seyed Mehdi and Sharifzadeh, Fattah (2008) *Public policy process*, Tehran: Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Amini Harandi, Reza (2014). *Cultural development of a sustainable mosque-oriented neighborhood: a case study of one of Tehran's mosques*. Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS). [In Persian]
- Ammar, Ihsan, Nasution., Muhammad, Iqbal, Husaini., Mohamed, Hassan, Ahmed. (2019). *Developing Islamic city through network-of-mosque (NoM)*. Journal of Social and Development Sciences, 6(2):37-45. doi: 10.22610/JSDS.V6I2.840
- Ashtarian, Kiyomarth (2012). *An introduction to the cultural policy-making method*, Tehran: Sociologists Publications. [In Persian]
- Belinda, L. (2006). A Study of the Policy on the Performing Arts in Hong Kong: Is the West Kowloon Cultural District Project a Solution?, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Public Administration, The University of Hong Kong

- Chartrand, H. & McCaughey, C. (1989). The arm's length principle and the arts: An international perspective- past, present and future. In: Cummings M, Schuster MD (Eds), Who's to Pay for the Arts? The International Search for Models of Support, New York: American Council for the Arts, pp. 43-77.
- Chartrand, H (2002). Funding the Fine Arts: An International Political Economic Assessment, Nordic Theatre Studies, Vol. 14.
- Cultural monitoring report (2023). *teenagers in Tehran and the mosque: investigating the relationship between teenagers in Tehran and mosques*, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. **[In Persian]**
- Cultural monitoring report (2023). *the mosque in Iran: statistics, functions, issues and social status*, Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. **[In Persian]**
- Dehghan Pisheh, Elham, Esmaili, Reza (2009). Evaluation of art policies by upgrading the Chartrend and McKoffee model, *Cultural Research Letter*, 11 (10): 79-111. Doi: 20.1001.1.20088760.1389.11.10. 3.5 **[In Persian]**
- Farokhi, Maysam (2010) *Leadership in a mosque: a case study of Safa mosque*. Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS). **[In Persian]**
- Farokhi, Maysam, Khalji, Fatemeh (2021). Cultural-communicative functionalism of university mosques; The study of mosques of Tehran universities, Tarbiat Modares and Sharif, *Islamic Revolution Cultural Guard*, 11(24): 155-190 [https://cgirj.ihuo.ac.ir/article.205857\\_html](https://cgirj.ihuo.ac.ir/article.205857_html) **[In Persian]**
- Gholampour Ahangar, Ibrahim (2008). *The position of the government in the field of culture*, (Collection of articles of the first national conference on cultural engineering. Volume 1 (articles of the concept and aspects of cultural engineering). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. **[In Persian]**
- Homayun, Mohammad Hadi and Forozan, Hamed (2008). Explaining the favorable relationship between government and culture in the Islamic Republic of Iran, *journals of religion and communication*, 16 (2): 63-92. **[In Persian]**
- Hosseini, Seyyed Ahmad (2004). *Plan for organizing the cultural activities of government cultural institutions and organizations*, Tehran: Cultural Commission of the Supreme Council of Cultural Revolution. **[In Persian]**
- Karam Elahi, Nematullah and Kashanizadeh, Amir Muslim (2012). Explaining the conceptual model of pathology of mosque condition in Iran. *Cultural and Social Knowledge*, 3 (3): 31-48 <http://marefate-farhangi.nashriyat.ir/node/110/> **[In Persian]**
- Keane, M. A & Zhang W, (2008). Cultural creative industries or creative (cultural) industries?, In: Hu, Huilin (Eds). China's Cultural Industries Forum (Chinese publication), Shanghai Peoples' Publishing.
- Khashai, Vahid (2017). *Designing a cultural policy model in higher education*, Tehran: Cultural and Social Planning Office of the Ministry of Science, Research and Technology. **[In Persian]**
- Lotfalizadeh, Mohammad Hossein. (2013). *The mosque and group communication with teenagers investigated: four mosques in Tehran*. Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS). **[In Persian]**

- Malek Mohammadi, Hamidreza, (2006). Policy making of knowledge and method, *Domestic Policy Quarterly*, (1) 1: 189-177. **[In Persian]**
- Mangset, P. (2008). The arm's length principle and the art fundingsystem: A comparative approach, conference presentation, iccpr2008, Yeditepe University, Istanbul.
- Mohamad, Anwar, Thalib. (2023). An Islamic Ethnology Approach to Examine Mosque Accounting Practices. *Invest Journal Of Sharia & Economic Law*, 3(1):22-40. doi: 10.21154/invest.v3i1.5511
- Mohammadi, Majid (1998) *An Introduction to Sociology and Economy of Culture in Iran Today*, Tehran: Qatrah. **[In Persian]**
- Mousaf Rostami, Mohammad Ali (2004) *Mosques and the most important challenges facing them*. In the collection of selected articles of the 3rd International Conference of the World Week of Honoring Mosques, Qom: Saghalin Cultural Institute. **[In Persian]**
- Mowlana, Hamid. (1996). *Global Communication in Transition: The End of Diversity*, Thousand Oaks: Sage Publication.
- Mueller, Pir (2000) *Public policy*, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran: Dadgstar. **In Persian]**
- Mukhtarianpour, Majid (2012). *Designing a cultural policy implementation model based on the country's development plans*, doctoral dissertation in management, Allameh Tabatabai University Faculty of Management. **[In Persian]**
- Pirouzmand, Alireza (2011) *Foundations and Model of Cultural Engineering*, Qom: Fajr Velayat. **In Persian]**
- Principles of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran, (1993), Tehran: Publications of the High Council of Cultural Revolution. **[In Persian]**
- Rizqi, Anfanni, Fahmi. (2022). Transformation of Mosque Management Through Islamic Social Enterprise Concept. *Journal of Islamic Economis Lariba*, 157-178. doi: 10.20885/jielariba.vol8.iss1.art10
- Rizqi, Anfanni, Fahmi., Muhammad, Zulhamdi. (2023). *Mosque-Based Islamic Social Enterprise: A New Approach to Mosque Management Transformation*. *Jurnal Iqtisaduna*, 9(2):162-175. doi: 10.24252/iqtisaduna.v9i2.41599
- Salehi Amiri, Seyyed Reza and Azimi Daulatabadi, Amir (2007) *Basics of Policy Making and Cultural Planning, Tehran: Expediency Discernment Forum*, Strategic Research Institute. **[In Persian]**
- Sediq Sarostani, Rahmatullah and Zairi, Qasim (2008). *Cultural Planning Challenges in Iran*, Tehran: Islamic Azad University. **[In Persian]**
- Sugiharto, Sugiharto., Dewi, Kirowati., Vaisal, Amir. (2019). *Analysis of Mosque Financial Management to Optimization the Role of Mosque in Advancing Communities Using Critical Ethnology Studies*. 4(2) doi: 10.32486/AKSI.V4I2.397
- Talebi, Mohammad Rasul (2013). *Group communication and Basij culture: Salihin's plan in Basij*

*mosque bases in Tehran.* Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS). **[In Persian]**

Vahid, Majeed (2008) An Introduction to Public Policymaking, *Faculty of Law and Political Science Journal*, 52 (1): 185-217. [https://jflps.ut.ac.ir/article\\_12608.html](https://jflps.ut.ac.ir/article_12608.html). **[In Persian]**

Vahid, Majeed (2012) *Politics and Culture in Iran Today*, Tehran: *Islam and Iran Research Center*, Open Publications. **[In Persian]**

Zarrabi, Abdolreza, (2004). *The role and function of the mosque in education*, in the book *Functioning of the Mosque by the efforts of the Secretariat of the Supreme Headquarters for Coordination and Supervision of Islamic Centers, Art of Mosques*, Tehran: Rasansh Publishing House, 2010. **[In Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## Duties of a religious government towards mosque as a cultural right

**Mansoor Fasih Ramandi** , Faculty Member of the Research Institute of Culture, Art and Communication)

Email: [fasih@ricac.ac.ir](mailto:fasih@ricac.ac.ir)

### ABSTRACT

The cultural rights that emerged after the emerging socialisms in the concept of human rights and the failures caused by the imposition and the dominance of foreign development patterns with the cultures of societies was put on the agenda. It is based on the basic point that the concept of right should not be searched only in the individual fields and basic civil and political freedoms. Rather, because of the spiritual aspect of human life and sometimes giving it authenticity, and with the premise that without addressing this aspect of the existential dimensions of human society, It is not possible to develop society and develop moral virtues in it And more attention should be paid to it.

In fact, to achieve this goal, creating a harmonious relationship between components such as belief, tendency and behavior based on monotheistic belief And defining culture as a set of these three components with “cultural rights” is essential. Because culture is the most authentic social reality that is formed under the influence of other realities. One of these facts that strongly affects culture is government or political power. In particular, governments, both in terms of propagating ideals and goals of official ideology and in terms of the necessity of achieving their political goals and objectives, and also in terms of new functions such as planning and implementation, control and supervision of They take over the culture.

In other words, the government’s duties are not limited to providing individual rights and needs Rather, the duties of the government, which is itself a manifestation of a social and political right, It will include the protection of culture as a common knowledge whose underlying layers are mainly the insights and values of a nation which can be realized in the form and tool of “cultural rights”. Cultural affairs have an irreplaceable place in the Islamic legal system And the Islamic government, in addition to respecting the material rights of the citizens and ensuring their welfare and livelihood, is obliged to respect the cultural rights of the members of the society And he should use all his efforts to protect the spiritual atmosphere and promote the cultural health of the society.

In such an atmosphere, the religious government cannot and should not be indifferent to the central position of mosques as the most effective cultural institution based on monotheistic belief in order to implement and establish the “cultural rights” of citizens. Because mosques, while having cultural capacities for the development of moral virtues, are the basis for the realization of cultural rights in its examples, such as the right to religion, cultural participation, the right to religious identity, the right to education, the right to different religions. They are respected in performing rituals.



Based on the necessity of identifying and explaining “mosque as a cultural right”, in this article, an attempt has been made to answer the question that, despite the lack of clarification by the legislator on the position of “mosque as a cultural right”, the duties and obligations of the religious government in relation to How can it be proven to implement and guarantee this type of cultural rights? The importance of answering this question and researching the position of the mosque under “cultural rights” is significant from two aspects; The first aspect can be described in the explanation and introduction of the “cultural right to the mosque” from the circle of “cultural rights”. On the other hand, due to the focus of existing researches on the material dimensions of “cultural rights”, especially with regard to the international human rights system, it is important to calculate the spiritual dimensions of this category of rights in the domestic legal system.

The research strategy in this article is a combined strategy and depending on each topic of the article, it has been tried to use the appropriate research method. For more focus and coherence, two main methods of “library studies” and “content analysis of documents” were used and four documents from upstream documents were examined in order to determine the duties of the government in securing this cultural right.

Based on the findings of the research, based on the goal of progressive culture and considering the cultural functions of the mosque, not only the human cultural right in the field of belief, tendency and behavior will be ensured through the mosque. Rather, this right itself will eventually lead to securing other cultural rights such as the right to religion and belief, the right to traditions and other rights. Also, regarding the duties of the religious government in the way of securing cultural rights, although the constitution implicitly refers to manifestations of culture, but according to the first paragraph of the third principle of the constitution, it should be said; Organization of culture by the government is part of the social rights of the people over the statesmen. This duty for the government regarding the position of the mosque institution as a cultural right will be realized through policy making in this field. This duty for the government regarding the position of the mosque institution as a cultural right will be realized through policy making in this field. Of course, this policy-making was not considered hierarchical and only within the scope of the government’s duties, and it was largely formed based on people’s participation. In fact, the government’s intervention in securing this cultural right is not maximal and it has moved towards semi-centralized policy making.

**Keywords:** Right, cultural rights, cultural right of mosque, religious government, Mosqueright.

## وظایف حکومت دینی در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی

منصوره فصیح رآمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

به‌رغم تبیین حق‌های فرهنگی ذیل مباحث حقوق بشر، به جهت تکیه بر ابعاد مادی وجود انسان در تعریف آن، شاهد عدم توجه به شناسایی این حقوق در قالب ابعاد معنوی انسان هستیم. این در حالی است که با توجه به ارتباط وثیق حق‌های فرهنگی با مفهوم «فرهنگ پیشرو»، ضروری است تا ابعاد دیگری از این حقوق در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارها مورد شناسایی قرار گیرد. از این منظر و با نگرش حقوقی، نهاد مسجد به‌عنوان یکی از مصادیق در گستره حق‌های فرهنگی، مورد واکاوی قرار گرفت. در این رویکرد این سؤال مطرح شد که مسجد به‌مثابه «حق فرهنگی» چگونه قابل تعریف است؟ بر مبنای اسناد بالادستی در نظام جمهوری اسلامی ایران وظایف حکومت دینی در این عرصه چیست؟ در این مطالعه توصیفی و تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، چهار سند از اسناد بالادستی در جهت تعیین وظایف دولت در تأمین این حق فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، بر مبنای هدف فرهنگ پیشرو و با توجه به کارکردهای فرهنگی مسجد، نه تنها حق فرهنگی بشر در حوزه اعتقاد، گرایش و رفتار به واسطه مسجد تأمین خواهد شد. بلکه این حق خود در نهایت منجر به تأمین حق‌های فرهنگی دیگری از قبیل حق بر مذهب و عقیده، حق بر سنت‌ها و ... خواهد شد.

### واژگان کلیدی

حق، حق‌های فرهنگی، حق فرهنگی بر مسجد. دولت دینی مسجد.



## مقدمه

مقوله حق‌های فرهنگی که پس از اجتماع‌گرایی‌های نوظهور در مفهوم حقوق بشر و ناکامی‌های ناشی از تحمیل و اعمال الگوهای توسعه بیگانه با فرهنگ‌های جوامع در دستور کار قرار گرفت، ناظر به این نکته اساسی است که مفهوم حق را نباید صرفاً در عرصه‌های فردی و آزادی‌های اساسی مدنی و سیاسی جست‌وجو کرد. بلکه به دلیل وجه معنوی حیات انسانی و بعضاً اصالت بخشیدن به آن و با این پیش‌فرض که بدون پرداختن به این بعد از ابعاد وجودی جامعه انسانی، امکان تکامل جامعه و رشد فضایل اخلاقی در آن میسر نیست و باید توجه بیشتری به آن مبذول داشت. در واقع برای رسیدن به این هدف، ایجاد رابطه هماهنگ میان مؤلفه‌هایی همچون اعتقاد، گرایش و رفتار مبتنی بر باور توحیدی و تعریف فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از این سه مؤلفه، با «حق‌های فرهنگی» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. چراکه فرهنگ اصیل‌ترین واقعیت اجتماعی است که تحت تأثیر سایر واقعیت‌ها شکل می‌گیرد. یکی از این واقعیت‌ها که فرهنگ را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، حکومت یا همان قدرت سیاسی است. به‌ویژه که حکومت‌ها، هم به لحاظ تبلیغ آرمان‌ها و اهداف ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم به جهت کارکردهای جدید نظیر برنامه‌ریزی و اجرا، کنترل و نظارت بر فرهنگ را بر عهده می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر، وظایف حکومت تنها ناظر به تأمین حقوق و نیازهای فردی نیست بلکه وظایف دولت که خود تجلی یک حق اجتماعی و سیاسی است، شامل حفاظت از فرهنگ به‌عنوان معرفت مشترکی که لایه‌های زیرین آن را عمدتاً بینش‌ها و ارزش‌های یک قوم تشکیل می‌دهد، خواهد بود که در قالب و ابزار «حق‌های فرهنگی» قابل تحقق است. امور فرهنگی در نظام حقوقی اسلام، جایگاه بی‌بدیلی دارد و حکومت اسلامی، علاوه بر رعایت حقوق مادی شهروندان و تأمین رفاه و معیشت آنان، مکلف به رعایت حق‌های فرهنگی آحاد جامعه است (موسوی‌الخمنی، ۱۳۹۷: ۴۹۷)؛ و باید همه اهتمام خود را در جهت صیانت از فضای معنوی و ارتقای سلامت فرهنگی جامعه به کار بندد.

در این بین، دولت دینی در جهت اجرا و تثبیت «حق‌های فرهنگی» شهروندان، نمی‌تواند و نباید نسبت به جایگاه محوری مساجد به‌عنوان اثرگذارترین نهاد فرهنگی مبتنی بر باور توحیدی، بی‌توجه باشد. چراکه مساجد در عین برخورداری از ظرفیت‌های فرهنگی در جهت رشد فضایل اخلاقی، زمینه‌ساز تحقق حق‌های فرهنگی

در مصداق‌های آن همچون حق بر مذهب، مشارکت فرهنگی، حق بر هویت دینی، حق بر آموزش، حق مذاهب مختلف بر محترم واقع شدن در انجام مناسک<sup>۱</sup> و ... هستند. بر اساس ضرورت شناسایی و تبیین «مسجد به مثابه حق فرهنگی»، در این مقاله تلاش شده با رویکرد تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی نسبت به اسناد بالادستی، به این پرسش پاسخ داد شود که به‌رغم عدم تصریح قانون‌گذار به جایگاه «مسجد به مثابه حق فرهنگی»، وظایف و تعهدات دولت دینی نسبت به اجرا و تضمین این قسم از حق‌های فرهنگی، چگونه قابل اثبات است؟ اهمیت پاسخ به این سؤال و پژوهش در خصوص جایگاه مسجد ذیل «حق‌های فرهنگی» از دو جنبه قابل توجه است؛ جنبه اول را می‌توان در تبیین و معرفی «حق فرهنگی بر مسجد» از میان دایره «حق‌های فرهنگی» توصیف کرد. از جنبه دیگر نیز با توجه به تمرکز پژوهش‌های موجود بر ابعاد مادی «حق‌های فرهنگی» به‌ویژه با نگاه به نظام حقوق بین‌المللی بشری، احصاء ابعاد معنوی این دسته از حقوق در نظام حقوقی داخلی از اهمیت و ضرورت قابل توجهی برخوردار است.

### پیشینه پژوهش

حجم تولیدات علمی - تخصصی در زمینه «مسجد به مثابه حق فرهنگی» به‌ویژه احصاء و تبیین رویکرد اسناد بالادستی نسبت به این حق، در مقایسه با برخی مصادیق حقوق مدنی و سیاسی بسیار کم‌فروغ است؛ بنابراین، برای جبران فاصله موجود میان واقعیات و انتظارات، نیازمند بررسی‌های مختلف به‌ویژه مطالعات بین‌رشته‌ای هستیم تا راهکارهای بهبود وضعیت به‌درستی شناسایی شوند. البته در خصوص «حق‌های فرهنگی» به‌صورت خاص تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده که بیشتر آن‌ها به بررسی این قسم از حقوق در نظام بین‌المللی حقوق بشر معطوف شده‌اند؛ اما علی‌رغم این پیشینه، تحقیق و پژوهشی منحصر به شناسایی این حق در حوزه «دین» به‌ویژه در خصوص شناسایی بهره‌مندی از مساجد به‌عنوان «حق فرهنگی»، صورت نپذیرفته است. البته پژوهش‌هایی با موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی مساجد به‌صورت محدود به ابعاد قانون‌گذاری در این موضوع پرداخته‌اند که از این جهت قرابت کمی با موضوع مورد بحث دارند. به‌عنوان مثال فرخی و باهنر در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران...»، طی

۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان به مختصات سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران، پرداخته‌اند. همچنین حسین عبدالملکی و همکاران در پژوهشی با عنوان «واکوی نوع نگاه به مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» پیوستار چهارمرحله‌ای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حیطه مسجد را تبیین نموده‌اند. با بررسی تحقیقات موجود، مشخص می‌شود بخش عمده‌ای از تحقیقات تنها به بررسی «حقوق فرهنگی» با تکیه بر ابعاد مادی وجود انسان، منحصر شده‌اند و بخش دیگر نیز به بررسی روند سیاست‌گذاری در این خصوص پرداخته‌اند. در واقع در خصوص موضوع موردبحث، شاهد پژوهش‌های مستقل و کاربردی نیستیم.

### روش پژوهش

استراتژی پژوهش در این مقاله یک راهبرد تلفیقی است و بسته به هر یک از مباحث مقاله سعی شده است از روش تحقیق متناسب با موضوع آن بهره‌برداری شود. برای تمرکز و انسجام‌بخشی بیشتر، تلاش شد از دو روش عمده «مطالعات کتابخانه» و «تحلیل محتوای اسناد» استفاده شود.

### ملاحظات نظری و مفهومی

#### تبیین نظریه مفاهیم بنیادین حقوقی هوفلد

نظریه و نظریه‌پردازی چه در مقام صورت‌بندی و تفسیر و چه در مقام تأثیر در سیاست‌گذاری اجتماعی و اجرا تحت تأثیر سلسله‌مراتب و سطوح گوناگونی از ارزش‌ها، باورها و پیش‌فرض‌های هنجاری می‌باشد (امینی هرندی، ۱۴۰۳: ۴۸). نظریه مفاهیم بنیادین حقوقی هوفلد نیز مبتنی بر این بستر از اهمیت قابل توجهی در اثبات حق برخوردار است. به اعتقاد هوفلد<sup>۱</sup>، قاضی و فیلسوف آمریکایی در اوایل سده بیستم، تقسیمات سنتی حق، صرفاً به یک نوع از حقوق قانونی توجه کرده و سایر حقوق قانونی را نادیده گرفته و به همین جهت موجب به خطا افتادن در تحلیل روابط حقوقی و آموزه‌هایی همانند رابطه حق و تکلیف می‌شود. رابطه حق و تکلیف ریشه در ایده «سویه هنجاری» حق برای هدایت رفتار دیگران دارد. این ایده معمولاً با گفتن این جمله مطرح می‌شود که حق ملازم با تکلیف است. به عبارت دیگر، حق همواره متضمن برخی تکالیف درهم‌تنیده دیگران است. تکلیف تابع حق است و وجود ثانوی و اشتقاقی دارد، زیرا اگر صاحب حق، حق خود را اسقاط کند، تکلیف نیز ساقط

می‌شود. پس تکلیف بر محور حق می‌چرخد (شفیعی‌سردشت، ۱۳۹۳: ۲۱۲). هوفلد تصریح می‌کند که تلاش‌های فراوانی که برای شناساندن مفهوم حق تا زمان وی صورت گرفته است، هیچ‌کدام قانع‌کننده نیست. از سوی دیگر، بسیاری از معضله‌های موجود در علم حقوق از ابهام‌های موجود در روابط مفاهیمی همانند حق و تکلیف، پدید آمده است (طالبی و حسینی‌نسب، ۱۳۸۸: ۱۶۲) و تا این ابهام‌های فلسفی برطرف نگردند، معضلات حقوقی نیز در حقیقت حل نخواهد شد. همچنین ابهام‌های موجود در روابط مفاهیمی مانند حق و تکلیف، به ارائه تقسیمی صحیح از حق برمی‌گردد. هوفلد برای نشان دادن ساختار منطقی نظام خود، چهار مفهوم مزبور را در جدول «ملازم‌ها» و «متضادها» مرتب ساخت. بر این اساس، هر حقی را می‌توان در ارتباط با ملازم و متضاد آن تحلیل کرد. ملازم‌ها را غالباً در شخص مکلف شناسایی می‌کنند، اما متضادها را با توجه به خود صاحب حق تعریف می‌نمایند. ملازم‌های هوفلدی بر موقعیت‌های قانونی دوتایی دلالت دارند که متعلق به دو طرف یک رابطه هستند؛ اما متضادهای هوفلدی بیانگر موقعیت‌هایی هستند که یک‌طرف رابطه ممکن است هر یک از آن موقعیت‌ها را داشته باشد. در واقع، ملازم را باید در صاحب حق و فرد مکلف جستجو نمود، اما متضاد را باید در یکی از طرفین رابطه شناسایی نمود (ولمن‌کارل، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

از دیدگاه هوفلد، واژه حق می‌تواند بیانگر چهار گونه رابطه حقوقی باشد:

۱. حق ادعا، حق در اینجا به معنای مضیق است که لازمه آن تکلیف و وظیفه دیگری و نقیض آن، حق نداشتن شخص است؛
۲. حق امتیاز، حقی است که لازمه آن، حق نداشتن طرف دیگر است و نقیض آن هم وظیفه و تعهد شخص است؛
۳. حق قدرت نیز لازمه‌اش مسئولیت حقوقی دیگری در برابر آن است و نقیض آن هم ناتوانی ذی‌حق نسبت به آن است؛
۴. حق مصونیت، عبارت است از مصونیت داشتن در برابر قدرت قانونی دیگران؛ یعنی اینکه صاحب حق در معرض قدرت دیگری نیست (دستی، ۱۳۹۹: ۱۱). در نهایت باید گفت مطابق با این نظریه، «قدرت و امتیاز»، حق‌های فعال هستند و «ادعا و مصونیت» حق‌های منفعل، زیرا امتیاز و قدرت اعمال و اجرا می‌شوند، حال آنکه ادعا و مصونیت اعمال و اجرا نمی‌گردند، بلکه صرفاً مورد تمتع قرار می‌گیرند.

## تعریف حکومت دینی

بر اساس معنای لفظی حکومت در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۶۴)، حکومت با اعمال قدرت و سازمان‌دهی به صورت یک نظام سیاسی، به عنوان مظهر والای وحدت اجتماع، باعث از بین رفتن ضعف و فتور در نظام اجتماعی می‌شود. حکومت در علم حقوق و اندیشه سیاسی به معنی سازمانی که دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی مانند قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه است، تعریف شده است و حکومت به وسیله این نهادها تجلی و اعمال حاکمیت می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۷۵۱). در واقع حکومت نوع سازمان‌دهی و تجلی بیرونی حاکمیت و قدرت سیاسی است که پس از تشکیل، نیاز به سازمان خاصی دارد که انجام وظایف و اعمال سیاست‌های آن را بر عهده گیرد؛ این سازمان «دولت» نامیده می‌شود که به دخالت در نهادهای دیگر می‌پردازد.

به اعتقاد شهید صدر، حکومت در اسلام عبارت است از رعایت و حفظ شئون امت بر اساس شریعت اسلامی و به همین جهت بارها بر حاکم نام راعی و بر فرمانبرداران نام رعیت اطلاق شده است<sup>۱</sup> (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۱). آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف حکومت دینی می‌گویند: حداقل سه معنا ممکن است از حکومت دینی ارائه شود:

۱. حکومتی که تمام ارکان آن بر اساس دین شکل گرفته باشد؛

۲. حکومتی که در آن احکام دینی رعایت شود؛

۳. حکومت دین‌داران و متدینان (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۵۷).

در نوع اول این تعاریف، حکومت دینی حکومتی است که نه تنها همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام دینی است، بلکه مجریان آن نیز به طور مستقیم از طرف خداوند یا به اذن خاص یا عام امام معصوم، منصوب می‌شوند. در معنای دوم، لازم نیست که حاکم منصوب خدا باشد، بلکه صرفاً رعایت احکام دین در حکومت چنین شخصی یا گروهی، کفایت می‌کند و در معنای سوم، رعایت قوانین دینی و اسلامی لازم نیست، بلکه صرف ارتباط حکومت با افراد دیندار و متدین، کفایت می‌کند (فلاح سلوکایی، ۱۳۹۰: ۶۴). با نگاهی به این تعاریف متوجه می‌شویم که حکومت اسلامی، حکومتی است که در آن اداره جامعه و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلام است. حکومت اسلامی و دولت اسلامی در این معنا، مشروعیت خود را از سرچشمه زلال وحی گرفته و ولایت سیاسی حاکم اسلامی، منبعث از ولایت خداست

که در مرتبه و حیث وجودی خویش، تفسیرپذیر و مقدس است؛ یعنی دین منشأ مشروعیت و مقبولیت حکومت و دولت اسلامی است و دین از توانمندی هدایت انسان در ابعاد و ساحت‌های مختلف برخوردار است و دولت‌ها و حکومت‌ها مجری احکام الهی و کلام خداوند هستند که در پیام وحی به پیامبر (ص) نازل شده و به جانشینان ایشان و امامان معصوم منتقل و در اقوال و روایات این بزرگان نمایان شده و قابل استنباط است؛ بنابراین، دولت اسلامی، دولتی دینی است که ارزش‌ها و اصول خود را از دین اسلام می‌گیرد؛ اما دینی بودن دولت اسلامی، هرگز به معنای ایدئولوژیک بودن آن نیست؛ زیرا هرچند دولت‌های دینی نیز همانند دولت‌های غیردینی، ممکن است در شرایط زمانی و مکانی ویژه‌ای گرایش‌های ایدئولوژیک نشان دهند اما اصولاً مقوله دین بسیار گسترده‌تر است (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۷۸). شاخص اصلی در تمایز حکومت دینی این است که حکومت‌های دینی با وجود داشتن اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک هدف اصلی و عام دارند و آن هدایت بشر برای رشد فردی و جمعی و در نهایت بالابردن انسان در تقرب به خداست (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۴).

#### ماهیت حق‌های فرهنگی

در ایجاد یک حکومت دینی، عنایت به اصل کرامت و ارزش والای انسان، توأم با مسئولیت او در برابر خداوند یکی از شرایط اولیه ادامه حیات یک نظام دینی است. بر اساس این اصل، انسان دارای گرایش‌های گوناگونی است که وی را به سوی خیر یا شر می‌کشاند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان میثاق ملی کشور و مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به این موضوع واقف بوده و بر اساس مقدمه قانون اساسی، اعتلای جامعه تنها از طریق فراهم نمودن بسترهای مناسب برای افراد جامعه در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن خواهد بود. در پرتو چنین سیاستی است که تحقق یک جامعه مردم‌سالار دینی تنها منحصر به عرصه‌های سیاسی و اقتصادی نبوده و مقوله فرهنگ و نهادهای فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. فرهنگ در مبنای حکومت دینی، در عین حال که هدف است، وسیله هم هست؛ یعنی از یک نظر فرهنگ وسیله‌ای است برای تحقق اهداف دینی و از جهت دیگر دین وسیله‌ای است برای نیل به فرهنگ و اهداف فرهنگی. به عبارت دیگر می‌توان گفت اهداف دینی، اهداف فرهنگی نیز هستند؛ بنابراین فرهنگ و دین در یک جهت قرار می‌گیرند (خندان و امیری طیبی، ۱۳۸۸: ۲). بااهمیت‌ترین و باارزش‌ترین ویژگی فرهنگ، پیشرو در جهت ایجاد حیات هدف‌دار بر مبنای تشکل منطقی عناصر آن است

که عالی‌ترین آرمان انسانی است. این تشکل فرهنگی که از عامل هدف‌داری، نمودار می‌گردد، درست شبیه به تشکل منطقی فعالیت‌های روانی است که از عامل هدف‌داری روح سرچشمه می‌گیرد. ایجاد یک فرهنگ زنده، جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به وسیله حیات هدف‌دار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۵۵). بنابراین حفظ و حراست از فرهنگ به‌عنوان معرف خصلت مشترک عادات، باورها و اندیشه‌ها که مروج و فاق میان هدف‌ها و انسجام عمل در هر جامعه می‌شوند (پهلوان، ۱۳۸۸: ۱۴۶)، از جمله وظایف دولت است که در قالب و ساختار حق‌های فرهنگی، می‌توان به آن دست یافت. در میان شبکه‌ی حق‌ها و آزادی‌های مختلف انسانی مطرح در نظام حقوق بشر، برخی از حق‌ها توجه بیشتری را برانگیخته و برخی نیز به جهات مختلف اولویت لازم را پیدا نکرده و به حاشیه رفته‌اند. «حق‌های فرهنگی»، از جمله حق‌های طیف اخیر است، چنانچه در حوزه‌ی مباحث حقوقی و مطالعات موجود، سهم بررسی‌های مربوط به این حق و تبیین گستره و مؤلفه‌های آن، مطلوب نیست. یکی از دلایل این توسعه‌نیافتگی، وابستگی این موضوع با مفهوم سیال، متغیر و گاه نامفهوم فرهنگ است.

تعریف حق‌های فرهنگی، به گونه‌ای که صرفاً جنبه‌های اصلی حیات انسان احصاء شود، ما را با چالش مضاعفی روبرو خواهد کرد؛ به دیگر سخن تعریف مذکور باید تنها در برگیرنده‌ی آن دسته از جنبه‌های اصلی حیات انسان باشد که به لحاظ ارج و قرب آن‌قدر بالا هستند که از مصادیق حق‌های بشری به شمار آیند و از این رهگذر است که می‌توان از داخل شدن مفهوم «حق فرهنگی» به ورطه‌ی ابتذال جلوگیری نمود. صعوبت کار درست زمانی مشخص می‌شود که برای اطلاق عنوان «حق بشری» و «حق‌های فرهنگی» باید از طریق ترسیم خطی، موارد ضروری که می‌بایست دولت‌ها از طریق ترویج و حمایت، آن‌ها را به مرحله اجرا گذارند، از سایر موارد تفکیک نمود و البته در این عرصه، عناصر زمان و مکان، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. آنچه برای مردمان یک حوزه‌ی جغرافیایی ضروری محسوب می‌شود، برای سایر افراد همان کشور این گونه نیست؛ یا آنچه دیروز مهم به شمار می‌رفت، چه‌بسا امروز از این اهمیت برخوردار نباشد. در این بین نباید فراموش نمود که مقوله «شدت و حدت» نیز حائز اهمیت است؛ به عبارت دیگر بود و نبود اوضاع و احوالی خاص به چه میزان در طرز تلقی ما از «ضروری بودن» و متعاقباً اطلاق عنوان «حق بشری» تأثیر می‌گذارد (استاماتوپولو، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

در یک مفهوم کلی می‌توان گفت: «حق‌های فرهنگی» از زمره‌ی حق‌های بشری هستند

که هدف از آن‌ها تضمین بهره‌مندی صاحبان آن حقوق از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر با حفظ کرامت بشری و عدم تبعیض است (فضائلی، ۱۳۹۶: ۱۳)؛ بنابراین مبنای حق‌های فرهنگی را می‌توان حق بر انجام و بهره‌مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیت‌های فرهنگی در هر یک از حوزه‌های مختلف یاد شده فرهنگ، از جمله عقیده، مذهب، هنجارها، ارزش‌ها و سنت‌ها دانست که می‌تواند به صورت فردی، گروهی یا اجتماعی و به شکل‌های مختلف در قالب ادبیات، شیوه زندگی، فولکلور، موسیقی و ... تجلی و ابراز گردد (کاووسی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). البته این تعریف تنها ناظر به رویکرد مادی به حقوق و تکالیف بشر است. با تغییر نگاه به انسان و جهان، تعریف مصادیق و شمول حق‌های فرهنگی نیز تغییر می‌کند. در دیدگاه توحیدی که انسان مقام خلیفه‌اللهی دارد و عبد و ملک طلق خداوند به حساب می‌آید، در مقایسه با دیدگاهی که انسان را محور عالم و موجودی لذت طلب می‌داند، حق‌های فرهنگی متفاوت خواهد بود. کسی که انسان را فقط در بعد جسمانی خلاصه کرده و تشخیص خود انسان را ملاک سعادت و شقاوت او می‌داند، مسلماً تعریفی که از حق‌های فرهنگی ارائه می‌دهد متفاوت از نگاهی است که انسان را جسمانی و روحانی دانسته و سعادت و شقاوت او را در سایه راهنمایی‌های آسمانی می‌بیند (جمال‌الدین زنجانی و حیدر نژاد، ۱۳۹۷: ۴۵) به‌ویژه که در این رویکرد، تعریف فرهنگ نیز ناظر بر ابعاد معنوی وجود انسان به صورت «کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تضعیف‌شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد»؛ تعریف شده است (علامه جعفری، ۱۳۸۶، ۱۲۹) بنابراین حق‌های فرهنگی در این مبنا، مشتمل بر آن امور ثابت و لایتغیر در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای بشر است که با حقیقت وجودی وی مطابقت دارد (داوری، ۱۳۸۹: ۹۷). در این مبنا، «حق‌های فرهنگی»، مجموع حقوق و تکالیف فرهنگی هستند که ۱. با حقیقت انسان‌ها و جامعه تطابق دارد و ۲. این حقوق و تکالیف در ارتباط افراد با یکدیگر یا جامعه یا حکومتی است که تدبیر امور آن‌ها را برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی بر عهده دارد (مقدمه و فصل اول قانون اساسی شاهی است بر این مطلب که سهم قابل توجهی از جهت‌گیری‌های فرهنگی را به خود اختصاص داده است).

#### نهاد مسجد به مثابه حق فرهنگی

نهادمندی دیرپا و ساحات کار ویژه گوناگون مساجد، آن را به تأثیرگذارترین نهاد فرهنگی، در جامعه ایرانی مبدل ساخته و موجبات نقش‌آفرینی آن در زمینه‌های گوناگون در حیات

اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره اسلامی را به‌انحاء مختلف فراهم آورده است. در واقع مسجد در فضای عمومی جامعه ایرانی به‌هیچ‌وجه در مقام مکانی جهت عبادت صرف پروردگار باقی نمانده و در دوره‌های تاریخی مختلف بنابر شرایط جامعه و نیز مبتنی بر جایگاه روحانیت و نهاد مسجد در کلیت ساختار سیاسی، اجتماعی کشور در ساحت‌های مختلف ورود یافته است، مساجد به‌عنوان اصیل‌ترین نهاد فرهنگی برخاسته از اندیشه دینی ظرفیت‌های نهفته‌ای در ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، اثبات و اشاعه حقوقی همچون، حق دینداری، مشارکت فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر و ... دارند و مانند هر پدیده دیگری تنها در صورت برخورداری از مدیریت صحیح می‌توانند نقش خود را به بهترین وجه در مناسبات ایفا کنند. در واقع مسجد به‌عنوان مرکز فرهنگ‌سازی اسلامی و نهاد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به‌صورت محسوس و نامحسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند (مجیری و لمسه‌چی، ۱۳۹۱: ۲). تعریف نهاد مسجد به‌عنوان یک حق فرهنگی، از روح تعریف علامه جعفری از فرهنگ با تأکید بر مؤلفه پیشرو بودن آن، قابل استفاده است. از نظر ایشان فرهنگ پیشرو، در محاصره آن نموده‌ها و فعالیت‌هایی که تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع قرار می‌گیرند، نمی‌افتد؛ زیرا عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمان‌های نسبی که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو درمی‌آورد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۵) و از نظر ایشان بااهمیت‌ترین ویژگی فرهنگ پیشرو که به دنبال حیات هدفدار به تکاپو می‌افتد، تشکل منطقی عناصر فرهنگ است که عالی‌ترین آرمان انسان است. این تشکل فرهنگی که از عامل هدف‌داری، نمودار می‌گردد، درست شبیه به تشکل منطقی فعالیت‌های روانی است که از عامل هدف‌داری روح سرچشمه می‌گیرد. ایجاد یک فرهنگ زنده جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به‌وسیله حیات هدفدار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست (داوری، ۱۳۸۹: ۸۸). به‌این ترتیب برای وصل به مقام والای برادری و برابری و وحدت معقول و آزادی مسئولانه در جوامع انسانی، به‌ضرورت باید از عناصر فرهنگی عالی مانند اخلاق برانزده و صفت‌های کمالی مانند عدالت، نوع‌دوستی، احساس تکلیف، تعهد در برابر افراد جامعه و دریافت شکوه والای هستی از راه قانون‌مندی و زیبایی آن که انسان را از نزدیک‌ترین راه‌ها به مبدأ و خالق قانون اتحاد انسان‌ها می‌رساند برخوردار گشت و هیچ راه دیگری برای وصول به این آرمان اعلاء وجود ندارد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۹). نگاهی به ماهیت مسجد و کارکردهای این

نهاد مذهبی - فرهنگی در طول تاریخ نشان می‌دهد که هویت اصلی مسجد با این موارد پیوند خورده است به گونه‌ای که در نهایت منجر به تعیین و تثبیت فرهنگ پیشرو برای افراد جامعه خواهد بود که شهروندان جامعه اسلامی باید باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های خود را با آن فرهنگ پیشرو تطبیق دهند. در این صورت نه تنها می‌توان نهاد مسجد را به مثابه حق فرهنگی دانست بلکه این حق خود در نهایت منجر به تأمین حق‌های فرهنگی دیگری از قبیل آموزش، مشارکت فرهنگی و هنری، امر به معروف، حق بر مذهب و عقیده، حق بر سنت‌ها و ... خواهد شد.

### یافته‌های پژوهش

#### نقش دولت دینی در تأمین حق‌های فرهنگی

دو راه کار در خصوص جایگاه و نقش دولت در تأمین حق‌های فرهنگی، وجود دارد، یکی دستیابی به الگویی مطلوب در خصوص نقش دولت و میزان اختیارات و دخالت‌های آن در امور فرهنگی با توجه به آرمان‌ها و تنگناها و تجارب موجود و انطباق نقادانه این الگو با الگوی برآمده از بررسی و بازبینی قانون اساسی است. دیگری واکاوی مستقیم و بلا واسطه قانون اساسی، بدون توجه به الگوی مطلوب به منظور شناخت نقش و جایگاه پیش‌بینی شده دولت در زمینه فوق است.

مطابق اصل سوم قانون اساسی برای دست یافتن به جامعه نمونه و سالم، حکومت موظف است محیط مساعدی برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند؛ اما خطر فساد و تباهی همواره هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند؛ به همین دلیل است که مبارزه با مظاهر فساد و تباهی در بند یک اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه، پاک‌سازی محیط‌های اجتماعی باید در برنامه‌های حکومت قرار داشته باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۶۵). بر مبنای این اصل، نمی‌توان نقش دولت را تنها در تأمین زندگی مادی و اقتصادی جست‌وجو کرد و نباید از نقش دولت در تأمین حقوق معطوف به ابعاد معنوی زندگی شهروندان و ایجاد امنیت در حیات معنوی غافل بود. در واقع باید عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را عرصه‌های یک کلیت واحد دانست که رابطه حکومت و مردم در همه این عرصه‌ها، لزوماً باید از آن تبعیت کند و مشروعیت این رابطه نیز از فرهنگ به دست می‌آید. البته نباید از نظر دور داشت، به جهت عدم صراحت قانون اساسی بر حق‌های فرهنگی، تفسیر موسع از بندهای قانون اساسی و حتی امکان بهره‌مندی از

منابعی به جز قانون اساسی در هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، راهگشا خواهد بود.

اصول فرا قانون اساسی هسته مقدس و ناملموسی را تشکیل می‌دهند که به گمان حقوق‌دانانی همچون لویی فارو حتی «قوه بنیان‌گذار» هم صلاحیت دستکاری در آن‌ها را ندارد (گرجی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). اصول فراقانون اساسی همان مبانی، منابع دین مبین اسلام است که در اصول و فصول مختلف قانون اساسی تبیین شده‌اند؛ بنابراین حکومت دینی ابزار و وسیله‌ای برای دین است و به‌تنهایی ارزش مستقلی ندارد، بلکه ملاک ارزش‌گذاری‌اش میزان اثر آن در اجرای اهداف دین است. هدف غایی حکومت تعالی یافتن و نورانی شدن انسان است. این هدف که از هدف والای رسالت و نزول قرآن گرفته شده، غرض اصلی حکومت اسلامی را رقم می‌زند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۲۵). از این منظر هدف از برقراری حکومت، قرب الهی، کمال انسان و لقاءالله است. اصول و مبانی‌اش هم همان است که انبیاء آوردند و خط‌مشی عملی انسان به استناد همین اصول و مبانی تنظیم و تدوین می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۸۷).

ملهم از این جهان‌بینی، وظایف مسئولین در حکومت دینی منحصر در وظایف سیاسی و اقتصادی نیست، بلکه آنان در قبال معنویت مردم هم مسئولیت دارند. اگر مردم از لحاظ اخلاقی و روحی عقب‌گرد داشته باشند، مسئولان کشور نمی‌توانند خودشان را برکنار بدانند؛ لذا مسئولیت معنویات مردم بر دوش مدیران کشور در طبقات مختلف است. در جامعه توحیدی حکومت باید سیاست‌گذار و حامی فرهنگ دینی باشد، اما به‌گونه‌ای که این سیاست‌گذاری و حمایت به تصدی‌گری و دولتی شدن دین منجر نشود. دولت دینی موظف است فرهنگ دینی مردم را توسعه دهد و این بخشی از حقوق اجتماعی مردم بر والیان است. دولت در برابر دین و باورهای فکری و فرهنگی مردم مسئول است، اما در این فرایند نباید به استقلال دین، حوزه و روحانیت آسیبی وارد شود و دین از حالت جوهری و اصیل آن به‌صورت ابزاری درآید (افروغ، ۱۳۸۲: ۳۷).

اتخاذ این رویکرد به معنای بی‌توجهی به شرایط متغیر جامعه در سطح ملی و بین‌المللی یا نادیده گرفتن برخی مصالح و منافع جامعه نیست. صرف‌نظر از مسائل متفاوتی که در زمینه هستی‌شناسی اجتماعی وجود دارد، در بحث از جامعه، مقوله‌های عرف، آزادی، عدالت و ... جایگاه مهمی دارند، به‌ویژه که عرف به علت توانایی در تولید ارزش‌ها و هنجارها، عرصه رقابت قدرت‌های سیاسی است (اشتریان، ۱۳۸۹: ۸۱). ریشه‌های بحث از حدود مداخله حکومت اسلامی در حوزه فرهنگی، در ارتباط

با مقوله «آزادی» تعریف می‌شود. عدالت نیز نوعی نظام پاداش و کیفر است که زندگی اجتماعی را برای انسان پیش‌بینی‌پذیر می‌کند پس طبیعی است که تلقی از این مفاهیم و رویه‌ها بر فرهنگ عمومی جامعه و نظام سیاست‌گذاری آن مؤثر خواهد بود (جمشیدی، ۱۳۹۳: ۱۴).

نظریه‌پردازان توسعه فرهنگی در کنار نقش بااهمیتی که به مشارکت فرهنگی می‌دهند، از موانع ساخت‌یافته و تاریخی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر سر راه مشارکت نیز آگاه‌اند، به همین دلیل جایگاه ویژه‌ای برای حکومت و سیاست‌های فرهنگی برای مبارزه با این موانع قائل هستند (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۴۳). این اهتمام از آن روست که هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه، نمی‌تواند محقق شود (قانون اساسی، ۱۳۷۳: ۳۶). چنانچه حضرت امام خمینی (ره)، می‌فرمایند: سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد و تعالی مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به سمت آن چیزی که صلاحش هست (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۳۲).

بنابراین در اسلام دولت از ضروریات است و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ لذا در عرصه فرهنگ نیز مسئولیت خطیری را بر عهده دارد. در دیدگاه اسلامی حکومت و مردم در رابطه با موضوع فرهنگ، تأثیر و تأثر متقابل دارند. دولت‌ها با توجه به امکانات و اقتداری که دارند می‌توانند در همه مسائل، به‌ویژه مسائل فرهنگی منشأ خیر یا شر باشند. طبق عبارت معروف «الناس علی دین ملوکهم» حکومت‌ها نقش بسزایی در زندگی مردم دارند. در مقابل نیز فرهنگ و اعتقادات مردم است که نوع حکومت و نحوه اعمال قدرت و سمت و سوی آن را در جامعه مشخص می‌کند (جمال‌الدین زنجانی و حیدرنژاد، ۱۳۹۷: ۴۵). مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به وظیفه حکومت در راستای رشد اخلاق، معنویت و فرهنگ تأکید دارند و وظیفه حکومت را در این راستا، داشتن منش و رفتار اخلاقی، ایجاد زمینه رواج آن در جامعه و مبارزه با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به شیوه‌های معقول و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای تعریف نموده‌اند.

وظایف دولت در زمینه تأمین حق‌های فرهنگی، شامل مکانیسم‌هایی است که

دولت از طریق آن‌ها بر تصمیمات تأثیر می‌گذارد. وظایف دولت در حوزه «حق‌های فرهنگی» با قانون‌گذاری مرتبط است که عبارت است از مکانیزم ایجاد کنترل عمومی بر نهادهای ارائه‌کننده خدمات (عموماً بخش غیردولتی) با هدف تأمین منافع عمومی و از طریق تدوین و اجرای مجموعه‌ای از استانداردها و ضوابط تخصصی یا مجموعه‌ای از مداخلات حاکمیتی توسط نهاد تنظیم‌گر، با استفاده از ابزار حقوقی و قانونی با هدف تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی و تضمین منفعت عمومی (زرودی و بشیر، ۱۴۰۰: ۵۳۶). در حوزه قانون‌گذاری طبق نظر شهید صدر، بخشی از قوانین اسلام ثابت و تغییرناپذیر هستند؛ این احکام بخش ثابت قانون اساسی حکومت را تشکیل می‌دهند و در مواردی که شریعت احکام الزام‌آوری مبنی بر وجوب یا حرمت نداشته باشد؛ یعنی در حوزه منطقه‌الفرغ که بخش منعطف در هر نظام اقتصادی یا فرهنگی و ... است - قانون‌گذاری بر عهده ولی‌امر است که می‌تواند به قوه مقننه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کند تا قوانین را مطابق مصلحت، وضع کنند. گاهی لازم است که برای یک هدف تربیتی مانند رشد و ارتقای فضایل اخلاقی جامعه، دولت مداخله کند و با سیاست‌های حمایتی مستقیم و غیرمستقیم، از یک نهاد فرهنگی حمایت کند. حکومت دینی می‌تواند با توجه به وظایف فرهنگی که بر عهده دارد، ورود کرده و زمینه قرب و تکامل جامعه را از طریق قانون‌گذاری فراهم کنند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳) و البته نمی‌توان به‌طور کلی، قائل به مداخله حداقلی یا حداکثری شد؛ چراکه ممکن است شرایط به‌گونه‌ای باشد که در برهه‌ای از زمان یا در خصوص موضوعی خاص، علاوه بر وظیفه قانون‌گذاری، نیاز به تصدی‌گری از جانب دولت باشد.

### وظایف فرهنگی دولت در قبال مسجد

با توجه به پیوستگی مسجد و حاکمیت اسلامی و نیز گستردگی و وسعت مساجد در کشور، این نهادهای دینی نمی‌توانند خارج از خط‌مشی دولت، تصور شوند، چراکه، وظایف عبادی مسلمانان صرفاً جنبه فردی و شخصی ندارد بلکه در عین نیاز به قصد قربت، با ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی توأم است. از این جهت، با جامعه و حکومت ارتباط می‌یابد؛ لذا با حاکمیت نظام اسلامی بر جامعه، زمینه اجرای کامل این قوانین فراهم می‌گردد (جمال‌الدین زنجانی و حیدرنژاد، ۱۳۹۷: ۵۶). پس در این راستا، حکومت باید مسجد را در نظام اسلامی، اعتلاء و ارتقاء بخشد تا به مسجد طراز اسلامی نائل شویم. مسجد طراز اسلامی نمی‌تواند بدون حکومت شکل

بگیرد و آن جایگاه عالی و رفیع را پیدا کند و در این میان سیاست‌گذاری به‌عنوان ابزار منطقی رسیدن به هدف، از مؤلفه‌های اساسی دولت‌ها به‌حساب می‌آید. البته لازم به ذکر است که این سیاست‌گذاری در معنای موسع و کلی آن با تکیه بر مرجعیت دولت نیست. بلکه مراد از آن، محدود کردن قدرت سنتی سلسله‌مراتبی (بالا- پایین) و تغییر مسیر آن به‌سوی تصمیم‌های جمعی (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱) و در قالب سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز قابل توجه است. بر اساس رویکرد سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز در اداره مساجد، اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به‌صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر این رویکرد قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد است. در این نگاه مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تزاخم و تعارض یکدیگر قرار گیرد. بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی باعث افزایش مشارکت مردم شود (باهنر و فرخی، ۱۳۹۳: ۲۰). پیرو اتخاذ این بعد از سیاست‌گذاری در خصوص مساجد از سوی دولت، نحوه ورود به حوزه مساجد در قالب سه رویکرد ترویجی و تعمیقی، حمایتی و ضمانتی قابل توجه است.

#### رویکرد ترویجی و تعمیقی

با توجه به اهمیت جایگاه مساجد در یک جامعه دینی و به‌تبع آن محوریت مردمی آن، در این رویکرد نقش حکومت پیرامون مسجد را می‌توان در قالب رویکرد ترویجی و تعمیقی توجیه نمود. ترویج دربرگیرنده هر چیزی می‌شود که زمینه دستیابی فرد یا گروه را به زندگی فعال‌تر فراهم کرده و شخصیت و استقلال افراد را حفظ می‌کند (ژیرارد، ۱۳۷۲: ۸۲)؛ بنابراین دولت می‌تواند با ترویج و تعمیق جایگاه مسجد به‌ویژه از ابعاد فرهنگی، زمینه مناسبی را برای مشارکت هر چه بیشتر مردم فراهم کند. به‌عنوان مثال ماده ۱۰۶ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۶/۱۱/۱۳۸۳ را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد دانست. در این ماده بر تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی و نیز تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه تأکید شده است. البته نباید از نظر دور داشت که بر مبنای اصل مردمی بودن مساجد، دولت نباید و نمی‌تواند در اموری همچون تعیین امام جماعت، هیئت‌امنا و ... مداخله نماید. اگر ائمه جماعت را دولت انتخاب کند، ولی مردم آن‌ها

را نخواهند چه فایده دارد. امام جماعت باید موردقبول مردم باشد و آن را نمی‌توان به مردم تحمیل کرد و اگر اوقاف در مساجد دخالت کند درست نیست. باید مساجد در اختیار مردم قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### رویکرد حمایتی

از رویکردهای مهم در ارتباط با مداخله حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد حمایتی است که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را بر عهده می‌گیرد. رویکرد حمایتی، شامل پشتیبانی و حمایت دولت از نهادهای فرهنگی در جهت اعتلای ارزش‌های فرهنگی در جامعه بوده و از طریق اتخاذ خط‌مشی‌های ویژه برای اعمال حاکمیتی خود قابل‌تعریف است (حسینی، ۱۳۸۴: ۴۴)؛ بنابراین دولت می‌تواند با پرداخت و ایجاد بودجه‌هایی برای مساجد به حمایت از آن اقدام نماید. این رویکرد در اقدام‌های زیر از سوی دولت، قابل‌توجه است:

۱. اختصاص زمین رایگان جهت ساخت مسجد؛

۲. رایگان نمودن هزینه‌های آب و برق مساجد؛

۳. اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد؛

۴. تأمین معیشت امامان جماعت.

### رویکرد ضمانتی

دولت دارای بالاترین قدرت در بین گروه‌های اجتماعی است. به گفته گرامشی، قدرت دولت در نهادهای او است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶)، بنابراین می‌توان بیان داشت که نهادهای دولتی از جمله نهادهای قانون‌گذاری دارای نقش بسزایی در تعیین وظایف دولت نسبت به مسجد به‌مثابه حق فرهنگی هستند. به همین دلیل ضروری است که حکومت در حوزه مساجد با تمرکز بر قانون‌گذاری، ورود کند. به‌طور کلی بررسی وظیفه دولت در توجه به جایگاه «مساجد به‌مثابه حق فرهنگی» و تبیین رویکرد ضمانتی دولت نسبت به این حق از طریق واکاوی اسناد بالادستی (قانون اساسی، قوانین توسعه، سند چشم‌انداز و اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) که به سایر قوانین جهت‌دهی می‌کنند، ممکن خواهد بود.

### قانون اساسی

بنابر آنچه در مقدمه قانون اساسی ذکر شده است، حکومت اسلامی تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی که حرکت به‌سوی الله است بگشاید بر

این اساس، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن، انسان‌ها با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابند. در همین راستا با توجه به اهمیت عبادات در طی این طریق، حکومت اسلامی موظف به هدایت‌گری و انقیاد امت به سوی این اهداف متعالی است. چنانچه در اصل سوم، دولت موظف شده است به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل دوم قانون اساسی که مبتنی بر آن، جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، کرامت انسانی، اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط و ... شکل گرفته است، همه امکانات خود را به کار بندد. مسلماً یکی از مصادیق مهمی که جهت مساعد ساختن محیط برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا باید در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت، مورد توجه قرار بگیرد، تقویت رفتار و گرایش‌های دینی با تمرکز بر ظرفیت‌های نهاد مذهبی مسجد است. چنانچه در مقدمه قانون اساسی مساجد به عنوان سنگر، به عنوان اولین و اصلی‌ترین مرجع در بالابردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان مورد تصریح قرار گرفته‌اند.

درواقع مطابق با این اصل، یکی از محیط‌های مناسب جهت رشد فضایل اخلاقی مردم، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی و ایجاد مودت، تعاون عمومی و برادری اسلامی، مساجد هستند (قانون اساسی، ۱۳۷۵). کلیت فضای گفتمانی و حاکم بر قانون اساسی، مبین اهمیت مسجد و اتخاذ رویکردی ایجابی- تأکیدی در بخش فرهنگی نسبت به آن است (حاج‌علی‌اکبری، ۱۳۹۲). همچنین با مذاقه بر نسبت میان اصل سوم و مسجد، به این نکته می‌رسیم که یکی از واقعیت‌هایی که نهاد فرهنگی همچون مسجد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد قدرت سیاسی یا حکومت است؛ به عبارت دیگر، امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن دولت، صورت می‌گیرد (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵۲). دولت‌ها هم به جهت تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدید که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده می‌گیرند و در این جهت نقش و مسئولیتی آگاهانه را می‌پذیرند و در مجموع تأثیر چشمگیری را ایجاد می‌کنند (همایون و فروزان، ۱۳۸۸:

۶۴)؛ بنابراین دولت و نهادهای متصدی باید با الهام از قانون اساسی و بر پایه حقوق قابل استنباط فرهنگی برای شهروندان خود نسبت به فراهم نمودن دسترسی آنان به حقوق فرهنگی در حوزه باور و گرایش و رفتار، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نمایند.

**قوانین توسعه**

قوانین برنامه توسعه، گامی در حقوقی کردن سیاست‌های کلی نظام هستند. با این توضیح که سیاست‌های مذکور از طریق این قوانین، کمی، جزئی و دارای ضمانت اجرای حقوقی می‌گردند؛ ولی نباید ماهیت سیاستی و برنامه‌ای آن، مغفول واقع شود و تبدیل به عرصه قانون‌گذاری نظیر سایر قوانین شود. بلکه در اینجا قانون‌گذار ضمن اینکه از جهت صوری و تشریفاتی به برنامه‌ها ضمانت اجرا می‌دهد، قواعدی جهت تقسیم‌کار در بین فرمانروایان وضع می‌کند تا زمینه اجرای سیاست‌ها فراهم گردد. به عبارت بهتر، قوه مقننه از طریق قوانین برنامه توسعه در بازه زمانی پنج‌ساله، در پی تدوین و تصویب اهداف و برنامه‌های جامع حکومت بر اساس اسناد بالادستی همانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی است؛ به صورتی که اهداف و برنامه‌های جزئی شده و سنجش‌پذیر در این قوانین وارد می‌شود (طحان نظیف و هادی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

در بررسی قوانین برنامه توسعه مشخص می‌شود که اگرچه در تدوین احکام، انسجام، یکپارچگی و استراتژی مشخصی نسبت به مساجد وجود ندارد، اما نمی‌توان از رویکرد حمایتی حکومت از مساجد، غفلت نمود. بر مبنای این رویکرد که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را برعهده می‌گیرد، حکومت باید به صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت از مساجد اقدام نماید.

#### قانون برنامه اول توسعه

در قانون برنامه اول توسعه، به دلایل مختلفی از جمله اینکه کشور در فضای پس از جنگ قرار داشت و نیاز به بازسازی عمرانی کشور بود، رویکرد حداقلی به بخش فرهنگ و به تبع آن نهاد دینی مسجد شده است. در عوض توجه به اقتصاد، سازندگی، اصلاح سازمان مدیریتی کشور، بازسازی مراکز تولیدی و خسارت‌دیده در طول جنگ از اهداف این برنامه بوده است. به‌رغم این عدم توجه، در سال نخست این برنامه (۱۳۶۸)، مقام معظم رهبری، جهت سامان‌دهی به امور مساجد؛ آیت‌الله مهدوی‌کنی را مأمور تشکیل مرکزی برای رسیدگی به امور مساجد کردند (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۵).

### قانون برنامه دوم توسعه

در قانون برنامه دوم توسعه، شاهد تبیین وظایف و توزیع اعتبارات دولتی به منظور تحقق اهداف فرهنگی هستیم که به موجب آن به برخی نهادهای دینی از جمله مسجد اشاره شده و برنامه‌هایی ذیل آن تدوین شده است. در این برنامه بر اهمیت نهاد مسجد و کارکردها و ظرفیت‌های آن در قیاس با برنامه اول، بیشتر تأکید شده است و در کنار اشاره‌های ضمنی به این نهاد مذهبی، به صورت مستقیم و با قائل شدن به کارکرد دینی، معنوی و فرهنگی برای مسجد، موضوع دو بند از تبصره‌ها و اهداف کلان برنامه دوم توسعه است.

تمرکز بر ظرفیت مسجد در رشد فضائل اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی از طریق سیاست‌گذاری در فعالیتهای فرهنگی و توسعه فعالیت‌های مسجد در بند ۲ و ۱۶، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تبصره ۶۰ برنامه دوم توسعه، دولت موظف به فراهم‌سازی امکاناتی جهت پربار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و بالندگی نسل جوان کشور شده که بند «ل» این تبصره به توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد اختصاص یافته است.

### قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه

برنامه سوم توسعه طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به مرحله اجرا درآمد. این برنامه با استفاده از تجربه و عملکرد برنامه‌های اول و دوم توسعه تهیه و تدوین شد. در این برنامه، سعی شد که به جنبه‌های مختلف فرهنگ پرداخته شود و مطالب مرتبط با آن در برنامه گنجانده شود (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در این قانون به نسبت دو قانون پیشین رویکرد حمایتی دولت نسبت به «فرهنگ» ذیل فصل بیست و یکم، پررنگ‌تر و قابل توجه است. چنانچه ماده ۱۶۳ به صورت صریح به سیاست‌های حمایتی از مساجد اختصاص یافته است.

ماده ۱۶۳ - با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت‌وساز، احیاء، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی این ماده موظف هستند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های مسئول در زمینه طراحی و اجرای طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری و روستایی، موظف‌اند طرح‌های مذکور را با محوریت مساجد تهیه و اجرا کنند.

ب) وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظف هستند در کلیه شرکت‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه، در اختیار متقاضیان احداث مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج، قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه‌های مربوط به آماده‌سازی منظور کنند.

ج) وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت، موظف‌اند به‌منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگی‌های لازم از محل اعتبار عمرانی و جاری خود نسبت به احداث مسجد یا نمازخانه و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافربری و پمپ‌بنزین‌های بین‌شهری اقدام کنند.

د) وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به‌عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

د) شهرداری‌های و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظف‌اند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی، حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

و) باهدف اعتلای جایگاه مساجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیتهای سازمان‌دهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری، گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۱. حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی باهدف شناخت راهکارهای اجرائی برای ارتقاء جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی کشور؛

۲. تعریف فعالیتهای آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های آموزش، فرهنگ، هنر، تربیت‌بدنی و ورزش. (ز) به‌منظور ساماندهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه‌های احیاء و بازسازی مساجد، کمک به مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمیه، فعالیتهای مربوط به تبلیغات دینی و باهدف تقویت و متناسب کردن مشارکت مردمی در

تأمین منابع این فعالیت‌ها. سازمان تبلیغات اسلامی موظف است طی یک سال در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری و مشورت با مراجع ذی‌ربط و انجام مطالعات لازم با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه طرحی را تهیه و به دولت ارائه دهد تا پس از بررسی و تصویب، مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع دولتی در این امور قرار گیرد. تبصره - دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنجاه درصد خودیاری مردم برای احداث مسجد، پنجاه درصد باقیمانده را تأمین نماید. نکته قابل توجه در این ماده، عدم توجه جدی به استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و حداکثری مساجد است و تنها در بند «و» به صورت ضمنی به رابطه دو نهاد اثرگذار مسجد و مدرسه اشاره شده است.

#### قانون برنامه چهارم

قانون برنامه چهارم توسعه، سندی است که چارچوب و مسیر توسعه کشور را برای سال‌های (۱۳۸۳ - ۱۳۸۹) ترسیم و تعیین کرده است. این برنامه نخستین برنامه‌ای بود که پس از تدوین «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران» و ترسیم مشخصات جامعه ایران در افق ۱۴۰۴، تدوین می‌شد. بر این اساس، برنامه‌ریزان در مقایسه با برنامه‌های گذشته توجه و اهمیت بیشتری برای حوزه فرهنگ و مسائل اجتماعی قائل شدند. فصل نهم برنامه چهارم توسعه، نخستین گام برنامه‌ریزی برای تحقق فرهنگ سازنده و تقویت‌کننده پرورش انسان مطلوب یا شهروندان و جامعه ترسیم شده در سند چشم‌انداز است. در همین راستا بنده «ه» از ماده ۱۰۶ دولت را مکلف نموده به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد توسط سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم. را مورد توجه قرار دهد. بر مبنای این ماده وظیفه دولت تنها به امر سیاست‌گذاری منحصر نشده و ناظر به برنامه‌ریزی و ارائه پشتیبانی از طریق هم‌افزایی میان نهادهای مذکور است.

#### قانون برنامه پنجم توسعه

بخش فرهنگ در قانون برنامه پنجم توسعه، آمیزه‌ای از تعیین اهداف کیفی و طرح سیاست است. این هدف از جمله تعیین ارزش‌ها، باورهای فرهنگی مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی، نشر فرهنگ و معارف اسلامی، توسعه فضاهای مذهبی و ... در تعریف

هنجاری حوزه فرهنگ، قرار می‌گیرند. مهم‌ترین ویژگی قانون برنامه پنجم توسعه، تطهیر فضای عمومی جامعه و تربیت عمومی به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار از فرهنگ است. در جهت تحقق این کارکرد، ماده ۶ با سیاست توسعه فضاهای مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر انجام اقدامات ذیل با نگاهی توسعه‌گرا، تصریح نموده است:

۱. وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها، موظف هستند در شهرک‌ها و شهرهای تازه تأسیس اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، در اختیار متقاضیان احداث مسجد قرار دهند؛

۲. مالکان اماکن تازه تأسیس موظف‌اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث کنند؛

۳. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند؛

۴. کلیه دستگاه‌های اجرایی آموزشی، بیمارستان‌ها و ... اعم از دولتی یا غیردولتی، موظف‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام کنند؛

۵. وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظف‌اند نسبت به احداث، نگهداری و مدیریت مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین‌شهری از طریق بخش غیردولتی اقدام نمایند؛

۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به‌منظور ارتقای کارکرد فرهنگی هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مسجد تا پایان برنامه با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا پایان برنامه حداقل یک‌چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت برخوردار از قانون فرهنگی و هنری باشند.

#### قانون برنامه ششم توسعه

برنامه ششم توسعه، سومین برنامه از سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور محسوب می‌شود که در اواخر سال ۱۳۹۵ برای یک دوره پنج‌ساله (۱۳۹۶ - ۱۴۰۰) به تصویب رسید. در این برنامه از مجموع ۱۲۴ ماده قانون، ۲۸ حکم مربوط به حوزه فرهنگ است؛ و از این میان ماده ۹۵ در ۶

بند، به صورت مشخص به سیاست گذاری فرهنگی دولت نسبت به نهاد مسجد، اختصاص یافته است. بر اساس این ماده ضروری است در جهت بهره گیری بهینه و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی:

الف) وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری ها، در طراحی و اجرای طرح های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک ها و شهرهای جدید الاحداث، اراضی مناسب برای احداث مساجد و خانه عالم در جوار مساجد جهت استفاده امام جماعت همان مسجد پیش بینی کنند و پس از آماده سازی بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

ب) مالکان مجتمع های تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظف اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند. دستورالعمل این بند شامل تعداد واحدهای این مجتمع ها و مکان احداث در چهارچوب نقشه های مصوب به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برسانند.

پ) سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری ها موظف اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در بوستان های ملی و بوستان های شهری اقدام کنند.

ت) کلیه دستگاه های اجرائی، مراکز آموزشی، بیمارستان ها و مراکز درمانی، مجموعه های ورزشی، مجتمع های رفاهی، تفریحی و مجتمع های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی، موظف اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

ث) وزارتخانه های راه و شهرسازی و نفت موظف اند تمهیدات و اقدامات لازم را جهت احداث مسجد و نمازخانه در پایانه های مسافربری و جایگاه های عرضه سوخت بین شهری و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه های مذکور از طریق بخش غیردولتی به عمل آورند.

ج) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ نماید تا کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون های فرهنگی و هنری بر اساس بودجه سنواتی برخوردار گردند.

اگرچه در این ماده دولت تلاش داشته است تا از سطح سیاست‌گذاری فراتر رفته و نسبت به برنامه‌ریزی و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام کند، اما به جهت عدم اولویت برنامه‌ای برای دستگاه‌های مکلف مذکور، نظارت پایین بر عملکرد مراکز موظف شده در تکلیف حاضر و ضمانت اجرای پایین، توفیق چندانی در این حوزه حاصل نشد.

#### قانون برنامه هفتم توسعه

در فصل ۱۵ لایحه برنامه هفتم توسعه با عنوان ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه، در مجموع چهارده ماده از ماده ۷۴ تا ۷۷ به بخش فرهنگ عمومی اختصاص یافته است. البته لازم به ذکر است که این مواد در رویکرد مسئله‌محوری و اثربخشی ضعف دارند و لازم بود این منظور، به‌منظور اثربخشی بیشتر، از رویکرد برنامه‌محوری به سمت رویکرد مسئله‌محوری تغییر جهت دهند تا با نگاهت نهادی مطلوب، دستگاه‌های فرهنگی را مسئولانه در قبال مسائل فرهنگی پاسخگو کرد. شاید از جایگاه همین ضعف است که تنها در ماده ۷۴ و بند ت ماده ۷۵ به صورت ضمنی به جایگاه مساجد اشاره شده است. ماده ۷۴ ذیل جدول اهداف کمی سنج‌های عملکردی ارتقای فرهنگی عمومی جامعه تأسیس ۱۰ هزار مسجد در سال را مورد توجه قرار داده است. همچنین بند (ث) از ماده ۷۵، در جهت استفاده از ظرفیت مساجد و به‌منظور مردمی‌سازی فعالیت‌های فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مکلف نموده با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه با کسب نظر شورای عالی حوزه‌های علمیه و شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اقدامات قانونی لازم را برای تهیه و تصویب طرح مسجدمحوری در محلات ظرف سه‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون پس از طی تشریفات قانونی انجام دهد.

#### مسجد و اصول سیاست فرهنگی

«اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان سند و الگویی جهت تطبیق برنامه‌های توسعه با آن، در سال ۱۳۷۱ به تصویب رسیده است. بر اساس این سند، سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی برآمده از جهان‌بینی اسلامی است. در این سند، سعی شده تا به جنبه‌های مختلف فرهنگ توجه شود و برای هر موضوع مربوط به فرهنگ، برنامه‌ریزی شود. اهمیت این موضوع به‌عنوان الگویی برای قوانین توسعه‌آزاد روست که با پیشرفت و توسعه نسبی در جوامع مختلف از حیث امور رفاهی و اجتماعی، شاهد بروز مشکلاتی در عرصه‌هایی هستیم که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم

بافرهنگ عمومی در ارتباط هستند؛ لذا نه تنها در سطح ملی، بلکه در رویکردهای بین‌المللی، توجه روزافزونی به فرهنگ و مسائل فرهنگی در سطح جوامع وجود دارد. این مهم در جوامع توسعه‌یافته نمود بیشتری دارد تا جایی که امروزه فرهنگ را در این جوامع، جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه به حساب می‌آورند (همایون و فرج‌نژاد برقویی، ۱۳۹۳: ۱۱).

بر اساس اهداف ذکر شده در این سند مشتمل بر رشد و تعالی فرهنگ اسلامی... آراسته شدن به فضایل اخلاقی... در مسیر وصول به مقام انسان متعالی و... ماده ۳۴ و ۳۵ این سند با رویکرد حمایتی، ناظر بر کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد بر افزایش امکانات فرهنگی مساجد و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی که در این مکان‌ها صورت می‌پذیرد، تأکید نموده است.

#### سند چشم‌انداز

سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ را می‌توان بعد از قانون اساسی، به عنوان یکی از راهبردی‌ترین اسناد سیاستی مطرح نمود. این سند از دو بخش تشکیل شده است؛ در بخش اول که به عنوان بیانیه از آن یاد می‌شود؛ تصویری از ایران آینده ارائه می‌شود. در بخش دوم که در قالب هشت بند بیان شده، ویژگی‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف را بیان می‌کند. هدف نهایی ترسیم شده در این چشم‌انداز رسیدن به سطح مناسب و تعریف شده توسعه است که این شاخص آن را در بین کشورهای منطقه در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، منطبق با خصوصیات جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی در مقام اول قرار داده است. «سند راهبردی مساجد» در سال ۱۳۸۹، یکی از اسنادی است که در راستای سند چشم‌انداز کشور و به منظور رساندن مساجد کشور به سطح تراز تنظیم و شده است. بر اساس این سند، مسجد ۱۴۰۴ نهادی است فعال، اثرگذار، مسئولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره‌مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی بر پایه تعالیم عالیه اسلام و اندیشه‌های گوهر بار امام (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت تربیت و هویت اسلامی و انقلابی، وحدت ملی، الهام‌بخش، مؤثر برای جهان معاصر به‌ویژه کشورهای اسلامی (عباسی، ۱۳۸۷: ۳۱).

در ارزیابی کلی رویکرد اسناد مذکور به مسجد به عنوان اسناد پشتیبان تأمین‌کننده این حق فرهنگی، باید گفت؛ علی‌رغم دغدغه سیاست‌گذاران نسبت به نهاد فرهنگی مسجد در روند تقنین و ارتقای جایگاه و کارکردهای فرهنگی مسجد طی چند دهه اخیر و پس

از پیروزی انقلاب اسلامی، نمی‌توان نسبت به خلأهای موجود و عدم تضمین کامل حق فرهنگی نسبت به مسجد، در اسناد مذکور چشم پوشید. البته این خلأ و نارسایی از ضعف در سیاست‌گذاری در سطح کلان و در عرصه فرهنگ نشئت می‌گیرد. چنانچه در بررسی قوانین توسعه، سیاست‌های معطوف به مسجد بیشتر ناظر به مسائل عمرانی مساجد با نگاهی کمی‌گرا بوده است. در واقع عدم توجه به ابعاد و کارکردهای کلان فرهنگی در قوانین توسعه و غلبه این نگاه کمی‌گرایانه تا حدی مانع از ایجاد هم‌نویسی میان اسناد مذکور در تحقق سیاست‌گذاری مطلوب نسبت به مساجد بوده است. عدم اشاره مستقیم به نهاد مسجد در برنامه اول توسعه، وجود تنها دو بند معطوف به نهاد مسجد از یک ماده در برنامه دوم، اختصاص یک ماده از برنامه سوم، وجود دو بند در خصوص نهاد مسجد در ماده ۱۰۶ برنامه چهارم و اختصاص ماده ۶ در برنامه چهارم و در نهایت تمرکز بر جایگاه مسجد در ماده ۹۵ قانون برنامه ششم توسعه و در ۶ بند، همگی بدون توجه به کارکردها و ظرفیت‌های فرهنگی مسجد بوده است. در واقع علی‌رغم توجه به مسجد در قوانین مذکور ذیل فصل فرهنگ، این نگاه کمی‌گرایانه مانع از زمینه‌سازی و تحقق دستیابی به «حق فرهنگی بر مسجد» بوده است.

## نتیجه‌گیری

در میان شبکه‌های آزادی‌ها و آزادی‌های مختلف انسانی مطرح در نظام حقوق بشر، برخی از حق‌ها توجه بیشتری را برانگیخته و برخی نیز به جهات مختلف اولویت لازم را پیدا نکرده و به حاشیه رفته‌اند. «حق‌های فرهنگی»، از جمله حق‌های طیف اخیر است، چنانچه در حوزه مباحث حقوقی و مطالعات موجود، سهم بررسی‌های مربوط به این حق و تبیین گستره و مؤلفه‌های آن، مطلوب نیست. یکی از دلایل این توسعه‌نیافتگی، وابستگی این موضوع با مفهوم سیال، متغیر و گاه نامفهوم فرهنگ است. از سوی دیگر، نظام حقوقی داخلی، به شکل استقرایی، منظومه‌ای از حق‌ها و مسئولیت‌ها را با عنوان «حق‌های فرهنگی» تکمیل می‌کنند، نه اینکه چارچوب جامعی را ابتدا ارائه کرده، سپس جزئیات آن را بیان کنند. به همین جهت نظام حقوقی داخلی، از ابتدا تصویر کاملی از این حقوق نداشته بلکه این تصویر را به تدریج کامل کرده و در این روند تأخیر زیادی به نسبت سایر حق‌ها مشهود است. به موازات این دشواری، احصاء تصویر و مفهوم «حق‌های فرهنگی» با تأکید بر «مسجد» امری ضروری است. با این تصویر از وضعیت «حق‌های فرهنگی» در نظام حقوق داخلی از سویی و عدم تصریح


قانون‌گذار نسبت به جایگاه مسجد به مثابه «حق فرهنگی»، در این پژوهش تلاش شد به این سؤال پاسخ داده شود که وظایف و تعهدات دولت دینی نسبت به اجرا و تضمین این قسم از حق‌های فرهنگی، چگونه قابل اثبات است؟ در گام اول مشخص شد که تعریف واحدی از حق‌های فرهنگی وجود ندارد. در یک‌سوی طیف نگرشی روشنفکرانه از فرهنگ فارغ از حقوق مدنی و سیاسی، فرایندهای مربوط به تولید آثار هنری را برجسته می‌سازد و در سوی دیگر رویکردی انسان‌شناسان از فرهنگ به‌عنوان روشی از زندگی با تأکید بر پیشرو بودن آن، محوریت یافته است. مشخص شد که در این رویکرد، ایجاد یک فرهنگ زنده جز با عامل ایدئولوژیک و مذهبی که به‌وسیله حیات هدف‌دار به وجود می‌آید، امکان‌پذیر نیست بنابراین تعریف حق‌های فرهنگی با مؤلفه‌هایی همچون اعتقاد، گرایش و رفتار مبتنی بر باور توحیدی، گره می‌خورد. در نهایت حق‌های فرهنگی مشتمل بر آن امور ثابت ولایت غیر در حوزه اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای بشر که با حقیقت وجودی انسان مطابقت دارد و تنها منحصر در حقوقی همچون حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق دسترسی به آموزش همگانی، دسترسی آسان به اطلاعات و ... نیست تعریف شد. بر اساس شکل‌گیری مفهوم حق‌های فرهنگی بر مؤلفه «فرهنگ پیشرو»، با تکیه بر عناصر فرهنگی عالی مانند اخلاق برازنده و صفت‌های کمالی مانند عدالت، نوع‌دوستی، احساس تکلیف، تعهد در برابر افراد جامعه هویت اصلی مسجد بر اساس کارکردهای فرهنگی آن، با این موارد همسو بوده و در واقع نهادی غیرقابل انکار در جهت تحقق فرهنگ پیشرو است. بر این مبنا و با توجه به کارکردهای نهاد فرهنگی مسجد، مشخص شد که در سطح کلان، حق‌های فرهنگی بشر در حوزه رفتار، باور و گرایش با تأکید بر حق فرهنگی توحید به‌واسطه مسجد تأمین خواهد شد؛ اما در خصوص وظایف دولت دینی در نحوه تأمین حقوق فرهنگی، اگرچه قانون اساسی به‌صورت تلویحی به مظاهری از فرهنگ اشاره نموده، اما مطابق با بند اول از اصل سوم قانون اساسی باید گفت؛ سامان‌دهی فرهنگ توسط دولت، بخشی از حقوق اجتماعی مردم بر والیان است. این وظیفه برای دولت نسبت به جایگاه نهاد مسجد به مثابه حق فرهنگی به‌واسطه سیاست‌گذاری در این عرصه محقق خواهد شد. البته همان‌گونه که بیان شد این سیاست‌گذاری سلسله‌مراتبی و صرفاً در حیطه وظایف حکومت در نظر گرفته نشد و تا حد زیادی بر اساس مشارکت مردم شکل و نضج یافته است. در واقع نحوه ورود و دخالت حکومت به تأمین این حق فرهنگی، حداکثری نیست و به سمت سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز سوق پیدا کرده

است. بر اساس این رویکرد، اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام می‌شود. در خصوص رویکردهای اتخاذی حکومت در قبال مسجد به مثابه حق فرهنگی، نتایج پژوهش بیانگر این مهم است که هر یک از رویکردهای مشروح، معطوف بر مشارکت مردم است. البته در رویکرد ضمانتی و در قالب تضمینات قانونی مقرر شده در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، قوانین توسعه، اصول سیاست فرهنگی و سند چشم‌انداز، نقش دولت در تأمین این حق فرهنگی پررنگ‌تر توصیف شده است. البته این رویکرد ضمانتی، به جهت وجود خلأهایی در برخی از اسناد بالادستی همچون قوانین توسعه، به جهت فقدان غلبه نگاه فرهنگی و تمرکز بر کارکردهای فرهنگی مسجد و توجه صرف به بنای مسجد و نحوه تخصیص بودجه جهت احداث و گسترش مساجد، مانع از تحقق کامل وظایف دولت در تأمین این قسم از حقوق فرهنگی است.

## تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

### ORCID

Mansoor fasih ramandi  <https://orcid.org/0000-0001-8157-2622>

## منابع و مأخذ

- اسماعیلی، محسن، اصغری، محمدرضا، رشیدی، رضا (۱۳۹۳). تأملی در نظریه منطقه‌الفراغ از منظر شهید صدر و نقدها و نقص‌های آن، دانش حقوق عمومی، ۳(۸)، ۴۵-۶۳.
- استاماتوپولو، السا (۱۳۹۲). حق‌های فرهنگی، ترجمه سید قاسم زمانی و منالسادات میرزاده، تهران، نشر خرسندی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹). متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، نشر میزان.
- افروغ، عماد (۱۳۸۲). حدود دخالت دولت در امور دینی، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۴.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران، نشر سوره مهر.
- امینی هرندی، رضا (۱۴۰۳). نظریه سیاستی مشارکت فرهنگی اجتماعی نوجوانان با محوریت مسجد، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۵(۶۷)، ۳۹-۶۸.
- باهنر، ناصر، فرخی، میثم (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران، بررسی دیدگاه خبرگان و سیاست‌گذاران، دین و ارتباطات، ۲۱(۴۶)، ۵-۳۸. doi: 10.30497/RC.2014.1720
- پهلوان، چنگی (۱۳۸۸). فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). حکومت و رعایت، درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام، دانش سیاسی، ۱(۵)، ۴۱-۶۷.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۳). تأملاتی در مداخله دولت دینی در فرهنگ، مدرسه اسلامی علوم سیاسی، ۴(۳)، ۱۰۴-۱۲۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). شریعت در آئینه معرفت، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ولایت فقیه، قم، نشر اسراء.
- حاج‌علی‌اکبری، محمدجوادی (۱۳۹۲). قانون اساسی در حوزه مساجد کم‌ماده است/ خبرگزاری تسنیم. <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/122353>
- حسینی، سیداحمد (۱۳۸۴). ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی- فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حیدرنژاد، ولی‌الله، جمال‌الدین زنجانی، محمود (۱۳۹۸). حقوق فرهنگی در فرمان حکومتی حضرت رسول (ص) به معاذبن جبل با نگاهی به قانون اساسی، نشریه دانش حقوق عمومی، ۸(۲۲)، ۴۳-۶۲.
- خندان، علی‌اصغر، امیری طیبی، مسلم (۱۳۸۸). درآمدی بر نقش فرهنگی دولت دینی، معرفت سیاسی، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۵۵.
- داوری، محسن (۱۳۸۹). حقوق فرهنگی شهروندان، تهران، نشر دانشگاه امام صادق.
- دشتی، محمدتقی (۱۳۹۹). دینداری به مثابه حق مصونیت، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۷(۴)، ۱-۲۲. <https://doi.org/10.22091/csiw.2020.4724.1639>
- زرودی، علی، بشیر، حسن (۱۴۰۰). حدود مداخله حکومت دینی در فرهنگ، فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی-

- فرهنگی، ۱۰ (۴۰)، ۵۲۵-۵۶۶. Dor:20.1001.1.22517081.1400.10.3.3.7
- ژیرارد، آگوستین (۱۳۷۲). توسعه فرهنگی، ترجمه عبدالحسین زرین‌قلم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- شفیعی‌سردشت، جعفر (۱۳۹۳). نزاع اراده‌گرایان و سودگرایان در مفهوم حق، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۸ (۶۹)، ۲۰۹-۲۴۶.
- طالبی، محمدحسین، حسینی‌نسب، سید مصطفی (۱۳۸۸). تبیین حق از نگاه هوفلد، حکومت اسلامی، (۵۱)، ۱۵۵-۱۸۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، جلد ۱، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، نشر فرهنگی رجا.
- طحان‌نظیف، هادی، هادی‌زاده، علی (۱۳۹۷). ماهیت قوانین برنامه توسعه در نظام حقوقی ایران، دانش حقوق عمومی، ۸ (۲۱)، ۱۰۱-۱۲۴.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۷). نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی، دانشگاه تهران.
- فضائلی، مصطفی، کریمی، موسی (۱۳۹۶). حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹ (۵۶)، ۹-۳۲.
- <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.11166.1262>
- فلاح سلوکایی، محمد (۱۳۹۰). سازوکار نظارت بر حکومت در نظام لیبرال دموکراسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۳). نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۷). ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور، فصلنامه حقوق اداری، ۱۶ (۶)، ۱۵۷-۱۸۰.
- گرچی‌ازندریانی، علی (۱۳۸۸). در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل.
- مجیری، عارفه، لمسه‌چی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد. <http://www.Masjed.ir/fa/article/3>
- محسنی، علی، فرهادی، عباس، قمریان، ناهید (۱۳۹۳). بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم، فصلنامه راهبرد، ۲۳ (۷)، ۳۴-۷۲. Dor: 20.1001.1.10283102.1393.23.3.1.1
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن، جمع‌آوری و تصحیح محمد شهربابی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفی‌نژاد، عباس، محمدزاده، اصغر (۱۳۹۵). برنامه سوم توسعه، زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، فصلنامه راهبرد، ۲۵ (۷۹)، ۱۷۶-۱۷۶.
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). مساجد به مردم تعلق دارند. [www.mehrnews.com/news](http://www.mehrnews.com/news)
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».

- موسوی‌الخمنی، روح‌الله (۱۳۹۷). کتاب البیوع، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- وحید، مجید (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران امروز، مرکز‌بازشناسی اسلام و ایران، تهران، انتشارات باز.
- ولمن‌کارل (۱۳۸۱). مفهوم حق، سهم هوفلد، ترجمه محمد راسخ، در حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، انتشارات طرح نو، تهران.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، نشر میزان.
- همایون، محمدهادی، فروزان، حامد (۱۳۸۸). تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، *دین و ارتباطات*، ۱۶ (۳۵)، ۶۳-۹۲. doi: 10.30497/RC.2010.1401
- همایون، محمدهادی، فرج‌نژاد ابرقویی، محمدحسن (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطوح کلان و میانی (مطالعه سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه)، *دین و سیاست فرهنگی*، ۱ (۷۳)، ۳۲-۷.
- یزدانی‌زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۴)، ۱۰۹-۱۴۲.
- Esmaili, M., Asghari, M., Rashidi, R., (2014), A Review and Critique of the Vacuum Zone Theory, *Knowledge of Public Law*, 3(8), 45-64. [in Persian]
- Estamopolo, E., (2013), *Cultural Rights*, Translated by Seyyed Qasem Zamani and Mona Sadat Mirzadeh, Tehran, Khorsandi Publishing.
- Ashtarian, K., (2010), *Strategic Variables in Cultural Policy-making*, Tehran Mizan Publishing.
- Afroogh, A., (2003), The Limits of State Interference in Religious Affairs, *Quarterly Show*, 34, 37-57. [in Persian]
- Bahonar, N., Farrokhi, M., (2014), Optimal Cultural Policy Making of Mosque in the Islamic Republic of Iran, A Study of the Viewpoints of Experts and Policy Makers, *Journal of Religion and Communication*, 21(46), 5-38. DOI: 10.30497/RC.2014.1720 [in Persian]
- Pahlavan, Ch., (2009), *Cultural Studies, Discourses on Culture and Civilization*, Tehran, Ghatreh Publishing.
- Jafari, M., 2007, *Farhang Piroo, Farhang Pishroo*, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works.
- Jamshidi, M., (2009) Government and Observance, An Introduction to the Political Philosophy of Government in Islam, *Political Science*, 1(5), 41-67. [in Persian]
- Jamshidi, M., (2014) Reflections on the Intervention of the Religious State in Culture, *Islamic School of Political Science*, 4(3), 104-126. [in Persian]
- Javadi, A., (2002) *Shari'a in the Mirror of Knowledge*, Qom, Israa Publishing.
- Javadi, A., (2009), *Velayat-e Faqih*, Qom, Esraa Publications.
- Hajaliakbari, M., (2013), The constitution in the field of mosques is less material, reach out: *Tasnim News Agency* :<http://www.tasnimnews.com/Home/Single, 122353>.


- Hedarnejad,V,Jamalodin zanjani,M, (2019), Cultural Rights in the Governmental Decree of the Prophet (PBUH) to Mu'adh bin Jabal with a Look at the Constitution, *Journal of Public Law Knowledge*, Spring,8(22),43-62. **[in Persian]**
- Hosseini,A, (2005), Organizing the Cultural Activities of State-Cultural Institutions and Institutions, Tehran, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Khandan,A,Amiritaibi,M,(2009), An Introduction to the Cultural Role of the Religious State, *Political Knowledge*, 1(1),129-155. . **[in Persian]**
- Davari,M, (2010), Cultural Rights of Citizens, Tehran, Imam Sadegh University Press.
- Dashti,M, (2020), Religiosity as the Right to Immunity, *Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*,7(4),1-22. <https://doi.org/10.22091/csiw.2020.4724.1639> **[in Persian]**
- Zaroodi,A,Bashir,H, (2021), The Limits of Religious Government's Intervention in Culture, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*,10(40),525-566. Dor:20.1001.1.22517081.1400.10.3.3.7 **[in Persian]**
- Girard, (1993), A, Cultural Development, translated by Abdolhossein Zarrinqalam, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Shaygan,F,(2010), Sociological Explanation of People's Participation in Mosques, Tehran, Sociologists Publication.
- Shafiesardasht,J, (2014), The Conflict between Willists and Utilitarians in the Concept of Right, *Legal Research Quarterly*,18(69), 209-246. . **[in Persian]**
- Talebi, M, Hosayninasab, M, 2009, Explaining the Right from Hoffeld's Viewpoint, *Islamic Government*,(5), 155-188. **[in Persian]**
- Tabatabai,M, (1984), *Almizan*, Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Tehran, Raja Cultural Publishing.
- Tahannazif,Hadi,Hadizadeh,A, (2018), The Nature of Development Program Laws in Iran's Legal System, *Public Law Knowledge*,8(21),101-124. **[in Persian]**
- Abasi,E, 2008, The Role of Mosque in Neighborhood Culture and Identity, Qom, Saqlain Cultural Institute.
- Amid zanjani,A, (2010), *Encyclopedia of Political Jurisprudence*, University of Tehran.
- Fazaeli,M,Karami,M, (2017), Protecting the Culture and Cultural Rights of Minorities in the Light of General Interpretation No. 21 of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *Public Law Research Quarterly*,19(56),9-32. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2017.11166.1262> **[in Persian]**
- Falahselokai,M, (2011), The Mechanism of Monitoring the Government in the System of Liberal Democracy, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Ferahi,Davood, (2004), *Political System and State in Islam*, First Edition, Tehran, Samt Publications.
- Kavoosi,E, 2018, Evaluating the Position of Cultural Rights Components in the Cultural Development System of the Country, *Administrative Law Quarterly*,6(16),157-180. **[in Persian]**
- Gorjiazandariani,A, (2009), *In Pursuit of Constitutional Rights*, Tehran, Jangal Publications.


- Mojiri,A,Lamsehchi, F, (1391), A Study of the Cultural Functions of the Mosque Institution in the Early Islam, Office of Studies and Research of the Center for Mosque Affairs, <http://www. Masjed.ir/fa/article/3>.
- Mohseni, Ai, Farhadi, A, Ghamarian, N, (2014), Investigating and Explaining the Position of the State in the Cultural Arena of Society from the Perspective of Islam and Liberalism, Quarterly Journal of Strategy, Year 23, 72, 7-34. dor: 20.1001.1.10283102.1393.23.3.1.1 [in Persian]
- Mesbahyazadi,M,(1377), Law and Politics in the Qur'an, Compiled and Edited by Mohammad Shahrabi, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Mosalanejad, A,Mohamadzade,A, 2016, The Third Development Plan, Grounds, Goals, Successes and Failures, Quarterly Journal of Strategy.
- Mahdavi Kani, (2011), Mosques Belong to the People, [www.mehrnews.com/news](http://www.mehrnews.com/news).
- Mosaviakhomayni, R,(1989),Sahifeh, Tehran, Institute for the Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mosaviakhomayni, R,(2018),Albay, Tehran, Institute for the Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Vahid,M, (2003), Cultural Policy Making in Iran Today, Center for the Recognition of Islam and Iran, Tehran, Baz Publications.
- Volman,K, (2002), The Concept of Right, Hoffeld's Contribution, Translated by Mohammad Rasekh, In Right and Expediency, Essays on the Philosophy of Law, The Philosophy of Right, and the Philosophy of Value, Tarh-e-Naw Publications, Tehran.
- Hashemi.M,(2013), The Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Volume 1, Tehran, Mizan Publishing.
- Homayoon,Mh,Fooroozan,H,(2009), Explaining the desirable relationship between government and culture in the Islamic Republic of Iran, religion and communication,16(35),63-92. 10.30497/RC.2010.1401 DOI: [in Persian]
- Homayoon,Mh,Farajnejadabargooi,Mh, (2014), A Comparative Study of the Cultural Policies of the Islamic Republic of Iran at the Macro and Intermediate Levels (Study of the Document of the Principles of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran and the Fourth and Fifth Development Plans), Religion and Cultural Policy,1(73),7-32. [in Persian]
- Yazdani Zazarani, M, (2012), Investigating the Conceptual Relationship and the Impact of Governance on Public Policy, International Relations Research, 1(4), 109-142. [in Persian]






## Studying The relationship between nomophobia and social identity Among the youth of Tehran

**Ali Akbari** , Master of Culture and Media Studies, Faculty of Humanities, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Academic email: [ali.akbari4548@iaui.ir](mailto:ali.akbari4548@iaui.ir)

**Somayeh Tajik Esmaeili** , Associate Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Humanities, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Academic email: [Stajik@iauet.ac.ir](mailto:Stajik@iauet.ac.ir)

**Sarvenaz Torbati** , Associate Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Humanities, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Academic email: [storbati@iauet.ac.ir](mailto:storbati@iauet.ac.ir)

### Abstract

**Introduction:** Mobile phone is one of the most popular new technologies that has gained a special place among its users due to its ease of communication processes, ease of access, possibility of permanent access, penetration into most areas of life, etc. Although this communication device has many functions, excessive use of mobile phones leads to the appearance of serious and important mental and behavioral disorders in users, among which nomophobia can be mentioned. The present study was designed and implemented with the aim of studying and analyzing the relationship between nomophobia and social identity among the youth of Tehran.

**Method:** This research is descriptive and its method is correlation. present research technique; The survey and measurement tools include two questionnaires; 1. Measurement of nomophobia; which was created by Çağlar Yıldırım (2014) and 2. The social identity questionnaire, which is based on the ideas of Richard Jenkins (2008), was designed by Safarinia and Roshan (2013) in two dimensions, individual and collective. Nomophobia questionnaire includes 20 items and four components; 1. Inability to communicate, 2. Fear of losing connection, 3. Fear of not having access to information, and 4. Fear of giving up comfort. The social identity questionnaire has 20 items, 10 of which are designed to measure the individual dimension and the other 10 items are designed to measure the collective dimension of social identity, and the items are scored on a five-point Likert scale from completely agree to completely disagree. The statistical population of the research includes all young people aged 20 to 35 in Tehran, who are 3,278,929 people according to the information provided in the National Statistics Portal. Questionnaires were distributed and completed among the youth of Tehran through google form.

**Findings:** The results of the analysis of the research findings showed that the general state of the social identity of the studied youth, with an average of 3.65, was stated to be above average (4 out of 5 scale) and the general state of nomophobia among the studied youth, with an average of 93 2/2 is expressed less than normal (3 out of 5 scale). The results showed that there is a negative relationship between the “loss of communication” component of nomophobia with the individual dimension, the collective dimension and the general state of social identity. Also, there is a negative and strong relationship between the “lack of access to infor-



mation” component of nomophobia with the individual dimension, the collective dimension, and the general state of social identity, and the stronger the lack of access to information in nomophobia, the weaker the social identity among the studied youth. The results also confirm that a negative relationship has been observed between the “loss of comfort and comfort” component of nomophobia with the individual dimension, the collective dimension and the general state of social identity, meaning that any size of nomophobia (in the component of fear of loss of comfort and comfort when away from the mobile phone), the social identity of the studied youth is weaker or lower in both individual and collective dimensions. In general, there is a negative and strong relationship between the general state of nomophobia with the individual dimension, the collective dimension and the general state of social identity, and with the increase of nomophobia, the level of social identity of the youth of Tehran decreases.

**Results:** As a result, it is necessary to use the cultural, native and local capacities as well as media literacy training in order to reduce the harms caused by nomophobia, by training and creating culture in the field of proper and optimal use of mobile phones, to provide the possibility of using its benefits and by strengthening Self-awareness, responsibility, strengthening self-esteem and sense of self-efficacy among young people to strengthen social identity (in both individual and collective dimensions). Considering that the results showed that the lack of mobile phone phobia of the studied youth in the city of Tehran is at an average level and there is a great tendency to use mobile phones as well as virtual networks based on mobile phones among young people, it should be kept in mind that in In the era of globalization, where the growth and expansion of new communication and information technologies has covered almost all parts of the world, it is impossible to face exclusion or censorship with mobile phones or virtual social networks based on it. Because this type of approach is not only ineffective, but also gives the opposite result. Therefore, by accepting the desire and tendency of young people to use it more and more, it is necessary to inform young people about the effects of its extreme and harmful abuse, and by improving the level of their information literacy and technological literacy, it is necessary to help young people in the amount and type of mobile phone use. In other words, the suggested strategy in this field is to create a culture for the correct use of mobile phones. The results of the present study showed that there is a strong negative relationship between the general state of immobility phobia with the individual and collective dimensions and the general state of social identity. Therefore, it is suggested to train young people in the field of reducing the harmful use of mobile phones, which leads to excessive use and in Finally, it becomes a fear of not having a mobile phone, let’s help. Therefore, the basic strategy in this field can be to strengthen self-awareness, responsibility, self-esteem and sense of self-efficacy among young people, which we can do through strengthening social identity (both in the individual and social dimensions), by using cultural, native and local as well as media literacy training in order to reduce the damage of mobile phones for the social identity of the youth, to strengthen the individual and social identity.

**Key words:** mobile phone phobia, social identity, youth, Tehran city

## مطالعه رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران

علی اکبری<sup>۱</sup>، سمیه تاجیک اسماعیلی<sup>۲</sup>، سروناز تربتی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش پیش رو باهدف بررسی رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران طراحی و اجرا شده است. این پژوهش توصیفی و روش آن همبستگی است. تکنیک آن؛ پیمایش و ابزار اندازه گیری پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله شهر تهران است که بر اساس اطلاعات مندرج در درگاه ملی آمار، ۳,۲۷۸,۹۲۹ نفر هستند. ابزار اندازه گیری شامل دو پرسشنامه؛ ۱. سنجش نوموفوبیا؛ که توسط چاغلار یلدریم (۲۰۱۴) ساخته شده و ۲. پرسشنامه هویت اجتماعی که در دو بُعد فردی و جمعی و برگرفته از نظریات ریچارد جنکینز (۲۰۰۸) توسط صفاری نیا و روشن (۱۳۹۰) طراحی شده است. پرسشنامه‌ها از طریق گوگل فرم در میان جوانان شهر تهران توزیع و تکمیل شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که وضعیت کلی هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه، با میانگین ۳/۶۵ در حد بالاتر از متوسط (۴ از مقیاس ۵) اظهار شده و وضعیت کلی نوموفوبیا در میان جوانان مورد مطالعه، با میانگین ۲/۹۳ کمتر از حد معمولی (۳ از مقیاس ۵) ابراز شده است. میان مؤلفه «عدم توانایی برقراری ارتباط» از نوموفوبیا با بعد جمعی از هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی دار وجود داشته ولی با بعد فردی از هویت اجتماعی رابطه معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیده نشد. میان مؤلفه «از دست دادن ارتباط» از نوموفوبیا با بُعد فردی، بُعد جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی وجود دارد. همچنین میان مؤلفه «عدم دسترسی به اطلاعات» از نوموفوبیا با بُعد فردی، بُعد جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی و قوی وجود داشته و هر اندازه عدم دسترسی به اطلاعات در نوموفوبیا قوی‌تر باشد، هویت اجتماعی در میان جوانان مورد مطالعه ضعیف‌تر است. نتایج همچنین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

۱. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگ و رسانه، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [ali.akbari4548@iaui.ac.ir](mailto:ali.akbari4548@iaui.ac.ir)

۲. دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [Stajik@iauet.ac.ir](mailto:Stajik@iauet.ac.ir)

۳. دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [storbati@iauet.ac.ir](mailto:storbati@iauet.ac.ir)

مؤید آن است که میان مؤلفه «از دست دادن راحتی و آسایش» از نوموفوبیا با بُعد فردی، بُعد جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی مشاهده شده است، بدین معنا که هر اندازه نوموفوبیا (در مؤلفه ترس از دست دادن راحتی و آسایش هنگام دوری از تلفن همراه) بیشتر باشد، هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه در هر دو بُعد فردی و جمعی، ضعیف‌تر یا پایین‌تر است. در مجموع، میان وضعیت کلی نوموفوبیا با بُعد فردی، بُعد جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی و قوی وجود داشته و با افزایش نوموفوبیا از میزان هویت اجتماعی جوانان شهر تهران کاسته می‌شود.

### واژگان کلیدی

بی‌موبایلی هراسی، هویت اجتماعی، جوانان، شهر تهران.

## مقاله

استفاده از فناوری‌های جدید یک کار چالش برانگیز شناختی است که دربرگیرنده پردازش مناسب داده، تمایل به تغییر و پذیرش دستگاه‌های جدید و خصوصیات شخصیتی مانند اشتیاق به فناوری است. تلفن‌های همراه فرایندهای ارتباطی فردی را تسهیل کرده و به کاربرانشان اجازه دسترسی دائمی را فراهم می‌کنند (King & et al, 2014)؛ اما این فناوری‌های جدید که مشخصه آن‌ها عدم وجود ارتباط چهره به چهره است، می‌توانند با تعاملات اجتماعی نیز تداخل کنند، موجب ایجاد رفتارهای آشفته و احساسات ناخوشایند شده و منجر به انزوای اجتماعی تا حدودی بیگانگی و مشکلات اقتصادی- مالی شوند (Bragazzi & Puente, 2014,) رسانه‌ها به‌عنوان فراهم‌کننده، چارچوب‌های تجربی برای مخاطبان، نگرش‌های کلی فرهنگی برای تفسیر اطلاعات توسط افراد ایجاد می‌کنند. رسانه‌ها شیوه‌هایی را که افراد زندگی اجتماعی تفسیر کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند را با کمک نظم دادن به تجربه فرد از زندگی اجتماعی، قالب‌ریزی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۷). هویت و نحوه شکل‌گیری آن از موضوعاتی است که موردعلاقه بسیاری از حوزه‌های علمی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حتی ادبیات و هنر است (شکر کن و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۴). در جامعه امروزی، انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است و از آنجاکه هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است (ایمان، کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۰).

با رشد شتابان فناوری ارتباطات، دو روند بزرگ و اثرگذار و متعامل جهانی شدن و مجازی شدن و انتقال زندگی انسان‌ها به فضاهای سایبر، مجازی شدن به عامل اصلی تغییر الگوهای فکری و رفتاری بخش عظیمی از انسان‌هاست (ساروخانی و توسلی و سیدعربی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۳۱؛ نواح، رشیدی، رستمی، ۱۳۹۸: ۳۹۲)؛ که زمینه به‌کارگیری این ابزار ارتباطی و گسترش شبکه‌ای از این دست در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران را گریزناپذیر کرده است (معینی، ۱۳۸۵: ۱۸). تلفن همراه یکی از محبوب‌ترین وسایل ارتباطی بین افراد و از فناوری‌های پیشرفته ارتباطی دوران ماست که در هر بخشی نفوذ کرده و فرصت‌های بسیاری در زمینه آموزش و یادگیری به وجود آورده و ارتباطات انسانی را تسهیل کرده است و در اقشار جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان در حال فراگیر شدن است. در میان فناوری‌هایی که بشر ابداع کرده هیچ‌یک به این مقدار به انسان نزدیک نبوده است. امروزه با گسترش فناوری، موبایل را می‌توان جزئی از خانواده و حتی بخشی از وجود هرکس

به شمار آورد زیرا میزانی که فرد با تلفن همراه خود در ارتباط است با خانواده خود تعامل ندارد! استفاده بیش از حد از موبایل سبب به وجود آمدن اختلالاتی جدی در زندگی فرد می شود که از جمله آن می توان «نوموفوبیا» یا «بی موبایل هراسی» را نام برد (معمدی فر، ۱۳۹۷: ۳؛ نقل از موسوی، ۱۳۹۳: ۲۹). به بیان برخی از محققین این وسیله به ظاهر ساده در برگیرنده پیامدهای متنوعی برای کاربران است و به همین دلیل به مثابه شمشیری دو لبه قلمداد می شود؛ به گونه ای که می تواند علیرغم پیامدهای مناسب و مفید واجد پیامدهای نامناسب و مضر هم برای کاربران باشد، به شکلی که گاهی استفاده غیرمعمول یا افراطی از آن باعث به وجود آمدن انواع وابستگی های روان شناختی و جسمی به تلفن همراه در افراد می شود (Singh, Gupta, Garg, 2013). احساس اضطراب، درماندگی و برافروختگی شدید، افزایش ضربان قلب، کاهش تمرکز روی کار یا مکالمات شخصی خود، چک کردن پیوسته تلفن همراه و خواندن پیام های آن، سر درد، تعریق، تصور اینکه گوشی همراه آن ها زنگ می خورد و افکار وسواسی از نشانه های ابتلا به این عارضه محسوب می شوند (سعیدی، ۱۳۹۷: ۴۴؛ نقل از معمدی فر، ۱۳۹۷: ۴). به نظر می رسد، افرادی که از فناوری های نوین ارتباطی استفاده افراطی دارند، مانند استفاده بیش از حد از تلفن همراه، دچار بی موبایلی هراسی شده و این اختلال روان شناختی، فرد را از برقراری روابط مطلوب با دیگران باز می دارد. فرض محقق این است که هویت اجتماعی نیز که مرتبط با نیازهای روانی و اجتماعی فرد بوده و امکان برقراری روابط پایدار و معنادار روان شناختی و اجتماعی با دیگران را فراهم می کند، تحت تأثیر نوموفوبیا یا بی موبایلی هراسی قرار می گیرد. هویت به ویژگی هایی اشاره دارد که موجب تشخیص فرد می گردد. مردم هویت های متفاوتی از خود نشان می دهند؛ مثلاً، شخص ممکن است تمایل داشته باشد که به عنوان ورزشکار شناخته شود و شخص دیگری به عنوان تاجر و بدیهی است که به استناد هویت های کسب شده، افراد از ارزش های خاصی حمایت می کنند (Baumeister & Bushman, 2008) (به نقل از صفاری نیا، ۱۳۹۱: ۱۷۰). هویت به معنی چه کسی بودن از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشئت می گیرد. این احساس نیاز به تعلق نیازی ذاتی است که در هر فرد وجود دارد (حاجیان، ۱۳۹۵: ۱۳). همان گونه که خانواده، مدرسه و همسالان به عنوان عوامل تأثیرگذار بر هویت جوانان شناخته می شوند، عوامل دیگری نیز مانند میزان یا نحوه استفاده آنان از فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی یا رسانه ها، می توانند بر هویت اجتماعی افراد تأثیر بگذارند. تحقیقات اخیر که در این حوزه صورت می گیرد و حاکی از اخبار ناخوشایندی است که گاه و بی گاه درباره مضرات

پزشکی و رفتاری تلفن همراه از گوشه و کنار جهان به گوش می‌رسد، بازبینی و نگرش دوباره برای استفاده از این وسیله پرکاربرد و عادی شده را ضروری می‌سازد؛ به طوری که مجموعه کاربران، ارائه‌کنندگان خدمات، قانون‌گذاران و دولت‌ها را در معرض اقدامات پیشگیرانه قرار می‌دهد که پیش از هر چیز به شناخت ماهیت انواع و اقسام آسیب‌ها و دامنه نفوذ آن نیاز دارد (کوثری، ۱۳۹۱: ۱۷). در مقام جمع‌بندی باید به این نکته اشاره کرد که در دوران معاصر، مسئله هویت بیش از هر عصری، ذهن انسان امروزی را به خود مشغول ساخته و در دنیای کنونی، خانواده اقتدار و مرجعیت گذشته خود را از دست داده است. گسترش فضای اجتماعی و عام شدن بسیاری از امور خاص و در هم تنیدگی جهان، موجب شده که جوانان امروزی در انتخاب هویت‌هایی منسجم و یگانه با مشکل و حتی بحران مواجه شده و هویت آنان دچار چندپارگی و انشقاق گردد (نیازی و کارکنان، ۱۳۹۰: ۶۶؛ نواح، رشیدی، رستمی، ۱۳۹۸: ۳۹۳). جوانان از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند، آنان سازندگان حال و آینده جامعه بوده و افکار و اندیشه‌هایشان، نگرش‌ها و احساساتشان، رفتار و کردارشان از اهمیت زیادی برخوردار است. هویت اجتماعی آنان در صورت مطلوب بودن آنان را در برقراری روابط پایدار و معنادار با دیگران در جامعه یاری می‌کند اما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در این زمینه، برقراری روابط صحیح و سازنده با دیگران است؛ اما به نظر می‌رسد نوموفوبیا آنان را از برقراری روابط مطلوب با اطرافیان در دنیای حقیقی بازداشته و سبب می‌شود آنان همواره غرق در تلفن همراه خود باشند. این افراد همواره چشم بر تلفن همراه خود داشته و منتظر دریافت پیام بوده و به انجام بازی‌های آنلاین در گوشی، ارسال و دریافت ایمیل در گوشی، وب‌گردی، برقراری روابط در شبکه‌های مجازی آنلاین و... هستند، از این جهت فرض محقق این است که هویت اجتماعی از این نوع اختلال تأثیرات مخربی می‌پذیرد. جوانان از مهم‌ترین اقشار جامعه هستند، چراکه آینده‌سازان هر جامعه محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، جوانان از مهم‌ترین کاربران تلفن همراه بوده و استفاده متنوع و البته زیادی از این فناوری نوین می‌کنند. شناخت میزان استفاده از این ابزار نوین، بی‌موبایل‌هراسی و همچنین رابطه آن با هویت اجتماعی آنان، می‌تواند برای مسئولان، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و فعالان حوزه فرهنگ و جوانان مفید و ضروری باشد. از این رو، شناسایی رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی، سبب می‌شود تا بتوانیم با شناخت اثرات منفی بی‌موبایل‌هراسی جوانان را از اثرات منفی این وضعیت آگاه کرده و آنان را به سمت استفاده مطلوب و بهینه از این فناوری نوین ارتباطی سوق دهیم. نتایج چنین پژوهشی مسئولین ذی‌ربط در حوزه جوانان را یاری می‌کند تا بتوانند

جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ و رسانه، گام‌های مؤثری برداشته و تا آنجا که امکان دارد اثرات منفی استفاده افراطی از این ابزار را کم کنند؛ بنابراین، این پژوهش، باهدف شناسایی رابطه میان نوموفوبیا (بی‌موبایلی‌هراسی) و هویت اجتماعی در میان جوانان (۲۰ تا ۳۵ ساله) شهر تهران طراحی و اجرا می‌شود. لذا، مسئله اصلی پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که آیا میان بی‌موبایل‌هراسی و ابعاد هویت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

## اهداف پژوهش

هدف اصلی؛ شناسایی رابطه میان بی‌موبایل‌هراسی و ابعاد (فردی و جمعی) هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران.

اهداف فرعی؛ شناسایی میزان بی‌موبایل‌هراسی در میان جوانان شهر تهران؛

شناسایی میزان هویت اجتماعی (به تفکیک ابعاد فردی و جمعی) در میان جوانان شهر تهران.

## سؤال اصلی پژوهش

آیا میان بی‌موبایل‌هراسی و ابعاد هویت اجتماعی جوانان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد؟

سؤال‌های فرعی پژوهش

وضعیت بی‌موبایل‌هراسی در میان جوانان شهر تهران چگونه است؟

میزان و وضعیت هویت اجتماعی و ابعاد آن در میان جوانان شهر تهران چگونه است؟

## ادبیات پژوهش و چارچوب نظری

بی‌موبایل‌هراسی - بی‌موبایلی‌هراسی اصطلاحی است که برای نخستین بار محققان انگلیسی توسط مؤسسه تحقیقاتی YouGov از سال ۲۰۱۱ رواج پیدا کرده است و به‌عنوان مخفف عبارت No Mobile Phobia به‌کار می‌رود (ویکی‌پدیا). نوموفوبیا نوعی از بیماری فوبیا است که فرد مبتلا به آن، در صورت دور بودن از گوشی موبایل، اضطراب و نگرانی شدیدی را تجربه می‌کند (معمدی‌فر، ۱۳۹۷: ۲۰). وقتی افراد دچار وابستگی زیادی به این وسیله می‌شوند؛ احتمال بروز پدیده‌های به نام بی‌موبایل‌هراسی در آن‌ها افزایش می‌یابد. بی‌موبایل‌هراسی یکی از انواع ترس‌هاست که به دلیل خارج بودن نسبت به تماس‌های تلفنی در افراد ایجاد می‌شود (آزادمنش و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). فوبیا در دایره‌المعارف DSM III و همچنین در

DSM-TR به ترس افراطی و غیرمنطقی و رجعت‌کننده اشاره می‌کند (پورافکاری، ۱۳۸۵؛ دلاور و عسکری، ۱۳۹۴). این ترس غیرعقلانی همراه با احساس ناکامی، اضطراب انتظار، پافشاری، سماجت و اجتناب از موقعیت است و حتی گاهی با افکار، تصورات و اعتقادات و سواسی و نشخوار ذهنی همراه است (گودوین و پورافکاری، ۱۳۸۵؛ دلاور و عسکری، ۱۳۹۴). نوموفوبیا عوارض روان‌شناختی بسیار جدی مانند افسردگی، اعتمادبه‌نفس پایین، آشفتگی، اضطراب بین‌فردی بالاتر، ترس و انزوای شدید، تنهایی، استرس، اختلال خواب و اختلال تمرکز در افراد ایجاد می‌کند (hs Öz, & Tortop, 2018 Kuss & Griffiths)؛ (انسانی مهر، پرچمی خرم، ایمانی و انسانی مهر، ۱۴۰۰: ۷۵). رفتارهایی مانند حمل شارژر، گذراندن وقت با گوشی هوشمند قبل از خواب و بعد از بیدار شدن از خواب و خاموش نکردن گوشی هوشمند، چک کردن بیش‌ازحد پیام‌ها، تماس‌ها و به‌روزرسانی‌ها، ترجیح دادن تماس تلفنی با دیگران به‌جای تعامل چهره به چهره و تجربه احساساتی مانند اضطراب و عصبی بودن زمانی که فرد فکر می‌کند تلفن همراه خود را گم کرده است یا زمانی که فرد فکر می‌کند تلفن همراه خود را گم کرده است یا زمانی که تلفن همراه نزدیک او نیست یا جابه‌جا شده است، یا نمی‌توان از آن استفاده کرد به دلیل در دسترس نبودن پوشش شبکه، خرابی باتری و محرومیت از داده‌های موجود برای دسترسی به اینترنت (انسانی مهر، پرچمی خرم، ایمانی و انسانی مهر، ۱۴۰۰: ۷۵).

**هویت اجتماعی** - خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به‌عنوان موجودات اجتماعی است و بر درک افراد از خود استوار بوده و ذاتی نیست، بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آنچه به یک گروه انسانی هویت می‌بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آن‌ها از گروه‌های دیگر می‌شود. «شباهت و تفاوت» معنایی هستند که افراد آن‌ها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری نیز فرآیند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. بدین ترتیب، ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز هم به‌نوبه خود باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و ... مواردی هستند که باعث شباهت درون‌گروهی و تفاوت برون‌گروهی می‌شوند (Jenkins, 2000) (به نقل از صفاری‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

به‌طورکلی تعریف‌های مطرح‌شده از هویت را می‌توان در دو قالب اصلی هویت فردی و هویت جمعی موردتوجه قرار داد.

وجوه فردی هویت - تأکید بر وجوه فردی هویت را بیشتر می‌توان در پاره‌ای از دیدگاه‌های روان‌شناختی ردیابی نمود. از دیدگاه روان‌کاوانه، هر شخص در زندگی خود پیوسته تجربیاتی می‌اندوزد و لایه‌های جدیدی بر هسته اصلی شخصیت

خود می‌افزاید، آنگاه افزایش و تثبیت این لایه‌ها سبب شکل‌گیری هویت آدمی می‌شود (نظری، ۱۳۸۶). هویت در این معنا که بیشتر خصیلتی فردی می‌یابد، در بردارنده تلاش‌هایی جهت فهم «کیستی» ما و اتخاذ و تبیین مواضع و پویاها در مقابل دیگران است. هویت یک ایده یا داده فرهنگی نیست، بلکه حالتی از خودفهمی است که از طریق مردم در روایت‌های روزمره بیان می‌شود. هویت «به معنی هستی و وجود است، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد؛ یعنی مجموعه خصایل فردی و رفتاری که از روی آن، فرد به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی شناخته می‌شود و از دیگران متمایز گردد» (تاجیک، ۱۳۷۶: ۱۶۱). منظور از هویت فردی، ویژگی‌ها و خصایص فردی شخص است که باعث تمایز وی از دیگران می‌شود. هویت فردی، بیشتر مورد بحث روانشناسان بوده و گاه تحت عنوان شخصیت از آن یاد می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۵۳۱).

وجوه جمعی هویت - هویت، امری صرفاً شخصی یا روان‌شناختی نیست، بلکه هم‌چنین اجتماعی است که به‌طور جدی از طریق تعامل با دیگر کنش‌گران صورت می‌بندد. از طریق تعامل و مشارکت در چارچوب نهادینه است که کنش‌گران هویت خود را بیان می‌کنند. سیاست‌های هویتی و هویت‌یابی، میان افراد، نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند و برخی از آن‌ها به‌عنوان خصایص شخصیت عمومی پذیرفته شده‌اند، نظیر اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلاقی زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های جنسیتی و ریشه‌های جغرافیایی و خویشاوندی. این نقاط تعامل، بر ساخته‌هایی اجتماعی هستند که به‌واسطه تجارب گوناگون شکل گرفته‌اند، اما تبعیت و پای بندی سیاسی و فرهنگی، اغلب آن‌ها را به‌عنوان ابزار هویتی کارآمدی درمی‌آورد. از این رو افرادی که خود را به‌عنوان اعضای یک جامعه می‌شناسند، وارد نوعی تعامل بر مبنای عقلانیت‌های معتبر و استوار اجتماعی می‌شوند و هویت‌های آن‌ها بازتابی از واکنش مستقیم به شرایط مشخص و اغلب پیش از پذیرش جامعه در دو وجه مثبت و منفی آن است (Siebers, 2005: 19): (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۹۱).

**چارچوب نظری پژوهش - در پژوهش حاضر، به‌واسطه وجود دو متغیر اصلی (بی‌موبایل‌هراسی و هویت اجتماعی) از دودسته دیدگاه در این زمینه، در بخش مفصل‌بندی مبانی نظری استفاده شده است. به‌تبع آن در بخش چارچوب نظری نیز از نظریه مبنا در زمینه بی‌موبایل‌هراسی و همچنین هویت اجتماعی استفاده شده که در ادامه، به تفصیل به آن اشاره می‌شود.**

از نظر جنکینز، «خود» را می‌توان به‌عنوان یک هویت اجتماعی اولیه (بنیادی) در نظر گرفت. «خود» و تعریفی که فرد از خودش می‌کند، یعنی هویت شخصی، هویتی بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی و شاخساری برای پیوند زدن آن هویت‌هاست و جنسیت مهم‌ترین عاملی است که به تجربه فرد سامان می‌دهد، آن را در خویشتن ادغام می‌کند و فرصت‌ها و تجربیات زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از دیدگاه وی، اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت اجتماعی زنان داشته و به آنان امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس، امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به‌نوعی از امنیت وجودی و خوش‌بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند (شایگان و رستمی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر بر مبنای دیدگاه جنکینز (۲۰۰۸)، هویت اجتماعی در دو بعد هویت فردی و جمعی در نظر گرفته شده است.

بر مبنای نظریه اضطراب و از نظر راجرز دانشمند روانشناسی، محرک‌های محیطی و بیرونی توانایی بروز سه دسته از احساسات و عواطف را در انسان دارند؛

۱. محرک‌هایی که موجب بروز نوعی احساس خشنودی و رضایت در فرد می‌شوند. در این حالت تجربه به‌دست‌آمده از وقوع آن محرک دارای هماهنگی با ساختار درونی شخصیت است و این تجربه برای فرد رضایت‌بخش است، بنابراین فرد قادر به جذب این تجربه بوده و آن را جزئی از ساختار درونی خود می‌کند.

۲. محرک‌هایی که نه‌تنها هیچ‌گونه تشابهی با «خود» ندارند بلکه در تضاد با ساختار درونی شخصیت انسانی هستند و فرد در برخورد با این پدیده‌ها دچار نوعی احساس ناخشنودی می‌شود. از نظر این دانشمند، این محرک‌ها همان‌هایی هستند که موجب بروز اضطراب در انسان می‌شوند.

۳. محرک‌هایی که هیچ‌گونه تشابه، تجانس یا ارتباطی با ساختار شخصیتی و تجربیات قبلی فرد ندارند. انسان در برخورد با این‌گونه محرک‌ها کاملاً بی‌تفاوت است.

تلقی راجرز از رفتارهای انسان، مانند محوری است که در یک طرف رفتار خردمندانه و در طرف دیگر رفتار ازهم‌گسیخته و نامربوط قرار دارد و در این بین «رفتارهای دفاعی» قرار می‌گیرد که مجموعه‌ای از تفکر و استنباط فرد از ماهیت وجودی خویش و نوع برداشت وی نسبت به دنیای بیرونی است.

وی معتقد است که هر چه بین تجارب جدید فرد با خویش تطابق و هماهنگی وجود

داشته باشد، بروز رفتارهای هوشیارانه بیشتر و هر قدر میزان و درجه این هماهنگی کمتر باشد، شیوع رفتارهای سازمان نیافته بیشتر خواهد بود (سعیدی، ۱۳۷۹: ۱۴ و ۱۵). تاکو و همکاران عنوان می‌کنند که ظرفیت‌های اعتیادآور تلفن همراه را نباید مورد غفلت قرار داد (Takao, Takahashi, Kitamura, 2009: 25). عمده‌ترین تفاوت موجود بین این نوع از اعتیاد و اعتیاد به مواد مخدر آن است که تلفن همراه ظاهراً هیچ تأثیر مخربی بر ساختار فیزیکی اشخاص ندارد و تنها تأثیرات روانی است که بر جای می‌ماند. در گذشته اعتیاد تنها به وابستگی دارویی مانند وابستگی به الکل و داروهای روان‌گردان اطلاق می‌شد (کیوان کار، پاکدامن و شهابی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۴)؛ اما بررسی‌های بعدی نشان دادند برخی از رفتارها به دلیل تکرار زیاد و وسواس گونه از الگوی مشابه وابستگی دارویی تبعیت می‌کند. از این رو به تدریج اعتیاد رفتاری به مثابه اعتیاد به رفتارهایی مانند قمار، خرید کردن، تماشای تلویزیون، ورزش کردن، کارکردن و برخی از موارد مشابه به شکلی هم عرض اعتیاد به مواد، مطرح شد (منطقی، ۱۳۸۶: ۳۶).

رسانه‌ها دارای اثرات کوتاه‌مدت هستند که در تبلیغات انتخاباتی و مشابه آن نمود پیدا می‌کند و این اثرات موضوع نظریه تزریقی است؛ اما نظریه استحکام تأکید بر اثرات بلندمدت در تثبیت باورهای مخاطبان دارد (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۹). با توجه به تئوری ادگار شاین بنیادی‌ترین بخش فرهنگ، مفروض هاست که مبنای رفتارهای عینی است. لایه میانی فرهنگ ارزش‌ها و رفتارها و لایه رویی شامل مصنوعات و مظاهر فرهنگ است. هر چه از لایه‌های رویی به لایه‌های زیرین حرکت کنیم هم‌تغییر مقولات و هم ایجاد آن‌ها دشوارتر می‌شود. عمیق‌ترین تأثیر را لایه‌های زیرین در افراد می‌گذارد و طبیعی است که تغییر آن‌ها طولانی‌تر و با چالش بیشتری همراه است، چراکه با اعمال، تفکر و احساس آنان عجین شده است (رضایی، ۱۳۹۰: ۶۲)؛ به نقل از حاجیانی، محمدزاده، ۱۳۹۴: ۷۰). با تطبیق دو نظریه تزریقی و استحکام با تئوری شاین، ابعاد ارزشی و رفتاری هویت مشمول اثرات بلندمدت رسانه‌ها می‌شوند و ابعاد شناختی و احساسی که با مصنوعات مرتبط‌اند، سریع‌تر تغییر می‌کنند. دو نظریه مذکور حاکی از اثرپذیری ابعاد مختلف هویت از رسانه‌ها هستند (حاجیانی، محمدزاده، ۱۳۹۴: ۷۱).

هر چند ادعا می‌شود که هویت افراد در رسانه‌های نوین تا حدی واقعی است، اما نکته مهم، سیال بودن هویت‌ها در این محیط است. امروزه به دلیل نوع کاربرد مخاطبان از ابزارهای رسانه‌ای نوین، اصطلاح «هویت دیجیتال» مطرح شده است و این بدین معناست

که خود واقعی افراد و کاربران رسانه‌ها در این محیط پنهان و دارای هویتی بازتعریف شده و جدید از همه جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی هستند. محیط رسانه‌ای و ارتباطی جدید منافع مقطعی، محدود و در حوزه موضوع‌های مختلف، افراد را دورهم جمع می‌کند و هویت آن‌ها را می‌سازد (نور محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲).

امروزه نظریات متنوعی در زمینه توضیح و تبیین اعتیاد به موبایل و اینترنت تدوین و مطرح شده‌اند. برخی از این تئوری‌ها به صورت مستقیم و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم در تبیین مسئله می‌توانند نقش داشته باشند. یکی از تئوری‌هایی که می‌تواند به تبیین موضوع تحقیق یعنی اعتیاد به موبایل کمک نماید «تئوری وابستگی مخاطبان به رسانه» است. نظریه وابستگی توسط «بال روکیچ» و «دی فلور» ارائه شده است و حاکی از آن است که افراد وابستگی‌های متفاوتی به رسانه‌ها دارند و این وابستگی‌ها از شخصی به شخص دیگر و از گروهی به گروه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. استدلال آن‌ها این است که به طور خاص در جامعه جدید، مخاطبان وابستگی زیادی به اطلاعات رسانه‌های جمعی دارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که هر اندازه وابستگی رسانه‌ای در ارتباط با یک پیام ویژه بیشتر باشد این احتمال که پیام، شناخت‌ها، احساسات و رفتارهای مخاطب را تغییر دهد بیشتر است (وحید، کریمیان و کوپایی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

نظریه دیگر در این زمینه، نظریه توسعه کارکردی موبایل است که توسط «هانس گسر» اخیراً ارائه شده است. وی در این نظریه برای موبایل در سطوح سه‌گانه خرد، متوسط و کلان تأثیرهایی قائل بوده و بر این باور است که کاربرد موبایل نزد انسان‌ها از استفاده ابزاری برای تأمین مجموعه‌ای از نیازها شروع می‌شود، ولی به مرور زمان کارکردهای متنوع و گسترده‌ای پیدا می‌کند که فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی و احساسی هستند، به گونه‌ای که بخشی از این کارکردها و تأثیرهای اجتماعی و فرهنگی را می‌توان در مدرسه و شیوه‌های رفتاری و نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزانی که از تلفن همراه استفاده می‌کنند بررسی کرد. به اعتقاد وی یک نوجوان با خریدن موبایل، زودتر از موعد خود، به روند جامعه‌پذیری داخل می‌شود و نتیجه‌ای چون خودشکوفایی و توسعه‌ی خود را به همراه دارد. بدین ترتیب، استفاده از موبایل در نوجوانی تا حد زیادی ظرفیت آن را خواهد داشت تا نوع خاصی از جامعه‌پذیری از طریق موبایل را جانشین جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه نماید (مایلز، ۱۳۹۶: ۵۳؛ معتمدی، ۱۳۹۷: ۴۰).

از سوی دیگر در ارتباط با رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی، می‌توان به این

نکته اشاره کرد که هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به‌عنوان موجودات اجتماعی است و بر درک افراد از خود استوار بوده و ذاتی نیست، بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آنچه به یک گروه انسانی هویت می‌بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آن‌ها از گروه‌های دیگر می‌شود. «شباهت و تفاوت» معناهایی هستند که افراد آن‌ها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری نیز فرآیند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. بدین ترتیب، ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز هم به‌نوبه خود باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و... مواردی هستند که باعث شباهت درون‌گروهی و تفاوت برون‌گروهی می‌شوند (Jenkins, 2000).

هجوم ضد ارزش‌های فرهنگ غرب از طریق تلفن همراه و گرایش افراطی به تلفن همراه با بسط و گسترش «الگوهای رفتاری» مشابه، باعث بیگانگی انسان از خویشتن خویش و به مخاطره افتادن هویت ملی می‌شود که مسئله نگران‌کننده رشد فرهنگ تلفن همراه است. این روند باعث می‌شود که فرهنگ محلی و خودی، کمرنگ شود و نوعی فرهنگ تلفن همراه که معمولاً فرهنگ تفریح و مصرف‌گرایی است، به وجود می‌آید (بختیاری و نصیری، ۱۳۹۴: ۹۴).

لذا به فرض محقق، بی‌موبایلی‌هراسی، می‌تواند در ایجاد ارتباطات سازنده با دیگران و همچنین خدشه‌دار کردن هویت اجتماعی فرد مبتلا به نوموفوبیا اثرگذار باشد.

### پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش عزتی (۱۴۰۲) درباره مطالعه رابطه بین سبک‌های دلبستگی با اختلال نوموفوبیا در بین نوجوانان شهر تبریز نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین سبک دلبستگی دوسوگرا و نوموفوبیا وجود دارد.

کلاه کج، خلعتبری، صلاحیان و نصراللهی (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیدند که احساس تنهایی با نوموفوبیا رابطه معناداری دارد.

دستغیب‌شیرازی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند که وجود رابطه‌ی میان عوامل عدم خودآگاهی و اضطراب، عدم اعتماد به نفس، خودنمایی، سواد رسانه‌ای، وابستگی به تلفن همراه هوشمند و فضای مجازی، کتاب‌خوانی، مهارت و خودکنترلی با بروز پدیده بی‌موبایل‌هراسی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تأیید شد.

انسانی‌مهر، پرچمی‌خرّم، ایمانی و انسانی‌مهر (۱۴۰۰) با انجام پژوهشی دریافتند

که کیفیت خواب و افکار اضطرابی با نوموفوبیا به طور مستقیم ارتباط دارد. همچنین نتایج پژوهش دلاورپور، بهار و قدس (۱۳۹۸) نشان داد که هم عاطفه مثبت و هم عاطفه منفی و همچنین حساسیت اضطرابی، به طور مثبت و معناداری نوموفوبیا را پیش بینی می کنند.

نتایج پژوهش معتمدی فر (۱۳۹۷) نشان داد که رابطه معناداری بین سه متغیر؛ وابستگی به موبایل، اطلاعات زمینه‌ای (جمعیت شناختی) و نوع اپلیکیشن‌های موبایلی با میزان بروز پدیده‌ی بی‌موبایل‌هراسی (نوموفوبیا) وجود دارد.

دلاور و لطیفی (۱۳۹۶) طی انجام پژوهشی به این موضوع اشاره کرده‌اند که پاسخگویان مورد مطالعه آن‌ها به اپلیکیشن‌ها و موبایل وابستگی داشته و می‌توان بیان کرد میزان اعتیاد به موبایل آن‌ها متوسط رو به بالا است (دلاور، علی و لطیفی، ایتسام، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش کردی (۱۳۹۴) درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران، نشان داد که تفاوت میانگین معناداری در هویت اجتماعی میان کسانی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر تلفن همراه استفاده می‌کنند با آنان که استفاده نمی‌کنند، وجود دارد.

منتظر قائم و عرفانی حسین‌پور (۱۳۹۴) در پژوهشی به برشمردن برخی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی استفاده نادرست از تلفن همراه پرداخته و پیشنهادهای کاربردی (در سه سطح کلان فرهنگی، آموزشی و فنی) در این خصوص ارائه داده‌اند.

کارا و همکاران (۲۰۲۱) با انجام پژوهشی دریافتند که نوجوانانی که برای مدت طولانی از تلفن‌های هوشمند استفاده می‌کنند، در معرض افزایش خطر ابتلا به نوموفوبیا هستند که در آن تنهایی نقش واسطه‌ای قوی در رابطه بین استفاده طولانی مدت از تلفن همراه و نوموفوبیا ایفا می‌کنند.

چاو و لی (۲۰۱۷) در پژوهشی که با عنوان برساخت استدلالی از هویت‌ها در فضای شبکه‌های اجتماعی: بینش از یک گروه فیس‌بوک در مقطع کارشناسی برای یک دوره زبان‌شناسی انجام دادند؛ به این نتیجه رسیدند که گروه صرفاً یک گروه دانشگاهی نیست، بلکه یک «فضای اجتماعی و آموزشی» هم هست. اعضا به استقرار طیف گسترده‌ای از منابع مانند شکلک برای معناسازی دست یافته‌اند. همچنین یکی از شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که چگونه هویت‌های مختلف می‌تواند با منابع و شیوه‌های استدلالی شناخته شود (کاروانی، ۱۳۹۷، ۱۱۷).

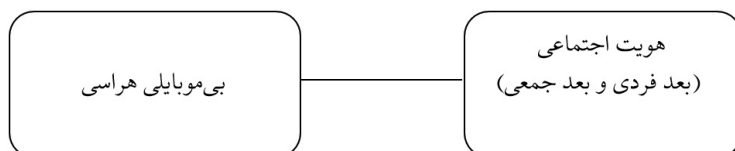
پاویترا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه شیوع نوموفوبیا پرداخته و دریافتند

که از جامعه آماری ۲۰۰ نفره، ۷۴ درصد ماهانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ روپیه برای شارژ موبایل خود هزینه می‌کنند، ۲۳ درصد اذعان داشتند که وقتی موبایلشان نزدیکشان نباشد تمرکز خود را از دست می‌دهند و دچار استرس می‌شوند، ۳۹/۵ درصد از دانشجویان دچار نوموفوبیا بودند و ۲۷ درصد نیز در معرض افزایش نوموفوبیا بوده‌اند. یوهوسان لین و دیگران (۲۰۱۵) در پژوهشی در رابطه با تحریف زمان در ارتباط با اعتیاد به گوشی‌های هوشمند به این نتایج رسیده‌اند که تعداد روزانه مصرف و روند این فرکانس با اعتیاد به گوشی‌های هوشمند ارتباط دارد.

والش و همکاران (۲۰۱۲) ادعا کردند که در دسترس نبودن به وسیله تلفن همراه می‌تواند باعث بروز و گسترش رفتارهایی نظیر چک کردن دائمی و سریع تلفن همراه در افراد شود (والش و همکاران، ۲۰۱۲).

دیکزیت و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که تقریباً ۷۳ درصد از دانشجویان موبایل خود را به هنگام خواب با خود به همراه می‌برند و حتی در ۲۴ ساعت شبانه‌روز آن را از خود جدا نمی‌کنند و ۳۸/۵ درصد از آن‌ها برای کسب اطمینان از اینکه پیامکی ارسال شده و یا تماسی صورت نگرفته است تلفن همراه خود را به‌طور دائمی چک می‌کنند. تحقیقات سینگ و همکاران در ۲۰۱۳ بیانگر آن بود که ۷۶ درصد از پاسخ‌گویان تلفن همراه خود را دائماً چک می‌کنند (معمدی، ۱۳۹۷: ۲۸).

بررسی و تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه متغیرهای اصلی پژوهش حاضر و پیشینه تجربی نشان داد که پژوهش‌های زیادی در حوزه بررسی آثار گوناگون نوموفوبیا (بی موبایلی هراسی) بر ابعاد مختلف روحی، روانی، عاطفی و رفتاری افراد و همچنین در حوزه هویت اجتماعی انجام شده است، اما پژوهشی که به‌طور ویژه رابطه میان بی موبایلی هراسی و هویت اجتماعی جوانان شهر تهران را مورد تحلیل قرار دهد، انجام نشده است؛ بنابراین، نوآوری و جنبه جدید بودن پژوهش حاضر این است که بی موبایلی هراسی را در میان جوانان شهر تهران مطالعه و تحلیل کرده و به بررسی رابطه میان این متغیر با هویت اجتماعی آنان می‌پردازد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، همبستگی بوده، تکنیک آن؛ پیمایش و ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان شهر تهران است که بر اساس آخرین سرشماری و آمار مربوط به سرشماری ۱۳۹۵، مندرج در درگاه ملی آمار، ۳۲۷۸۹۲۹ نفر (شامل زن و مرد از سن ۲۰ تا ۳۵ سال) هستند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای است و پرسشنامه‌ها از طریق google form در میان نمونه مورد مطالعه توزیع و جمع‌آوری گردید. بدین صورت که ابتدا پرسشنامه طراحی شده، در قالب پرسشنامه الکترونیکی درآمده و سپس به صورت لینک برای نمونه‌های آماری ارسال شد. لازم به توضیح است که با هزینه کم و به کمک مخابرات بیش از ۵۰۰ شماره تلفن از ساکنان شهر تهران و با توجه به تنوع جغرافیایی در سطح شهر تهران، همچنین تنوع در سن (۲۰ تا ۳۵ ساله)، جنسیت و ... با دقت روی طبقه‌بندی جامعه شهر تهران و نسبت‌های مختلف جمعیتی، دریافت شده و برای آن‌ها لینک پرسشنامه الکترونیکی همراه با متنی حاوی اطلاعات لازم برای تکمیل پرسشنامه برای شهروندان پیامک شد. در جریان ارسال ابتدایی و تکمیل پرسشنامه‌ها، پژوهشگران به دقت به تنوع پاسخگویان، از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و لزوم انتشار پرسشنامه در کل پهنه‌های جغرافیایی شهر تهران، دقت و توجه کافی کردند و از این جهت صحت و دقت در انتخاب نمونه، به لحاظ حساسیت علمی کامل لحاظ شد؛ اما روند تکمیل پرسشنامه‌ها به دلیل هراس و نگرانی پاسخگویان از کلیک کردن روی لینک ارسالی، بسیار طولانی و دشوار بود. در نهایت ۳۳۹ پرسشنامه تکمیل و در اختیار محققان قرار گرفت. پس از مشورت با اساتید صاحب‌نظر در حوزه آمار و روش تحقیق، پرسشنامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌ها و گردآوری اطلاعات در زمینه بی‌موبایلی‌هراسی و هویت اجتماعی از دو پرسشنامه استفاده شد:

۱. پرسشنامه سنجش بی‌موبایلی‌هراسی (نوموفوبیا) چاغلار یلدریم (۲۰۱۴)؛

۲. پرسشنامه هویت اجتماعی صفاری نیا و روشن (۱۳۹۰) که بر اساس نظریات ریچارد جنکینز (۲۰۰۸) ساخته شده است.

**پرسشنامه نوموفوبیا:** این پرسشنامه که به وسیله چاغلار یلدریم (Yildirim) در سال ۲۰۱۴ ساخته شده است، ۲۰ آیتم دارد که با یک مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای که دامنه آن از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) متغیر است، نمره‌گذاری می‌شود. پس از چرخش عاملی آیت‌های آن، چهار عامل به دست آمده است که عبارت‌اند از: ۱.

عدم توانایی برقراری ارتباط، ۲. از دست دادن اتصال، ۳. عدم دسترسی به اطلاعات و ۴. دست کشیدن از راحتی. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل قابلیت اطمینان، ضریب پایایی درونی، آلفای کرونباخ، برای همه آیت‌های NMP-Q، ۰/۹۴۵ بود. مقادیر آلفای کرونباخ این پرسشنامه که بر روی ۳۰۱ نفر اجرا شده است، برای چهار بعد ۰/۹۳۹، ۰/۸۷۴، ۰/۸۲۷ و ۰/۸۱۴ است. با توجه به این که همه مقادیر از حداقل مقدار پذیرفته شده ۰/۷ بیشتر بودند، نتیجه گرفته شد که NMP-Q پایایی درونی خوبی دارد (یلدرم، ۲۰۱۴). در تحقیق سیاح و همکاران (۱۳۹۶) در زمینه بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه نوموفوبیا در بین دانشجویان ایرانی، اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ و برای عامل‌های عدم دسترسی به اطلاعات ۰/۸۱، از دست دادن راحتی و آسایش ۰/۷۹، عدم توانایی برقراری ارتباط ۰/۸۲ و از دست دادن ارتباط ۰/۸۳ بود.

**پرسشنامه هویت اجتماعی:** با توجه به دو بعد هویت فردی و جمعی برگرفته از نظریات ریچارد جنکینز (۲۰۰۸) توسط صفاری نیا و روشن (۱۳۹۰) ساخته شده است. پرسشنامه مذکور پس از ساخته شدن، از نظر مفهومی و دقت به کارگیری کلمات معادل و جمله‌بندی مناسب توسط چند تن از متخصصان روان‌شناسی مورد مقایسه و بازبینی قرار گرفته است. برای رفع نواقص و ابهامات مفهومی و رسیدن به ترکیب‌بندی سلیس و کم نقص‌تر، پرسشنامه توسط گروهی از دانشجویان تکمیل و از آنان خواسته شده تا نظرات خود و کلمات و نکات مبهمی را که احتمالاً مخاطب را دچار اشتباه می‌کند، علامت‌گذاری کرده و توضیح دهند (صفاری نیا، ۱۳۹۱: ۱۷۲). پرسشنامه هویت اجتماعی با توجه به دو بعد هویت فردی و جمعی برگرفته از نظریات ریچارد جنکینز (۲۰۰۸) توسط صفاری نیا و روشن (۱۳۹۰) ساخته شده است. این پرسشنامه ۲۰ گویه‌ای بوده که ۱۰ گویه آن نشان دهنده بعد فردی و ۱۰ گویه دیگر آن نشان دهنده بعد جمعی است. نمره‌گذاری گویه‌ها روی مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای «کاملاً موافق=۵»، «موافق=۴»، «نظری ندارم=۳»، «مخالف=۲»، «کاملاً مخالف=۱»، انجام می‌شود؛ بنابراین حداقل و حداکثر نمره کسب‌شده از این پرسشنامه به ترتیب برابر با ۲۰ و ۱۰۰ است. لازم به ذکر است که گویه‌های ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری شدند.

## یافته‌های پژوهش

### پاسخ سؤال اصلی پژوهش

برای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «آیا میان بی موبایل هراسی و ابعاد هویت اجتماعی جوانان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد؟» آزمون ضریب همبستگی میان بی موبایل هراسی و هویت اجتماعی انجام شده و نتایج نشان داد که بین وضعیت کلی بی موبایلی هراسی با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و جود دارد.

جدول ۱. ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و آزمون معنی‌داری به منظور بررسی رابطه نوموفوبیا (بی موبایل هراسی) و هویت اجتماعی

وضعیت کلی هویت اجتماعی	بعد جمعی هویت اجتماعی	بعد فردی هویت اجتماعی	Nonparametric Correlations	
۱۶۳.- (**)	۱۷۹.- (**)	۰/۰۹۶.-	Correlation Coefficient	عدم توانایی برقراری ارتباط
۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	Sig. (2-tailed)	
۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	N	
۱۸۲.- (**)	۱۷۸.- (**)	۱۶۶.- (**)	Correlation Coefficient	از دست دادن ارتباط
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	Sig. (2-tailed)	
۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	N	
۲۳۳.- (**)	۱۸۸.- (**)	۲۵۲.- (**)	Correlation Coefficient	عدم دسترسی به اطلاعات
۰	۰/۰۰۱	۰	Sig. (2-tailed)	
۳۳۱	۳۳۱	۳۳۰	N	
۲۵۶.- (**)	۲۲۹.- (**)	۲۴۸.- (**)	Correlation Coefficient	از دست دادن راحتی و آسایش
۰	۰	۰	Sig. (2-tailed)	
۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	N	
۲۳۰.- (**)	۲۱۶.- (**)	۲۰۳.- (**)	Correlation Coefficient	وضعیت کلی بی موبایلی هراسی
۰	۰	۰	Sig. (2-tailed)	
۳۳۱	۳۳۱	۳۳۰	N	

\*\* Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

طبق یافته‌ها و بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق:

بین عدم توانایی برقراری ارتباط با بعد جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی‌دار مشاهده می‌شود ( $Sig < 0.01$ ). ولی با بعد فردی هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیده نمی‌شود. ( $Sig > 0.05$ ).  
بین از دست دادن ارتباط با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی‌دار مشاهده می‌شود ( $Sig < 0.01$ ).

بین عدم دسترسی به اطلاعات با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی‌دار مشاهده می‌شود ( $Sig < 0.01$ ).  
بین دست دادن راحتی و آسایش با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی‌دار مشاهده می‌شود ( $Sig < 0.01$ ).

### پاسخ به سؤال فرعی اول

نتایج و یافته‌ها، درزمینه پاسخ به سؤال فرعی اول پژوهش مبنی بر اینکه: «وضعیت بی‌موبایل‌هراسی در میان جوانان شهر تهران چگونه است؟» نشان داد که در مورد بی‌موبایل‌هراسی، بالاترین وضعیت بی‌موبایلی‌هراسی مربوط عبارت ۴. (اگر نتوانم در مواقع نیاز از گوشی هوشمندم و امکانات آن استفاده کنم ناراحت می‌شوم) با کسب میانگین ۳/۶۶ و در مقام بعدی عبارت ۲. (اگر نتوانم اطلاعات درون‌گوشی‌ام را جستجو کنم، دلخور می‌شوم) با میانگین ۳/۴۷ بوده است. در صورتی که عبارت ۱۹. (احساس اضطراب می‌کنم زیرا نمی‌توانم پیام‌های ایمیل خود را چک نمایم) با کسب میانگین ۲/۳۴ و عبارت ۲۰. (گیج می‌شوم زیرا نمی‌دانم چه کاری می‌بایست انجام دهم) با میانگین ۲/۲۹ در پایین‌ترین حد در بی‌موبایلی‌هراسی جوانان مورد مطالعه قرار داشته است. وضعیت کلی بی‌موبایل‌هراسی جوانان مورد مطالعه، با میانگین ۲/۹۳ کمتر از حد (معمولی، نظری نداشته‌اند، ۳) ابراز شده است.

### پاسخ به سؤال فرعی دوم

نتایج و یافته‌ها، درزمینه پاسخ به سؤال فرعی اول پژوهش مبنی بر اینکه: میزان وضعیت هویت اجتماعی جوانان شهر تهران چگونه است؟ نشان داد که در جوانان مورد مطالعه: بالاترین وضعیت هویت اجتماعی، مربوط عبارت ۹. (در جمع دوستان خود دارای شأن و منزلت هستم) با کسب میانگین ۴/۲۱ (در مقیاس اندازه‌گیری ۱ تا ۵) بوده و در مقام بعدی عبارت ۲۰. (از مهارت‌های فردی خود برای دستیابی به حس

مشارکت استفاده می‌کنم) بوده است. در صورتی که عبارت ۷. (در عرصه‌های مختلف اجتماعی با نوعی تضاد و تعارض مواجهه [نی]ستم) با کسب میانگین ۳/۳۹ و عبارت ۲. (نسبت به پایگاه‌های اجتماعی آینده خود در دنیای گسترده‌تر اجتماعی، حساس شده‌ام و دچار تشویش [ن] می‌شوم) در پایین‌ترین وضعیت هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه قرار داشته است. وضعیت کلی هویت اجتماعی جوانان مورد مطالعه، با میانگین ۳/۶۵ در حد موافق (۴) اظهار شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه میان بی‌موبایلی‌هراسی و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران، طراحی و اجرا شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بالاترین وضعیت بی‌موبایل‌هراسی مربوط عبارت ۴ (بعد از دست دادن ارتباط) با مضمون «اگر نتوانم در مواقع نیاز از گوشی هوشمندم و امکانات آن استفاده کنم ناراحت می‌شوم» با کسب میانگین ۳/۶۶ است. بدین معنی که درزمینه بی‌موبایلی‌هراسی و در بعد از دست دادن ارتباط، جوانان مورد مطالعه بیشترین وابستگی و به تبع آن بیشترین اضطراب و نگرانی را احساس کرده‌اند. با توجه به ویژگی‌های خاص دوران جوانی و نیاز جوانان به برقراری ارتباط با دیگران، این نتیجه دور از انتظار نبوده است. همچنین با عنایت به اینکه امروزه یکی از مهم‌ترین، گسترده‌ترین و کارآمدترین ابزار برقراری ارتباط با دیگران، استفاده از تلفن همراه و امکانات موجود در آن به‌ویژه اینترنت است، مطمئناً تلفن همراه در امر ایجاد ارتباط با دیگران برای جوانان نیز مانند دیگر اقدار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که در مقام بعدی عبارت ۲ (بعد عدم توانایی برقراری ارتباط) با مضمون «اگر نتوانم اطلاعات درون‌گوشی‌ام را جستجو کنم، دلخور می‌شوم» با میانگین ۳/۴۷ قرار داشته است. در دنیای امروز که جستجو و کسب اطلاعات گوناگون از دنیای پیرامون، یکی از مهم‌ترین روش‌های کسب آرامش و ایجاد نظم در طی مسیر زندگی و حرکت در جریان‌های مختلف و ابعاد فردی، اجتماعی، کاری، شغلی، ارتباطی و ... است، عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران می‌تواند برای فرد بسیار ناخوشایند محسوب شود. جوانان که قشر ویژه‌ای در استفاده از تلفن همراه به حساب می‌آیند، آن را وسیله و ابزار مفید و مهمی در این زمینه دانسته و در صورتی که احساس عدم توانمندی در استفاده از تلفن همراه را در برقراری ارتباط تجربه کنند، در وضعیت تنش‌زایی قرار می‌گیرند. لذا، یکی از مهم‌ترین عواملی

که می‌تواند عامل به‌وجودآورنده‌ی بی‌موبایلی‌هراسی در میان جوانان باشد، همین عدم توانایی برقراری ارتباط است. از آنجاکه در صورت دسترسی به تلفن همراه و اتصال آنان به اینترنت و برقراری ارتباط از طریق آن، می‌تواند این تنش کاهش یابد، احساس وابستگی به موبایل و در نتیجه آن بروز بی‌موبایلی‌هراسی را شاهد خواهیم بود. طبق نتایج پژوهش عبارت ۱۹ (بعد از دست‌دادن راحتی و آسایش) با مضمون «احساس اضطراب می‌کنم زیرا نمی‌توانم پیام‌های ایمیل خود را چک نمایم» با کسب میانگین ۲/۳۴ و همچنین عبارت ۲۰ (بعد از دست‌دادن راحتی و آسایش) با مضمون «گیج می‌شوم زیرا نمی‌دانم چه کاری می‌بایست انجام دهم» با میانگین ۲/۲۹ در پایین‌ترین رتبه بی‌موبایلی‌هراسی جوانان مورد مطالعه قرار داشته است. شاید بتوان این نتیجه را بدین شکل تحلیل کرد که بعد از دست‌دادن راحتی و آسایش به‌تبع دوری از موبایل، در میان جوانان کمتر ایجاد هراس و نگرانی کرده و بیشترین عامل ایجاد نگرانی در آنان مربوط به ابعاد از دست‌دادن ارتباط یا عدم توانایی برقراری ارتباط بوده است تا از دست‌دادن آسایش. گویی برای جوانان آنچه در استفاده از تلفن همراه در اولویت است، ایجاد ارتباط است. در وضعیت کلی بی‌موبایلی‌هراسی جوانان مورد مطالعه، با میانگین ۲/۹۳ کمتر از حد معمولی (نظری نداشته‌اند، ۳) ابراز شده و این بدان معناست که بی‌موبایلی‌هراسی جوانان در حد متوسط است.

به‌طور کلی، مطابق با اطلاعات به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، ترس از عدم توانایی برقراری ارتباط و عدم دسترسی به اطلاعات با میانگین‌های ۳/۰۸ و ۳/۳۲ از ترس از دست‌دادن ارتباط و از دست‌دادن راحتی و آسایش، در بررسی وضعیت ابعاد بی‌موبایلی‌هراسی در میان جوانان مورد مطالعه، با میانگین‌های ۲/۴۷ و ۲/۹۱ بالاتر است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های دلاور و لطیفی (۱۳۹۶) که نشان داد وابستگی یا اعتیاد به موبایل، در سطح متوسط رو به بالا است، همسویی داشته و با پژوهش عسکری و دلاور (۱۳۹۶) که دریافتند که یک ارتباط منطقی میان الگوی مصرف و احساس بی‌موبایلی‌هراسی وجود داشته است، دارای همسویی نسبی است. نتایج پژوهش در زمینه پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه؛ «آیا میان بی‌موبایلی‌هراسی و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد؟» و همچنین در زمینه آزمون فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه؛ «میان بی‌موبایلی‌هراسی و هویت اجتماعی در میان جوانان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد.» نشان داد که بین عدم توانایی برقراری ارتباط با بعد جمعی و وضعیت کلی

هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی دار مشاهده می شود، ولی با بعد فردی هویت اجتماعی رابطه معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دیده نمی شود. بین از دست دادن ارتباط با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی دار مشاهده می شود. بین عدم دسترسی به اطلاعات با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی و معنی دار مشاهده می شود. در کل هم بین وضعیت کلی بی موبایل هراسی با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی وجود دارد. در صورتی که هویت ملی را یکی از مهم ترین انواع هویت اجتماعی در نظر بگیریم، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نوری و همکاران (۱۳۹۶)، انطباق ندارد. شاید به این دلیل که در پژوهش مذکور تأثیر استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی بر هویت در نظر گرفته شده ولی در پژوهش حاضر بی موبایلی هراسی و هویت اجتماعی بررسی شده است. از آنجا که نتایج نشان داد که اکثر جوانان مورد مطالعه از تلفن همراه خود برای برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه با همسالان و دوستان خود استفاده می کنند، به نوعی می توان گفت این نوع از استفاده آنان، منجر به کاهش هویت اجتماعی آنان نشده است؛ به عبارت دیگر، نگرانی و اضطراب آنان در زمینه دوری از تلفن همراه، به جهت نگرانی از کاهش ارتباط آنان با دیگران بوده که خود اشاره به میل آنان به پیوستگی اجتماعی دارد. از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر مؤید نتایج پژوهش شین و کیم (۲۰۱۰) است که دریافته اند که ارتباطات مجازی کامپیوتر واسطه، افراد را قادر می سازد تا از همدیگر بیاموزند و دانش جمعی ویژه ای به دست آورده و این نقشی کلیدی در هویت اجتماعی آنلاین آنها دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های کاروانی (۱۳۹۷) و نوری، حلاج زاده و شنوا (۱۳۹۶) که نشان داد تعامل در فضای مجازی با هویت ملی رابطه داشته و منجر به کاهش آن می شود، دارای همسویی نسبی است. همچنین نتایج پژوهش حاضر، مؤید نتایج پژوهش کردی (۱۳۹۴) مبنی بر وجود رابطه میان هویت اجتماعی و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی مبتنی بر تلفن همراه است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش خزاعی، سعادت جو، شبانی، صنوبری و بازیان (۱۳۹۲) که نشان داد که وابستگی به موبایل و عزت نفس در دانشجویان ارتباط معنادار داشته و در دانشجویانی که عزت نفس پایین تری داشتند، وابستگی به موبایل بیشتر بوده است، همسویی نسبی است.

نتایج پژوهش حاضر همچنین با یافته‌های پناهی، اصلانی، فرجی، بتواز (۱۳۹۱) نشان داد که وابستگی به تلفن همراه با افزایش ارتباط ناسالم و کاهش برقراری ارتباط عاطفی با خانواده رابطه دارد که این امر می‌تواند در درازمدت اثرات مخرب روحی و فرهنگی ایجاد کند، دارای همسویی نسبی است؛ اما با نتایج پژوهش کارا و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد نوجوانانی که برای مدت طولانی از تلفن‌های هوشمند استفاده می‌کنند، در معرض افزایش خطر ابتلا به نوموفوبیا هستند همخوانی و انطباق دارد.

### پیشنهادها و راهبردهای برگرفته از نتایج پژوهش

با توجه به اینکه نتایج نشان داد بی‌موبایلی‌هراسی جوانان مورد مطالعه در شهر تهران، در حد متوسط است و گرایش زیادی به استفاده از تلفن همراه و همچنین شبکه‌های مجازی مبتنی بر تلفن همراه در بین جوانان وجود دارد، باید این مهم را در نظر داشت که در عصر جهانی شدن که رشد و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تقریباً تمام نقاط جهان را فراگرفته، نمی‌توان با تلفن همراه یا شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر آن، با برخوردی حذفی یا سانسوری مواجه شد. چراکه این نوع برخورد نه تنها کارایی و کارآمدی نداشته بلکه نتیجه عکس می‌دهد؛ بنابراین باید با پذیرفتن میل و گرایش جوانان به استفاده روزافزون از آن، در مورد اثرات سوء استفاده افراطی و آسیب‌زای آن به جوانان آگاهی داده و با ارتقاء سطح سواد اطلاعاتی و سواد فناورانه آنان، جوانان را در میزان و نوع استفاده از تلفن همراه یاری کرد. از سوی دیگر باید تلفن همراه و امکانات موجود در آن (به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر تلفن همراه) را به‌عنوان یکی از پدیده‌های انکارناپذیر دنیای امروز بپذیریم و با برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌گذاری در زمینه بهره‌گیری از امکانات آن، زمینه‌های استفاده از ظرفیت‌های آن را در تقویت هویت اجتماعی جوانان فراهم سازیم؛ به‌عبارت‌دیگر راهبرد پیشنهادی در این حوزه این است که برای استفاده صحیح از تلفن همراه فرهنگ‌سازی شود. از سوی دیگر استفاده از نرم‌افزارهای مطمئن، مراقبت از تلفن همراه و محتویات درون آن، توجه به توصیه‌های مربوط به سلامتی (آموزش کنترل میزان و نوع استفاده از تلفن همراه) و ... می‌تواند از جوانان کاربر، در مقابل آسیب‌های احتمالی استفاده آسیب‌زا از موبایل، محافظت کند.

راهبرد دیگر ایجاد کمیته ارزیابی به‌منظور تحلیل میزان استفاده از موبایل در میان جوانان و سنجش بی‌موبایل‌هراسی در میان جوانان و البته کلیه افراد، آگاهی بخشی و مشارکت آحاد جامعه در راستای کسب آگاهی و آموزش در حوزه میزان و نوع مصرف تلفن همراه است.

از آنجا که نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین وضعیت کلی بی‌موبایلی هراسی با بعد فردی، جمعی و وضعیت کلی هویت اجتماعی رابطه منفی، قوی وجود دارد، می‌توان ادعان کرد که با افزایش میزان بی‌موبایلی هراسی، میزان هویت اجتماعی در هر دو بعد فردی و جمعی کاهش می‌یابد. لذا پیشنهاد می‌شود با آموزش‌های لازم در قالب برگزاری کارگاه‌های آموزشی و یا تولید و انتشار محتوا درباره استفاده صحیح، به اندازه و بهینه از امکانات موجود در تلفن همراه، جوانان را در زمینه کاهش استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه که منجر به استفاده افراطی و در نهایت ابتلا به بی‌موبایلی هراسی می‌شود، یاری سازیم. لذا، راهبرد اساسی در این زمینه می‌تواند تقویت خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری، تقویت عزت‌نفس و احساس خودکارآمدی در میان جوانان است که می‌توانیم از طریق تقویت هویت اجتماعی (چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی)، با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، بومی و محلی و همچنین آموزش سواد رسانه‌ای به‌منظور کاهش آسیب‌های موبایل برای هویت اجتماعی جوانان، در جهت تقویت هویت فردی و اجتماعی تلاش کنیم.


با عنایت به اینکه پژوهش حاضر در میان جوانان شهر تهران به انجام رسیده و کلان‌شهر تهران از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دارای بافت متفاوتی با دیگر شهرهاست، تعمیم نتایج این پژوهش به جوانان سایر شهرها، باید با رعایت جوانب احتیاط علمی صورت پذیرد.


## تعارض منافع

نویسندگان در مقاله حاضر، هیچ‌گونه تعارض و تضاد منافی را اعلام نمی‌دارند.

### ORCID

Ali Akbari  <https://orcid.org/0009-0005-9166-8878>

Somayeh Tajik Esmaili  <https://orcid.org/0000-0002-0788-094X>

Sarvenaz Torbati  <https://orcid.org/0000-0003-0683-5159>

## منابع و مأخذ

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۹۰). *بازاندیشی در فرهنگ و رسانه*. جلد ۱، تهران: چاپار.
- آزادمنش، حمیرا؛ احدی، حسن و منشی، غلامرضا (۱۳۹۵). «ساخت و هنجاریابی پرسشنامه بی‌موبایل هراسی»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۶(۲۳)، ۱-۲۲.
- انسانی‌مهر، لاله؛ پرجمی خرم، محمود؛ ایمانی، سعید و انسانی‌مهر، نرگس (۱۴۰۰). «پیش‌بینی نوموفوبیا بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت خواب: نقش واسطه‌ای افکار اضطرابی»، *روانشناسی معاصر*، ۱۶(۲)، ۷۳-۸۷.
- ایمان، محمدتقی. کیدقان، طاهره (۱۳۸۲). «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز) *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*»، ۱۲(۴۴ و ۴۵)، ۷۹-۱۰۷.
- بوربور، اکرم (۱۳۹۹). *نقش میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در هویت اجتماعی زنان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد تهران شرق.
- کوشری، مسعود، جوادی یگانه، محمدرضا، خیرخواه، طاهره (۱۳۹۱). *تلفن همراه و تأثیر آن در ارتباطات میان فردی جوانان دانشجویان دانشگاه‌های تهران*. *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۲(۱)، ۱-۲۸.
- پناهی، یعقوب؛ اصلانی، طاهر؛ فرجی، رباب و بتواز، حسین (۱۳۹۱). *وابستگی به تلفن همراه و آسیب‌های روانی اجتماعی در دانش‌آموزان: بررسی اثرات پیام کوتاه و بلوتوث، نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید*.
- تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۳۸۹). *تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و چت) بر هویت ملی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران*. رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۱). *تأثیر جهانی‌شدن بر هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران*. طرح پژوهشی معاونت پژوهش و فناوری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶). «کلمه نهایی: شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران». *نامه پژوهش*، ۲(۷)، ۴۱-۶۹.
- حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۸۴). *تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه*. مجموعه مقالات درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. به کوشش مریم صنیع اجلال. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۷۹). *تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲(۵)، ۱۹۳-۲۲۸.
- حاجیبانی، ابراهیم؛ محمدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر فضای مجازی (اینترنت) بر هویت ملی دانشجویان*. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۶(۱)، ۶۷-۸۴.
- دستغیب شیرازی، زهرا؛ مجیدی، نسیم و سلیمانی، ندا (۱۴۰۰). *تحلیل نگرش صاحب‌نظران علوم ارتباطات اجتماعی درباره عوامل مؤثر بر بی‌موبایل‌هراسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی*. *فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۲۲(۵۶)، ۱۰۳-۱۳۴.

## مطالعه رابطه میان نوموفوبیا و هویت اجتماعی [...] ]

- دلاور، علی و عسکری، سعید (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر استفاده بهینه از تلفن همراه در راستای تعدیل آسیب‌های اجتماعی. نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۰ (۳۴)، ۱-۳۴.  
20.1001.1.23831324.1395.10.34.1.2DOR:
- دلاورپور؛ محمدآقا؛ بهار، مهسا؛ و قدس، فاطمه (۱۳۹۸). پیش‌بینی نوموفوبیا بر اساس وضعیت خلقی و حساسیت اضطرابی: تحلیل نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت. روان‌شناسی بالینی، ۱۱ (۲)، ۵۳-۶۶.  
DOI:10.22075/JCP.2019.18281.1707
- رضایی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی نقش نظام آموزشی در هویت ملی، پژوهشنامه هویت اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۶۶-۱۴۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی ارتباطات. نشر اطلاعات، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). اقناع غایت ارتباطات، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
- ساروخانی، باقر؛ توسلی، غلامعباس و سیدعربی‌نژاد، عزیزه (۱۳۸۸). تأثیر فضاهای مجازی بر کنش اجتماعی جوانان دانشجوی دختر با تأکید بر اینترنت، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۲ (۱)، ۱۳۱-۱۵۲.
- شایگان، فریبا و فاطمه، رستمی (۱۳۹۰). هویت اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی زنان تهران). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳ (۹)، ۱۴۹-۱۸۲.
- شکر کن، حسین و دیگران (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳ (۸)، ۷۳-۹۸.
- صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۱). آزمون‌های روانشناسی اجتماعی و شخصیت. انتشارات کتاب ارجمند.
- عزتی، الهام (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با اختلال نوموفوبیا در بین نوجوانان شهر تبریز. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. دوره سیزدهم.
- کاروانی، عبدالطیف (۱۳۹۷). تعامل در فضای مجازی و تأثیر آن بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۹ (۲)، ۱۱۳-۱۲۸.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای). ترجمه علیقلیان، خاکباز و چاوشیان. جلد ۱. انتشارات طرح نو، تهران.
- کردی، مژده (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه (مانند واتس‌آپ، تانگو، بی‌تاک و ...) بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور، دانشکده هنر و رسانه، مرکز تهران غرب.
- کلاه‌کیچ، بنت‌الهدی؛ خلعتبری، جواد؛ صلاحیان، افشین و نصراللهی، بیتا (۱۴۰۱). پیش‌بینی نوموفوبیا بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با نقش واسطه‌ای احساس تنهایی، دوفصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان، ۳ (۲)، ۲۹۱-۳۰۲.
- کیوان‌کار، مهدی؛ پاکدامن، مجید و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). دلبستگی ادراک شده دوران کودکی و ویژگی‌های شخصیتی در الگوی وابستگی به تلفن همراه، فصلنامه روانشناسی تحولی روانشناسان ایران، ۹ (۳۶)، ۴۲۳-۴۳۲.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، ۳ (۱۰)، ۱۱-۴۸.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- معمدی فر، سعیده (۱۳۹۷). مطالعه دلایل بی‌مویایی هراسی (مطالعه موردی: پرسنل پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵). تأثیر هویتی اینترنت. تهران: انتشارات محراب قلم.
- منتظر قائم، مهدی و عرفانی حسین‌پور، رضوانه (۱۳۹۴). مصرف تلفن همراه توسط نوجوانان: آسیب‌شناسی و روش‌های فرهنگی و فنی مقابله، مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۵(۵۷)، ۵۷-۸۶.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۶) «وابستگی به تلفن همراه». فصلنامه تخصصی روانشناسی و اطلاع‌رسانی. شماره ۲، ۳۶-۳۲.
- موسوی، سیدکمال‌الدین (۱۳۸۸). بررسی نگرش به تلفن همراه در بانوان ساکن تهران». مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، ۹(۳)، ۸۵-۱۱۰.
- نصیری، بهاره و بختیاری، آمنه (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی تلفن همراه بر خانواده، مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۵(۲)، ۸۹-۱۱۸.
- نواح، عبدالرضا؛ رشیدی، سارا؛ رستمی، ایوب (۱۳۹۸). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر اهواز)، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۲(۲)، ۳۹۱-۴۲۱.
- نورمحمدی، مرتضی (۱۳۸۹). چالش‌های فرهنگ و هویت مجازی، فصلنامه اطلاع‌رسانی و آموزشی و مطالعات رایانه‌ای علوم اسلامی، شماره آذرماه.
- نوری، سعید؛ حلاج‌زاده، هدا و شنوا، معصومه (۱۳۹۶). بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور رشت)، پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان، ۱۰(۱۵)، ۸-۳۱.
- نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان؛ مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، ۱۷۳-۲۱۳.
- وحید، فریدون؛ کریمیان، حبیب‌الله و کویایی، محمد (۱۳۹۱). تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر همبستگی ملی جوانان و دل‌بستگی آن‌ها به هویت ایرانی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره چهارم، ۱۳۲-۱۲۳.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۳). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی درباب جامعه بورژوازی. ترجمه جمال محمدی، انتشارات افکار، تهران.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۵). جهانی شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، انتشارات مرکز، تهران.

Abraham, N., Mathias, J., & Williams, Sh. (2014). A Study to Assess the Knowledge and Effect of Nomophobia Among Students of Selected Degree Colleges in Mysore. *Asian Journal of Nursing Education and Research*, 4(4). www.anvpublication.org ISSN-2231-1149 (Print)2349-2996 (Online) RESEARCH ARTICLE.

Ahmadzadeh Kermani, Ruhollah (2010). Rethinking culture and media. Volume 1, Tehran: Chapar. [In Persian]

- Azadmanesh, Hamira; Ahadi, Hassan and Manshai, Gholamreza (2015). "Construction and standardization of mobile phone phobia questionnaire". Educational Measurement Quarterly, 6th period, No. 23, 1-22. **[In Persian]**
- Baumeister, R., F., & Bushman, B. J. (2008). *Social psychology*. U.S.A: Thomson Publisher.
- Bourbour, Akram (2019). The role of the amount and type of use of virtual social networks in the social identity of women in Tehran. Master thesis of social communication sciences. Faculty of Humanities, Azad University, Tehran East Branch. **[In Persian]**
- Bragazzi, L., N. & Puente, D., G. (2014). A proposal for including nomophobia in the new DSM-V. *Psychol Res Behav Manag*, 7, 155-160.
- Bragazzi, N.L., Re, T.S., & Zerbetto, R. (2019). The Relationship between Nomophobia and Maladaptive Coping Styles in a Sample of Italian Young Adults: Insights and Implications From a Cross-Sectional Study. *JMIR Ment Health*, 6(4).
- Castells, Manuel. (2001). The age of information, economy, society and culture (emergence of network society). Translation: Aliqlian, Khakbaz and Chavoshian.H. Volume 1. New Design Publications, Tehran. **[In Persian]**
- Chau, d & Lee, C. (2017); Discursive construction of identities in a social network-educational space, *Discourse, Context & Media*, Vol 18.
- Chou, A. & Lim, B. (2010) *A framework for measuring happiness in online social network*. Illinois state university.
- Darvishi, M. et al. (2019). Investigating Different Dimensions of Nomophobia among Medical Students: A Cross-Sectional Study. *Open Access Maced J Med Sci*. 7(4), 573-578.
- Dasghib Shirazi, Zahra; Majidi, Nasim; and Soleimani, Neda (1400). "Analysis of the attitude of social communication science experts about the factors affecting the mobile phone phobia of Islamic Azad University students". *Communication culture studies*. Number 88. **[In Persian]**
- Dasgupta, A. (2017). Link between environmental factors, personality factors, and addiction. *Alcohol, Drugs, Genes, and the Clinical Laboratory*, 89-105. <https://www.sciencedirect.com/topics/neuroscience/behavioral-addiction>.
- Delawar, Ali and Askari, Saeed (2015). "Investigation of the factors affecting the optimal use of mobile phones in order to adjust social harms". *Journal of Research in Educational Systems*. Volume 10, Number 34. 1-34. **[In Persian]**
- Delawarepur; Mr. Mohammad; Bahar, Mehssa; and Quds, Fatima (2018). "Prediction of nomophobia based on mood state and anxiety sensitivity: analyzing the moderating role of gender". *Clinical Psychology*, Volume 11, Number 2 (Serial 42). 53-66. **[In Persian]**
- Ensani Mehr, Laleh; Parchami, Khoram, Mahmoud; Imani, Saeed and Mehr, Narges (1400). "Prediction of nomophobia based on personality traits and sleep quality: the mediating role of anxious thoughts". *Contemporary Psychology*, Volume 16. Number 2. 73-87. **[In Persian]**
- Ezzati, Elham (2023). Investigating the relationship between attachment styles and nomophobia disorder

- among adolescents in Tabriz. International conference of psychology, educational sciences and life-style. 13th period. **[In Persian]**
- Gezgin, D. M., & Ümmet, D. (2021). An investigation into the relationship between nomophobia and social and emotional loneliness of Turkish university
- Gezgin, D.M., Cakir O. & Yildirim, S. (2018). The relationship between levels of nomophobia prevalence and internet addiction among high school students: The factors influencing Nomophobia. *International Journal of Research in Education and Science (IJRES)*, 4(1), 215-225.
- Giddens, Anthony (1998). Consequences of modernity. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Nahr-e-Karzan. **[In Persian]**
- Gulmohammadi, Ahmad (2008). "Globalization and identity crisis". National Studies Quarterly. third year Number 10. **[In Persian]**
- Habermas, Jürgen. (2004). Structural transformation of the public sphere: an exploration of bourgeois society. Translated by Jamal Mohammadi, Afkar Publications, Tehran. **[In Persian]**
- Habermas, Jürgen. (2015). Globalization and the future of democracy, translated by Kamal Poladi, Center Publishing, Tehran. **[In Persian]**
- Hajjani, Ebrahim (2005). Sociological analysis of national identity in Iran and several hypotheses. A collection of introductory articles on Iranian culture and identity. Thanks to the efforts of Maryam Sani Ajjal. Tehran: Iranian Civilization Publications. **[In Persian]**
- Hajjani, Ibrahim (2000); "Sociological analysis of national identity in Iran and several hypotheses", National Studies Quarterly, second year, number 5, pp. 193-228. **[In Persian]**
- Hajjani, Ibrahim; Mohammadzadeh, Hamidreza (2014). Examining the effect of virtual space (Internet) on students' national identity. National Studies Quarterly; 61. Year 16, No. 1, 84-67. **[In Persian]**
- Iman, Mohammad Taghi. Kizghan, Tahereh (2003) "Investigation of factors influencing women's social identity (case study of women in Shiraz city) Humanities Quarterly of Al-Zahra University (S)", Year 12, No. 44 and 45. Winter 1381 and Spring 1382. **[In Persian]**
- Jenkins,R.(2000). Categorization identity, social processes and epistemology. *Current Sociology*, 48, 7-25.
- Jenkins,R.(2008). Social Identity. London: Rutledge.
- Kara, M., Baytemir, K., & Inceman-Kara, F. (2021). Duration of daily smartphone usage as an antecedent of nomophobia: Exploring multiple mediation of loneliness and anxiety. *Behaviour & Information Technology*, 40(1), 85-98.
- Karwani, Abdul Latif (2017). "Interaction in the virtual space and its effect on the national identity of the students of Sistan and Baluchistan University". National Studies Quarterly; 74, year 19, number 2. **[In Persian]**
- Kaya, F. , Bostanci Daştan, N. , & Durar, E. (2020). Smart phone usage, sleep quality and depression in university students. *International Journal of Social Psychiatry*, 0020764020960207.

- Keyvankar, Mehdi; Pakdaman, Majid and Shahabizadeh, Fatemeh (2012). "Perceived childhood attachment and personality traits in the mobile phone addiction model". Iranian Psychologists' Developmental Psychology Quarterly, 9th year, number 36. **[In Persian]**
- King, A. L. S. et al (2013). Nomophobia: Dependency on virtual environments or social phobia? *Computers in Human Behavior*, 29 (1), 140-144.
- King, A.L.S. et al. (2017). Nomophobia: Clinical and demographic profile of social network excessive users. *Journal of Addiction Research & Therapy*, 8 (4).
- King, S. A. L. et al. (2014). Nomophobia: Impact of cell Phone use interfering with symptoms and emotions of individuals with panic disorder compared with a control group. *Clin Pract Epidemiol Ment Health*, (10), 28-35.
- Kolahkaj, Bent ol-Hoda; Khalatbari, Javad; Salahian, Afshin and Nasralhi, Bitā (2022). "Prediction of nomophobia based on perceived parenting styles with the mediating role of loneliness". Bi-Quarterly Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies, Volume 3, Number 2 (Sequential 5). 291-302. **[In Persian]**
- Kosari, Massoud, Javadi Yeganeh, Mohammad Reza, Khairkhal, Tahereh (2013). "Mobile phone and its effect on the interpersonal communication of young students (study of students of Tehran universities). Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Media and Culture. Second period, number 1, 1-28. **[In Persian]**
- Kurdi, Majdeh (2014). The effect of mobile phone virtual social networks (such as Viber, WhatsApp, Tango, BTalk, etc.) on the social identity of women living in Tehran. Master's Thesis of Media Management, Payam Noor University, Faculty of Arts and Media, West Tehran Center. **[In Persian]**
- Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2011). Online Social Networking and Addiction-A Review of the Psychological Literature. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 8(9), 3528-3552. doi:10.3390/ijerph8093528
- Manteghi, Morteza (2007) "Dependence on mobile phone". Specialized quarterly journal of psychology and information. No. 2, 36-32. **[In Persian]**
- Moini Alamdari, Jahangir (2006). Internet identity impact. Tehran: Mihrab Qalam Publications. **[In Persian]**
- Montazerqaem, Mehdi and Erfani Hosseinpour, Rezvaneh (2014). "Mobile phone use by teenagers: pathology and cultural and technical methods of coping". *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, Volume 5, Number 2, 57-86. **[In Persian]**
- Motamedifar, Saideh (2017). Studying the causes of mobile phone phobia (case study: personnel of the National Institute of Genetic Engineering and Biotechnology). Master's Thesis of Social Communication Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Unit. **[In Persian]**
- Mousavi, Seyed Kamaluddin (2010). "Investigation of attitude towards mobile phones in women living in Tehran". *Women's Social and Psychological Studies*, Year 9, Number 3, 85-110. **[In Persian]**
- Nasiri, Bahareh and Bakhtiari, Amene (2014). "The Pathology of Mobile Phones on the Family". *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, Volume 5, Number 2. 118-89. **[In Persian]**
- Nawah, Abdul Reza; Rashidi, Sara; Rostami, Ayoub (2018). "Investigating the effect of virtual social net-

- works on the social identity of young people (case study: 18-30 year olds of Ahvaz city)". *Economic Sociology and Development Quarterly*, 8th year, 2nd issue. 421-391. **[In Persian]**
- Niazi, Mohsen; Staff of Nasrabadi, Mohammad (2018). "Investigating the relationship between the level of religiosity and the lifestyle of citizens; A case study of the citizens of Kashan city in 2013". *Welfare Planning and Social Development Journal*, No. 16. **[In Persian]**
- Noormohammadi, Morteza (1389). "Challenges of culture and virtual identity". *Quarterly Journal of Information and Education and Computer Studies of Islamic Sciences*, November issue. **[In Persian]**
- Nouri, Saeed; Halajzadeh, Heda and Shenva, Masoumeh (2016). "Investigation of the relationship between the use of social networks and the national identity of students (case study: Payam Noor Rasht University)". *Hormozgan Cultural Research Journal*, No. 15. **[In Persian]**
- Öz, H., & Tortop, H. S. (2018). Investigation of university students' nomophobia levels between personality types. *E-J New Media*, 2(3), 146-159.
- Panahi, Yaghoob; Aslani, Taher; Faraji, Robab and Batwaz, Hossein (2012). Mobile phone addiction and psychosocial harm in students: investigating the effects of SMS and Bluetooth. The first national congress of virtual space and emerging social harms. **[In Persian]**
- Pavithra, M.B. & S. Madhukumar, & M. Mahadeva. (2015). A study on nomophobia-mobile phone dependence, among students of a medical college in Bangalore. *National Journal of Community Medicine*, 6(3). pp.340-344
- Rezaei, Zahra (2009). "Evaluation of the role of the educational system in national identity". *Social Identity Research Journal of Strategic Research Institute*, 143-166. **[In Persian]**
- Safarinia, Majid (2012). *Social psychology and personality tests*. Arjamand Book Publications. **[In Persian]**
- Sarukhani, Bagher (1999), *Sociology of Communication*. Information Publishing, Tehran. **[In Persian]**
- Sarukhani, Bagher (2004). "Persuasion is the goal of communication" *Social Sciences Quarterly*, No. 23. **[In Persian]**
- Sarukhani, Bagher; Tusli, Gholam Abbas and Seyed Arabinejad, Azizah (2008). "The influence of virtual spaces on the social action of young female students with an emphasis on the Internet". *Journal of social sciences*, second year, first issue. 152-131. **[In Persian]**
- Sharma, N. et al (2015). Rising concern of nomophobia amongst Indian medical students. *International Journal of Research in Medical Sciences, Int J Res Med Sci*, 3(3), 705-707.
- Shokrkon, Hossein and others (2008). "Examination and comparison of identity types in terms of beliefs and interpersonal relationships in male and female students of Shahid Chamran University of Ahvaz". *Journal of Educational Sciences and Psychology of Shahid Chamran University of Ahvaz*. Third period. eighth year Number 1 and 2. **[In Persian]**
- Singh, Brijendra, Gupta, Renu, Garg Rajneesh. (2013). Mobile Phones, A Boon or Bane for Mankind? *Behavior of Medical Students*.
- Tajik Esmaili, Somayeh (2009). The effect of modern communication technologies (Internet and chat) on the national identity of female high school students in Tehran. Doctoral dissertation. Islamic Azad

University, Science and Research Branch, Tehran. **[In Persian]**

Tajik Ismaili, Somayeh (2013). The effect of globalization on the national and religious identity of the students of Islamic Azad University of Tehran. Research plan of the Research and Technology Vice-Chancellor. Islamic Azad University, Tehran East Branch. **[In Persian]**

Tajik, Mohammad Reza (1997). "The Final Word: Formation of Identity Discourses in Iran". Research letter. second year Number 7. **[In Persian]**

Tajik, Mohammad Reza (2005), Narrative of Otherness and Identity among Iranians, Tehran: Farhang Gahtman. **[In Persian]**

Takao M, Takahashi S, Kitamura M. (2009), Addictive personality and problematic mobile phone use. *Cyberpsychol Behavior*.

Wahyuni, S. (2022). Nomophobia (No Mobile PHone PhoBIA) Among Medical Students: A Literature Review. *International Journal of Engineering, Science and Information Technology*, 2(3), 48-51.

Walsh.P.Shari& Katherine Marie White& Ross McD Young(2010). Needing to connect: The effect of self and others on young people's involvement with their mobile phones.Australian Journal of Psychology. December 2010.62(4):194 – 203.DOI:10.1080/00049530903567229

Yildirim Caglar, Sumuer Evren, Adnan Muge, & Yildirim Soner(2015). A growing fear: Prevalence of nomophobia among Turkish college students.

Yildirim, C. (2014). Exploring the dimensions of nomophobia: Developing and validating a questionnaire using mixed methods research. *Graduate Theses and Dissertations*. Paper 14005.

Yu Hsuan Lin& Yu Cheng Lin& Yang Han Lee& Po Hsien Lin(2015). Time distortion associated with smartphone addiction: Identifying smartphone addiction via a mobile application (App). *Journal of Psychiatric Research*65:139-145. DOI:10.1016/j.jpsychires.2015.04.003



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



## Contents

<b>The Urban Policy Model for the Prosperity of Cultural Economy in Tehran</b> Mohammad Mahdi Izadkhah, Mohammad Asadi, Meisam Mirzakhani .....9	9
<b>Future Research Of Architectural Developments In Gilan Province Based On Culturally Effective Components</b> Reza Naghdbish, Saeed Azemati, Kimia Jamshidzadeh .....59	59
<b>Strategies for Using Social Networks to Enhance Vitality in Families</b> Hamed Ehtemam, Faezeh Taghipour, Siamak Koorang Beheshti .....87	87
<b>Phenomenological analysis of dormitory culture: Female students' experiences and perceptions of dormitory life</b> Afshar Kabiri, Jafar Ahmadi .....125	125
<b>Evaluating the legal Challenges of Management of the Mosques in Iran</b> Javad mahmoudi .....167	167
<b>Government approaches regarding the mosque policy in the Islamic Republic of Iran</b> Meysam Farokhi .....199	199
<b>Duties of a religious government towards mosque as a cultural right</b> Mansoor Fasih Ramandi .....239	239
<b>Studying The relationship between nomophobia and social identity Among the youth of Tehran</b> Ali Akbari, Somayeh Tajik Esmaili, Sarvenaz Torbati .....275	275



# Scientific Quarterly of Strategic Studies of Culture

In the Name of God

Quarterly of –Strategic Studies of Culture

Research Institute of Culture, Art and  
Communication  
Ministry of Culture and Islamic Guidance

Vol.4, Series.16, No.4, Winter 2025

**Managing Director:** Javadi, Mohsen (Ph.D)

**Editor in Chief:** Hajiyani, Ebrahim (Ph.D)

## Editorial Board

- Esfandiari, Shahab (Ph.D)
- Bahnar, Naser (Ph.D)
- Hajiani, Ibrahim (Ph.D)
- Mahdi Hosseinzadeh Yazdi (Ph.D)
- Khanmohammadi, Karim (Ph.D)
- Hossein Hassani (Ph.D)
- Souzanchi, Hossein (Ph.D)
- Ali Rabani Khorasagani (Ph.D)
- Shalchi, Vahid (Ph.D)
- Shahabi, Mahmoud (Ph.D)
- Mansoore FasihRamandi (Ph.D)
- Kabiri, Afshar (Ph.D)
- Yasini, seyedeh Raziye (Ph.D)
- Yousefi, Ali (Ph.D)

## International Editorial Board

- Reza'ee, Mohammad (Ph.D)
- Dagharleh, Aghil (Ph.D)



## Production Manager:

Mehri, Roghayeh

## Persian Editor:

Shafiekhani, Shahnaz

## Layout:

Khalili, Hamed

## Editorial Office

No.9, Dameshgh St. Valiasr Square,  
Tehran, Islamic Republic of Iran

**Tel:** (021) 88919186

**Fax:** (021) 88893076

**website:** <http://scsj.ricac.ac.ir>

## Aims and Scope

The license holder of the quarterly journal of “Strategic Studies of Culture” is the Research Institute of Culture, Art and Communication. The permission to publish this quarterly has been issued by the Deputy of Media Affairs and Publicity of the Ministry of Culture and Islamic Guidance with number 86080. The Iranian Society of Cultural Studies and Communication participates in this quarterly publication. The purpose of this quarterly is to help realize Iran’s cultural policies. This quarterly is published in both printed and electronic versions. According to the Ministry of Science, Research, and Technology and Islamic World Science and Technology Monitoring and Citation Institute (ISC) announcement, the Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture has been published since Spring 2022 with a “scientific” grade

  
Research Center for Culture,  
Art and Communication  
Ministry of Culture and Islamic Guidance

  
IRANIAN ASSOCIATION  
OF CULTURAL STUDIES &  
COMMUNICATIONS

ISSN: 2783-3577